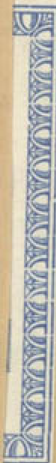
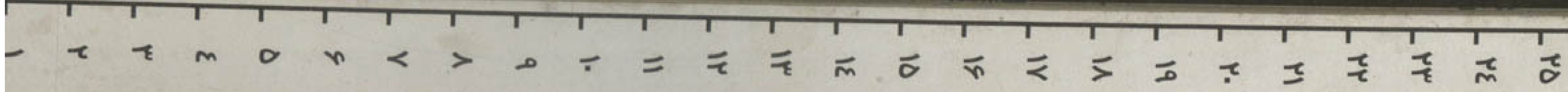


مهمی بخدمت وی نکردی وحاجتی نبردی یا سخنی
نکفتی آن حضرت ازان مهم وازان حاجت باز
نیامدی وبس نکردی و بر همنشین تقدم نکردی
وپای پیش پای او دراز نکردی وکسی که سخن کفتی
چندان کوش کردی که خود بس کردی وهرکزدو
کار پیش نیامدی آنحضرت را الا انکه آنچه دشوار
تر بودی آنرا اختیار کردی وهرکز تکیه کرده طعام
نخوردی تا وقت مفارقت از عالم وهرکز در
خواستی از وی نکردندی که کفتی نه وهرکه حاجتی
نزد وی بردی یا حاجتش براوردی یا بخلق و
زبان خوش شادمانش کردی ودر عبارت سبکتر
ودر معنی تمامتر از همه کس بودی ودر کلام مبارکش
بی فایده وهرزه نبودی ووقتی که روی بطرفی آوردی
از نکهت او دماغ همه کس معطر شدی ومعلوم





شدی که از آنحضرت می آید و با قوم جون طعام
تناول کردی اول کسی که دست سوی طعام بردی
وی بودی و آخر کسی که باز کشیدی هم او بودی
و از نزد خود خوردی و اگر مثل خرما و رطب بودی
دست مبارکش را بهر طرف که رسیدی میل
فرمودی و جون آب نوشیدی به سه نفس نو
شیدی و آبرا از کنار کوزه مکیدی نه آنجنان که
فرو ریختی و بدست راست خوردن و آشامیدن
وگرفتن و دادن عادت داشتی و بدست جب
هرجه غیر آن بودی کردی و جون کسی را طلب
کردی سه نوبت طلبیدی و جون رخصت طلبیدی
در مهمی سه نوبت فرمودی و فرمودهٔ او فیصل
کلام بودی هرکه شنیدی دریافتی و جون بسخن در
آمدی نوری از میان دو دندان او پیش او

شعله

شعله زدی و هرگز با کسی سخن جنان نگفتی که کراهیتی
در خاطر پیدا شدی و فرمودی که بهتر شما آنست که
خلق او بهتر باشد و چیزی که جشیدی نه مدح کردی
و نه ذم فرمودی و یاران او در خدمت منازعت
در حدیثی نکردندی و راوی گوید ندیدم بچشم
خود مثل او نه قبل از و و نه بعد از و صلی الله علیه و آله
وروایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که فرمود جون در شب تاریک حضرت رسول
دیده شدی در جشم بیننده از و نوری پیدا آمدی
که گویی پاره ایست از ماه و دیگر حضرت امام
فرمود که جبرئیل علیه السلم نازل شد بر حضرت
و گفت که خدایت سلام میرساند و می گوید که کوه
بطحا را از برای تو اگر خواهی طلا گردانم پس حضرت
روی سوی آسمان کرد سه نوبت و گفت نه

یارب میخواهم که روزی کرسنه باشم واز تو درخواست
کنم وروزی سیر باشم وشکر نعمتهای تو کذارم وهم امام
روایت کند که آنحضرت بر دراز کوش بالانی سوار
می شد ودر [illegible] با غلامان طعام می خورد در روایت
میکنند جابر ابن عبدالله انصاری که در حضرت پیغمبر
خصلتی جند بود که مخصوص وی بودی اول انکه
براهی نرفتی الا انکه هرکه از پی او رفتی دانسی که بوی
خوش آنحضرتست ونسیمی است که از جانب وی
می وزد وبر سنکی ودرختی نمی کذشت الا که سنک
ودرخت اورا سجده می کردند مرویست که حضرت
رسول را صلی الله علیه وآله رنک جنان درخشان و
تابان بودی که کوییی در صفا جون در مکنون بود
ثابت بن انس کوید که هرکز بوی خوش نشنیدم
از مشک وعنبر خوشتر از بوی او وهیچ حریر ودیبا

نرمی ولطیفی کف مبارک او نبود ونماز راسبک
ادا نمودی که در اتمام آن قصوری نبودی جریر بن
عبدالله کوید وقتی که حضرت رسول بخلق فرستاده
شد رفتم که بیعت کنم بمن کفت ای جریر جهة جه
آمده کفتم آمدم که بدست تو مسلمان کردم پس مرا
بخلعت خود مشرف کردانید پس روی باصحاب
خود کرد وکفت جون بزرک قومی نزد شما آید او را
عزیز وکرامی دارید مرویست از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم که فرمود رسول صلی الله علیه وآله که شخصی را
وعده فرمود بالای سنکی وکفت اینجا ام تا تو بیایی
بعد از زمانی که آفتاب بلند شد وهوا کرم کشت بعضی
اصحاب کفتند یا رسول الله بجایی اکر زمانی بروید
جه باشد کفت من وعده اینجا کرده ام روا نباشد که
خلاف وعده کنم عایشه کفت که از حضرت سوال

کردم که یا رسول الله شما بخلا رفتید و من در عقب
شما آمدم و چیزی ندیدم از جنس فضلات غیر ازانکه
بوی مشک می شنیدم فرمود ما جمع انبیا را تخمیر طینت
از ارواح اهل جنت کرده اند از ما چیزی که زمین
فرو نبرد بیرون نمی آید روایت کند ابن عباس رضی الله
که روزی یکی از اصحاب نزد حضرت آمد و او بر حصیری
تکیه کرده بود که اثر آن حصیر بر پهلوی مبارکش ظاهر
بود آن صحابی گفت یا رسول الله اگر فرشی باشد
بر آنجا پهلوی مبارک نهید دو زیبا شد فرمود که مرا
با دنیا هیچ کاری نیست و مثل من و مثل دنیا همچون
سواریست که در روز تابستان گرم راه رود و ساعتی
در زیر سایهٔ درختی استراحت کند و بعد ازان روی براه
آورد و برود از ابن عباس مرویست که گفت
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وفات کرد و جوشن او

نزد

نزد یهودی مرهون بود به سی صاع جو که جهت
قوت عیال گرفته بود منقولست از ابی رافع که
حضرت رسول علیه السلام فرمود که کسی را که نام محمد
باشد او را بد مگویید و بر وی مزنید و او را لعنت
مکنید مبارک آن حلقه و مجلس که در انجا محمد نامی باشد
و مبارک آن رفیقانی که در میان ایشان محمد نامی
باشد **در بیان جلوس آنحضرت** و امر اصحاب بآداب آن
مرویست که طفلان که از مادر متولد می شدند بخدمت
حضرت می آوردند تا دعا برکت می کرد یا نام می نهاد
آنحضرت در کنار خود می گرفت جهة تعظیم مادر و پدرش
و گاه بودی که طفل بر جامهٔ آنحضرت بول کردی و بعضی
که آن دیدندی بانگ برآوردندی و آنحضرت میگفت
که هیچ مگویید و همچنان میگذاشتی تا صبی بول تمام
کردی و اظهار خوش حالی و بهجت فرمودی تا خاطر

جلوس رسول الله (صلعم)

١٣

آن فردم ملول نگردد و برابر ایشان نشستی و التفات
بشتن نکردی جون ایشان رفتندی جامه شستی
روزی شخصی در مسجد در او آنحضرت نشسته بود جون
نزدیک حضرت آمد و خواست که بهلوی وی نشیند گفت
یا رسول الله جای گشاده است شما آسوده بنشیند
حضرت فرمود که حق برادر مسلمان بر مسلمان آنست
که جون بیند که نزد وی نشیند خود را بیکسو کشیده
دارد جهة تکریم او و در خبر است که حضرت رسول
فرمود که هر که دوست دارد که مردم نزد او بایستند
پس جای او در دوزخ باشد و فرمود صلی الله علیه
و آله تا نه ایستید پیش یکدیگر همچنانکه بعضی اعاجم
نزد بعضی می ایستند و مرویست از حضرت امام
جعفر علیه السلام که جون رسول صلی الله علیه و آله در
مجلسی رفتی در پایین مجلس آنجا که در آمدی نشستی و هم

از مرویست که نشستن حضرت پیشتر روی بقبله
بودی و رسول فرمود که از شما کسی که در مجلس در
رود آنجا نشیند که جای بآنجا منتهی شده باشد
و فرمود که از شما یکی که از مجلس رود سلام گوید
همچنانکه در اول در آمد و سلام کرد که آمدن و
رفتن تفاوت ندارد در سلام و فرمود که هر که
از شما از مجلسی بیرون رود جون باز آید اولی آنست
که بجای خود نشیند و مرویست از حضرت رسول
صلعم که بدهید حق مجالس را گفتند حق مجالس
جیست یا رسول الله فرمود اول آنکه جشم بخود
دارید و هر که سلام کند جواب گوید و کور را مدد
رسید و امر معروف کنید و اگر منکری باشد نهی
از آن کنید و مرویست که نشستن حضرت صلی الله علیه و آله
سه نوع بودی یکی جنانکه ساق مبارک بر داشتی

ودستها پیش آن در آوردی و دستی بر ساعد
نهادی و گاهی بدو زانو نشستی و گاهی یک پای
پیش سینه نهادی و یکی بر زمین نشستی و هرگز ندیده
اند که مربع نشستی و بر سر دو زانو نشستی و تکیه نکردی

فصل سوم در طور طعام خوردن آنحضرت مرویست

که حضرت رسول صلعم از انواع و اصناف طعام
تناول فرمودی و آنچه حضرت حق سبحانه و تعالی
حلال کرده است با اهلبیت و خدمتکاران یکجا خوردندی
و هر که از مسلمانان او را دعوت کردی اجابت فرمودی
و بر زمین با ایشان خوردی و آنچه خوردی چون
مهمان رسیدی با مهمان خوردی و طعامی را دوستتر
داشتی که دستهای بسیار بران در آمدی روزی
اصحاب نزد او بودند فرمود بارخدایا در میخواهم
از تو و فضل و رحمت تو که غیر تو مالک این هر دو چیز

طعام خوردن آنحضرت

نیست در میان این دعا شخصی آمد گوسفندی بریان
آورد فرمود بگیرید این را از فضل خدا و ما منتظر
رحمتیم و خوردنی نزد آنحضرت آوردند فرمود
بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً تَصِلُ بِهَا نِعَمُ الْجَنَّةِ
و بسیاری بودی که بطعام مشغول شدی هر دو
پای مبارک و زانوها جمع کردی چنانکه نماز کننده کند
الا آنکه پای بر بالای پای و زانو بر بالای زانو نهاده
بودی و فرمودی من بنده ام چنان خوردنی میخورم
که بندگان و غلامان خورند و چنان می نشینم که بندگان
نشینند مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
که فرمود حضرت رسالت صلعم تکیه زده هرگز طعام
نخوردی از آنکه که او را به پیغمبری فرستادند تا آنزمان
که از دنیا رحلت فرمود از جهة تواضع بخدای تعالی
و چون دست مبارک سوی طعام بردی گفتی

بِسْمِ اللّٰهِ بَارِکْ لَنَا فِیمَا رَزَقْتَنَا وَعَلَیْکَ خَلَفُهُ وروایت
از حضرت امام جعفر صادق علیه که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله چون افطار فرمودی گفتی اَللّٰهُمَّ
لَکَ صُمْنَا وَعَلٰی رِزْقِکَ اَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْ مِنَّا ذَهَبَ الظَّمَاۗ
وَابْتَلَّةِ الْمَعْرُوْفُ وَبَقِیَ الْاَجْرُ وفرمود که رسول
صلعم چون افطار نزد قومی کردی گفتی بر سبیل عذر
خواهی افطار کردند نزد شما روزه داران وخوردند
طعام شما را نیکوکاران وفرمود که دعای روزه داران
مستجابست وقت افطار راوی گوید که حضرت بخرما
افطار کردی واگر شکر یافتی بآن افطار فرمودی و
روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که
گفت رسول صلعم افطار کردی بشیرینی واگر نیافتی
باب نیم گرم افطار کردی وفرمود که آب نیم گرم
بکر ومعده پاک میکند وبوی دهان خوش میکند

ودندانها

ودندانها قوی میدارد وحدقه ونور حدقه بینایی
افزاید وگناهان می شوید وتسکین رگهای متحرک
مضطرب میکند وصفرا می نشاند وقطع بلغم می کند
وحرارت از معده می نشاند ودر دسر می برد وحضرت
صلعم طعام گرم نخوردی تا مادام که سرد نشدی و
فرمود که الله تعالی آتش بخورد ما نمید هد بدرستی
که طعام گرم بی برکت است پس آنرا سرد کنید و
چون حضرت طعام خوردی نام خدا بردی واز
پیش خود خوردی وپیش از خلق مشغول بطعام
شدی وبسه انگشت خوردی ابهام وسبابه ووسطی
وگاهی بچهار انگشت نیز تناول فرمودی وگاهی
تمام کف خوردی وهرگز بدو انگشت نخوردی و
فرموده که بدو انگشت خوردن عادت شیطان است
روزی بعضی اصحاب پالوده نزد حضرت آوردند

چون ازان تناول فرمود گفت ازچه چیز پخته اید
این را یا ابا عبدالله گفتند پدر و مادر ما فدای تو
با دروغن و عسل در دیگ کردیم و بر سر آتش نهادیم
تا جوشید بعد ازان نشاسته دران انداختیم بعد ازان
برهم زدیم تا پخته شد پس این چنین آمد که می بینید
فرمود که این طعام خوبست و گاهی بودی که آرد
جو نه پخته نان کردندی و آنحضرت تناول فرمودی
و گاه بودی که بر سبیل سفوف خوردی غیض ابن
القاسم روایت کند که گفتم با امام جعفر صادق علیه السلم
از شما مرویست که حضرت رسول صلعم هرگز از نان
گندم سیر نخورد آیا راستست حضرت امام فرمود که
نه هرگز حضرت رسول صلی الله علیه و آله نان گندم
در عمر خود نخورد و از نان جو نیز هرگز سیر نخورد و عایشه
گوید هرگز رسول صلعم دو روز متوالی نان سیر نخورد

تا از

تا از دنیا رفت و گویند هرگز بر خوان طعام نخورد
و هرگز نان تنک نخورد و مرویست از حضرت امام
جعفر علیه السلم که فرمود دایما طعام حضرت رسول
صلعم جو بود تا از دنیا مفارقت فرمود از انس ابن
مالک مرویست که حضرت رسول اجابت دعوت
مملوک کردی و بر پس مرکب خود سوار کردی و
طعام خود بر زمین نهادی و خیار با رطب تناول
فرمودی و خیار با نمک خوردی و میوهای تر میل
کردی و از میوها خربزه و انگور دوست داشتی
و خربزه با نان خوردی و گاهی با شکر تناول کردی
و گاهی خربزه و رطب خوردی باهم و گاه بهر دو
دست بهم مدد کردی روزی آنحضرت نشسته بود
و رطب تناول میفرمود بدست راست و استخوان
بدست چپ گرفت و بر زمین نیفگند ناگاه

کوسفندی می کذشت نزدیک آنحضرت اشارت
فرمود کوسفند را با ستخوانهای خرما که در دست داشت
پیش آمد پس خود بدست راست رطب می خورد
واستخوانها بدست جب بکوسفند میداد تا آنکه
کوسفند از دست مبارک او تمام آن استخوانها
خورد جون فارغ شد کوسفند رفت وجون پیغمبر
صلعم روزه داشتی افطار بر رطب فرمودی در
موسم رطب وانکور دانه دانه خوردی وکاهی
بخوشه خوردی جنانجه قطرات آن بر محاسن
مبارکش جون در مکنون بودی وحضرت صلی الله
علیه وآله وسلم جنکال خوردی وبیشتر طعام او خرما
وآب بودی وخرما تناول کردی وبران آب
خوردی وبیشتر جمع کردی میان خرما وشیر نام این هر دو
اطیبین کرده بود وبیشتر آنجه خوردی هریسه بودی

وبران

وبدان سحور کردی وکویند جبرئیل علیه السلم از بهشت
هریسه جهة وی آورد وآن در خانهٔ خود خوردی که
مردم خورده ندی کوشت بخته تناول فرمودی
بانان وکاهی بریان خوردی وبهترین طعامها
نزد وی کوشت بودی وکوشت در قوت سمع
وبصر می افزاید وفرمود که کوشت بهترین طعامهاست
در دنیا وآخرت واکر من از خدا خواستمی که هر روز
طعام من کوشت بودی مرا اینه جنان کردی و
رسول صلعم ثرید با کوشت وکدو تناول کردی
وکدو را دوست داشتی وفرمودی که درخت
برادرم یونس است ومرغ خانکی خوردی وکوشت
وحش وکوشت برنده که صید کرده باشد خود
خوردی وصید نخریدی وصید نکردی امادوست
داشتی که صید کرده نزد وی آورندی ودوست

فرموده که

داشتی نان و روغن را و از گوسفند شانه و
سر دستها دوست داشتی و از نان خورش سرکه
و از سبزیها کاشنی و بادروج و کلم و حضرت رسول
صلعم سیر و پیاز و گراث و عسل که در و بقایای
درخت که مگس از برگ او خورده و اثر آن در و پیدا
بودی که موجب بوی دهان بودی نخوردی و
هرگز طعامی را مدح و ذم نکردی چشیدی اگر خوش
آمدی خوردی و اگر نه بگذاشتی و حضرت اگر چیزی
خوش نکردی بر دیگران هم حرام نکردی و بد نگفتی
و چون از طعام فارغ گشتی سه انگشت مبارک خود
لیسیدی و اگر چیزی بر انگشت مبارکش مانده بودی
باز لیسیدی تا پاک کردی و دست خود بدستمال
نکردی تا یک یک انگشتان نه لیسیدی و فرمود
که معلوم نیست که برکت در کدام انگشت است

و حضرت رسول صلعم تگرگ چون آمدی از آن
خوردی و باصحاب او تفقد کردندی چون تگرگ
آمدی نزد وی آوردندی و حضرت فرمودی که
این خره دندانها را سود میدارد و حضرت بعد
از طعام دست شستی چندانکه بوی طعام را اثر
نماندی و چون نان و گوشت تناول فرمودی خاصه
دستها شستی و بقیه آبی که در دست مبارکش بودی
بدان روی مبارک خود مسح کردی و هرگز تا ممکن
بودی طعام تنها نخوردی و فرمود که شما را خبر کنم
به بدان شما گفتند بلی یا رسول الله گفت آنکه تنها
خورد و بنده مملوک را زند و منع هدیه کند فصل چهارم
در بیان آب آشامیدن آنحضرت امام جعفر صادق
علیه السلم فرمود که حضرت رسول صلعم چون آب
نوشیدی ابتدا بنام خدا کردی و قدر یک نفس

آب آشامیدن آنحضرت

یا دو نفس آشامیدی و بس کردی و حمد خداوند
تعالی بجای آوردی و باز معاودت فرمودی بنام
خدای تعالی و قدری دیگر نوشیدی و باز بس کردی
و باز حمد خداوند کردی در سر آب خوردنی بِسْمِ اللهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ گفتی و آبرا مکیدی نه انکه یکبار فرو ریختی
و فرموده که درد جگر از آب خوردنی است که یکبار
فرو برند و آنحضرت در ظرف نفس نزدی چون
خواستی که نفس زند ظرف آبرا از پیش دهان
دور کرفتی و نفس زدی و کاهی بیک نفس آب
خوردی و آب از قدحهای شیشه خوردی که از
شام می آورند و از ظرف جوبین و ظرفی که از
پوست ساخته بودندی آب خوردی و از سفال
نیز آب نوشیدی و کاهی بکف هر دو دست نیز
آب خوردی و فرمودی که هیچ ظرفی به از کف

دست

دست نیست و از دهن قرابه و مشک آب نوشیدی
و دهان مشک را نه پیچیدی که آب ازان نوشیدی
و فرمودی که پیچیدن آن در حین آب خوردن آنرا
بدبوی می کرداند و کاه آبرا ایستاده و کاهی سوار
نوشیدی و از قرابه یا از سبو یا ادوات دیگر که
اتفاق افتادی آب خوردی و ظرفی که بر و شیر
دوشیده بودندی و آبی که جو یا کندم نیم رس برشته
را کوفته برو ریخته بودندی نوشیدی که آنرا بعربی
سویق و به فارسی قاروت کویند و دوسترین
شربتها نزد او آن بودی که شیرین تر بودی و سرد تر
و در روایتست که دوسترین شربتی نزد او شربت
سرد بود و آن حضرت بر بالای عسل آب نوشیدی
و کاهی در عسل آب کردند و نان دران ریزه کردندی
و آنحضرت میل فرمودی و فرموده که بهترین شربتها

در دنیا و آخرت آبست وانس بن مالک گوید که حضرت
رسول صلعم یک آب در وقت افطار نوشیدی و
یکی دیگر در وقت سحر گاهی نیز اختصار فرمودی و
گاه بودی که آن یکی نیز شیر بودی وانس گوید
که شبی جهت آنحضرت نان در شیر خرد کرده بودم
که چون از مسجد بحجره فرماید افطار کند آنحضرت زمانی
دیر شد و نیامد مرا ظن آن شد که مگر کسی از اصحاب
اورا دعوت کرد بخانهٔ خود یا طعامی نزد او بمسجد
آوردند من آنرا خوردم بعد از ساعتی آنحضرت آمد
کسی همراهش بود بر سیدم که حضرت را کسی مهمانی
کرد یا طعامی تناول فرمود در مسجد گفت نه من
بغایت غمگین شدم و متألم ماندم بمرتبهٔ که خداوند
تعالی داند بیم آن که مبادا آنحضرت خوردنی طلب
کند او هیچ نگفت و بروی من نیاورد و آن شب

گرسنه خواب کرد و صباح روزه داشت چون
ساعتی دیگر بر آمد ظرفی از شیر نزد آنحضرت از جایی
آوردند و دران حال ابن عباس بر دست راست
و خالد بن ولید بر دست چپ آنحضرت نشسته بودند
چون ازان شیر قدری آشامید گفت بعبد الله
عباس که آنچه در ظرفست حق تواست اگر تو رخصت
میدهی که بخالد دهیم او از تو بسال بزرگترست فرمود
که نه بخدا فضیلت نیم خوردهٔ حضرت رسول بکسی روا
نمیدارم و گرفت و آشامید و گویند ابن خولی وقتی
نزد حضرت صلعم ظرفی آورد که عسل و شیر دران بود
آنحضرت از خوردن آن ابا فرمود و گفت که دو
شربت در یک شربت و دو ظرف در یک ظرف
نمی خواهم و بر کسی هم حرام نمی کنم و لیکن مکروه دارم
فخر و حساب به زیادتیهای دنیا فردا و دوست میدارم

خلق انحضرت

تواضع را بدرستی که هر کو تواضع کند از برای خداوند
تعالی او را سر افراز کرداند فصل پنجم دربیان خلق آن
حضرت در استعمال بوی خوش و روغن و پوشیدن
و سر شستن و غیر آن حضرت رسول چون سر و محاسن
مبارک شستی با برگ کنار شستی دربیان طریق روغن
مالیدن آنحضرت رسول الله صلعم روغن مالیدن
دوست میداشت و از ژولیدگی مو بد می برد
و فرمود که روغن مالیدن بر اعضا دفع اندوه می
کند و باصناف روغن تدهین کردی و چون روغن
مالیدی ابتدا از سر و محاسن کردی و می فرمود که سر
پیش از محاسن است و بروغن بنفشه بیشتر کردی
و فرمود که افضل روغنهاست و چون تدهین کردی
ابتدا هر دو ابرو کردی بعدازان هر دو شارب
و بعدازان قدری در بینی چکانیدی و بوییدی و

روغن مالیدن انحضرت

شانه کردن انحضرت

بعدازان بر سر مالیدی و بجهة درد سر با بروها روغن
مالیدی و شاربها را تدهین بروغنی غیر آن روغن
کردی که در محاسن کردی دربیان طریق شانه کردن
آنحضرت رسول صلعم سر و محاسن مبارک شانه خود
زدی و گاهی زنان آنحضرت شانه زدندی و مویهایی
که افتادی نگهداشتندی گویند موهایی که در دست
مردمست آن موهاست واما مویی که در حج و
عمره تراش کردی جبرئیل علیه السلام آنها را باسمان
بردی و گاه بودی که روزی دو نوبت محاسن
شانه زدی و چون شانه زدی در زیر بالش نهادی
و فرمودی که شانه زدن دفع وبا می کند و چون
شانه زدی از زیر جانب بر بالا چهل نوبت زدی
و از بالا هفت نوبت بجانب زیر و فرمودی
که این ذهن را زیاده می کند و قطع بلغم میکند در

استعمال بوی خوش آنحضرت

بیان بوی خوش آنحضرت رسول صلعم بمشک تطیبب
کردی چنانچه معلوم مردم شدی و بر فرق سر
مالیدی و بذکور طیبها تطیبب فرمودی که مشک
است و عنبر و زنان آنحضرت بدستهای خود بغالیه
آنحضرت را تطییب کردندی و بعود قماری بخور
کردندی و در شب تاریک بی انکه کسی او را بیند از
بوی خوش او وی را دانستندی و گفتندی که اینست
پیغمبر و روایت از امام جعفر صادق عله که پیغمبر صلعم
ببوی خوش بیشتر انفاق فرمودی که بطعام و حضرت
امام محمد باقر عله فرمود که سه خصلت پیغمبر را بود که
در غیر او نبود اول انکه او را سایه نبود دیگر انکه
چون از راهی گذشتی بعد از دو روز یا سه روز
کسی که از ان راه گذشتی از بوی عرق مبارک او
دانستی که رسول صلی الله علیه و آله از انجا گذشته دیگر

بر هیچ

بر هیچ سنگ و درخت نگذشتی که آن سنگ و درخت
او را سجده نکردی و هیچ بوی خوش بر وی عرضه نکردندی
الا انکه از و چیزی قبول کردی و به آن تطیب فرمودی
و گفتی که بوی خوش بویش خوبست و بارش سبک
و اگر تطیب نکردی انگشت مبارک در ان زدی
و بدندان بردی و لعق فرمودی و فرموده که
لذت من از دنیا زنانست و بوی خوش و نور چشم
من در نمازست و روزه در بیان سرمه بچشم کردن رسول
صلی الله علیه و آله و سلم سرمه در چشم راست سه نوبت
و در چشم چپ دو نوبت می کشید و می فرمود هر که
خواهد سه نوبت بکشد و هر که خواهد دو نوبت و
اگر کم و زیاد ازین کشند باکی نیست و گاهی اکتحال
فرمودی و بر روزه بودی و او را مکحله بود صلی الله علیه
و آله که در شب بدان سرمه کشیدی و کحل وی سرمه

سرمه کشیدن آنحضرت

بآئینه نگرستن آنحضرت

سیاه بودی **دربیان** نگرستن در آینه رسول صلی الله علیه
وآله وسلم در آینه می نگرست وبر موی و محاسن
مبارک دستی میکشید وتزیین وترتیب می فرمود
وشانه می کرد وکاهی در آب نظر می انداخت وتزیین
پیش می نمود ازانکه نزد اهل خود میرفت واین را عایشه
کفت وقتی که چون میخواست نزد اصحاب رود.
بکوزه نظر می انداخت که دران آب بودی وبدان
مشاهدهٔ تزیین وتجمل وترتیب آن حسن وجمال
می فرمود عایشه کفت پدر و مادرم فدای تو باد
که در کوزه چون آینه روی خود دیدی وراست
کردی خود را فرمود که دوست میدارد خدای تعالی
بندهٔ خود را که چون نزد برادران خود رود تهیات
وتجمل کند یعنی خود را بلباس خوب وترتیب وتزیین
اراسته دارد **دربیان** مالیدن چیزها بر جسد مبارک

مالیدن چیزها بر جسد آنحضرت

رسول صلی الله علیه وآله امر فرمودی بدیکری تا طلا
کردی واز بالای جسد تا محل بس ازار مالیدی و
ازان باین تر بدست خود مالیدی ومرویست
که حضرت صلعم در هیچ سفر از خود شیشهٔ روغن و
سرمه دان ومقراض وآینه وشانه از خود دور نکردی
ودر روایتی هست که با او سوزن وریسمان ودرفش
وتسمه عوض ریسمان بودی که جامهٔ پاره دوختی
وکفش را پینه کردی وحضرت چون مسواک کردی
بعرض کردی **دربیان** لباس حضرت رسالت صلعم
شمله بوشیدی وازان ازار ساختی وکلیم دورنک
که آنرا نمر کویند ازان نیز ازار ساختی واز آن زیبا
وخوش آینده بود زیرا که سیاهی نمر با سفیدی آنچه
ظاهر بود از جسد مبارک ایشان از ساقین وقدمین
بغایت مناسب بود وکویند تا وقتی که حضرت حق

در لباس آنحضرت

سبحانه وتعالی قبض روح باک مطهر وی کرد اورا
نمرهٔ بود که بنی عبد الاشهل می بافتند آنرا بوشیدی
وجون از دنیا رحلت فرمود آن نمرا زو ماند و
جون با مردم نماز کردی شمله بوشیدی وانس کوید
که بسیار بودی که حضرت رسول با ما نماز ظهر
کذاردی و شملهٔ داشت که بر دوش انداختی و هر دو
طرفش بر دو کتف مبارکش بسته بود در بیان
طاقیه و دستار آنحضرت رسول صلعم طاقیه در زیر
دستار بوشیدی وطاقیه بی دستار نیز بوشیدی
و دستار هم بی طاقیه بر سر نهادی وطاقیهای بوشیدی
سفید وطاقیها که روز جنک بر سر نهادی کوشها از
دو طرف داشتی وبعضی سبز بود و کاه بودی که
طاقیه از سر بر کرفتی و در بیش خود نهادی و نماز بران
کردی و در سفرها کاه عمامه از خز سیاه بر سر بستی

طاقیه و دستار آنحضرت

وبر بالای دستار جزی می بوشیدی جنانجه طرفین
کوش وکردن بدان بوشیده بودی وکاه بودی
که دستار نه بستی وعصابه بستی یعنی کرد سر بستی
یا بر بیشانی جزی بستی واز خواص آنحضرت
عصابه سخت بستن بودی وآنحضرت را دستار
بود که آنرا سحاب کفتندی وآنرا در حضرت امیر
المؤمنین علی علیه السلم بوشانیده بود کاهی که
حضرت امیر نزد وی آمدی با اصحاب کفتی که علی
آمد در سحاب یعنی دران عمامه که بوی بوشانیده بود
عایشه کفت وقتی رسول صلعم عمامهٔ صوف وجبهٔ
صوف بوشیده بود و بیرون رفت و در خطبه
فرمود من ندیدم از خلق خدا هیجکس بدان زیبایی
که آنروز اورا دیدم در بیان رخت بوشیدن آن
حضرت جون رسول رخت بوشیدی کفتی الحمد لله

رخت بوشیدن آنحضرت

الذي كساني ما يواري عورتي واتجمل به في الناس
وجون از تن برون كردي از جانب جب ابتدا
كردي وعادت وي بود كه جون لباس نو بوشيدي
حمد خداوند بجاي آوردي ومسكيني را طلبيدي
وكهنهٔ خود را بوي دادي وفرمودي كه هر مسلماني
كه مسلماني را جامهٔ كهنهٔ خود بپوشاند خاص از براي
خدا در ضمان خداي تعالي باشد دايما ودر بناه وحرز
او واورا نزد خداي تعالي ماوي باشد در مردگي
وزندگي وحضرت رسول صلعم جون لباس نو
بوشيدي برخاستي جون راست ايستادي بيش
ازانكه از جامه برون آمدي گفتي اللهم بك استترت
واليك توجهت وبك اعتصمت وعليك توكلت
اللهم انت ثقتي وانت رجائي اللهم اكفني ما اهمني
وما لا اهتم به وما انت اعلم به مني عز جارك وجل

ثناؤك

ثناؤك ولا اله غيرك اللهم زودني التقوى واغفر لي
ذنبي ووجهني للخير حيث ما توجهت وبعد از ان
برون رفتي وآنحضرت را دو جامه بود خاصه جهة روز
جمعه غير جامهايي كه در غير جمعه بوشيدي وآنحضرت را
خرقه وفوطهٔ بود كه روي مبارك بعد از وضو بدان
خشك كردي وگاهي كه فوطه با وي نبودي روي
مبارك بكنار ردايي كه داشتي خشك مي كرد در بيان
انگشتري رسول عليه السلم انگشتري نقره در انگشت كردي
كه نگين او حبشي بودي ونگين بطرف كف دست
گردانيدي وانگشتري در انگشت داشتي آنرا آهن كه نقره
بر روي او كشيده بودند كه معاذ بن جبل هديه
آورده بود ونقش كرده در و محمد رسول الله وگاهي كه
استنجا كردي بدست جب وانگشتري در دست
راست داشتي دايما تا از عالم مفارقت فرمود وگاه

انگشتري آنحضرت

انگشتری در انگشت میان کردی در بند دوم و گاهی در
مسبحه کردی و گاه بودی که نزد اصحاب آمدی و در
انگشتری ریسمانی بسته بودی تا آن بذکر وی باشد
و آنحضرت بر کتاب مهر کردی و فرمودی مهر بر
مکتوبها امانتست از تهمت در بیان نعلین رسول صلعم
نعلین پوشیدی که او را دو بند بودی بر مثال
کفش که میان باریک و پاشنه جثه کرد پنجهٔ آن پهن
بودی بدستوری که در شام میدوزند و چون ابتدا
بنعلین پوشیدن فرمودی از یمین ابتدا کردی
و چون کندی ابتدا بیسار فرمودی و گاه امر فرمودی
بپوشیدن نعلین هر دو باهم و کندن باهم زیرا که
مکروه میداشت که یکی پوشند و یکی نه و از مسح هر
نوع پوشیدی در بیان جامهٔ خواب آنحضرت جامهٔ
خواب حضرت رسول صلعم در وقتی که از دنیا رحلت

نعلین آنحضرت

جامهٔ خواب آنحضرت

فرمود

فرمود از پلاسهای وادی القری بود از پشم شتر بر
کرده گویند درازی آن دو گز شرعی بود و پهنای آن
گزی و وجبی بود و مرویست از حضرت امیر المؤمنین
علی علیه السلام که جامهٔ خواب حضرت پیغمبر عبایی بود
و متکای او پوست بود پر از لیف خرما شبی بران
خواب کرد صباح فرمود که مرا جامهٔ خواب از نماز
منع کرده و فرمود که یکتا کردند و جامهٔ خواب نیز
داشت از پوست پر از لیف خرما و گویند پیغمبر صلعم
را فراشی بود از عبا تا از دنیا نقل فرمود و بسیار
بود که بالش پوست می نهاد که پر از لیف خرما بود
و او را قالیچهٔ بود فدکی که روی بران نهادی و بدان
خشوع فرمودی و گلیمی داشت از موی که بران
نشستی و گاهی بران نماز کردی در بیان خواب و مرویست
که حضرت صلعم خواب کردی بر روی حصیر که هیچ چیز

خواب آنحضرت

در زیر روی نبودی و چون خواستی که خواب کند
مسواک کردی و بجای خواب رفتی بر پهلوی راست
خسبیدی و دست راست در زیر روی راست
نهادی و گفتی اَللّٰهُمَّ قِنَا عَذَابَکَ یَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَکَ
در دعا رفتن [نزد] در جامهٔ خواب و درین باب روایات
مختلف است ازان جمله گویند چون حضرت جایی
خواب فرمودی گفتی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ بِمُعَافَاتِکَ
مِنْ عُقُوبَتِکَ وَاَعُوذُ بِرِضَاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَعُوذُ
بِکَ مِنْکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی لَا اَسْتَطِیعُ اَنْ اَبْلُغَ فِی الثَّنَاءِ
عَلَیْکَ وَلَوْ حَرَصْتُ اَنْتَ کَمَا اَثْنَیْتَ عَلٰی نَفْسِکَ
وقت خواب کردن گفتی بِسْمِ اللّٰهِ اَمُوتُ وَاَحْیٰی
وَاِلَی اللّٰهِ الْمَصِیرُ اَللّٰهُمَّ اٰمِنْ رَوْعَتِی وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَاَدِّ عَنِّی
اَمَانَتِی و آیة الکرسی خواندی و فرموده است که جبرئیل
مرا خبر داد که عفریتی از جن در کمین تو کرده که در خواب

بر تو ظفر یابد بر تو باد که در وقت خواب آیة الکرسی
بخوانی و مرویست از امام محمد باقر علیه که حضرت رسول
صلعم هرگز از خواب برنخاستی الا انکه سر بسجده نهادی
و خداوند تعالی را خشوع و خضوع نمودی و گویند
که حضرت رسول صلعم خواب نکردی تا مسواک
بر بالای سر ننهادی چون سر برداشتی اول مسواک
کردی و چون حضرت از خواب برخاستی گفتی که
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَحْیَانِی بَعْدَ مَوْتِی اِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ شَکُورٌ
و فرمودی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ خَیْرَ هٰذَا الْیَوْمِ وَنُورَهُ
وَهُدَاهُ وَبَرَکَتَهُ وَطُهُورَهُ وَمُعَافَاتَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ
خَیْرَهُ وَخَیْرَ مَا فِیهِ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ
مسواک آنحضرت هر شب سه نوبت مسواک فرمودی
یک نوبت پیش از خواب و یک نوبت در محل بر
خاستن از خواب و یک نوبت پیش از انکه بنماز

مسواک آنحضرت

صبح بیرون فرمودی و بچوب اراک مسواک کردی
و فرمود که جبرئیل علیه السلام مرا برین امر کرده و مرویست
از حضرت امام جعفر صادق علیه که مکروه میدارم که
مردی بمیرد و سنتی از سنن رسول صلعم فرو گذاشته
باشد **باب دوم** در نظافة و بوی خوش کردن و
سرمه کشیدن و مانند آن و درین باب سه فصلست
فصل اول در تنظیف و مانند آن مرویست که حضرت
امیر المؤمنین علی علیه گفت پاکی کنید بآب از بوی گنده
بدرستی که الله تعالی دشمنست بندگان مردار را و هم
از حضرت امیر مرویست که گفت شستن جامه پاک غم می
برد و پاکست از جهة نماز و حضرت رسالت پناه صلعم
فرمود بانس که یا انس بسیار کن پاکی را که خداوند
تعالی در عمرت زیاده کند و اگر توانی چنان کن که
شب و روز بطهارت باشی که اگر بطهارت بمیری

نظافت و بوی خوش

شهید باشی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که هر کس که وضو سازد و رو خشک کند او را
یک حسنه در دیوان اعمال نویسند و اگر وضو سازد
و رو خشک نکند تا آب وضو خود خشک شود او را
سی حسنه در دیوان اعمال نویسند و مرویست از
حضرت امیر المؤمنین علی علیه که گفت چهار خلقت
که اکثر انبیا را بوده یکی خوش بوی بودن و یکی پاک
بودن بلباس و بدن و یکی نوره بر بدن نهادن
و یکی بسیار نزد زن خود رفتن در بیان **بوی خوش**
کردن آنحضرت مرویست از حضرت رسالت صلعم
که بوی خوش دل را قوی میدارد و مرویست که حضرت
امام جعفر صادق علیه فرمود که خداوند تعالی دوست
میدارد جمال و تجمل یعنی نیکویی در زینت و مکروه
میدارد گرفتگی و ترش رویی و چرکنی را و خدای

بوی خوش از حضرت

تعالی جون بنده را منعم کرداند دوست دارد که
اثر آن بروی ظاهر باشد برسیدند که جونست آن
ظهور اثر انعام آلهی فرمود انکه جامه باک دارد
وبوی خوش بکار برد وخانه بکج سفید کند وبناهای
خوب مستحکم بنا کند تا انکه جراغ قبل از غروب آفتاب
منع فقر می کند ودر رزق می افزاید از حضرت امام
جعفر صادق علیه مرویست جهار خصلت از سنت
انبیاست علیهم السلم مسواک وحنا وبوی خوش
وزن وهم ازان حضرت مرویست که رسول علیه
هر روز جمعه بوی خوش بکار بردی واکر یافت
نشدی از زنان خود غالیه دان کرفتی وآب بران
افشاندی وبر جسد مبارک مالیدی وتطییب فرمودی
وهم از و مرویست که بیغمبر صلعم فرمود که قبول نکردم
از دنیا شما الا بوی خوش وزن وفرمود که آنجه

بر بوی خوش صرف کنند اسراف نیست وفرمود
که بشما جون ریحان برسد بوی کنید وبر جشم نهید
بدرستی که آن از بهشت است ومرویست که شخصی
یک روز نزد امام جعفر علیه السلم ریحان آورد
حضرت امام کرفت وبویید وبر جشم نهاد وکفت
هر کس که از ریاحین جیزی بوید وبر جشم نهد وبکوید
اللّهمّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ محمد نبرد تا خداوند تعالی کناهان
او بیامرزد ومرویست از حضرت رسول صلعم که جون
برادر مسلمان ریحان نزد شما آورد رد مکنید که آن
از بهشت برون آمده ومرویست از حضرت امام
علی ابن موسی الرضا علیه که حضرت امیر المؤمنین علی
علیه السلم فرمود بوی خوش تعویداست وغسل
تعویدست ونظر بر سبزه تعویداست وسواری
تعویداست مرویست از حضرت امام رضا علیه که

جای امام جعفر علیه السلام و موضع سجود او در مسجد از
بوی خوش او معلوم و معروف بود حضرت امام جعفر
صادق علیه فرمود که دو رکعت نماز با بوی خوش
گذاردن بهتر است از هفتاد رکعت که بی بوی خوش
گذارند و هم از وی مرویست که سه چیز از خصایل نبوت
است موی ستردن و بوی خوش بکار بردن و بسیاری
مباشرت با زنان و مرویست از امام جعفر و امام رضا
علیهما السلام که رد مکنید بوی خوش را که آن کرامتست
و کرامت را رد نمی کند الا کسی که عقل او مثل عقل خر
باشد و فرمود که شاربین خوش بوی کردن از
اخلاق انبیا و کرام الکاتبین است و هم از حضرت
امام مرویست که نبی را نافهٔ مشک بود که چون وضو
ساختی آنرا بدست گرفتی و دست مبارکش تر بودی
چون بیرون فرمودی معلوم شدی که حضرت رسول است

و مرویست از حضرت امام علی ابن الحسین علیهم السلام
که عطردانی داشت از رصاص که با خود داشتی و در آن
مشک بودی چون تطیب کردی از آن بیرون آوردی
و بر اعضا مالیدی و مرویست که حضرت امام رضا
علیه السلام بعود هندی بسیار بخور کردی بعد از آن
گلاب بر جسد مطهر افشاندی و مشک بکار بردی
و مرویست که رسول صلعم فرمود بر شما باد باین عود
هندی بدرستی که در وی هفت شفاست و خوش بوی
تر و بهتر این طیبها مشک است و روایت کند امام جعفر
علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله ببوی خوش ایثار
بیش فرمودی که از طعام و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود
حضرت امیر را صلوات الله علیه که یا علی بر تو باد ببوی
خوش در هر روز جمعه بدرستی که آن سنتهای منست
و می نویسند ثواب آنرا چندانکه آن بوی خوش از

تو می آید و سزاوار آنست که مرد بکار برد بوی خوش
را در هر روزی یکبار و اگر قادر نباشد روزی دو
روز و اگر قادر نباشد پس در روز جمعه یکبار و از
حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر زن که بوی خوش بکار
برد و از خانه بیرون آید در لعنت باشد چندانکه باز
گردد والله اعلم در بیان بویها خوش سوختن در
مجمر مرویست از مرازم که با ابی الحسن علیه السلم بحمام
رفتم چون بجامه کن بیرون آمد مجمر طلب فرمود
و بخور کرد و گفت از مجمر نصیب بگیرید و مرویست
از امام جعفر علیه السلم که گفت سزاوارست مرد را که
بخور کند جامهای خود را چون قادر باشد و مرویست
که بسر زبیر از امام حسن علیه السلم مهمانی بولیمه طلب کرد
امام علیه السلم اباکرد بجهة انکه روزه داشت پس ابن
زبیر گفت که جهة شما تحفه بیارم که روزه دار انرا لایق

باشد

بویها خوش سوختن از حضرت

باشد آنحضرت روغن بر محاسن مالید و جامهارا
بخور کرد و حضرت امام حسن علیه السلم فرموده است
که تحفه زن آنست که شانه کند موی را و بخور کند جامها را
و مرویست از امام جعفر صادق علیه السلم که او گفت که
حضرت رسول صلعم فرمود که بوی خوش زنان
آنست که رنگش ظاهر باشد و بویش مخفی و بوی خوش
مردان آنست که بوی او ظاهر باشد و رنگش مخفی
در بیان گل و عرق آن مرویست که چون حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله بمعراج رفت زمین از
رفتن رسول محزون و غمگین شد و گل بر آورد و
چون باز آمد خوش حال و شادمان گشت و گل
بر آورد پس هر که خواهد که بوی پیغمبر بشنود گل ببوید
و بعضی روایت کنند که حضرت نبی علیه الصلوة والسلم
چون بمعراج رفت جسد مبارکش عرق کرد و بر

عرق آنحضرت

زمین چکید گل سرخ رویید و حضرت صلعم فرمود که
هرکه خواهد که بوی من بشنود گل سرخ ببوید و انس
روایت کند از حضرت رسول صلعم که گل سفید شب
معراج از عرق من مخلوق شد و گل سرخ از عرق
جبرئیل و گل زرد از عرق براق و مرویست از حضرت
رسول صلعم که گلاب آب روی افزاید و منع درویشی
میکند و مرویست از حضرت صلعم که هرکس که گلاب بر
روی بمالد آنروز او را بدی و درویشی نرسد و هرکه
خواهد که گلاب بکار برد بر روی و دستها مالد باید
که صلوات بر پیغمبر و آل بفرستد مرویست از حسن
ابن علی علیهما السلام که وی فرمود که پیغمبر صلعم هر دو
دست گل در پیش من ریخت و گفت این سید ریاحین
است در دنیا و آخرت دربیان نرگس و مرزنگوش
پیغمبر صلعم فرمود که نرگس را فضایلست بسیار و ثواب

بی شمار در بوییدن و روغن او مالیدن و وقتی که آتش
جهت ابرهیم افروختند حق تعالی آنرا ابر و خوش کرد و
نرگس را دران وقت بیافرید دربیان مرزنگوش انس
مالک روایت کند که رسول صلعم فرمود بر شما باد بوی
مرزنگوش بدرستی آن بینی را بغایت نافعست و روایت
کنند که اگر گلی و ریحانی نزد آنحضرت آوردندی
بوییدی و بازپس دادی غیر از مرزنگوش که آنرا
نگهداشتی و مرویست از حضرت امام موسی کاظم علیه
که پیغمبر فرمود نیکو ریحانیست مرزنگوش که زیر ساق
عرش رویید و آب آن چشم را شفاست فصل دوم
در سرمه بچشم کردن مرویست از حضرت امام محمد باقر
علیه که اکتحال بسرمه سیاه کردن مژه را رویاند و چشم را
تیز کند و در بسیاری سجود یاری دهد و مرویست از
حضرت امام جعفر صادق علیه که اعرابی نزد حضرت رسول

مرزنگوش

آمد قلیب نام و چشمهای او تر بود حضرت صلعم با او گفت
چشمهای ترا تر می بینم ای قلیب بر تو باد سرمه بدرستی
که آن چراغ چشمست و مرویست که حضرت امام جعفر علیه
فرمود سرمه دفع بوی دهان میکند و جلای دیده می
دهد و مرویست از حضرت امام رضا علیه که هر گرا ضعف
بصر باشد اکتحال کند هفت میل از سرمه بدرستی که سرمه موی
مژه می رویاند و جلای بصر می دهد و نفع میدهد بعد از
سی سال و هم از و مرویست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد بسرمه کشیدن عادت کند بدرستی که آن بوی
دهن خوش می کند و در باه می افزاید و هم از وی مرویست
که هر گرا ضعف بصر رسد در وقت خواب هفت میل سرمه
بکشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ و مرویست
از حضرت امام جعفر صادق علیه که سرمه کشیدن موی
می رویاند و اشک چشم باز میدارد و بوی دهن خوش

میکند و قوت بینایی را می افزاید و هم از وی مرویست
که سرمه در قوت باه می افزاید و در شب بوی دهان
خوش میکند و منفعت آن تا چهل صباح می باشد و
مرویست که اکثر کحل او صلعم در شب بود و در چشمی سه
میل میکشید و مرویست هم از حضرت امام علیه که در شب
سرمه کشیدن امانست از آبی که در چشم فرو می آید و
مرویست که رسول صلعم سرمه کشیدی در وقتی که بجامه
خواب رفتی و مرویست از ابن فضال که حسن ابن جهم
میلی از آسن نمود و گفت این از حضرت امام ابی الحسن
علی علیهما السلم است و بدان سرمه کشید و من هم سرمه
کشیدم و مرویست که حضرت رسول صلعم فرمود هر که
سرمه کشد طاق باید کشید که بغایت خوبست و اگر
چنین هم نکند باکی نیست و مرویست از حضرت رسول
صلعم که هر که سرمه کشد طاق کشد و هر که بخور کند طاق کند

وهرکه استنجا کند طاق کند وهرکه استخاره کند بحضرت
حق جل وعلا ونیز فرمود صلی الله علیه وآله بر شما باد سرمه
کشیدن بدرستی که بوی دهن خوش میکند و بر شما باد
بر مسواک که بصر جلا میدهد شخصی پرسید که چگونه یا رسول
الله فرمود که چون مسواک میکنی بلغم از دماغ فرو می آید
و بصر جلا میدهد و چون سرمه می کشی بلغم از دماغ می برد
و دهان خوش میکند و دعایی که در وقت سرمه کشیدن
کنند اینست اللّٰهُمَّ اِنِّیٓ اَسْاَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ وَالْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَالْیَقِیْنَ فِیْ
قَلْبِیْ وَالْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَالسَّعَةَ فِیْ
رِزْقِیْ وَالشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ در روغن مالیدن بدماغ
وغیر آن مرویست از امام جعفر صادق علیه السلم که وقتی که
روغن را در دست ریختی گفتی اللّٰهُمَّ اِنِّیٓ اَسْاَلُکَ الزَّیْنَ
وَالزِّیْنَةَ فِی الدُّنْیَا وَاَعُوْذُ بِکَ مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّانِ فِیْ

روغن مالیدن [margin]

الدنیا

الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ ونیز فرمود روغن مالیدن نرم می
کند در بشره و زیاده می کند در دماغ و آسان می کند راه
آب و منع میکند خشکی و روشن می سازد رنگ را و
فرموده که هرکه روغن کاری کند مسلمانی را بنویسد الله
تعالی از جهة او بعدد هر مویی نوری در روز قیامت و هم
از و مرویست که روغن مالیدن رفع تنگدلی می کند
و فرمود که روغن بنفشه سید روغنهاست و در وصایای
حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرمود یا علی زیتون بخور
و روغن زیتون بمال که بدرستی که هرکه زیتون خورد
و روغن زیتون مالد شیطان نزدیک او نتواند آمدن
تا چهل صباح و حضرت امیر المؤمنین ع روایت کند
از حضرت رسول صلعم که روغن بنفشه بمالید بدرستی
که آن سرد است در تابستان و گرم است در زمستان و هم
حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرمود که حضرت رسول

فرمود که فضل بنفشه بر روغنهای دیگر همچون فضل
اسلامست بر سایر ادیان و در روایت حضرت امام
جعفر صادق علیه السلم آمده است که فضل بنفشه بر
روغنهای دیگر همچون فضل منست بر دیگر خلایق
و هم آنحضرت علیه السلم فرمود که روغن بمالید روزی
و روزی سرمه بکشید طاق و مرویست از امام جعفر
صادق علیه السلم که امیر المومنین علیه السلم فرمود که
سه چیز است که بلغم کم می برد و در حفظ می افزاید قرات
قرآن و روزه و مسواک **باب سوم** در حمام و آنچه
تعلق بدان دارد و این باب شش فصل است
فصل اول در کیفیت رفتن بحمام چون جامه از بدن بیرون
کنید بگویید اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِي عَلَى
الْإِيمَانِ. چون بخانه اول روید بگویید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ أَذَاهُ وچون بخانه

در حمام

دوم

دوم روید بگویید اَللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الرِّجْسَ النَّجِسَ
وَطَهِّرْ قَلْبِي وَجَسَدِي وبعد از آن فرا گیرید آب گرم را
و بر میان سر ریزید و بپایها و اگر توانید یک جرعه از آن
بیاشامید که مثانه را پاک می کند و بعد از آن ساعتی
بنشینید و چون بخانه سوم روید بگویید نَعُوذُ بِاللهِ
مِنَ النَّارِ وَنَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ وباید که اجتناب کنید از
آب سرد خوردن و فقاع که موجب فساد معده است
و آب سرد بر بدن مریزید که سبب ضعف بدنست
و چون بیرون آید آب سرد بر قدم بریزید که دردها
از بدن بیرون کند پس چون از حمام بیرون آید و
جامه بپوشید بگویید اَللّٰهُمَّ أَلْبِسْنِي التَّقْوَى وَجَنِّبْنِي
الرَّدَى وچون بدین طریق عمل کنید محفوظ باشید
از تمام دردها و فرمود که جایز است که در حمام قرآن
بخوانید مادام که مقصود از آن آواز نباشد و ازار

بسته باشید و سوال کرده اند ازا با جعفر علیه السلام
که منقولست که امیر المؤمنین علی علیه السلام منع میفرمود
از قرآن خواندن در حمام جواب فرمود که منع وقتیست
که برهنه باشند و چون ازار بسته باشند جایز است
و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که نیک خانه ایست
حمام چون آتش دوزخ را یاد میدهد و چرک از بدن
می برد و فرمود که بد خانه ایست حمام که کشف عورت
می کند و حیا می برد و پیغمبر صلعم فرمود که هر کس که
ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که نفرستد زن
خود را بحمام و فرمود که زنان امت خود را منع میکنم
از رفتن بحمام و امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که بحمام
مروید وقتی که شکم شما از طعام خالی باشد و فرمود که در
حمام به پشت باز نخفتید که پیه گرده را می گدازد و هم
فرمود که بحمام یک روز باید رفت و یک روز نه و

منقولست که امام حسین علیه السلام چون از حمام بیرون
آمد کسی گفت با آنحضرت طاب استحمامک منع فرمودند
پس گفت طاب حمامک باز منع فرمود پس گفت
طاب حمیمک باز منع فرمود که حمیم عرقست سوال نمود
که چگونه بگویم فرمود که بگو طاب ما تطهر منک طاب
منک و امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که سه چیز
است که بدن فربه می کند بسیار بحمام رفتن و بوهای
خوش استعمال نمودن و لباس نرم پوشیدن
و سه چیز بدن لاغر میکند تخم مرغ و ماهی بسیار خوردن
و هر روز بحمام رفتن و امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام چون از حمام بیرون می فرمودند دستار
می بستند در زمستان و تابستان و میفرمودند که
موجب امان از درد سر است و امام علی رضا علیه السلام
فرمود که ناخن بگیرید روز سه شنبه و حجامت کنید

روز چهارشنبه و بحمام رو بد روز پنجشنبه و بوی خوش
بکار برید روز جمعه **فصل دوم** در پوشیدن عورت
پیغمبر صلعم فرمود که هر کس که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد بحمام نرود الا بازار بدرستی که جماعتی ملک بر
آب گماشته اند و سوال نمودند از امام جعفر صادق علیه
از غسل کردن برهنه بی ازار فرمود که چون کسی نبیند
او را رواست و هم آنحضرت از امیر المؤمنین علیه السلم
روایت کرده که منع فرموده اند از رفتن در آب
بی ازار و امام جعفر صادق فرمود که مکروه است نظر
بعورة کسی مسلمان و اما نظر بعورة کسی که مسلمان
نباشد چون نظر بعورة خر انست **فصل سوم**
در مالیدن سفال و زیت و آرد و غیر آن بر بدن امیر
المؤمنین علی علیه السلم فرمود که سفال بر پا مالید که
سبب جذام می شود و حضرت صادق علیه السلم فرمود

پوشیدن عورت

مالیدن سفال و زیت و آرد و غیر آن

حمام بازار

که بازار حمام روی خشک بکنید که تازگی روی می برد
و امام رضا علیه السلم فرمود که روغن زیت و آرد
و مانند آن و نمیهاست که در حمام بر بدن مالند و در چیزی
که نفع ببدن می رسد اسراف نیست اسراف تلف
مالست در چیزی که مضرت ببدن رساند و امام جعفر
صادق علیه السلم فرمود که بوی خوش بکار کردن در
حمام رواست و سوال نمودند از امام رضا علیه السلم
چون کسی در حمام استعمال نوره کرده باشد زیت یا
آرد بر بدن بمالد جواب فرمود بلی و از امام جعفر علیه
السلم سوال نمودند که در حمام بعد از نوره آرد بر بدن
مالیدن رواست و اسراف نیست فرمود آنچه صلاح
بدنست اسراف نیست اسراف تلف مالست در چیزی که
ببدن مضرت رساند پس سوال نمودند که اقتصاد چیست
جواب فرمود انکه نان با نمک خوری و بغیر آن توانایی

داشته باشی بس سوال کردند که اقتصاد چیست فرمود
انکه نان باگوشت خوری و باشیر و ریت نوبتی و با
روغن نوبتی **فصل چهارم** در تراشیدن سر و عانه و غیر آن
پیغمبر صلی الله علیه و آله امر فرمود بکسی که سر بتراش که جمال
تو می افزاید و امر فرمود بتراشیدن موی شکم و امیر المؤمنین
صلوات الله علیه نهی فرموده از تراشیدن قزع صبیان را
و قزع آنست که محلی تراشند و محلی بگذارند و مرویست
که پیغمبر صلعم امام حسن و امام حسین را علیه السلم در روز هفتم
سنت کرد و سر تراشید و بقدر موی ایشان نقره بصدقه
داد و عقیقه کرد از ایشان و عطا فرمود قابله را طوایف
آن و مرویست که چون سر تراشید از طرف پیشانی
بنیاد کنید و این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ
رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ اَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوْرًا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ و چون فارغ شود بگوید اللّٰهُمَّ زَيِّنِّي

بالتقوی

بِالتَّقْوٰى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى و امام جعفر صادق علیه السلم
فرمود که موی بینی بکنید که روی نیکو می نماید و پیغمبر
صلعم فرمود که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد
موی زهار نگذارد که زیاده از چهل روز شود و بر زنی
که ایمان بخدا و روز قیامت دارد حلال نیست که موی
زهار بگذارد زیاده از بیست روز مرویست از امام
جعفر علیه السلم که فرمود که کسی که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد موی زهار زیاده از یک هفته نگذارد و بهر
یکماه یکبار نوره نهد و زیاده نگذارند بس هر کس که
زیاده ازین بگذارد نماز ندارد و امام جعفر علیه السلم
می فرمودند که موی شیب بغل تراشیدن نیکوتر است
از بر کندن و بنوره طلا کردن بهتر از تراشیدن و
پیغمبر صلعم فرمود که دراز نگذارد یکی از شما موی زیر
بغل را بدرستی که شیطان محل پنهان شدن در زیر آن

شستن سر بخطمی

فرامیگیرد و پنهان می شود **فصل پنجم** در شستن سر بخطمی
و برگ کنار امام جعفر صادق علیه فرمود که شستن سر
بخطمی هر روز جمعه موجب امان از برص است و
جنون و درویشی می برد و رزق زیاده میکند و فرمود
که روی بشویید برگ کنار و کسی شکوه کرد بابی جعفر علیه
از خارش سر فرمود که آب مورد بگیر و در سرکه خم خوب
بکن و بر هم زن تا کف برآورد و در سر و ریش بمال
بمبالغه و بعد از ان روغن کنجد بمال **فصل ششم**

نوره نهادن

در نوره نهادن امام جعفر علیه السلم فرمود که کسی که
خواهد که نوره بنهد نزدیک بینی برد و بگوید اَللّٰهُمَّ
ارْحَمْ سُلَيْمَانَ ابْنَ دَاوُدَ كَمَا اَمَرَ بِالنُّوْرَةِ وچون این
دعا بخواند نوره او را نسوزد و پیغمبر صلعم فرمود که
کسی که بنوره طلا کند و بعد از ان حنا بنهد محفوظ باشد
از برص و جذام و خوره تا نوره دیگر و امیر المؤمنین

علی علیه السلم فرمود که در روز چهارشنبه نوره منهید که روز
نحس مستمر است و مرویست که نوره در روز جمعه موجب
برص است امام جعفر علیه السلم فرمود که حنا بعد از نوره
امان از برص و جذام است و مرویست که هر که بنوره
طلا کند و بعد از ان حنا نهد بر تمام بدن خدای تعالی درویشی
از و ببرد **باب چهارم** در ناخن و سبلت چیدن و اصلاح
ریش نمودن و نظر در آینه کردن و حجامت نمودن

ناخن و سبلت چیدن

و مانند آن و درین باب چهار فصل است **فصل اول**
در ناخن چیدن بامام علی رضا علیه السلم گفتند که مردمان
چنین می گویند که سبلت گرفتن و ناخن چیدن در
روز جمعه است فرمود سبحان الله بلکه هر روزی که
خواهند و پیغمبر صلعم فرمود که هر که روز جمعه ناخن
بچیند الله تعالی از سر انگشتان او درد بیرون برد
و دوا بدهد و امام جعفر علیه السلم فرمود که سبلت

کرفتن و ناخن چیدن و شستن سر بخطمی در روز جمعه
رزق می افزاید و فقر می برد و پیغمبر فرمود که کسی که
روز سه شنبه ناخن بچیند از سر انکشتان او درد بیرون
رود و دوا بد بد و امام جعفر علیه السلم فرمود که سبلت
کرفتن و ناخن چیدن در روز جمعه رزق می افزاید
و فقر می برد شخصی سوال کرد از حضرت عبد الله ابن
الحسن که تعلیم کن مرا چیزی از جهة طلب رزق فرمود
بکو اللّٰهُمَّ تَوَلَّ اَمْرِی وَلَا تُوَلِّ غَیْرَکَ آن شخص کوید
که این معنی را بعرض حضرت امام جعفر رسانیدم آن
حضرت فرمود تعلیم کنم ترا چیزی که در رزق از این
فایده اش پیش باشد کفتم بلی فرمود بکیر شارب
و بچین ناخن را در روز جمعه و پیغمبر فرمود که کسی که
روز سه شنبه و پنجشنبه ناخن و سبلت بچیند از درد
چشم و دندان محفوظ باشد و امام محمد باقر علیه فرمود که

درناخن

در ناخن چیدن روز جمعه بنیاد کنید از انکشت کوچک
دست چپ و تمام کنید بانکشت کوچک از دست راست
و سنت است که چون موی و ناخن و خون بکیرند در
خاک دفن کنند و امام جعفر علیه فرمود کسی که روز جمعه
بکیرد سبلت را و ناخن بچیند و بکوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ
عَلَی سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حق تعالی بهر قلامه و تاره موی
از ان او را ثواب آزادی بنده از فرزندان حضرت
اسمعیل کرامت فرماید و مریض نشود الا بمرض موت
فصل دوم در کوتاه کردن سبلت و کرد کردن ریش
و مانند آن پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود سبلت دراز
مکنید که شیطان در و پنهان می شود و هر کس که سبلت
نمی چیند از ما نیست و فرمود که سنت است از سبلت
برداشتن تا بلب نرسد و امام جعفر صادق علیه السلم
فرمود کسی که ریش او از یک قبضه دست بیش باشد

در آتش است و فرمود که از سعادتست سبکی ریش
و فرمود که عقل مردی توان آزمود بسه چیز درازی
ریش و نقش انگشتری و کنیت و امام محمد باقر علیه السلم
فرمود بحجاج که اصلاح ریش ایشان می کرد که مدور
سازد و مرویست که مردی نزد حضرت رسول صلعم
آمد و موی سفید در ریش او بود آنحضرت فرمود که
هر کس که پیر شود در اسلام او را نوری باشد در روز قیامت
و امام جعفر صادق فرمود که رواست کندن موی
سفید از ریش و پیغمبر صلعم نهی فرموده از انکه ریش را
روزی دو نوبت شانه کنند و آنحضرت ریش را شانه
می فرمود باب و حضرت صلعم در وصیت با علی علیه الصلوه
فرمود که چون نظر کنی در آینه بگوی اَللّٰهُمَّ کَمَا حَسَّنْتَ
خَلْقِي فَاَحْسِنْ خُلُقِي وَرِزْقِي و امام جعفر علیه السلم فرمود
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَصَوَّرَنِي اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي زَانَ مِنِّي

موی سر و ریش شانه کردن

مَاشَانَ مِنْ غَيْرِي وَاَكْرَمَنِي بِالْاِسْلَامِ **فصل سوم** در موی سر
و ریش شانه کردن حضرت امام علیه السلم فرمود که موی
سر را شانه کردن دفع وبا می کند و ریش را شانه کردن
دندانرا سخت میکند و از حضرت پیغمبر مرویست که فرمود
که هر که بکشد شانه را بر سر و ریش و سینه نزدیک نشود
او را خستگی و امام موسی بن جعفر علیهما السلم فرمود چون
ریش شانه کنید شانه را بر سینه بمالید که دفع غم و وبا می
کند و امام جعفر صادق علیه فرمود که هر کس که هفتاد
نوبت ریش را شانه کند و یکنوبه یک نوبت بشمارد
چهل روز شیطان نزدیک او نشود و پیغمبر صلعم فرمود
که کسی ایستاده ریش را شانه کند بقرض گرفتار شود و
امام جعفر صادق علیه فرمود که کسی که ریش بر آورد باید
که نیکو ترتیب کند تا کوتاه کند و فرمود در حمام ریش را
شانه مکنید که موی تنک می شود و فرمود که ریش را

شانه کردن درویشی و درد می برد و پیغمبر صلعم فرمود که
موی سر را بروغن چرب کردن تنگی می برد و سوال کردن
از امام جعفر علیه السلم از ظرف طلا و نقره که روغن در ان
باشد پس مکروه داشت آنرا پس گفتند که بعضی روایت
کرده اند که ابی الحسن را علیه آینهٔ بود که نقره پوشیده
بود فرمودند که نه والحمد لله بلکه بود آنرا حلقهٔ از نقره
و امام محمد تقی علیه التحیه والسلم فرمود که سر را شانه کردن
بشانهٔ عاج موی در سر می رویاند و کرم از دماغ می برد
و امام موسی علیه فرمود بپای ایستاده موی سر را
شانه مکنید که موجب ضعف دلست و نشسته موجب
قوت و فرمود پیغمبر صلعم که ریش را شانه کردن
از عقب هر وضو درویشی می برد فصل چهارم در حجامت
کردن امام جعفر صادق علیه السلم فرمود روزه دار
در غیر رمضان هر وقت که خواهد حجامت کند و اما

حجامت کردن

در رمضان

در رمضان هرگز سوزن در بدن نزد و خون بیرون نیاورد
الا وقتی که مضرت بوی رسد بعد از ان فرمود که حجامت
ما در ماه رمضان به شب است و حجامت ما در روز یکشنبه
و حجامت متوالی ما در روز دوشنبه و فرمود که بعد از
طعام حجامت بکنید زیرا که چون مرد سیر ست و حجامت
می کند خون و درد هم دو بیرون می آید و درد می ماند
و مرویست که امام جعفر صادق علیه السلم که حجامت می
کردند میفرمودند تا محجمه را بشویند و به بینند و یک انار
می خوردند و چون از حجامت فارغ می شدند انار
دیگر طلب می کردند و تناول می فرمودند و سوال
کردند از امام موسی کاظم علیه که چه بخورند بعد از
حجامت فرمود که کاشنی و سرکه و پیغمبر صلعم فرمود
که حجامت در روز سه شنبه هفدهم ماه و نوزدهم ماه
و بیست و یکم ماه موجب شفا از رنجهای تمام سالست

وفرمود که حجامت کنید روز پنجشنبه دهم ماه وسفدهم
ماه وبیست ویکم تا خون بسیاری نکند وسبب
نشود ونهی فرمود از حجامت روز چهارشنبه چون
آفتاب در عقرب باشد وامام جعفر صادق علیه السلم
فرمود که خون جمع می شود در محل حجامت روز پنجشنبه
پس چون وقت پیشین می شود متفرق می شود باید
که پیش از زوال حجامت کنید ونهی فرموده اند از
حجامت کردن در پیشین روز جمعه وفرمود که آیة
الکرسی بخوانید در هر وقت که خواسید حجامت بکنید
وپیغمبر صلعم فرمود که جبرئیل علیه السلم وصیت نمود مرا
بحجامت کردن بمرتبهٔ که گمان بردم که واجبست وفرمودند
که حجامت زیاده میکند عقل را وقوت حافظه را
وشکوه کرد کسی با امام علی رضا علیه السلم از جرب فرمود
که جرب از بخار کبد است بس فصد کن از پای راست

ودو درم روغن بادام شیرین بآش جو بخور وماهی
وسر که مخور بس چنان کرد صحیح شد والله اعلم باب
پنجم در بیان خضاب یعنی ریش ودست را حنا
نهادن وزینت وانگشتری وماننداینها ودرین باب
شش فصلست فصل اول در ترغیب بحنا پیغمبر صلعم
فرمود که ریش را رنگ کنید بحنا پس بدرستی که
دیده را روشن میکند وموی را می رویاند وبوی
دهن خوش میکند بدرستی که امیر المؤمنین علی علیه
فرمود که ریش رنگ بحنا کردن سنت است وکسی
نزد رسول صلعم آمد که ریش رنگ زرد کرده بود
آنحضرت فرمود که نیکوست پس باز آمد بحنا رنگ
کرده بود تبسم فرمود وگفت این نیکوترست پس
باز آمد سیاه کرده بود خنده فرمود که این نیکوترست
از آن هر دو وفرمود صلعم مر علی را که یا علی یکدرم

بخضاب صرف کردن نیکوترست از صرف هزار درم
بغیر آن در راه خدا چه دران فایده بسیار است دفع باد
از گوش میکند و چشم را روشن میکند و دماغ را نرم
می کند بوی دهانرا خوش می کند پای دندان محکم می
کند بوی بغل می برد و کثرت وسوسهٔ شیطانرا دفع
میکند و ملایکه را فرح می رساند مؤمنانرا خرم میکند
کافرانرا خشمناک می سازد و منکر و نکیر را بجیا می
آرد و در قبر خلاص می سازد و امام علی رضا علیه السلم
فرمود در خضاب ثوابست بدرستی که صورت خوب
زیاده می کند عفت و صلاح زنانرا چنانکه یکی از
شما زنرا بصورت خوب می بیند خرم می شود و
عفتش زیاده می شود و بدرستی که سلیمانرا هزار زن
بود در قصر سیصدش آزاد بودند و مهر کرده بودند
و هفتصدش کنیز بودند و در سر روز خضاب جهة

ایشان

ایشان پاکیزگی می کرد فصل دوم در خضاب سیاهی
روایت که مردی پیر ریش را سیاه می کرد و نزد
پیغمبر صلعم آمد مدح فرمودند و گفتند که نورست
و اسلام و ایمان و خرمی زنان و ترس در دل
دشمنان و جماعتی در رفتند بر امام علی ابن الحسین
علیهما السلم و ایشان وسمه می ساختند سوال از آن
نمودند جواب فرمودند که جهة ریش رنگ کردن
است چه پیغمبر صلعم در غزا امر فرمودند اصحاب را
که ریش سیاه کردند و امام محمد باقر علم فرمودند
که زنان دوست میدارند که زینت کنند بآنچه مردان
دوست میدارند که زنان زینت کنند فصل سوم
در خضاب حنا و کتم و آن گیاهی است که با رنگ
موی مخلوط می سازند و آن رسوبه است و خضاب
کردن زنان دست را و امام علی رضا علیه السلم

فرمودند که در خضاب ثوابست و زیادتی باه
و بدرستی که زن دوست میدارد که بیند از مرد
صورت و زینت خوب و زنان بنی اسرائیل که
از عفت و صلاح به فجور و فسق واقع شدند جهة
آن بود که شوهران ایشان زینت کم می کردند و
مرویست از یکی ائمة علیه السلام که سزاوار نیست زنانرا
که دست ایشان بی حنا باشد و اگرچه بمالیدن بران
باشد پیغمبر صلعم فرمود که حنا سید ریحان بهشتست
و قیام نمودن بحنا همچون کسیست که بجهة حرب در
راه خدا مهیا باشد و حنا خضاب اسلام است و
مؤمن را آراسته می گرداند و درد سر می برد و چشم را
روشن می سازد و از امیر المؤمنین علیه السلام روایت
که پیغمبر صلعم فرمود که خضاب کنید بحنا بدرستی که حنا
زیاده می کند جوانی و جمال و قوت باه و خوب

در بیان کراهیت خضاب در حال جنابت

رویی را و مباهات فرماید خدای تعالی بآن بر ملایکه
پس هرکه بمیرد با خضاب چون ملکین بر خضاب او
بینند یکی از ایشان بآن دیگری گوید که بیرون رو که
ما را برین بنده راه نیست **فصل چهارم** در بیان کراهیت
خضاب جنب و حایض را امام رضا علیه السلام فرمودند
که مکروهست ریش رنگ کردن در حال جنابت و
نیز فرمود که هرکه خضاب کند در حال جنابت یا جنب
سازد خود را پیش از برداشتن خضاب از بدی
شیطان در امن نباشد و امام جعفر علیه السلم فرمودند
که زن حایض استعمال حنا نکند اما زن زاینده رواست
و سوال نمودند از یکی ائمة علیهم السلام که رواست که زن موی
سر را بموی دیگری بپیوند کند جواب فرمودند که از
موی خودش رواست و از موی غیر او نه عمار ساباطی
گفت که گفتم با حضرت امام جعفر صادق علیه که مردم می

کویند که پیغمبر صلی الله علیه و آله لعنت کرد واصله و
موصله را فرمود بلی واصله و موصله فاجره و
قواده است و باکی نیست که موی را بموی خود وصل
کنند **فصل پنجم** در انگشتری و آنچه متعلق است بآن
امام رضا علیه السلم که خاتم حضرت امام جعفر صادق را
قیمت کردند بهفت پس برگرفت پدر من آنرا
بهفت گفتم هفت درهم فرمود که پدر من آنرا بهفت
دینار طلا ستد و امام جعفر علیه السلم فرمودند که انگشتری
پیغمبر صلعم از نقره بود که نوشته بودند در ان محمد رسول
الله کسی پرسید که نگین داشت آنحضرت فرمودند لا
و پیغمبر صلعم فرمودند که حق تعالی پاک نمی گرداند دستی
که در و انگشتری آهنین باشد و امیر المؤمنین علی علیه
فرمودند رسول الله صلعم منع فرمودند از انگشتری
طلا و از آب آشامیدن از ظروف نقره و مرو[illegible]

که امیر

در انگشتری

که امیر المؤمنین علی علیه السلم را چهار انگشتری بود
از نقره یکی به نگین یاقوت سبز در دست می کردند در
وقت تیر انداختن و دیگری به نگین عقیق سرخ در
دست می کردند جهة حفظ و دیگری بنگین فیروزج
در دست می کردند جهة ظفر و دیگری به نگین آهن چینی
در دست می کردند جهة قوت و نهی می فرمودند
شیعه را از انگشتری آهنین و فرمودند در وصیت
اصحاب را که کسی که در نقش انگشتری او اسم خدا باشد
از دستی که بآن استنجا می کنند تغیر کنند یعنی از دست
چپ بیرون کنند و در دست راست کنند و پیغمبر صلعم
فرمودند که انگشتری عقیق در دست کنید که تا آن
داشته باشید غم بشما نرسد و فرمودند که جبرئیل علیه
جهة من آورد از بهشت و گفت امت را امر کن باین
و فرمودند که انگشترین یاقوت نفی فقر می کند و امیر

المؤمنین علی علیهم السلم فرمودند که انگشترین عقیق
در دست کنید تا برکت یابید و از بلا در امان باشید
و شخصی شکوه کرد بحضرت رسول صلعم از دزدان
که او را آزرده بودند آنحضرت فرمودند که چرا
انگشترین عقیق در دست نکردی که آن نگاه میدارد
مرد را از هر آفتی امام جعفر صادق علیه السلم فرمود
فقیر نشود دستی که انگشتری فیروزج داشته باشد و مرویست
که در دست امام موسی کاظم علیه السلم انگشترین نقره بود
به نگین فیروزج نقش او الله الملک بود و می فرمودند
که این نگین را جبرئیل علیه السلم به هدیه جهة رسول الله
آورد و آنحضرت به امیر المؤمنین علی بخشید و نام او
بفارسی فیروزج است و به عربی ظفر و حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم گفت که بپوشید خاتم جزع یمانی را که کید شیطان را
دفع می کند و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند نگین

خوبت بلور و منقولست که انگشترین زمرد و
یاقوت زرد نفی درویشی میکند امام جعفر صادق علیه
فرمود نقش نگین پیغمبر صلعم محمد رسول الله بود
و نقش نگین علی علیه السلم الله الملک و نقش نگین
محمد باقر علیه السلم اَلْعِزَّةُ لله و مرویست که نقش نگین
امام جعفر علیه السلم اَنْتَ ثِقَتِي فَاعْصِمْنِي مِنْ خَلْقِكَ
بود و نقش نگین امام علی رضا علیه الصلوة والسلم
حَسْبِيَ اللهُ بود و نقش نگین علی نقی علیه السلم نِعْمَ الْقَادِرُ
بود و نقش نگین آدم لا اله الا الله محمد رسول الله
بود و نقش نگین ابرهیم علیه السلم شش حرف بود
که جبرئیل علیه السلم آورده بود در وقتی که او را در
منجنیق نهاده بودند و بآتش می انداختند و آن
شش حرف این بود لا اله الا الله محمد رسول الله
توکلت علی الله اَسْنَدْتُ ظهری الی الله فَوَّضْتُ

اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ لاحول ولاقوة الّا باللّه و(نقش) نگین سلیمان
علیه السلم سُبْحَانَ مَنْ اَلْجَمَ الْجِنَّ بِکَلِمَتِهٖ ونقش نگین موسی
علیه السلم این بود اِصْبِرْ تُؤْجَرْ اِصْدُقْ تَنْجُ وامام جعفر
صادق علیه فرمودند کسی که نقش نگین او آیتی از کتاب
اللّه باشد آمرزیده است ونقش نگین امام محمد باقر
این بود ظَنِّی بِاللّٰهِ حَسَنٌ وَبِالنَّبِیِّ الْمُؤْتَمَنِ وَبِالْوَصِیِّ ذِی
الْمِنَنِ وَبِالْحُسَیْنِ وَالْحَسَنِ ومرویست که انگشتری که در
دست کنید این دعا بخوانید اَللّٰهُمَّ سَوِّمْهُ بِسِیمَاءِ الْاِیْمَانِ
وَتَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَقَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا اَلْاِسْلَامُ
مِنْ عُنُقِی وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَهُ منقولست که چون جمعه اول
ماه رمضان بر نگین آهن صینی این نقش کند کعسلهون
لا اه لا الا الاولُ بِاللّٰه بدو سطر بجهت دفع علتها
نکوست فصل ششم در آرایش زنان بزیور امام محمد باقر
علیه السلم فرمودند که فاطمه علیها السلم سیدهٔ نساء اهل

ارایش زنان بزیور

فرن

جنت است ومقنعهٔ ایشان از دوش فرو آمده بود
و بیشتر دست را بوشیده وامام جعفر علیه السلم فرمودند
که مقنعه و دام که بدن را بپوشاند زن مسلمان باید
که بپوشد و فرمودند که سزاوار نیست که زن ترک
زینت کند اگرچه قلادهٔ باشد در گردن و امام محمد باقر
علیه السلم فرمودند که عادت پیغمبر صلعم آن بود که چون
بسفر می رفتند سلام و وداع می کردند بر هرکس تا بفاطمه
علیها السلم و از خانهٔ فاطمه روانهٔ سفر می شدند چون باز
می گشتند اول بخانهٔ فاطمه می فرمودند بعد از ان بدیگر
خانها پس یک نوبت از سفر باز گشته بودند بخانهٔ فاطمه
علیه السلم آمدند آنحضرت دو دست و رنجن نقره ساخته
بودند و در دست داشتند و یک پرده جهت در خانه
خریده بودند و آویخته پس پیغمبر صلعم چون آن برده
دیدند در ان محل بنشستند و بیرون فرمود فاطمه علیها السلم

بکریه افتاد و ملکدر شد و امیر المؤمنین حسن و امیر المؤمنین
حسین را علیهما السلم طلب نمود و دست برنجن از
دست برون کرد و پرده از در باز کرد و بایشان داد
و نزد حضرت رسول فرستاد که سلام من برسانید که
او از شماست حضرت پیغمبر صلعم امیر المؤمنین حسن و امیر
المؤمنین حسین را در کنار نشانیدند و بوسه دادند و فرمودند
که دست برنجن دو کانه شکستند و آن پرده را چند وصله
کردند و اصحاب صفه را از مهاجران که بغایت فقیر
بودند طلب نمودند و بایشان قسمت کردند و فرمودند
که خداوند جل جلاله رحمت کند بر فاطمه علیها السلم و در
عوض این لباس حلهای بهشت بوی دهد و مرویست
که سوال کردند از امام جعفر علیه السلم که چون کسی را دندانی
بیفتد جایز است که دندانی از طلا یا دندانی از گوسفند
بجای آن نهد فرمود بلی اگر دندان گوسفند مرده نباشد

والله اعلم

در تجمل بلباس

والله اعلم **باب ششم** در لباس و مسکن و آنچه بدان
متعلق است و درین باب ده فصل است **فصل اول**
در تجمل بلباس و کیفیت لباس و دعا در وقت پوشیدن
مرویست از امام جعفر صادق علیه که چون ابن عباس
از جانب امیر المؤمنین و امام المتقین علی ابن ابی طالب
علیه السلم به پیش خوارج میرفت پوشید بهترین جامها بوی
و به نیکوترین مرکوبها سوار شد و با ایشان موافقت کرد
و گفتند که ما خیال کردیم که تو یی خیر الناس چون در لباس
و مرکوبات بتجمل آمدی باز ابن عباس این آیت خواند
قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللهِ الَّتِي اخرج لعباده والطيبات
من الرزق پس فرمود لباس و تجمل بپوشید که الله
تعالی جمیلست و جمال دوست میدارد که از حلال باشد
و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که مردی بدر خانه
پیغمبر صلعم ایستاده که ایشانرا به بیند حضرت در کوزه آب

نظر می فرمودند و موی لحیه را راست می کردند و
بیرون فرمودند کسی سوال نمود که تو رسول خدایی
و سید ولد آدم روی و لحیه می آرایی جواب دادند
که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد که جون کسی نزد
برادر خود رود تجمل کند و امام علی رضا علیه الصلوة والسلم
فرمودند که یوسف نبی علیه السلم کمخا می بوشید و ازار
مذهب می بست و بر تخت می نشست و امام علی ابن
الحسین علیه در تابستان دو جامه می بوشیدند که بپانصد
دینار می خریدند و در زمستان جامه می بوشیدند و به
بنجاه دینار می فروختند و بصدقه می دادند و امیر المومنین
علیه السلم فرمودند باید که زینت کنید شما جهة برادری
که نزد شما اید همچنان که زینت می کنید از برای غریبی که
دوست میدارید که به بیند شما را بصورت خوب و
مرویست که جمعی از اهل خراسان آمدند نزد امام علی

رضا علیه الصلوة والسلم و گفتند که مردمان انکار تو می کنند
در این لباسهای فاخر که می بوشی جواب فرمودند که
یوسف علیه السلم ابن نبی بن نبی بن نبی بود و کمخا می بوشید
و ازار زربفت می بست و بجای فرعون می نشست و
بر امام واجبست که حکم عدالت کند و بوعده وفا کند
و سخن راست گوید شخصی از حضرت امام موسی علیه السلم
برسید از حال مردی که او را ده جامه باشد آیا این از
اسراف باشد یا نه فرمودند نه بلکه این نگاه داشتن
جامها لیکن اسراف آنست که جامهٔ نگاه داشت خود را در
مقام ترکی و جرکنی ببوشد امام جعفر صادق علیه السلم
جون جامهٔ نو می بوشید این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
ثَوْبَ یُمْنٍ وَبَرَکَةٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی فِیهِ شُکْرَ نِعْمَتِکَ وَحُسْنِ
عِبَادَتِکَ وَالْعَمَلَ بِطَاعَتِکَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اَسْتُرُ
بِهِ عَوْرَتِی وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ و امیر المومنین علی صلوات الله

فرمودند که کسی که راضی شد از دنیا بآنچه او را کافیست
قدر کفایت بآن وجهی که بوی میرسد واگر راضی نشد بآن
هیچ وقت نمی یابد آن قدر که او را بس باشد وامیر المؤمنین
وامام المتقین علیه الصلوة والسلم فرمودند طریق انبیاست
که پیراهن پیش از شیب جامه بپوشد ایستاده و روی
بقبله وایضا فرمودند که چون کسی جامهٔ نو بوشد وضو
سازد و دو رکعت نماز بگذارد و بخواند دران فاتحة
الکتاب و قل هو الله احد و آیة الکرسی و انا انزلناه
بعد از ان حمد خدای عز و جل کند و امام جعفر علیه السلام
فرمودند که اگر کسی جامه نو بپوشد و سی و پنج نوبت
انا انزلناه بر ظرف آب بخواند و بعد از ان آب بران
جامه پاشد رزق وی بسیار گردد تا آن جامه کهنه شود
و مرویست از حضرت امام علی رضا علیه السلم که چون جامهٔ
نوی پوشیدند قدحی آب میطلبیدند و ده نوبت سوره

انا انزلنا

انا انزلناه و ده نوبت قل هو الله احد و ده نوبت
قل یا ایها الکافرون بران میخواندند و آن آب بر
جامه می پاشیدند و می فرمودند که کسی که چنین کند در
عیش باشد تا آن جامه باقی باشد فصل دوم در پوشیدن
انواع لباس حضرت امام جعفر صادق نقل فرموده
از حضرت امیر المؤمنین که بپوشید جامهٔ پنبه بدرستی که
آن لباس حضرت رسول صلعم است و لباس ما و
ایشان موی و پشم نمی پوشیدند الا بضرورتی و فرمودند
که الله تعالی جمیل و نیکوست و دوست میدارد که
بیند اثر نعمت خود بر بندگان و فرمودند که کتان
از لباس انبیاست علیهم السلم و پیغمبر علیه السلم فرمود
هیچ لباس بهتر از سفید نیست پس آنرا بپوشید
فصل سوم در پوشیدن لباسی که در و ابریشم باشد
روایتست که امام زین العابدین علیه السلم را دراج

پوشیدن لباس

در پوشیدن لباس ابریشم

مبارک سرما زود تاثیر کردی و در زمستان لباسی که
از موی خز که جانوریست که در دریا می باشد که پوست
او پوستین سازند بافته بودند به هزار درهم یا بانصد
درهم خریدی وچون زمستان بیرون رفتی آن جامه را
فروختی وقیمت آنرا بصدقه دادی قُتَیبه بن محمد گوید
که از امام جعفر صادق علیه السلم پرسیدم که ما این لباس
خز می پوشیم وتار آن ابریشم است جایز باشد یا نه آن
حضرت فرمودند که باکی نیست چون ابریشم محض نیست
وفرمودند که امام حسین را علیه السلم آن روز که شهید
کردند جبه پوشیده بود وآن موی خز بود قتیبه بن
محمد گوید که ما جامهای صوف می پوشیم که موی آن
حیوانات مرده است این جایز است یا نه آنحضرت
فرمود که در پشم جان نیست نمی بینی که گوسفند باوجود
آنکه زنده است پشم او را می برند ومی فروشند و

روایت

روایت کرده اند که امام زین العابدین علیه السلام
در زمستان دو جامه می پوشید که قیمت آن اشرفی بود
ودر تابستان می فروخت وتصدق می کرد محمد بن
سعد روایت کند از امام جعفر علیه السلم که گفت پدرم
خز می پوشید که قیمت آن بانصد درهم بود چون
یکسال می گذشت جامه را بصدقه می داد گفتند یا امام
اگر بفروشی وقیمت آن بصدقه دهی بهتر نیست آنحضرت
فرمود که نماز کرده ام در آن نمی فروشم اولی آنست
که بمستحق دهم که آنرا بپوشد ونماز گذارد در روایتست
که شخصی از امام جعفر علیه السلم پرسید که پوست خز می توان
پوشید آنحضرت فرمود آری آن شخص گفت یا امام
خز را دیده ام مثل سگ آبیست آنحضرت فرمود که
چون بیرون آب نمی ماند باکی نیست روایتست که نزد
امیر المومنین علیه الصلوة والسلم چند حله خوب آوردند

امام حسین علیه السلام یک حله که خوبتر بود طلب کرد حضرت
امیر المؤمنین فرمود که دو حله عوض این میدهیم و تا
پنج حله عوض آن حله داد امام حسین علیه السلام آن
حله را طلب کرد آنحضرت حله را با امام حسین علیه السلم
داد و فرمود که تو این را می پوشی و مردمان ترا تعظیم
می کنند و ابن امیر المؤمنین می خوانند و دیگر آنکه یکبار
دیگر می پوشی چرکین می شود و ضایع می گردد و این
را می توان فروخت و پنج حله از بهای این خرید که
پنج مسلمان بپوشند روایتست از حضرت رسول
صلعم که چون اسامه بن زید را دید که لباس ابریشم
پوشیده بود فرمود که این لباس کسیست که او را نصیبی
از آخرت نباشد فرمود که او را چند بخش کرد و معجر
زنان ساخت روایتست از امام جعفر علیه که لباس
حریر جایز نیست پوشیدن و لیکن می توان فروخت

و در جنگ می توان پوشید و اگر چه دران صورت تنها بافته
باشند روایتست از حضرت امیر المؤمنین علی که فرمود
که حضرت رسالت صلعم مرا نهی کرد که انگشتری طلا در
دست کنم یا زین پوش سرخ بر اسب افکنم یا در رکوع
قرآن خوانم فصل چهارم در باب منع از افتخار و تکبر بلباس
خوب از امام جعفر علیه السلم روایتست که هر که بر روی
زمین به تکبر بلباس خوب رود لعنت کند زمین
بر و در زیر پای او روایتست از امام محمد باقر علیه السلم
که شخصی را دید سیاه رنگ که دو حله پوشیده بود یکی را
ردا ساخته و بدان جامه مباهات کنان می رفت
آنحضرت فرمود که این جبار است از [illegible] وصیت
حضرت رسالت است با بی ذر غفاری که فرمود یا
ابا ذر اکثر دوزخیان متکبرانند ابو ذر گفت یا رسول الله
کسی از کبر خلاص تواند یافت حضرت فرمود که آری

منع از افتخار و تکبر
بالباس

کسی که جامهٔ پشمین بوشد و بر خر سوار شود و کوسفند
بدست خود دوشد و همنشین شکستکان و محتاجان
باشد ای اباذر هر که آنچه از بازار خرد جهة اطفال خود
خود بردارد و بخانه آورد از تکبر خلاص باشد ای
اباذر هر که دامن خود را بر زمین کشد از روی تکبر
روز قیامت حق تعالی نظر برو نکند روایتست که امیر
المؤمنین علیه الصلوة والسلم روزی میرفت شخصی جامهٔ
دراز بوشیده بود بانک برو زد که جامهٔ خود را بردار
و بکذار که زمین اورا بخورد روایتست از حضرت
رسالت صلعم که بوی بهشت هزار ساله راه می توان
شنیدن و نشنود آن بوی را کسی که جامهٔ دراز بوشد
از روی تکبر زیرا که تکبر خاصهٔ خداست و هم روایتست
که فرمود سه کس اند که حق سبحانه و تعالی بدیشان نظر
التفات نکند اول انکه دامن بزمین کشد از روی تکبر

دوم

دوم انکه متاع خود را بدروغ فروشد سوم کسی که
صفای دل او ترا خواهد و او اعراض کند بواسطهٔ حسد
و کدورتهای نفسانی و آنحضرت فرموده که هرکاه که
امت من سایلانرا محروم سازند و به تکبر راه روند
حق تعالی سوکند یاد کرده که ایشانرا بایکدیکر کذارم
یعنی ایشانرا بفتنهٔ یکدیکر کرفتار سازم روایتست از
امام جعفر علیه السلم که فرمود که روزی امام زین العابدین
علیه السلم جامهای فاخر بوشیده از منزل بیرون آمد
و باز کشت و جامهٔ دیکر طلب کرد و آن جامها بیرون
کرد و فرمود که این جامها را بخانه بر که من چنان
بندارم که من علی بن الحسین نیستم و آنحضرت جون راه
رفتی مرغ بر بالای سر او بودی و بای راست ایشان
بر جب سبقت نکردی و از امام زین العابدین علیه
روایتست که جون بدن جامهای نرم بوشید سرکش

می شود و روایتست که امام جعفر علیه السلام فرمود که
جامهٔ امیر المومنین را دران جامه شهید کرده بودند
روزی برون آورد و ملاحظه نمود دامن او دوازده
شبر و آستین او سه شبر بود و امام جعفر فرمود که حضرت
امیر دو پیراهن می خرید و غلام را می فرمود که هر کدام
که تو میخواهی اول جهت خود بردار و یکی خود می پوشید
و آستین آن قدر که دراز بودی می برید و چون می پوشید
شکر خدا بسیار کفتی روایتست که روزی حضرت
امیر المؤمنین صلی الله علیه وآله سه جامه خرید هر یک اشرفی
پیراهنی و لنگی و ردایی بعد از ان سر سوی آسمان کرد و
شکر حق سبحانه و تعالی کرد تا آنزمان که بخانهٔ خود رفت
فرمود که لباس لایق ما اینست لیکن این زمان اگر
بپوشیم مردمان ما را دیوانه خوانند یا گویند که ریا
می کنند روایتست از امام جعفر صادق علیه که فرمود که

پدرم دو جامهٔ خوب داشت چون نماز کردی پوشیدی
و چون از حق تعالی حاجتی خواستی آنرا پوشیدی و هم
فرمود که روزی مرتضی علی علیه السلام خطبه میخواند و
جامهٔ آنحضرت کرباس غلیظ بود چنان کهنه که بعضی
جایهای آنرا پینه پارهٔ صوف کرده بودند کسی سوال
کرد که یا امیر المؤمنین چرا چنین کردهٔ فرمود که درین
لباس خشوع و خضوع زیاده می شود و مؤمنان
پیروی می توانند کرد روایت کند عبدالله عباس
که چون از بصره باز گشتم و بیت المال آوردم در کوفه
در آمدم حضرت امیر المومنین را دیدم ایستاده در بازار
و خود منادی میکرد که ای مردمان هر کرا بینم بعد ازین
که ماهی که بی فلوس باشد و ماهی مرده بر روی آب و مار
ماهی فروشد او را ادب بلیغ نمایم بدین دره نزدیک
حضرت امیر المؤمنین رفتم و سلام کردم آنحضرت جواب

من داد و برسید احوال من و دیدم که شمشیر خود را آن
حضرت بمنادی داد که بهفت دینار فروخت و
چهار دینار را و را پیراهنی خرید و دو درم بصدقه داد
و به یک درم مرا سه روز مهمانی کرد روایتست که امام
جعفر صادق علیه السلم جبهٔ پشمینه و دو پیرهن کرباس
درشت می پوشید کسی سبب آن برسید فرمود که پدرم
دیدم چنین می کرد و ما مرکاه که نماز می گزاریم درشت
ترین جامهای پوشیم روایتست از امام رضا علیه السلم
که پیغمبر صلعم فرمود که پنج چیزاست که تا مردن ترک آن
نکنم خوردن بشرکت غلامان و سواری خر پالان
کرده و دوشیدن بز بدست خود و پوشیدن پشمینه
و سلام بطفلان تا از من این سنت در امت باقی ماند
فصل پنجم در ته کردن جامه و پاکیزگی آن ابو جعفر علیه
فرمود ته کردن جامه راحت جامه یعنی باقی ماندن

ته کردن جامه

در

اوست و نیز فرمود که جامهٔ پاک دشمن را مغموم می
سازد و روغن مالیدن اندوه را می برد و سر شانه
کردن و با را می برد و محاسن شانه کردن دندانها را
محکم می کند و از حضرت امیر المؤمنین مرویست که
شستن جامه ملال را می برد و جهة نماز پاکیزه می سازد
و پیغمبر فرمود که مرکه جامه دارد باید که پاک نگاه دارد
فصل ششم در مکروه بودن لباس شهرة از امام جعفر
علیه السلم روایتست که همین بدبختی بس باشد کسی را که
جامه جهت شهرة پوشد و سوار شود که جهة شهرة شود
و فرمود که دشمن میدارد خدای تعالی لباس شهرة را
روایتست که عباد بصری پیش امام جعفر علیه السلم آمد
و جامها جهت شهرة پوشیده بود امام فرمود که این
چه جامهاست عباد گفت یا امام عیب می فرمایی مرا
بجهة این جامها امام فرمود بلی پیغمبر فرمود که مرکه در

کراهت لباس شهرت

دنیا جامها امام فرمود بلی پیغمبر صلعم فرمود که هر که در
دنیا جامهای شهرة بوشد او را در آخرت حق تعالی
جامهای مذلت بوشاند روایت از امام موسی علیه
که نزد او دشمن تر از جامهٔ شهرت نبود چون جامهٔ
نو خریدی آنرا در آب فرو بردی تا طراوت او شکسته
شود و بعد از ان بوشیدی **فصل هفتم** در دستار و طاقیه
پیغمبر فرمود که دستار بر سر ببندید که حلم زیاده کند
روایتست که پیغمبر صلعم دستار امیر المؤمنین صلی الله علیه و آله
بست و از پیش گوشهٔ ردا آویخت و از عقب کوتاه
کرد و فرمود که چنین است دستار فرشتگان روایت
از امام موسی علیه السلم که من ضامنم که هر که بسفر رود
تحت الحنق بندد از سه چیز ایمن باشد از سوختن و
غرق شدن و دزدان دعایی که در وقت دستار بستن
خواندی اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ الْاِيمَانِ وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ

دستار و طاقیه

الکرامة

الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيمَانِ
مِنْ عُنُقِي وسنت است که دستار را ایستاده بندند
با تحت الحنق روایتست که امام زین العابدین علیه السلم
طاقیهٔ خز بر سر نهاده بود و آستر آن سمور بود روایتست
که پیغمبر صلعم طاقیهٔ یمنیان و طاقیهٔ سفید مصریان و
طاقیهٔ دو گوشه دار بر سر مبارک نهادی در حرب
روایتست که امام موسی کاظم علیه السلم جهة خود طاقیهٔ
فرمود و گفت می باید که بناخن در و چینها ساخته باشد
بوشم **فصل هشتم** در موزه و کفش روایتست که پیغمبر و
امیر المؤمنین صلی الله علیهما موزه بوشیدندی نقلست
که امیر المؤمنین در سفر سنوز شب باقی بودی که سوار
شدی شبی چون اختیار سفر افتاد موزه بوشید
خواست که موزهٔ دیگر بوشد مرغی از آسمان فرود آمد
و آن موزه را برد چون روز شد موزه را انداخت

موزه و کفش

در اندرون ماری بود روایتست که موزهٔ سیاه بوشیدن
سنت است وفرمود که موزهٔ سرخ شعار جبارانست
وسفید طریق بادشاهانست وروا که در سفر موزه
بوشیدن ممنوع نیست وامام جعفر علیه السلم فرمود که
مداومت بر بوشیدن موزه امانست از جذام برسیدند
که یا امام در زمستان یا در تابستان فرمود هر دو و
امام محمد باقر علیه السلم فرمود بوشیدن موزه جهة
حفظ ونور چشم خوبست ومنقولست که روزی پیغمبر
صلعم برخاست شخصی پیش آنحضرت کفش آنحضرت نهاد
آنحضرت دعا کرد که اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَبْدَکَ هٰذَا اَتَقَرَّبُ
اِلَیْکَ فَقَرِّبْهُ وراوی می کوید کمان بردم که کفت که
وَاَدْنِهِ وکفته اند که روزی آنحضرت مضمضه فرمود
وآن آب را در ظرفی ریخت شخصی برجست وآن آب را
خورد حضرت دعا کرد که اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَبْدَکَ تَحَبَّبَ

اِلَیْکَ فَاَحِبَّهُ سنت است که او کفش بپای راست بوشند
ودر وقت بیرون کردن اول از پای چپ ودعایی
که در کفش وموزه بوشیدن خوانند اینست بِسْمِ اللّٰهِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَطِئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ
وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْاَقْدَامُ وچون کفش
بیرون کند ایستاده این دعا بخواند که بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
اَلَّذِی رَزَقَنِی مَا اُوَقِّی بِهٖ قَدَمَیَّ مِنَ الْاَذٰی اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا
عَلٰی صِرَاطِکَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِکَ السَّوِیِّ در کتاب
طب الائمه علیهم السلم آورده است که کفش سیاه نبوشند
وکفش زرد بوشند که کفش سیاه بوشیدن شعار جبارانست
وکفش زرد بوشیدن طریق انبیاست وموجب سرور
خاطراست سنان ابن سدیر نقل میکند که بخدمت
حضرت امام جعفر رفتم با کفش سیاه آنحضرت فرمود
چرا کفش سیاه بوشیدهٔ نمی دانی که در ان سه خصلتست

بصر را ضعیف می کند و مردی راست میکند و غم می
آورد و با این طریق چهار انست کفش زرد بپوش
که در وسه خصلت نقیض آنست و طریق پیغمبرانست

در مسکن

فصل نهم در مسکن و آنچه بدان متعلق است روایت است
از پیغمبر که فرمود سعادت مرد چهار چیز است و شقاوت
او چهار است اول چهار چیز که سعادتست آنست که زن
صالحه و خانهٔ گشاده و همسایهٔ خوب و مرکوب خوب
و چهار که شقاوتست عکس چهار اول و مرویست که
بلندی بنای خانه می باید که زیاده از هفت ذرع
نباشد و در بعضی روایتها از هشت ذرع اگر زیاده
باشد مسکن جن شود مگر آیة الکرسی نویسند که جن
منزل نکند و مستحب است که چون بنایی کنند گوسفندی
ذبح کنند و فقرا را ضیافت کنند و این دعا بخوانند
اَللّٰهُمَّ اُدْحُرْ عَنِّی وَعَنْ اَهْلِی وَوَلَدِی مَرَدَةَ الشَّیَاطِین

وبارك لي

وَبَارِكْ لِي فِيهِ نُزُولِي که آن خانه مبارک گردد انشاء
الله تعالی و جاروب کردن سبب زیادتی رزق است
در حدیث است که غسل کاسه و کوزه و جاروب کردن
خانه موجب زیادتی رزق است روایتست که چون
تابستان از خانه بیرون روند باید که روز پنجشنبه
بیرون روند و چون زمستان بخانه روند روز جمعه
روند و عبدالله عباس روایت کند که پیغمبر صلعم
شب جمعه در تابستان بیرون آمدی و شب جمعه
در زمستان درون رفتی و سنت است که در خانه
کبوتر نگهدارند و گوسفند که دفع شیطانست و
زیادتی برکت و روایتست که در خانه سه چیز می باید
که باشد خروس و کبوتر و گربه و مرویست که
خروس سفید در خانه دفع شر سحر و کهانت و کفراست
حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که در خروس

پنج خصلت پیغمبران ست شناختن اوقات نماز و
شجاعت وسخاوت وغیرة کثرت مجامعت فصل دهم
در فرش وآنچه بدان متعلق است روایتست که شخصی
بمنزل حضرت امام محمد باقر علیه السلم رفت در انجا فرشها
وجامخواب وامثال آن دید پرسید اینها چیست آن
حضرت فرمود که اینها تعلق بزنان دارد وهمچنین
روایت کند که امام حسین صلی الله علیه وآله شخصی در
منزل آنحضرت فرشهای خوب ومانند آن دید وتعجب
کرد آنحضرت فرمود که ما کابین زنان خود بایشان
داده ایم وایشان جهت خود این چیزها خریده اند
روایتست از امام محمد باقر علیه السلم که امیر المؤمنین
چون فاطمه را نکاح کرد فرش پوست گوسفند بود
وبالش ایشان پر از لیف خرما وچوبی افراشته بودند
ومشک آب بران آویخته وپرده بران پوشیده

ومنقول

ومنقولست که کسی گفت شنیده ام از مقتدای انام
امام ابی عبد الله که فرمودند که رسول صلعم فاطمه را
بعلی علیه السلم داد وچادر او از عبای پشمین بود
وفرش خانه از پوست وبالش او پوستی بود پر
از لیف خرما ودر کتاب موالید الصادقین منقولست
که رسول صلعم دران دو ماه که از زمان هجرت فرموده
بودند در خانه بود که پوست در اهک نهاده وبرگ
درخت سلم جهة دباغه در آنجا بود وآن حضرت خوابیده
بودند بر حصیری واثر آن بر پهلوی مبارک ایشان
ظاهر بود پس کسی در انجا رفت چون بوی پوست
شنید گفت یا رسول الله این بوی چیست فرمودند
که از متاع این قبیله است باز گفت که من گواهی
میدهم که تو رسول خدایی ونزد حق سبحانه وتعالی
گرامی تر از قیصر وکسری چرا تو بر حصیر میخوابی که اثر

آن بر پهلوی تو پیداست و ایشان از امتاع دنیا بسیار
مست آنحضرت صلعم فرمودند که چرا راضی نباشیم بانکه
ایشانرا دنیا باشد و مرا آخرت و منقولست که کسی
سوال کرد از امام ابی عبدالله که تختی که در و طلا باشد
جایزاست که در خانه نگاه دارند یا نه آنحضرت جواب
فرمودند که اگر عین طلا باشد جایز نیست و اگر آب طلا
باشد جایزاست و مرویست هم ازان حضرت که فرمودند
که گاه مست که بنماز متوجه می شوم و در پیش روی من
بالش که بصورت مرغان منقوش بود از جانب شام
برسم هدیه جهة من آوردند بس امر کردم که صورت سر
آن مرغان تغیر کردند و باقی بصورت درخت شد و
مرویست که کسی سوال نمود از حضرت امام ابی عبدالله
ازصورت آفتاب و ماه فرمودند که جایزاست اگر
صورت حیوانات دران نباشد و مرویست که کسی

ازان

ازان حضرت سوال نمود معنی تماثیل که در آیهٔ کریمهٔ
یَعْمَلُونَ لَهُ مَا یَشَاءُ مِن مَحَارِیبَ وَتَمَاثِیلَ وارد است
جواب فرمودند که مراد صورت درختانست و مانند
آن و منقولست که کسی گفت مر حضرت امام را علیه السلام
که در خانها بالشهائی وفرشها افکنند که دران صورتها نقش است
آیا جایزاست جواب فرمودند که بر زمین افکنند و
پای بران نهند جایزاست و اگر بر دیوار و تخت افراشته
می کنند جایز نیست باب هفتم در آداب طعام خوردن
و آب آشامیدن و آنچه بدان متعلق است و درین باب
سیزده فصلست فصل اول در فضیلت طعام و مهمانی کردن
و روزهٔ سنت داشتن حق تعالی می فرماید وَمَا أَنفَقْتُمْ
مِنْ نَفَقَةٍ شیٔ فهو یخلفه یعنی هرچیز که شما خیر و صدقه می
کنید خدا عوض آن بشما می رساند و مدح می فرماید کسی که
اندک طعامی داشته باشد با وجود حاجت بدیگری بصدقه

در آداب طعام خوردن و آب آشامیدن

دهند که ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة
و رسول صلعم فرمودند که ایمان بخدا ندارد کسی که خود
را سیر کرداند و برادر او کرسنه باشد و ایمان بخدا ندارد
کسی که خود را بوشاند و برادرش برهنه باشد و فرمودند
که کسی که یقین دارد بانکه هرچه صدقه می کند عوض بوی
میرسد نفس او سخی میشود و مرویست که امیر المؤمنین
علی علیه السلم فرمودند شنیدند که مردی کفت عذر کناه
بخیل کمتر است از ظالم بس فرمودند که دروغ می کویی
ظالم کاه هست که توبه می کند و مظالم به صاحبان میدهد
و بخیل زکوة و صدقه نمیدهد و با خویش بیوئی ندارد
و مهمانی و خیرات در راه خدا نمی کند و حرامست که بخیل
بهشت رود و منقولست که امام جعفر صادق علیه السلم
فرمودند که خلاصی در آخرت بانست که بهر کس طعام
دهند و سلام کنند و در شب نماز کذارند و فرمودند

که اگر کسی هزار دینار صرف طعام کند و یک مؤمن ازان
بخورد اسراف نیست و منقولست که رسول صلعم
فرمودند که هرکس که بخدا و روز قیامت ایمان دارد
مهمانرا باید که کرامی دارد و اکر سخن کند خیر بکوید یا
خاموش شود حضرت امیر المؤمنین علی علیه الصلوة
فرمودند که اول جیزی که در آخرت ثواب آن میدهند
صدقه است و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند
که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد که جکر کرم باب
خنک کنند و هرکس که بجان داری آب دهد خدای تعالی
او را در سایهٔ عرش نکاه دارد در روز قیامت و فرمودند
که هرکه آب بکسی دهد در جایی که آب باشد ثواب آزادی
بندهٔ دارد و در جایی که آب نباشد ثواب زنده
کردن مرده دارد و فرمودند که نیکوترین اعمال نزد
خدای تعالی مؤمن کرسنه را سیر کردنست و مشقت ازو

برداشتن وقرض او ادا نمودن ومنقولست از
موسی ابن جعفر صلوات الله علیهما که فرمودند که کسی که
توانایی نداشته باشد که نیکویی بما کند نیکویی بدرویشان
شیعهٔ ما کند وکسی که توانایی نداشته باشد که زیارة
قبر ما کند زیارة قبر برادران صالح ما کند واز امام جعفر
صادق علیه السلم نقل فرمودند که رسول صلعم فرمود
که ثواب صدقه ده است وثواب قرض هشده و
نیکی به برادران بیست وخویش وپیوند بیست وچهار
ونقل فرمودند که حق سبحانه وتعالی فرموده که بهر
عبادتی ملکی کماشته ام که فرا می گیرد الا صدقه که بدست
خود می گیرم واگر کسی دانهٔ خرمایی صدقه کند آنرا افزون
میکنم وبزرگ می شود بمقدار کوه احد وفرمودند
که چون خواهد که سعادت وشقاوت مرد بدانید
بنگرید که چون خیر میکند اگر بمستحق میکند بدانید که

خیراست واگر بغیر مستحق کند بدانید که نزد خدا نیکو
نیست وفرمودند که نیکوترین شما کسی است که سخی
باشد وبدترین شما کسی است که بخیل باشد وفرمودند
که نیکویی با برادران وسعی در حاجات ایشان از ایمانست
وجوانی کهنه کار بخشنده نزد باری تعالی نیکوترست
از پیر عابد بخیل وپیغمبر صلعم فرمودند که هر کس که بجای
آورد آنچه خدای تعالی فرض کرده سخی ترین مردمست
ومرویست از امام محمد باقر علیه السلم که فرمودند که نیکی
وصدقه دفع درویشی میکند ودر عمر می افزاید ودفع
می کند هفتاد نوع مردن بد را ومنقولست از رسول
صلعم که فرمودند که صدقه به پنهانی آتش غضب خدا را
می نشاند وامیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم فرمودند که
نیکوی کنید آنچه رسول صلعم فرمودند که هر بندهٔ که
از کسی طلبی کند بی آنکه حاجتی داشته باشد خدا او را

در دنیا محتاج گرداند و در آخرت بآتش جزا دهد و
مرویست که امام زین العابدین علیه السلم در روزی که
روزه داشتندی امر می فرمودند بکشتن گوسفندی و
می پختند و آنرا بمردمان بخش می فرمودند پس نان
و خرما طلب می فرمودند و بآن افطار می کردند و
امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که هرکه روزه
داری را روزه بگشاید بقدر ثواب او ثواب داشته
باشد و پیغمبر صلعم فرمود که ایمان بخدا ندارد کسی که در
ماه رمضان سیر باشد و همسایهٔ او سخت گرسنه باشد
و فرموده که هر کس که در رمضان روزهٔ مومنی بگشاید
از گناه آمرزیده می شود و ثواب آزادی بنده دارد
پس جماعتی گفتند تمامی ما قدرت بر ضیافت روزه
داران نداریم آنحضرت فرمود که این نیز ثواب دارد
که کسی آب و تا خرمایی یا جرعهٔ از شیر بروزه دار دهد

و مرو

و مرویست که پیغمبر صلعم فرمودند که روزه سیاه می کند
روی شیطانرا و صدقه پشت او می شکند و دوستی با
مومنان از برای خدا و مدد ایشان در عمل صالح او را
نیست میکند و توبه جدا می گرداند رگ گردن او را
و فرمودند هر چیزی را زکاتیست زکوة بدن روزه
داشتن است و فرمودند مرد روزه دار دایم در
عبادتست گرچه بخواب باشد مادام که غیبت
مسلمانان نکند و فرمودند که حق سبحانه و تعالی
فرموده که روزه جهت رضای منست و جزای او
نیکو میدهم و فرمودند که روزه دار را دو فرحست
یکی نزد روزه گشودن و یکی نزد یافتن رحمتهای
خدا و بخدا سوگند که بوی دهان روزه دار نزد حق
سبحانه و تعالی خوشتر است از بوی مشک و از امام
جعفر صادق علیه السلم مرویست که پیغمبر صلعم در اوایل

حال چندان روزه میداشتند که مردم می گفتند ایشان
افطار نمی نمایند و بعد از ان چندان افطار میفرمودند
که مردم می گفتند ایشان روزه نمیدارند و بعد از ان
مدتی یکروز روزه میداشتند و یک روز افطار می
فرمودند بعد از ان روزه میداشتند دوشنبه و پنجشنبه
بعد از ان چنان شد که از هر ماهی پنجشنبه اول و چهار
شنبه میانه و پنجشنبه آخر روزه میداشتند و فرمودند
که این سه روز ثواب روزهٔ تمام سال دارد و امام
جعفر صادق علیه السلم فرمودند که هر کس که این سه روز
از ماه روزه دارد از وسوسه خلاص شود چون بروزه
باشد باید که با مردم کینه و مجادله نکند و بسو گند دلیر نباشد
و اگر کسی با و ناملائمی رساند تحمل نماید و از ان حضرت
سوال کردند که این سه روز از ماه بروزه نتواند رفت
فدایه چه فرمودند که هر روزی مدّی از طعام بصدقه

دهد

دهد و فرمودند که روزه داری که نزد برادر خود رود
و افطار کند و نگوید که بروزه ام که منت بر وی باشد
الله تعالی ثواب یکساله روزه بوی دهد و پیغمبر صلی الله علیه و آله
زمانی که روزه می گشودند این دعا می خواندند اَللّٰهُمَّ لَکَ
صُمْتُ وَعَلیٰ رِزْقِکَ اَفْطَرْتُ **فصل دوم** در آداب دست
شستن در کتاب من لا یحضره الفقیه منقولست که پیغمبر صلعم
فرمودند که هر کس که خواهد که برکت طعام او بسیار باشد
وقت طعام خوردن دست بشوید و فرمودند که دست
شستن پیش از طعام فقر می برد و بعد از طعام گنا
صغیره زداید و بصر می افزاید و امام جعفر صادق علیه السلم
فرمودند که هر کس که پیش از طعام دست بشوید و بدستمال
دست خشک نکند تا دست او تر باشد طعام برکت باشد
و فرمودند که در دست شستن پیش از طعام بنیاد کنند
بصاحب خانه و از طرف راست او و بعد از طعام از

در آداب دست شستن

طرف جب او بنیاد کنند و فرمودند که ملایکه طلب
آمرزش میکنند جهة کسی که در آخر طعام خوردن انگشت
بلیسد و فرمودند هر کدام از شما که دست بشوید بعد از
طعام و دست تر در چشم بمالد موجب امن از درد چشمست
و در کتاب موالید الصادقین منقولست که پیغمبر صلعم چون
دست می شستند بعد از طعام دست تر بر روی می مالیدند
و این دعا می خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا وَ اَطْعَمَنَا وَ
سَقَانَا وَ کُلَّ بَلَاءٍ اَبْلَانَا صَالِحٌ اَوْلَانَا فصل سوم در آداب
طعام خوردن و آنچه بدان متعلقست از طب ائمهٔ
معصومین علیهم السلم مرویست از امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم
که فرمودند وقتی که طعام خورید یاد خدا کنید و سخن بی
فایده مگویید چه طعام نعمت خداست و واجبست بر شما
که نزد نعمت شکر و حمد خدا کنید و صحبت او نیکو دارید
بدرستی که نعمت می رود بنزد خدا و گواهی میدهد بآنچه

در آداب طعام خوردن

صاحب آن کرده و فرمودند که چون کسی از شما طعام
خورد بادب نشیند و بر زمین طعام بخورد و مربع
ننشیند زیرا که خدا از ان خشم میکند و قهر می فرماید
و امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که دراز کنید زمان
نشستن بر خوان طعام را زیرا که آن ساعتیست که بر
عمر شما نمی شمرند و در کتاب من لا یحضره الفقیه منقولست
بروایت امام جعفر صادق که از امام حسن ابن علی علیهما
السلم که فرمودند در طعام خوردن دوازده خصلت
سزاوار است که هر مسلم بداند چهار از ان واجب شناختن
حق سبحانه و تعالی و رضای او و نام خدا بردن و شکر
او کردن و چهار سنت دست شستن پیش از طعام
و نشستن بطرف چپ و طعام خوردن بسه انگشت
و لیسیدن انگشتان و چهار از آدابست خوردن از
طرف خود و لقمه کوچک ستدن و نیک جاویدن

وکم نگریستن بروی مردم ومنقولست که کسی در مدینه نزد
امام محمد باقر علیه السلم رفت وخوان طعام حاضر بود
سوال نمود که آداب خوان چیست فرمودند که چون
بزمین نهی بسم الله بگو وچون برداری حمد خدا بگو و
برچین آنچه برحوالی خوان ریخته باشد ومرویست که
کسی گفت نزد امام علی نقی طعام میخوردم چون فارغ
شدم وخوان برداشتند غلام برمی چید طعام ریخته
آنحضرت فرمودند که چون طعام خورید اگر در صحرا
باشد بگذارید آنچه ریخته باشد اگرچه ران گوسفندی
باشد واگر در خانه باشد برچینید وحضرت امام رضا
از آبا واجداد خود از حضرت رسول علیه السلم نقل
فرموده که آنچه از خوان می ریزد کابین حور العین است
ومنقولست که امام جعفر صادق علیه السلم مکروه میداشتند
که بدست چپ طعام خورند یا آب آشامند یا چیزی بردارند

ومرویست از امیر المؤمنین علیه السلم که فرمودند چون
طعام خورید ابتدا به نمک کنید واگر مردم بدانستندی
فایدهٔ آن مرآینه اختیار کردندی بر تریاق مجرب
وامام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که در طعام
خوردن ابتدا میکنیم به نمک وختم میکنیم بسرکه حضرت
پیغمبر با امیر المؤمنین علیه السلم فرمود که یا علی در وقت
طعام خوردن بنیاد کن بنمک وختم کن به نمک که در
نمک شفاست از هفتاد درد از آن جمله جذام وجنون
ودرد گلو ودرد دندان ودرد شکم وپیغمبر صلعم فرمود
که نیکو نان خورشی است سرکه فقیر نباشد در خانه که سرکه
باشد وفرمود که چون خوان طعام حاضر میکنند چهار
ملک باوی حاضر می شوند وچون بندگان بسم الله
میگویند ملایکه بشیطان خطاب می کنند که ای فاسق
برون شو که ترا اینجا راه وحکم نیست وچون فارغ

می شوند والحمد لله می گویند ملایکه میگویند این جماعتی
اند که حق سبحانه و تعالی نعمت بایشان داد و شکر کردند
و اگر بسم الله نمیگویند ملایکه شیطان میگویند که ای
فاسق نزدیک شو و با ایشان طعام بخور و چون بعد
از فراغ حمد خدای گویند ملایکه می گویند این جماعتی اند
که خدا بایشان نعمت داد و خدا را فراموش کردند
و مرویست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرمودند
که هر کس که طعام خورد و بسم الله بگوید ضمان او میشوم
که الم نیابد رییس خوارج گفت یا امیر المؤمنین من
دوش طعام خوردم و بسم الله گفتم و الم بمن رسید از طعام
آنحضرت فرمودند که تو چند نوع طعام خورده و نزد
بعضی بسم الله گفته و نزد بعضی نگفته ای ملعون و مرویست
که امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که هر کس که فراموش
کند گفتن بسم الله با نواع طعام بگوید بسم الله علی اوله و

آخره

آخره و فرمودند که در هیچ وقت مرا طعام تخمه نشد زیرا
که در اول بسم الله و در آخر الحمد لله گفتم و فرمودند که شکم
چون سیر شد طغیان و نافرمان برداری خدای کند و
و مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلم که با امیر المؤمنین
حسن فرمودند که ای پسر من هر لقمه از طعام گرم و سرد
که خوری و هر جرعه آب که آشامی پیش از ان بگو اَللّهُمَّ
اِنّی اَسْأَلُکَ فِی اَکْلِی وَشُرْبِی السَّلَامَةَ مِنْ وَعْکِهِ وَالْقُوَّةَ
بِهِ عَلَى طَاعَتِکَ وَذِکْرِکَ وَشُکْرِکَ فِی مَا بَقِیَتُهُ فِی بَدَنِی
وَاَنْ تُشَجِّعَنِی بِقُوَّتِهَا عَلَى عِبَادِکَ وَاَنْ تُلْهِمَنِی حُسْنَ التَّحَرُّزِ
مِنْ مَعْصِیَتِکَ پس بدرستی که چون این دعا بخوانی
از زحمت و الم آن طعام ایمن شوی و مرویست که
علی بن العابدین علیه السلم چون طعام میخوردند می گفتند
اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی اَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَکَفَانَا وَاَیَّدَنَا وَآوَانَا
وَاَنْعَمَ عَلَیْنَا وَاَفْضَلَ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی یُطْعِمُ وَلَا یُطْعَمُ

از کتاب طب الائمه منقولست که امام جعفر صادق علیه
فرمودند که وقتی که براه روید طعام مخورید مگر که مضطر
باشید بآن و در کتاب بصایر منقولست که عاصم گفت
که با جماعتی بحج می رفتیم پس بمدینه بجای فرود آمدیم
امام موسی کاظم علیه السلم را خواستند که مهمانی کنند پس
طشت و آب آوردند و ایشان دست شستند و از طرف
راست ایشان طشت گردانیدند تا تمام مردم دست
شستند بعد ازان نمک آوردند و فرمودند که بخورید
و بسم الله الرحمن الرحیم بگویید بعد ازان سرکه آوردند
بعد ازان شانه گوشت بریان کرده آوردند و فرمودند
که بخورید و بسم الله الرحمن الرحیم بگویید بدرستی که این
طامیست که پیغمبر صلعم دوست میداشت و بعد ازان سرکه
و زیت آوردند و فرمودند بخورید و بسم الله بگویید
که فاطمه علیه السلم این را دوست میداشت بعد ازان

اش

اش سرکه آوردند و بدستور فرمودند که امیر المؤمنین
علی علیه الصلوه والسلم این را دوست میداشتند بعد ازان
قلیه بادنجان آوردند و فرمودند که امیر المؤمنین حسن
علیه السلم این را دوست میداشتند بعد ازان ترید شیر
ترش سرد آوردند و فرمودند که امیر المؤمنین حسین
علیه الصلوة والسلم این را دوست میداشتند و بعد ازان
گوشت سرد شده آوردند و فرمودند که امام زین العابدین
این را دوست میداشتند و بعد ازان گوشت پهلوی
زیرسا آوردند و فرمودند که محمد بن علی باقر علیه السلم
این را دوست میداشتند بعد ازان ظرفی آوردند
که در وی تخم مرغ بود که چون خاگینه پخته بودند و فرمودند
که امام جعفر صادق علیه السلم این را دوست میداشتند
بعد ازان حلوا آوردند و فرمودند که من این را دوست
میدارم بعد ازان خوان برداشتند و ما قصد کردیم که.

طعامی که ریخته بود برچینیم آنحضرت فرمود که اگر از
طعام در خانها ریخته بردارید واما در صحرا بگذارید که
جهة مرغان وجانوران است وبعد از ان خلال آوردند
وفرمودند که زبان در دهان بگردانید طعامی که بزبان
آید فرو برید وآنچه بخلال برون آید بیندازید بعد
ازان طشت وآب آوردند واز طرف یسار آنحضرت
بنیاد کردند تا جمیع مردم دست شستند پس فرمودند که ای
عاصم شما در نیکویی با یکدیگر چگونه اید عاصم گفت به نیکو
وجهی پس آنحضرت فرمودند هرکدام از شما چنین هستید
که چون حاجتی داشته باشید بخانهٔ برادری روید وآنچه
بردارید واو در خانه نباشد وچون بداند مکدر نشود
عاصم گفت نه آنحضرت فرمودند که پس شما نیستید
بخوبترین وجهی در نیکویی با یکدیگر وامیر المؤمنین علیه السلم
فرمودند که آنچه از خوان طعام می ریزد شفای مرضهاست

وپیغمبر صلعم فرمودند که باد دمیدن بر طعام برکت
ازان می برد وپیغمبر صلعم دیدند که کسی را طعام از خوان
ریخته بود وبرمیچید دعای برکت بوی کردند وفرمودند
که هرکس که چنین کند خدای تعالی ورا از جنون و
جذام وبرص وحمق نگاه دارد ومرویست از امام
محمد باقر علیه السلم که فرمودند سه چیز است که مؤمن را
بران نمیکشند طعام که میخورد وجامه که می پوشد و
زن صالحه که یاری وی میکند ودین وی نگاه می دارد
ومنقولست که امیر المؤمنین علی میفرمودند که طعام
گرم را بگذارید تا سرد شود که پیغمبر صلعم فرمود که برکة
در طعام سرد است ودر طعام گرم برکت نیست وپیغمبر
صلعم فرموده که هرکس که بعد از طعام کاسه بلیسد ملایکه
صلوات بروی فرستند ودعای برکت رزق بر
وی کنند وحسنات او زیاده شود واز امام جعفر صادق

مرویست که چون میوهٔ تر نزد رسول صلعم می آوردند
می بوسید و بر چشم می نهاد و مالید و این دعا می خواند
اَللّٰهُمَّ اَدِیتَنَا اَوَّلَهَا فَاَرِنَا اٰخِرَهَا   و منقولست که کسی
گفت یا رسول الله ما طعام خوردیم و سیر نمی شویم آن
حضرت فرمودند که شما گویا جدا از یکدیگر طعام میخورید
بعد ازین جمع شوید و طعام بخورید و نام خدا بگوئید تا
برکت باشد شما را و مرویست که پیغمبر صلعم فرمودند که
چون کسی طعام خورد از پیش مصاحب و از بالای طعام
برندارد که برکت از بالای آن می آید و دست باز ندارد
از طعام و اگر چه سیر باشد شاید که مصاحب او خجل شود
و ترک طعام کند با آنکه خواهد و مرویست که پیغمبر صلعم
همیشه بر روی سفره طعام تناول می کردند و فرمودند
که بیشتر مردم که در دنیا از طعام سیرند در قیامت گرسنگی
ایشان بیشتر باشد و فرمودند که نور حکمت گرسنگی

است

است و دور از خدا سیر خوردن و نزدیکی بخدا دوست
داشتن مسکینانست و نزدیکی با ایشان و فرمودند
که دلها می میراند بسیاری طعام و آب و فرمودند که
هر کس که خلال میخورد ملکی بر سر او می ایستد و استغفار
از برای او می کند تا از طعام خوردن فارغ می شود
و اگر یک لقمهٔ حرام بشکم او می رسد تمام ملایکهٔ آسمان و
زمین لعنت باو می کنند و تا آن لقمهٔ حرام در شکم اوست
خدا نظر رحمت باو نمی کند و در غضب خداست پس
اگر توبه می کند خدا می پذیرد و اگر میرد آتش دوزخ باو
نزدیکتر است **فصل چهارم** در آداب آب آشامیدن و آنچه
متعلق است بدان از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که فرمودند که سزاوار نیست که آب بیاشامد از ظرف
طلا و نقره و قدحی که از آن وصلهٔ طلا داشته باشد بلی
اگر ضرورت شود دهانرا از محل آن وصله بگذارند

در آداب آب آشامیدن

وفرمودند که مکروهست که شانه که طلا یا نقره داشته
باشد استعمال کند و از انحضرت سوال کردند که توان
آب بیک نفس آشامیدن جواب فرمودند که اگر انکس
که بتو داده بندهٔ تواست بسه نفس آب بخورد و اگر
بندهٔ تو نیست بیک نفس و بروایتی جواب فرمودند
که آشامیدن آب بسه نفس فاضلتر است از یک نفس
و مرویست که در آشامیدن آب این دعا بخوانند که
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مُنْزِلِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ مُصَرِّفِ الْاَمْرِ كَيْفَ يَشَاءُ
بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَاءِ و مرویست که امام موسی کاظم علیه
فرمودند که حق آب خوردن آنست که یاد کنی خدا را و
سه نوبت نفس براری و در هر نفسی یاد خدا کنی و از
لب شیبی کوزه آب خوری نه از طرف گوشهٔ بالا
که شیطان از ان آب میخورد و بعد از ان این دعا
بخوان که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانِي مَاءً عَذْبًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ

مل

مِلْحًا اُجَاجًا بِذُنُوبِي و بروایتی مثل این وارد شده
الحمد لله الذی سقانی فاروانی و اعطانی فارضانی و
عافانی و کفانی اللهم جعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض
محمد صلی الله علیه و آله و تصعده بمرافقته برحمتک یا ارحم
الراحمین و سوال کردند از رسول صلعم که آب ایستاده
بیاشامند فرمودند که نه پس سوال کردند از طعام
خوردن ایستاده فرمودند که بدتر است و از امام جعفر
صادق علیه السلم سوال کردند که آب چه طعم دارد فرمود
که طعم زندگی و فرمودند که چون آب بیاشامید به
نفس یکی بشکر آب آشامیدن و یکی جهة راندن شیطان
و یکی جهت شفای الم اندرون و عبد الله عباس گفت
که من دیدم که رسول صلعم آب آشامیدند بدو نفس
و فرمودند که چون مگس در ظرف شما افتد او را در
طعام فرو برید پس بدرستی که در یکی از برهای او درد است

در آداب خلال کردن

و در یکی دیگر دو او بری که در و در دست به طعام در
می برد پس باید که تمام او در طعام در برند و بعد از آن
برون آرند فصل پنجم در آداب خلال کردن مرویست
که امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که سرمه بوی دهن
خوش میکند و خلال رزق زیاده می کند و منقولست
که پیغمبر صلعم فرمودند که پاک گردانید بخلال دهانهای
خود را که جای ملکست که نگهبان شما اند و ثبت عمل شما
می کنند و آب آن مداد ایشانست و بسیار مکروه می
دارند که طعام در دهان بماند و مرویست از امیر المؤمنین
علی علیه السلم که فرمودند که خلال مکنید بچوب نای و شاسفرم
که ایشان مادهٔ جذام بحرکت می آورند و فرمودند
که رسول صلعم خلال می کردند بهر چه می یافتند الا برگ
خرما و نی و مرویست که امام موسی کاظم علیه فرمودند
که منادی میکند ملکی در آسمان که اللّهم بارِک فی المتخلّلین

والمتخللین

در آداب فضیلت نان

وَالْمُتَخَلِّلِينَ یعنی بار خدایا برکت ده بر کسانی که خلال
میکنند و در خانهٔ ایشان سرکه هست و در صحیفهٔ امام
رضا علیه التحیه والثنا وارد است از امیر المؤمنین حسین
علی علیه الصلوة والسلم که فرمودند که چون ما خلال می
کردیم امیر المؤمنین امر میفرمودند که آب نیاشامیم الا
وقتی که دهان به آب بشوییم فصل ششم در بیان آنچه
آمده است در نان مرویست از امیر المؤمنین علی صلوات الله
وسلامه علیه که فرمودند نان را گرامی دارید خرد مکنید و
پای بر و منهید و چون حاضر شود انتظار غیر آن مکشید
پس بدرستی که خدای تعالی از برای او برکت از آسمان
فرستاده و از برکت زمین بیرون آورده و پیغمبر
صلعم دعا فرموده که برکت فرما در نان ما و از ما دور
مکن پس اگر نان نمی بود ما نماز نمی کردیم و روزه
نمی داشتیم و ادا واجب حق سبحانه و تعالی نمی کردیم

و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که قوت رسول
صلعم از جو بود و حلوای ایشان از خرما و نان خورش
زیت و امام علی بن موسی الرضا علیه الصلوة فرمودند
که فضیلت نان جو بر گندم همچون فضیلت ماست بر
مردم و تمام انبیا طلب نموده اند خوردن جو و برکت
بران و بهر شکم که رفت بیرون آمد تمام دردها و نان
جو قوت انبیاست و طعام نیکوکاران و خدای تعالی
نمی خواهد که قوت انبیا برای اشقیا باشد و امام جعفر
صادق علیه السلم فرمودند که اگر خدا دانستی که در چیزی
شفا بیشتر از جوست جو را غذای انبیا نمی گردانید و
فرمود که نیکو دوایست برنج سرد ست و صحیح و
سلامتی تمام از دردها و مرویست از علی بن موسی الرضا
علیه السلم که پیغمبر صلعم فرمودند که سید طعامها دنیا و
آخرت گوشتست و برنج و امام جعفر صادق علیه السلم

فرمودند

در منفعت آبها

فرمودند که نان جاورس سبکست و باشیر نرم ترست
و نافع در معده **فصل هفتم** در منفعت آبها امام جعفر صادق
علیه السلم فرمودند که سید شراب اهل جنت آبست و
مرویست که ابو طیفور طبیب گفت رفتم بنزد امام
علی ابن موسی الرضا علیه السلم و منع او کردم از آب
آشامیدن فرمودند چرا منع می کنی از آب و حال انکه
او طعام هضم میکند در معده و صفرا می برد و حرارت
فرو می نشاند و عقل می افزاید و تسکین غضب میکند
و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که آب زمزم شفای
دردست که جهة صحت آن بخورند و در روایتی هست که امان
خوفهاست و مرویست که کسی گفت یکی از ما را وجعی گرفت
بمرتبه که بمرگ افتاده بودیم امام جعفر علیه السلم را دیدم و
حال پرسیدم که افتاده راچیست گفتم نزدیک بمرگ فرمودند
که اگر من انجا بودم آب ناودان کعبه بوی میدادم صحیح

می شد چنانچه سویق جو خورد و امیر المؤمنین علی علیه السلم
فرمودند که آب باران بخورید که بدن پاک می کند
و مرضها را می برد و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند
بجماعتی که اگر من نزد شما می بودم هر روز از آب فرات
غسلی می کردم و یک انار از قریهٔ سورا می خوردم و
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم فرمودند که آب رود
نیل مصر دلها را می میراند و سرها را بآن مشوئید که موجب
پری و بی قوتیست و فرمودند که هر کسی تب گرم داشته
باشد آب سرد بر ریزید که گرمی او را می نشاند و امام جعفر
صادق فرمودند که آب سرد حرارت را می نشاند و
طعام را در معده می گدازد و تب را می برد و در صحیفهٔ
علی رضاست از امیر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلم که
فرمودند مراد از نعیم در آیهٔ کریمه ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ
عَنِ النَّعِيمِ رطب و آب سردست یعنی در آخرت

ازین دو نعمت سوال خواهند کرد البته و مرویست از
امیر المؤمنین علیه السلم که فرمودند که چون کسی بحمام رود
و سه کف آب گرم بخورد الم از بدن او می رود و در
روی او می افزاید و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند
که آب بسیار مخورید که موجب همه دردیست و فرمودند
که کسی در روز آب ایستاده بخورد طعام او هضم شود
و اگر در شب ایستاده آب خورد مرض استسقا پیدا کند
و اگر در شب آب آشامد سه نوبت بگوید عَلَيْكَ السَّلَامُ
مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ وَمَاءِ الْفُرَاتِ مضرت نیابد و پیغمبر صلعم
فرمودند که چون آب آشامید بمکید و بگلو میندازید
که درد جگر می آورد **فصل هشتم** در بیان گوشتها و آنچه بدان
متعلق است در صحیفهٔ علی الرضا علیه السلم مرویست که نزد رسول
صلعم حکایت گوشت و پیه می کردند آنحضرت فرمودند
که هر مقدار از آن که در معده واقع شود درد برود و شفا

در بیان گوشتها

بیدا شود و فرمودند که چون طبخی کنید آبش زیاده کنید
و بهمسایه برسانید و امیر المؤمنین علی علیه السلم فرمودند که
سید طعامها در دنیا و آخرت گوشتست و فرمود پیغمبر صلعم
که ما گروه انبیا بگوشت معتادیم و منقولست که کسی گفت
بامام جعفر صادق علیه السلم که بمن رسیده این خبر که الله تعالی
خشم میکند بر دلی که بسیار گوشت می خورد آنحضرت فرمودند
که آن دلیست که گوشت مردم میخورد چه پیغمبر صلعم دوست
میداشتند گوشت را و هر کس که چهل روز گوشت نمیخورد
بدخلق می شود و هر کس که بدخلقست گوشت بخورد تا نیکو
شود و فرمودند که هر کس که ضعفی در بدن یا در دل داشته
باشد گوشت گوسفند خوب بشیر پخته بخورد و مرویست
که کسی در رفت بامیر المؤمنین علی علیه السلم شیر ترش و نان
تناول می فرمودند از آن حال سوال کرد فرمودند که
پیغمبر صلعم دیدم نان ازین خشک تر میخوردند و جامه

ازین زبرتر می پوشیدند و من پرجان کردم از خوف
آنکه مبادا باو ملحق نشوم و فرمودند که نبی از انبیا از
ضعف امت شکایت کرد بخدا پس مامور شدند که
گوشت و شیر بخورند پس قوت مند شدند و پیغمبر صلعم
فرموده که هر کس که چهل روز گوشت نخورده باشد
باید که قرض کند جهة آن شخصی گفت که مردم می گویند
که هر کس که سه روز گوشت نخورد بدخلق می شود
و مرویست که کسی گفت بعلی ابن موسی الرضا علیه
که مردم من گوشت نمی خورند که موجب صفراست و
صداع جواب فرمودند که اگر خدا میدانست که چیزی
بهتر از گوشت هست آنرا بغدای اسمعیل علیه السلم می کرد
و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که گوشت گاو
درد است و روغن او شفاست و شیر او دواست و
فرمودند که در گوسفند ده چیز است که نباید خورد آنجه

درمعدهٔ اوست وخون ومازه وسپرز ودشپد و
قضیب وخصیتان وبچه دان وفرج ورگهای گردن
وده چیز از گوسفند مرده باکست شاخ وسم واستخوان
ودندان ومایه وشیر وپشم وپیغمبر صلعم فرمودند که بر
شما باد که گوشت شتر بخورید که هر مؤمن که مخالف یهود است
می خورد وامام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که سه چیز
بدن ضعیف میکند وگاه هست که بهلاک میکشد خوردن
گوشت قدید بوی ناک وبحمام رفتن بسیار وجماع با
زنان پیر ومرویست که پیغمبر صلعم امر فرمودند بانکه توانگران
گوسفند رانگاه دارند وفقیران مرغ وازاماز بالو بدن
منقولست که گوشت کبک بخورید که پایها را قوت میدهد
وتب را دور میکند وپیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند که
هر کس که شکوه دردل زبسیاری غم دارد گوشت دراج
بخورد که خوش می شود وامام جعفر صادق علیه السلام فرمود

ماهی بسیار خوردن سبب مرض سل است وپیغمبر صلعم
وقتی که ماهی میخوردند این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ بَارِكْ
لَنَا فِيهِ وَاَبْدِلْنَا خَيْرًا خَيْرًا مِنْهُ یعنی ای بار خدایا برکت کن
مارا درین طعام وعوض خوبتر بده ومرویست که شخصی
گفت موسی کاظم را علیه السلام اعلام کردم بانکه ضعف
مزاج دارم وخون وصفرا مرا دوغالبست پس آنحضرت
جواب فرمودند که حجامت بکن وبعد از ان ماهی
تازه بخور مکرر این حال اعلام کردم وهمان جواب
فرمودند پس حجامت کردم وماهی خوردم شفا
یافتم ومنقولست که کسی سوال کرد از ان حضرت که
ماهی سقنقور با پوست ودنبال در معجون می کنند
فرمودند که جایز است اگر اورا فلوس باشد ومرویست
که کسی با امام علی رضا علیه السلام شکایت کرد که طعام در
معدهٔ من کم هضم می شود فرمودند که زردهٔ تخم مرغ

بخور و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که کسی که
او را فرزند نشود تخم مرغ بسیار بخورد و پیغمبر صلعم
فرمودند که جبرئیل علیه السلم آمد و امر کرد مرا بهریسه
تا بشت من قوی شود و قوت بر طاعت داشته
باشد و پیغمبر صلعم فرمودند که اگر چیزی مرگ را باز
میداشت مثلثه بود و آن طعامیست که از برنج و
نخود و باقلی خرد کرده بشیر می بزند و سوال کردند از
امام جعفر صادق علیه السلم که از مرغان کدام حلالست گفت
آنچه در حال بریدن بالهای جنبانند حلالست و فرمودند
که تخمی که معلوم که از کدام مرغست اگر سرهای او مساوی
حرامست و الا حلال و مرغی که از ان صید میکنند اگر
چنانچه در پای او سیخ هست و در شکم او سنگدان هست
حلالست و امام جعفر صادق فرمود که ترید بسیار بخورید
که چیزی نمی یابم پرنفع تر از ان فصل نهم در حلاوت

در حلاوت

و روایت از امام جعفر صادق علیه السلم که پیغمبر صلعم
عسل دوست میداشت و فرمود که لیسیدن عسل
شفا از همه دردیست و علی ابن موسی الرضا علیه السلم
فرمودند که کسی که ضعف بشت داشته باشد شیر و
عسل نافع است و روایت که شخصی گفت زنی
قدری ریسمان بمن داد که بمکه برم و جامهٔ کعبه از ان
بسازند چون بمکه رفتم نخواستم که بخادمان کعبه دهم
جهة ظن خیانت داشتم پس چون بمدینه رفتم حکایة
با امام محمد باقر علیه السلم عرض نمودم فرمودند که بان
عسل و زعفران بخرند و با قدری از خاک امام حسین
علیه السلم در آب باران بشربت کن و بر شیعه قسمت
کن تا خستگان را بدان دوا کنند و پیغمبر صلعم فرموده
که هر کس که عسل بیاشامد در هر ماهی یک نوبت عافیت
یابد از هفتاد و هفت مرض و امیر المومنین علیه الصلوة

فرمودند که رسول صلعم فرمودند که پنج چیز است که قوت
حافظه می افزاید و بلغم و نسیان زا می برد مسواک و روزه
و قرآن خواندن و عسل و شیر و امام جعفر صادق علیه
فرمودند که خاک قبر حضرت امام حسین شفای همه
دردیست پس چون برداری بگو بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ
اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وفرمودند که اگر شیعهٔ ما می
خورد شفاء دردهاست و اگر عدو ما میخورد میگدازد
همچنانکه دنبه گدازد و فرمودند که چون یکی از شما خواهد
که آنرا بخورد مقدار نخودی بسر انگشتان بردارد و ببوسد
و بر چشم نهد و بر تمام اعضا بمالد و این دعا بخواند
اللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ فِيهَا وَتَوَلّٰى فِيهَا وَ
بِحَقِّ اَبِيهِ وَاُمِّهِ وَاَخِيهِ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ
الْحَافِّينَ اِلَّا جَعَلْتَهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَبُرْءً مِنْ كُلِّ آفَةٍ

وحرزا

وَحِرْزًا مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ وازامام جعفر صادق علیه
منقولست که از خاک قبر امام حسین که خوری بگویی
اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِي قَبَضَهَا وَبِحَقِّ النَّبِيِّ
الَّذِي اَخَذَهَا وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَعَافِيَةً
مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وبعد از آن بخورد
و از آن حضرت سوال نمودند که گل ارمنی جهة وجع شکم
خوردن جایز است فرمودند بلی لیکن آن گل قبر
ذوالقرنین است و خاک قبر امام حسین بهتر از انست و
فرمودند که خوردن گل حرامست همچون گوشت خوک
و هر که بخورد و بمیرد نماز بروی نمی گذارم الا گل قبر حسین
علیه السلم و امیر المؤمنین علی علیه السلم فرمودند که خرما
بخورید که شفا از همه رنجست و فرمودند که هر کس که خرما

باشتها بخورد مضرت نمی یابد و فرمودند که هر کس که هر
روز پیش از طعام هفت خرمای عجوه بخورد از زهر و
سحر و شیطان مضرت نیابد و پیغمبر صلعم فرمودند که
خانه که درو خرما نباشد اهل آن همه گرسنه باشند و فرمودند
که جبرئیل آمد و خرما برنی از بهشت آورد و گفت زنان
دران ماه که زایند این خرما بخورند تا فرزند نیکو خصال
باشد و در صحیفهٔ علی ابن موسی الرضا علیه الصلوة والسلم
وارد است که چون خرما می خوردند استخوان بر پشت
دست می نهادند و می انداختند و امام حسین ابن علی
علیهما السلم نقل فرمودند از پدر خود که رسول صلعم چون
بروزه می بود ابتدا از طعام بخرما می فرمود **فصل دهم**
در میوها پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که چون آدم از بهشت
بیرون آمد حق تعالی از میوهای بهشت بوی داد و آموخت
طریق ترتیب هر چیز پس میوهای شما از میوهای بهشت

در میوه ها

بهی

لیکن ازان حال متغیر است و امام جعفر صادق علیه السلم
فرمودند که پیغمبر صلعم در شب انار تناول می فرمودند
و امیر المؤمنین علی علیه الصلوة فرمودند که انار را با پیه
بخورید که معده را پاک می سازد و پیغمبر صلعم فرمودند
که هر اناری یکدانه از بهشت دارد و آن دانه در معدهٔ
هر مسلمانی که برود چهل صباح نورانی باشد و امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلم چون اناری خوردند دستاری
می افکندند بجهت آنکه دانهٔ بهشت دارد جمعی گفتند
یا امیر المؤمنین یهودان و نصرانیان آنرا می خوردند
فرمودند که الله تعالی ملکی می فرستد و آنرا برمی دارد
و امام جعفر صادق علیه السلم فرموده که پنج نوع
میوه از میوهای بهشت در دنیاست انار املیسی
و سیب شامی و انگور و به و رطب و فرمودند که
هر مؤمنی که یک انار تمام بخورد خدای تعالی بر بستانی دل

او بر د صد روز و اگر سه عدد بخورد حق سبحانه و تعالی
شیطان را از وسوسه خاطر او بدر کند یکسال پس گناه
نکند و بهشت رود و امام زین العابدین علیه السلم
می فرمودند که هر کس که در صباح روز جمعه پیش از
طعام یک انار بخورد چهل صباح دل او نورانی باشد
و وسوسه شیطان از و دور شود و معصیت نکند
و شیخ ابو جعفر طوسی رحمة الله علیه گفته که طفلان را بدهید
که موجب فصاحت زبانست و مرویست که پیغمبر صلعم
فرمودند که به بخورید که موجب قوة دلست و شجاعت
و بخیل را سخی می سازد و فرمودند که به را بیکدیگر
بفرستید که چشم روشن میکند و محبت در دل می افکند
و بزنان آبستن بدهید که سبب نیکویی صورت و سیرت
فرزند می و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که هر کس
که به بخورد حق سبحانه و تعالی چهل روز زبان او بحکمت

گویا کند و بوی او بوی انبیاست و مرویست که الله
تعالی هر نبی که برانگیخت به بدست او بود و مرویست
که امام جعفر صادق علیه السلم پسری خوب روی دید فرمود
که پدر او به خورده باشد و فرمود که به بوی انبیا دارد
و مورد بوی حوریان و گل بوی ملایکه و مرویست
که پیغمبر صلعم فرمودند که سیب پیش از طعام صباح
بخورید که معده را قوت میدهد و موسی ابن جعفر
از جد خود علیهم السلم نقل فرموده اند که ما اهل بیتیم
که مداوا می کنیم تب را به به و آشامیدن آب سرد و
خوردن سیب و منقولست که کسی گفت با برادر
بمدینه رفتم و مردم را خون بسیار از بینی می آمد
برادرم نیز چنین شد پس بخدمت امام جعفر صادق علیه
رفتم فرمودند که برادرت را سیب بده پس دادم و
به شد و مرویست که طبقی انجیر بهدیه نزد حضرت رسول

صلعم آوردند آنحضرت فرمودند که اگر می گفتم که
میوهٔ از بهشت می آید میگفتیم که انجیرست پس بخورید
که دفع بواسیر میکند و به نقرس نافعست و مرویست
از حضرت امام رضا که فرمودند بوی دهن می برد
و استخوان محکم می کند و درد از بدن می برد و در حدیث
دیگر وارد ست که هر که خواهد که دل او نرم شود مداومت
بخوردن انجیر و فرمودند که انجیر تر و خشک در قوهٔ جماع
می افزاید و مرویست که امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند
که نوح علیه السلم شکوه کرد بخدا از غم وحی آمد که انگور سیاه
بخور که غم می برد و فرمودند که دو چیز است که بهر دو دست
می باید خورد انگور و انار و پیغمبر صلعم فرمودند که انگور
یک دانه بخورید و فرمودند که بهار امت من انگور است
و خربزه و امام علی رضا علیه التحیه والثنا فرمودند که علی
ابن الحسین علیهما السلم انگور دوست میداشتند پس کنیزکی

خوشهٔ انگور پیش ایشان نهاد درویشی آمد و طلبی کرد
خوشهٔ انگور بوی دادند ایشانرا سرته بود رفت و
آن خوشهٔ انگور را از ان سایل خرید و نزد ایشان نهاد
دیگری آمد بوی داد باز کنیزک خرید همچنین سه نوبت
و در نوبت چهارم تناول فرمودند و مرویست از
امیر المؤمنین علی علیه السلم که امرود دل را روشن میکند
و امام جعفر صادق علیه فرمودند که امرود معده را
پاک می کند و قوت میدهد و پیغمبر صلعم فرمودند که هر کس
که در هر روز پیش از طعام هر صبح بیست و یکدانه مویز
سرخ بخورد هیچ علت بوی نرسد و فرمودند که بر
شماست که مویز بخورید بدرستی که مویز صفرا می برد
و دفع بلغم می کند و چشم صحیح میدارد و خلق نیکو می
کند و پی سخت می کند و منقولست که کسی گفت چشم
سفید شده بود و نمی دیدم پس امیر المؤمنین علی

علیه السلم بخواب دیدم و حال گفتم فرمودند که عناب
بردار و بکوب و در چشم کش پس عنابی برداشتم و با
استخوان او کوفتم و در چشم کشیدم تاریکی از چشم من
رفت و بینا شدم و در صحیفهٔ امام علی رضا علیه السلم مذکور
است که پیغمبر صلعم بر امیر المؤمنین صلوات الله علیه در رفت
و او تب داشت فرمودند که سنجد بخورید

فصل یازدهم

در بیان سبزیها در حدیث وارد است که چون خوان طعام سبزی
حاضر کنید که شیطان از آن می گریزد و امام جعفر صادق
فرمودند که هر چیزی را زینتی هست و زینت خوان سبزیست
و منقولست که خوان طعام نزد حضرت علی ابن موسی
الرضا آوردند و سبزی نداشت فرمودند که ای غلام
نمیدانی که من طعام بی سبزی نمی خورم پس سبزی آوردند
و ایشان طعام تناول فرمودند و پیغمبر صلعم فرمودند که
هر کدام از شما که آش رساند کدو بسیار درون کنید

در سبزیها

[که قو؟]

که قوت عقلست و دماغ و روزی در دعوتی بودند
و نزد ایشان قلیهٔ کدو نهادند ایشان کدو را می چیدند
و میخوردند و دوست میداشتند و امام جعفر صادق علیه
فرمود که کسی که خواهد فرزند او بسیار باشد کاشنی بسیار
بخورد و هر صباح از بهشت قطرهٔ چند بر وی می چکانند
پس اگر خورید او را میفشانید و فرمودند که کسی که
هفت برگ کاشنی در روز جمعه پیش از نماز بخورد بهشت
در رود و امام علی رضا علیه السلم فرمود که کاشنی را بکوبند
و بر کاغذی نهند و روغن بنفشه بران چکانند و بر
سر نهند شفا از هزار درد است و کسی نزد ایشان آمد و
تب و صداع داشت فرمودند که کاشنی را بکوبید و بر
کاغذی نهند و روغن بنفشه بران چکانند و بر سر نهند
و پیغمبر صلعم فرمودند که هر کس که کاشنی بخورد و بران
بخواند زهر و سحر بر و کار نکند منقولست که غلام ابی الحسن

علیه السلم وجع سپرز داشت آنحضرت فرمودند که سه
روز کندینا بوی دمیددادند و خوش شد و امام جعفر
صادق علیه السلم فرمودند که هر چیزی راسیدیست و
سید سبزیها کندیناست و امام محمد باقر علیه السلم فرمودند
که کندینا دفع باد میکند و بوی دهان خوش میکند و
بواسیر را قطع می کند و امان از جذامست اگر بسیار
خورند امیر المؤمنین علی علیه التحیه والسلم فرمودند که پیغمبر
صلعم بادروج بود وست میداشتند و امام جعفر صادق
فرمودند بادروج بوهضم طعام می کند و اشتهای طعام
می آورد و بوی دهان خوش میکند و سدها می کشاید
و خون را صاف میکند و امانست از جذام و خون در
اندرون آدم قرار یابد و دفع تمام دردها می کند و فرمودند
که اهل جنت تزیین خوان نعمت بدان می کنند و امام
جعفر صادق علیه السلم فرمودند که نرو یید بروی زمین

بهی

سبزی بهتر از خرفه و آن سبزی فاطمه است علیها السلم
و پیغمبر فرمودند که خرفه بخورید که عقل را می افزاید
و امام علی رضا علیه السلم فرمودند که سلق بخورید
که بر کناره فردوس می روید و شفا از همه دردیست
و پی محکم می کند و استخوان قوی می کند و اگر دست
گناه کاران بآن نمی رسید برگ آن چنان بهن می شد
که یک مردمی بوشید و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند
که حق تعالی از یهود جذام برداشت زیرا که سلق می
خوردند و مرویست که پیغمبر صلعم فرمودند که اگر
خواهید که ترب بخورید و بوی آن نشنوید چون آنرا
قطع کنید نام مرا یاد کنید و شیخ ابو جعفر رحمة الله علیه
نقل کرده که امیر المؤمنین علی علیه السلم فرمودند
اصل ترب بلغم میکشد و هضم طعام می کند و برگ او
بول را روان می کند و مرویست که پیغمبر صلعم فرمودند

که سیر بخورید و مداوا بآن بکنید که دوا از هفتاد رنجست
و فرمودند یا علی سیر بخور که اگر نه آن بودی که من با
ملک حکایت کردمی میخوردم و امیر المؤمنین علی علیه
فرمودند که سیر نباید خورد الا آنکه پخته باشد و چون
بخورند بمسجد نروند و پیغمبر صلعم فرمودند که چون
بشهری روید پیاز آنجا بخورید تا وبا و زحمت از شما بگذرد
و سوال کردند از امام جعفر صادق علیه السلم در خوردن پیاز
فرمودند که باکی نیست چون چوب دیگ باشد و فرمودند
که پیاز بوی دهان خوش میکند و قوت جماع می افزاید
و مرویست از پیغمبر صلعم که طعام عیسی باقلی بود تا اورا
بآسمان بردند و فرمودند که باقلا با پوست بخورید
که دباغهٔ معده است و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که باقلی همه رنجهای برد و هیچ رنج در وی نیست
و پیغمبر صلعم فرمودند که بخورید بادنجان زیرا که درختیست که

که در بهشت دیده ام و گواهی داده بحق تعالی بخداوندی
و بر من بنبوت و بر علی بولایت و هر کس که آن بخورد بقصد
آنکه درد دست درد شود و اگر بقصد دوا بخورد دوا شود
و امام علیه السلم گفته که بادنجان بسیار بخورید که در گرما گرمست
و در سرما سردست و در همه وقت معتدلست و نیکوست
بهر حال و امام جعفر صادق فرمود که نزد سید من
علی ابن الحسین بادنجان بروغن زیت برشته نهاده
بود و ایشانرا درد چشم بود و میخوردند شخصی گفت
ای فرزند رسول الله این گرمست و تو می خوری فرمود
خاموش باش از جد من علیه السلم منقولست که بادنجان
از بیخ زمینست و نیکوست و هر چیزی نفعی دارد کسی
گفت در رفتم بر امام جعفر صادق علیه السلم و نزد ایشان
جزر نهاده بود پس یک جزر بمن داد من گفتم مرا دندان
نیست فرمودند که بکنیزک ده تا بکوبد و بخور که کرده

کرم می کند و امان از قولنج و از بواسیر است و قوت
جماع میدهد و مرویست از امیر المؤمنین علیه التحیة والسلم
که پیغمبر صلعم فرمودند که خربزه بخورید بدرستی که آب
او رحمتست و شیرینی او از جنت و هر کس که لقمهٔ بخورد
هفتاد هزار حسنه او را بنویسند و هفتاد هزار گناه از و
بردارند و هفتاد هزار درجه بلند کنند و امام موسی کاظم
علیه السلم می فرماید که رسول صلعم خربزه با شکر و خرما
می خوردند و امیر المؤمنین علی علیه السلم فرمودند که خربزه
درو دردی و غایلهٔ نیست طعامست و آب و میوه و
بوی خوب و نان خورش و حلوا و نقل و دوا و امام
علی رضا صلوات الله علیه فرمودند که خوردن خربزه
پیش از طعام صباح موجب افلاج و فالجست و مرویست
که پیغمبر صلعم خیار بالنگ می خوردند با نمک و فرمودند
که چون خیار بالنگ خورید از پایین بخورید که برکت

آن بیشتر است و مرویست که پیغمبر صلعم فرمودند که
حَبَّةُ السَّوْدَاءِ یعنی شونیز شفاء همه دردیست الا مرگ
گفتند چگونه بکار دارند فرمود بگیر بیست و یکدانه
و در خرقه کن و شبی در آب بجنبان چون صباح شود
در دماغ راست قطرهٔ بچکان و در چپ قطرهٔ و در روز
دوم در راست دو قطره و در چپ قطرهٔ و در روز سوم
در راست قطرهٔ و در چپ دو قطره و کسی شکوه کرد
با مام جعفر صادق از درد شکم فرمودند که شونیز بخور
که شفاست بدرستی که ما بجهت تب و درد سر و چشم
و شکم و هر دردی که ما را میرسد آنرا می خوریم و حق تعالی
شفا میدهد و الله اعلم فصل دوازدهم در بیان دانها یکی از
اصحاب امام علی رضا علیه السلم بهق داشت آنحضرت
امر فرمودند که آش ماش بخور و ماش تر با برگ
بکوبند و آب آنرا پیش از طعام بخورد و بر بهق بمالد

دردانها

جان کرد و صحت یافت و امام جعفر صادق علیه السلم
از پدران خود علیهم السلم نقل میکند که پیغمبر وقتی در سجاده
نشسته بود کسی آمد و گفت یا رسول الله من بسیار
نزد تو می نشینم و سخن تو بسیار می شنوم دل من تنگ
نمی شود و اشک من روان نمی گردد آنحضرت فرمودند
که عدس بخور که دل تنگ میکند و اشک روان و
فرمودند که نبی انبیا از دل سختی قوم خود شکوه کرد
حق تعالی وحی فرستاد که قوم را بگو که عدس بخورند
که دل تنگ میکند و عظمت و کبریا می برد و آن طعام مردم
نیکو خصالست و هفتاد نبی بآن برکت یافته اند که آخر
ایشان عیسی ابن مریم است و پیغمبر صلعم فرمود که بر
شما باد که مداومت کنید بسنا که اگر چیزی دفع می کند
سناست و فرموده که اگر بدانند خاصیت سنا را آینه
یک مثقال از آن بدو مثقال طلا بفروشند و منقولست

که نزد امام جعفر علیه السلم چون نخود مذکور شد فرمودند
که برای درد پشت نیکوست **فصل سیزدهم** در نوادر طعامها
امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند پنیر و گردکان
با همدیگر شفاست و جدا یگانه خوب نیست و در هر یک
از اینها دردیست و فرمودند که پنیر هضم طعام میکند و
اشتها می آورد و منقولست که پیغمبر صلعم در وصیت
با علی علیه السلم فرمود یا علی در طعام خوردن ابتدا
بنمک کن و ختم بنمک بدرستی که نمک شفاست از هفتاد
رنج که از جملهٔ آن جنون و جذام و برص و درد حلق
و دندانست و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند
که هر کس که بر لقمهٔ اول طعام نمک بریزد نقطهای سفید
و سیاه از روی وی برود و منقولست که رسول
صلعم بخانهٔ یکی از زنان رفت پس نان آوردند نزد
آن حضرت سوال فرمود که نان خورش نزد شماهست

گفتند که چیزی نیست الا سرکه فرمودند که سرکه نان خورش
خوبست و در خانه که باشد اهل آن خانه فقیر نشوند و
فرمودند که بار خدایا برکت فرما در سرکه بدرستی که
آن نان خورش انبیاء پیش از من بوده و مرویست
از امیر المؤمنین علی علیه السلم که فرمودند که سرکه شراب
بخور اگر خوب بسر که شده باشد و امام جعفر صادق علیه
فرمودند که یوسف علیه السلم جون در زندان بود بخدا
شکوه کرد از نان تهی خشک و طلب نان خورش کرد
پس مامور شد بانکه آب و نمک در ظرفی کند و نان
با آن خورد و مرویست که پیغمبر صلعم در وصیت با علی
علیه السلم گفت ای علی روغن زیت بخور و استعمال
کن بدرستی که هر کس که زیت بخورد و استعمال کند
شیطان نزدیک او نشود چهل صباح و منقولست که
کسی گفت دندان مرا کرم فتند و فالودج کرم در دهان

من کردند

من کردند بنوعی که دهانم بخته شد بعد از آن برف
در آن اغشتند بس تمام دندانهای من افتاد حضرت
امام علی رضا را در خواب دیدم و شکوهٔ آن حال
بدو کردم فرمودند که سعد استعمال کن که دندانت
می روید بعد از آن بسوی خراسان رفتم و بخدمت
آنحضرت رسیدم و سلام کردم و شرح آن حال و خواب
تمام بگفتم فرمودند که در بیداری دوا میکنم استعمال
سعد بکن بس استعمال کردم دندانهای من رسته
شد همچنانچه بود و منقولست که امیر المؤمنین علیه السلم
فرمودند که بهترین طعامی که روزه دار در سحر بخورد
سویق است و خرما و سویق جو برشتهٔ خرد کرده
است و امام علی رضا علیه التحیه والثنا فرمودند که اگر
سویق هفت نوبت باب بشوید و از ظرف بظرف
بگردانند و بیاشامند تب گرم ببرد و بیفزاید قوت

ساقین و قدم و امیر المؤمنین حسن فرمودند که رسول
صلعم چون شیر می آشامیدند این دعا می خواندند
اللّهمّ بارِکْ لَنا فیهِ وَزِدْنا مِنْهُ و منقولست که کسی گفت
با امام جعفر صادق علیه السلم که من شیر خوردم و بمن مضرت
رسانید فرمود که چیزی دیگر با آن خورده که بتو مضرت
داده و منقولست که کسی گفت شنیده ام از امام حسن
علیه السلم که فرمود بول شتر بهتر از شیر اوست ولیکن
الله تعالی حرام گردانیده پشتر او شفاست و منقولست
که پیغمبر صلعم فرمودند که زنان آبستن را کندر بدهید
تا بجاوند که موجب زیادتی عقل فرزندان می شود
و فرمودند که بوهای خوش بآتش می کنند هیچ بآسمان
نمیرسد الا کندر و در هر خانه که در آتش کنند عفاریت
جن از آنجا نیست شوند و امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمودند که جاویدن کندر دندانرا محکم می کند و بلغم

و بوی دهان می برد و امام رضا علیه السلم فرمودند
که کندر بسیار بجاوید که بلغم از معده می چیند و عقل را
قوت میدهد و طعام را هضم میکند و مرویست که
امیر المؤمنین علیه السلم فرمودند که انبیا طعام شب
بعد از تاریکی میخوردند پس شما ترک آن مکنید که موجب
ضعف بدنست و منقولست که امام علی رضا علیه
فرمودند که هر کس که تخم مرغ و پیاز و روغن زیت
بخورد قوت جماع او بیفزاید و هر کس که گوشت
و تخم مرغ بخورد بسیار شود فرزندان او و یکی از
اصحاب امام جعفر علیه السلم والتحیه گفت بآنحضرت
من فدای تو شوم کنیزکان دارم مرا تعلیم فرمای
چیزی که قوتم پیدا شود فرمودند که از پیاز و تخم مرغ
و روغن زیت قلیه بساز و بخور و امام جعفر صادق
علیه السلم فرمودند که سه چیز است که نمی خورند و

موجب فربهی است کتان پوشیدن و بوی خوش
بکار کردن و نوره نهادن و سه چیز است که می خورند
و موجب لاغریست گوشت خشک و پنیر و شکوفهٔ خرما
و دو چیز است که نفع دارد و هیچ مضرت ندارد شکر
و انار و الله اعلم بالصواب **باب هشتم** در آداب نکاح
و آنچه بدان تعلق دارد و درین باب ده فصلست

در نکاح و رغبت بآن

فصل اول در رغبت نکاح امام محمد باقر علیه السلم فرمودند
که پیغمبر صلعم فرمود که کسی که زنی را نکاح کرد نصف
دین را حفظ کرد پس باید که پرهیزکاری کند در آن
نصف دیگر و فرمودند که نیکوترین طریقها که در اسلام
نهاده اند تزویجست و فرمودند که کسی که دوست
میدارد خوی مرا باید که پرهیزکاری کند و پی روی کند
طریقهٔ مرا یعنی نکاح کند و فرمودند که کسی که توانایی
داشته باشد که زنی نکاح کند و نکند نیست از ما و امام

جعفر

جعفر صادق علیه السلم فرمودند که امیر المومنین علی
علیه الصلوة والسلم فرمودند که نیکوترین شفاعتها آنست
که شفاعت کند میان دو کس در نکاح تا حق سبحانه و تعالی
جمع کند میان ایشان و پیغمبر صلعم فرمودند که ای جوانان
نکاح کنید و از زنا حذر کنید که موجب زوال ایمانست
و فرمودند که دو رکعت نماز که بگذارد کسی که زن
داشته باشد فاضلتر است از عزبی که روزه بروزه
بر دو شب زنده دارد و امام جعفر صادق علیه السلم
فرمودند که بیشتر خیرات در زنانست و فرمودند که
زنان
دوستی از اخلاق انبیاست و فرمودند که نکاح
بکنید و طلاق مدهید که عرش از آن می لرزد و امام
علی زین العابدین علیه السلم فرمودند که هر کس که
جهة رضای خدا صلهٔ رحم نگاه دارد حق سبحانه و تعالی
او را تاج کرامت بدهد و پیغمبر صلعم فرمودند که

کسی که مال داشته باشد و نکاح نکند از من نیست
و فرمودند که نیکوترین زنان امت من آنست که
روی تازهٔ خرم داشته باشد و کاوین اندک و امام
جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که برکت زن
آنست که خرج او اندک باشد و زایدن او آسان
و شومی او بسیاری خرج و بدشواری زایدن

در اصناف زنان و اخلاق ایشان

فصل دوم در اصناف زنان و اخلاق ایشان امام
جعفر صادق علیه السلم فرمودند که زن چار صنفست
ربیع مربع و آنست که فرزند در کنار داشته باشد و
فرزندی در شکم و جامع مجمع و آنست که خیر او بسیار
و پارسا باشد و کذب مقمع آنست که با شوهر جنان
نباشد که ازو فایده توان یافت و فرمودند که عقل
ایشان در جمال ایشانست و جمال مردان در عقل ایشان
و علی زین العابدین علیه السلم فرمودند که پنج خصلتست

که هر کس که یکی از ان ندارد ناقص العیش است و
زایل العقل و مشغول خاطر و آن صحت بدنست و
فراخ روزی و انیس موافق یعنی زن صالح و فرزند
و مصاحب صالح و فراغ و فرمودند که اگر خواهید که
زنی را نکاح کنید از موی او سوال کنید چنانچه از
روی او سوال می کنید زیرا که زینت و جمال آنست
و پیغمبر صلعم فرمودند که نیکوترین زنان زنیست که
شوهر را دوست دارد و فرزند زاینده و پرهیزکار
باشد و عزیز باشد میان مردم خود و ذلیل باشد
با شوهر و با او در آید و از غیر شوهر خود را نگاه دارد
و سخن شوهر شنود و امر او بجای آورد و اطاعت
شوهر کند در امر مامور و فرمودند که نیکوترین فایده
بعد از اسلام زنیست مسلمان که چون شوهر باو نظر کند
خرم شود و چون ازو غایب شود با من باشد در

نفس و مال او و مرویست که شخصی آمد نزد رسول
صلعم و گفت مرا زنی هست که چون بخانه می روم پیش
پیش باز من می آید و چون بیرون می روم مشایعت
می کند و اگر می یابد که غمی دارم می گوید که اگر غم تو از
برای رزق است خدا کفایت می کند و اگر از برای آخرت است
زیاده باد پیغمبر فرمودند که او را بشارت ده به بهشت
و بگو ترا در هر روزی ثواب هفتاد شهید هست و امام
جعفر صادق علیه السلم فرمودند که زنان نیکوکار نیکو
صورت از زنان دنیا زیباترند از حور عین و فرمودند
که حیا ده جزوست یکی در مردان و نه در زنان پس
چون ختنه کردند یک جزو می رود و چون شوهر
کردند یک جزو دیگر و چون شوهر با او دخل کند یک
جزو دیگر و چون زاید یک جزو دیگر و پنج جزو
دیگر می ماند اگر بصلاح زیست و اگر زنا کرد تمام

جای او برفت و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که
چون زن نماز پنج گونه بگذارد و روزهٔ رمضان بگیرد
و خود را نگهدارد و فرمان برداری شوهر بکند بهشت
در آید از هر در که خواهد و فرمودند که هر زنی که یاری دهد
شوهر را بر حج و غزا و طلب علم حق سبحانه و تعالی او را
مقدار ثواب زن ایوب بدهد و فرمودند که نیکو
ترین زنان امت من زنیست که روی او تازه و خرم
باشد و کابین اندک و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که بدترین دشمنان بندهٔ مؤمن زن بد
خلقست و امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلم فرمودند
که در اخر الزمان و نزدیک بقیامت زنانی چند باشند
که کشف عورت کنند و از ارکان دین بیرون روند
و داخل فتنها شوند و میل بشهوت کنند و به لذتها
شتابند و حرام حلال دانند ایشان در دوزخ خواهند

بود همیشه و پیغمبر صلعم فرمودند که زنی که صورت خوب
نداشته باشد و فرزند زاید نیکوترست از زن خوب
صورت که فرزند نیارد و فرمودند که اگر زنی تمام طلا
و نقره روی زمین بخانه شوهر آورد و سرزنش او
کند که مال مال منست تمام عبادت و نیکوکاری او
ضایع شود اگرچه عابدترین مردم باشد مگر توبه کند
و عذر از شوهر بخواهد و فرمودند که هر زنی که از شوهر
هجرت و دوری کند بغیر حق در روز قیامت او را
با فرعون و هامان و قارون حشر کنند و در درک
اسفل باشد از دوزخ الا که توبه کند و از ان باز گردد
و منقولست که رسول صلعم بر جماعتی از زنان گذشت
و فرمود که شما هستید ناقص عقل و دین و بیشتر از
اهل دوزخ خواهید بود در روز قیامت تا توانید
نیکوکاری کنید و بخدا نزدیک شوید زنی گفت که

یا رسول الله نقصان عقل و دین ما چراست فرمود
که نقصان دین بجهة انکه در وقت حیض روزه و نماز
نمی کنید و نقصان عقل برای انکه گواهی دو زن برابر
گواهی یک مرد است و پیغمبر صلعم فرمودند که پرهیزکاری
کنید از زن خوب صورت که اصیل نباشد و امام
جعفر صادق علیه فرمودند که اگر مرد نکاح زن کند
بطمع جمال و مال روزی او نشود و اگر بجهة حفظ
دین نکاح کنید جمال و مال زن روزی شما شود
و فرمودند که کسی شکایت کرد نزد امیر المؤمنین
علیه السلام پس ایشان خطبه خواندند و فرمودند
که اطاعت زنان در تمام احوال مکنید و مال و تدبیر
عیال در دست ایشان مگذارید پس بدرستی که اگر
ایشانرا بخود باز می گذارید بمهلکه واقع می شوند
چه زن نزد حاجه ورع ندارد و نزد شهوت صبر

ندارد و اگر چه بزرگ شوند نیکی فراموش می کنند
و بدی یاد می گیرند و بی روی شیطان می کنند با ایشان
سخن نرم و نیکو گویید تا نیک کردار شوند فصل سوم
در نکتهای نکاح منقولست که رسول صلعم فرمودند
بدرستی که من بشرم مانند شما و با شما نکاح میکنم الا فاطمه
که تزویج او حق سبحانه و تعالی از آسمان تعیین فرموده
و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که مومنان
در نکاح همشریک دیگرند و فرمودند که نکاح مکنید با
مردی که زنا کند بظاهر و با زنی که زنا کند به فاش و
منقولست که کسی در نکاح دختری مشورت کرد با امام
حسن علیه السلم فرمودند که دختر را بزن مردی متقی بده
که اگر دوست دارد گرامی می دارد او را و اگر دوست
نمی دارد ظلم بوی نمیکند و پیغمبر صلعم فرمودند که هرکس
که شراب خورد بعد از آنکه خدا حرام کرده صلاحیت

در نکتهای نکاح

آن ندارد که چون زنی بخواهد بوی دهند و مرویست
که امام محمد باقر علیه السلم از کسی سوال نمودند که چون
یکی از شما نکاح می کند چه می گوید جواب گفت نمیدانم
آنحضرت فرمودند که چون کسی قصد نکاح کند دو رکعت
نماز بگذارد و حمد خدا بکند و این دعا بخواند اللّهمّ
انّی ارید ان اتزوّج اللهمّ فقدّر لی من النّساء احسنهنّ
خلقا و خلقا و اعفّهنّ فرجا و احفظهنّ لی فی نفسها
ومالی واوسعهنّ رزقا واعظمهنّ برکة وقیّض لی
منها ولدا طیّبا تجعله لی خلفا صالحا فی حیوتی وبعد
مماتی و امام زین العابدین علیه السلم فرمودند که پیغمبر
صلعم چون فاطمه را علیها السلم نکاح می فرمودند این
خطبه خواندند که الحمد لله المحمود بنعمته المعبود بقدرته
المطاع بسلطانه المرهوب المهروب من عذابه المرغوب
الیه فیما عنده النّافذ امره فی سمائه وارضه ثمّ انّ الله

تَعَالَى عَزَّوَجَلَّ اَمَرَنِي اَنْ اُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَقَدْ
زَوَّجْتُهُ عَلَى اَرْبَعَمِائَةِ مِثْقَالٍ فِضَّةٍ اِنْ رَضِيَ بِذَلِكَ عَلِيٌّ
بعد از ان طبقی خرما و خارک طلب فرمودند و گفتند
که غارت کنید پس در اثنای انکه آنرا می ربودند حضرت
علی علیه الصلوة والسلم در آمد پیغمبر صلعم فرمودند یا علی
حق تعالی امر کرد که فاطمه بزنی بتو دهم پس بزنی بتو دادم
و نکاح کردم بچهار صد مثقال نقره اگر رضا دهی آنحضرت
فرمود که راضی هستم ازین نکاح از خدا و رسول پس
پیغمبر صلعم بسعادت و خیر و خوبی دعا فرمودند و امام جعفر
صادق علیه السلم فرمودند که هر کس که زنی را نکاح کند
و در خاطر او باشد که کابین ندهد نزد حق سبحانه و تعالی
همچنانست که زنا کرده و امیر المومنین علی عله فرمودند
که ضرورت شرطهای نکاح آنست که کابین زن بدهید
و سنت محمدی در کابین پانصد درهم نقره است و هر کس که

زیاده کند بران رجوع کند و هر مقدار از کابین که
زن بقرض نزد شوهر بگذارد واجبست که ادا کند
در حیوة یا بعد از ممات و اولی آنست که بعد از مردن
زن وارثان کابین از شوهر نطلبند که اگر نزد او
بقرض نگذاشته باشد و فرمودند که سبب انکه سنت
کابین پانصد درهم نقره است آنست که بندهٔ مومن
که بگوید صد نوبت الله اکبر و صد نوبت سبحان الله
و صد نوبت لا اله الا الله و صد نوبت الحمد لله و
صد نوبت اللهم صل علی محمد و آله و بعد از ان این
دعا بخواند که اللّهم زَوِّجْنِي الْحُورَ الْعِين حق سبحانه و تعالی
واجب گردانید بر نفس خود که حوری از بهشت بوی
دهد ثواب آنرا مهر وی کرداند و فرمودند که مردی
که دختر بزن کسی دهد سزاوار نیست که کابین او را
بخورد و منقولست که رسول صلعم چون فاطمه را بعلی

علیهما السلم نکاح می فرمودند جمعی از قریش نزد رسول
صلعم آمدند وگفتند تزویج فرموده حضرت فاطمه را
بعلی بمهری اندک آنحضرت فرمود که من تزویج
نکرده ام لیکن حضرت حق در شب معراج تزویج فرمود
او را و شرح آن را بیان فرمود پس چون شب زفاف
شد حضرت پیغمبر فاطمه را بر استر شهبا سوار کرد و سلمان
در جلو آنحضرت رفیق با فاطمه شد باین زینت می رفتند
ناگاه آوازی بسمع شریف پیغمبر رسید که جبرئیل با هفتاد
هزار ملک و میکائیل با هفتاد هزار ملک آمدند پیغمبر فرمود
بچه مهم آمده اید جواب گفتند آمده ایم که عروسی کنیم حضرت
فاطمه را بخانهٔ علی علیهما السلم پس تمام ملایکه با محمد صلعم
تکبیر می گفتند و ازین جهت تکبیر در عروسی سنت شده است
و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که عروسانرا
بشب زفاف کنند و در صباح اطعام نمایند فصل چهارم

در بیان

در بیان عروسی

در بیان عروسی و نزدیکی بزن و مانند آن پیغمبر صلعم
وصیت کرد با میر المؤمنین علی علیه السلم که چون عروسی
بخانهٔ تو آید چون بنشیند موزه از پای او بیرون آور
و پای او را بشوی و از در خانه تا آخر آب بریز که حق
سبحانه و تعالی هفتاد هزار نوع فقر از خانهٔ تو بدر برد
و هفتاد هزار نوع برکت در آورد و بفرستد بر تو هفتاد
هزار نوع رحمت که بر سر عروس پرواز کنند تا برسد
برکت آن بر تمام خانهٔ تو و ایمن شود عروس از
جنون و جذام و برص تا درین خانه باشد عروس را
منع کن از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش
هفت روز پس امیر المؤمنین علی علیه السلم فرمود که
یا رسول الله چرا منع کنم ازینها فرمود بجهة آنکه رحم
او سرد می شود و فرزند نمی آورد و بدرکه حصیری که
در گوشهٔ خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند

نیاورد و فرمودند یا علی جماع و نزدیکی با زن نباید
کرد در اول ماه و میانهٔ ماه و آخر یا علی جماع نباید کرد
بعد از وقت پیشین که فرزند احول می شود و شیطان
با احول خرمی میکند یا علی سخن نگوید در وقت جماع که
فرزند گنگ باشد و نباید که نظر نکند هیچکس که موجب
کوری فرزندست یا علی جماع نباید کرد با زن بشهوتی
که برانگیخته باشد با زنی دیگر که خوف هست که فرزند
مخنث باشد یا علی هر کس که جنابت داشته باشد در
جامهٔ خواب با زن قرآن نخواند که خوف هست که
از آسمان آتش برایشان افتد یا علی چون جماع کنی با تو
خرقهٔ باید و با زن خرقهٔ و هر دو یک خرقه استعمال مکنید
که موجب عداوت باشد یا علی جماع نباید کرد ایستاده
که فعل حماست و چون فرزند بیاید بول بر جامهٔ خواب
کند یا علی جماع نباید کرد در شب عید فطر که فرزند بد

کردار شود یا علی جماع نباید کرد در شب عید قربان
که فرزندش انگشت داشته باشد یا چهار یا علی جماع
نباید کرد در زیر درخت میوه دار که فرزند قتال
باشد یا عوان باشد یا علی جماع مکن در مقابل آفتاب
و بنور آن که فرزند دایم در فقر و محنت باشد یا علی
جماع نباید کرد میان بانگ نماز و قامت که فرزند
حریص باشد بخون ریختن یا علی چون زن آبستن
باشد جماع نباید کرد الا بوضو که فرزند کوردل و
بخیل باشد یا علی جماع نباید کرد در نصف شعبان
که فرزند شوم روی باشد یا علی جماع نباید کرد چون
دو روز از شعبان مانده باشد که فرزند تمغاچی شود
یا مدد ظالم یا علی جماع نباید کرد به پشت بام که فرزند
منافق و مرایی باشد یا علی چون خواهی که بسفر روی در آن
شب جماع نباید کرد که فرزند مال خود بنا مشروع خرج

کند یا علی در شب دوشنبه جماع بکن که فرزند حافظ
کلام الله باشد و راضی بود بانچه حق سبحانه و تعالی
باو دهد یا علی جماع باید کرد در شب سه شنبه که فرزندی
که بیدا شود شهادت روزی وی شود بعد از آن
که گفته باشد لا اله الا الله محمد رسول الله و خدا عذاب
او نکند و خوش بوی دهان و رحیم دل و بخشنده و باک
زبان از غیبت و دروغ و بهتان باشد یا علی اگر جماع
کنند در شب بنجشنبه فرزند عالم یا حاکم باشد و اگر جماع
کنند در روز بنجشنبه نزد زوال آفتاب فرزند بفهم
باشد و سلامت در دنیا و دین روزی وی شود
و اگر جماع کنند در شب جمعه فرزند خطیب و فصیح
و تیز گوش باشد و در روز جمعه بعد از عصر فرزند
معروف و مشهور و عالم باشد و شب جمعه بعد از
غیبت شفق احمر فرزند ابدال باشد یا علی جماع نباید کرد

در ساعت اول شب که فرزند ساحر باشد و اختیار
دنیا بر آخرت کند یا علی این وصیت یاد گیر چنانچه
من از جبرئیل یاد گرفتم و امام جعفر صادق علیه فرموده‌اند
که جماع نکنند روی بقبله و پشت بقبله و در کشتی و بیغمبر
صلعم فرموده‌اند که کسی که محتلم شده باشد مکروه است
که با زن پیش از غسل از احتلام صحبت دارد که فرزند
مجنون باشد بیغمبر صلعم فرموده‌اند که کسی که جماع کند
با زن در وقت حیض شاید که فرزند مجذوم یا ابرص
بزاید و فرموده‌اند که کسی که خواهد بقاء عمر در از طعام
بگاه خورد و قرض اندک کند و جماع کمتر و امام جعفر
صادق علیه السلام فرموده‌اند که لذت زن به نود و نه حصه
بیشتر است که لذت مرد و لیکن الله تعالی حیا با ایشان
داده و بیغمبر صلعم فرموده‌اند که چون زن از محل جماع
برخیزد کسی بر جای او ننشیند تا هنگامی که جای او

خنک شود و فرمودند که یا علی دعوت وضیافت
بر پنج نوعست عروسی کردن و فرزند زاییدن و
ختان و خانه خریدن و از سفر مکه باز آمدن و منقولست
که رسول صلعم بعروسی و دعوت فرمودند و خرما و
روغن حاضر کردند و مردم خوردند و مرویست که چون
رسول صلعم دختری بزن می کردند سنت شبانروز
نزد او می بودند و اگر زنی که شوهر یافته بود بزن می
کردند سه شبانروز نزد او می بودند و امام محمد باقر
علیه السلام فرمودند که جماع مکروهست از وقت طالع
شدن صبح تا وقت بر آمدن آفتاب و از فرو رفتن
آفتاب تا فرو رفتن شفق و در روز کسوف و در شب
خسوف و در شب و روزی که وزد باد سیاه یا سرخ
یا زرد و آنکه زلزله شود و امیر المومنین علیه الصلوة والسلام
فرمودند که سنت است که نزدیکی کند بزن خود شب

رمضان بمقتضاء آیه کریمه احل لکم لیلة الصیام الرفث
الی نسائکم یعنی حلالست در شب رمضان رفث بزنان
و رفث جماعست و امام جعفر صادق علیه السلام بیکی از اصحاب
گفتند چون زن بخانه تو آید پیشانی او بگیر و روی بقبله
کن و این دعا بخوان اللهم بامانتک اخذتها وبکلماتک
سَوِیّاً مُبارَکاً وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فِیهِ شِرْکاً وَلَا نَصِیباً

فصل پنجم در بیان حق زوج بر زن و حق زن بر زوج

پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند که هر مردی که صبر کند
بر بدخلقی زن حق سبحانه وتعالی او را ثواب داود
نبی بدهد و هر زنی که صبر کند بر بدخلقی شوهر حق سبحانه
وتعالی کرامت فرماید باو ثواب آسیه بنت مزاحم که
زن فرعون بود و منقولست از امام محمد باقر علیه السلام
که فرمودند زنی آمد نزد رسول صلعم و گفت که حق
شوهر بر زن چیست حضرت رسول فرمودند آنکه

در بیان حق زوج بر زن و حقوق زن بر زوج

فرمان برداری او بکنی و مخالفت او نکنی از خانهٔ او
صدقه ندهی بی رخصت او بروزهٔ سنت نروی بی
رخصت او منع او از نفس خود نکنی اگرچه بر روی
پالان شتر باشی و از خانه بیرون نروی مگر برخصت
او و اگر بی رخصت او از خانه بدر روی ملایکهٔ آسمان
و زمین بر تو لعنت کنند تا وقتی که باز بخانه آیی پس
سوال فرمود از خلایق کرا حق بر مردان بیشتر است پیغمبر
صلعم فرمودند که مادر و پدر پس سوال کرد که چه کس را حق
بیشتر است بر زنان فرمودند که شوهر پس گفت مرا
بر شوهر آن مقدار حق نیست که او را بر من فرمودند
که نه و نه و از هر صد یکی پس زن گفت سوگند بانکه
ترا بحق بخلق فرستاده که هیچ مرد مالک رقبهٔ من
نشود یعنی هرگز شوهر نکنم و پیغمبر صلعم فرمودند که
ایذا شوهر کند بزبان خدا قبول نکند از وی خیر و عدل

وعمل نیکو اگرچه روز روزه دارد و شب زنده و
بندگان ازاد کند و غزا در راه خدا و اول کسی باشد
که بدوزخ رود تا وقتی که شوهر را راضی کند و همچنین
است حال شوهر اگر ظلم کند بر زن و فرمودند که هر زنی
که مهربانی نکند با شوهر و بار کند برو آنچه شوهر طاقت
آن نداشته باشد قبول نیست از وی هیچ عمل نیکو و
چون بخدا رسد خدا ازو بخشم باشد و فرمودند که
حق شوهر بر زن آنست که چراغ روشن کند و طعام
پخته کند و پیش باز او آید تا در وثاق و تواضع نماید
و طشت و دستمال پیش آورد و او را راضی کند
و نفس خود را ازو باز ندارد مگر علتی داشته باشد
قومی آمدند نزد رسول صلعم و گفتند که ما می بینیم
جماعتی که بعضی سجدهٔ بعضی میکنند آنحضرت فرمودند
که اگر من امر می کردم کسی را بسجدهٔ کسی امر می کردم

که زن سجدهٔ شوهر بکند و فرمودند که اگر زن یک
بستان بخته کند و یک بستان برشته ادا حق زوج
نکرده و باوجود این اگر نافرمانی شوهر کند بیک طرفة
العین او را بدرک اسفل در دوزخ اندازند الا که
توبه کند و از آن باز گردد و فرمودند که زن ادا نکرده
حق خدای تعالی را الا وقتی که ادا حق شوهر کند و امام محمد باقر
علیه السلم فرمودند که حق سبحانه و تعالی فرض کرده
جهاد بر مردان و زنان پس جهاد مرد آنست که صرف کند
مال و خون تا کشته شود در راه خدا و جهاد زن آنست
که صبر کند بر زحمت از شوهر و خویشان شوهر و پیغمبر
صلعم فرمودند که هر زنی که بیرون رود از خانه بی
رخصت شوهر مستحق نفقه نیست تا باز آید و فرمودند
که هر زنی که بوی خوش بکار برد جهت غیر شوهر قبول
نیست نماز او تا از آن بوی خوش غسل کند همچون غسل

از جنابت

از جنابت و مرویست که مردی بسفر رفت و عهد نمود
با زن که بیرون نرود از خانه تا از سفر باز آید پس پدر
آن زن خسته شد پیغام به پیغمبر فرستاد و رخصت طلبید
که پرسش پدر کند آنحضرت صلی الله علیه و آله رخصت
نداد و فرمود که در خانه بنشین و فرمان برداری
شوهر کن پس پدرش را دفن کردند رسول الله
صلعم کسی پرسش او فرستاد که حق تعالی آمرزید ترا
و پدر ترا بفرمان برداری تو شوهر را و مرویست
از امام محمد باقر علیه السلم که رسول الله صلعم فرمود
که جبرئیل علیه السلم مرا وصیت کرد برعایت زن بمرتبهٔ
که مرا گمان آن شد که سزاوار نیست طلاق دادن او الا
که از و فاحشهٔ ظاهر شود و امام جعفر صادق علیه السلم
فرمودند که حق زن بر شوهر آنست که او را طعام
سیر بدهد و جامه بپوشاند و اگر گناهی کند ببخشد

و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که کسی که نزد او زنی
باشد و او را طعام و لباس ندهد حقست بر امام که
جدایی کند میان ایشان و امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند که زنی نزد رسول صلعم رفت جهة مهمی
آنحضرت فرمودند که تو از مسوفاتی آن زن گفت
مسوفات کیانند فرمود که زنانی که شوهر ایشان نزا
خوانند بجهت مهمی ایشان وعده بساعتی دیگر کنند تا
شوهر بخواب رود بدرستی که ملایک لعنت بر ان
زنان می کنند تا وقتی که شوهر بیدار شود و امام جعفر
صادق علیه السلام فرمودند که پرهیزکاری کنید که حق سبحانه
و تعالی در رعایت زنان فصل ششم در بیان اولاد و
آنچه بدان متعلق است پیغمبر صلعم فرمودند که فرزند
صالح ریحانه ایست از ریحان بهشت و امام جعفر صادق
فرمودند که میراث خدا از بندهٔ مؤمن فرزند صالحست

در بیان اولاد

که جهة

که جهة او استغفار کند و پیغمبر صلعم را بشارت دادند
بدختری پس نظر سوی حاضران کرد و در ایشان کراهت
یافت فرمود که شما را چه شده این دختر ریحانه ایست
که می بویند و خدا رزق او میدهد و فرمودند که نیکو
فرزندیست دختر مخدره هر کس که یک دختر داشته باشد
بآتش دوزخ نسوزد و هر کس که دو دختر داشته باشد
بهشت رود و هر کس که سه دختر داشته باشد جهاد
و صدقه برو نیست امام جعفر صادق علیه فرمودند که
چون حق سبحانه و تعالی نیکو خواهد به بندهٔ او را
نمیراند تا فرزند بدو دهد و رویست که هر کس که بمیرد
بی فرزند گویا نبوده است در مردمان و هر کس که
بمیرد و او را فرزند باشد نمرده باشد و امام جعفر صادق
علیه السلام فرمودند که حق سبحانه و تعالی رحم می فرماید
بر مردی که بسیار دوست میدارد فرزند را و پیغمبر صلعم

فرمودند که هر کس که سه دختر عیال او باشد یا سه خواهر
واجبست بر و جنت بس سؤال کردند که یا رسول الله
اگر دو دختر داشته باشد فرمودند اگر دو داشته باشد
بس سؤال کردند که اگر یک دختر داشته باشد فرمودند
که اگر یکی داشته باشد یعنی بر و واجبست جنت و فرمودند
که از سعادتست که حایض نشود دختر او در خانه یعنی زود
بشوهر رود و فرمودند که دوست دارید طفلانرا و
رحم کنید برایشان و چون وعده بایشان کنید وفا
نمایید و مرویست که رسول صلعم امام حسن و امام حسین را
علیهما السلم بوسیدند کسی حاضر بود گفت من ده بسر دارم
و هیچ وقت یکی را نبوسیده ام بس رسول صلعم فرمودند
بر من چه اگر خدای رحم از تو بر داشته باشد و فرمودند
که فرزند را نام بنهید بنام انبیا و بهترین نامها عبد الله
و عبد الرحمن است و فرمودند که حق فرزند بر پدر

سه چیز است نام نیکش بنهد و خطش بیاموزد و زنی
بنکاح او در آورد چون بالغ شود و امام علی رضا
علیه الصلوة والسلم فرمود که رسول صلعم فرمودند که
با هر قومی که مشورت کنند که با ایشان باشد شخصی که
که نام او محمد یا احمد باشد ایشانرا دران مشورت خیر
و خوبی پیش آید و پیغمبر صلعم فرمودند که فرزندی
که عاق پدر و مادر باشد بوی بهشت نشود و امیر
المؤمنین علی علیه السلم فرمودند که بوسه بر فرزند
رحمتست و بر زن شهوت و بر پدر و مادر عبادت
و بر برادر دینداری و بر امام عادل طاعت و
امام جعفر صادق علیه فرمودند که از نعمت خداست
که فرزند بپدر مانند باشد و فرمودند که حق سبحانه
و تعالی چون می خواهد که بیافریند کسی را جمع می
فرماید تمام صورت مردم را از آدم تا او را بصورت

یکی ازیشان می آفرینند بس باید که یکی از شما نکوید که
فرزند من ما نا نیست و هیچ یک از بدران من ما نا
نیست وم وبیست که پیغمبر صلعم فرمودند که هر کس
که ببازار رود و تحفهٔ بخرد و سوی عیال برد همچنان
باشد که صدقه کرده باشد و نزد جمعی محتاج برده
باشد و باید که اول باناث و دختران دهد بس هر که
که هر که خرم کند دختری را همچنان باشد که آزاد کرده
یکی از فرزندان اسمعیل علیه السلم را وم وبیست از
امام محمد باقر یا جعفر صادق علیه السلم که فرمودند طفل
جون سه ساله شود ام کنید تا بکوید لا اله الا الله هفت
نوبت وجون سه سال و هفت ماه و بیست روز
بکذرد ام کنید تا بکوید محمد رسول الله هفت نوبت
وجون جهار ساله شود ام کنید تا بکوید صلی الله علی محمد
وآل محمد هفت نوبت وجون بنج ساله شود بکوید که

شمال تو کدامست و یمین تو کدام اکر بداند روی او
بقبله کنید وام کنید تا سجده کند وجون شش ساله
شود بکویید تا نماز بکذارد و رکوع و سجود بیاموزیدش
وجون هفت ساله شود بکویید تا روی و دست بشوید
و نماز کذارد وجون نه ساله شود وضو بیاموزید
و بجهة آن بزنید پس جون وضو و نماز دانست حق
سبحانه و تعالی بدر و مادر او می آمرزد و امام جعفر
صادق علیه السلم فرمودند که نیکو نکهدار طفل را تا
شش ساله شود بعد از ان ادبش بفرما در کتاب شش
سال بعد از ان با خودش نکهدار و ادبش بیاموز
شش سال اکر قبول کرد و نیکو شد خوب والا بکذار
و پیغمبر صلعم فرمودند آزادست هفت سال و بندست
هفت سال و وزیرست هفت سال پس اکر در بیست
و یکسال راضی هستی از اخلاق خوب والا بزن بر

بهلوی او که نزد خدا عذر داری و امام محمد باقر علیه
فرمودند که چون پسران بده سال رسیدند خوابگاه
ایشان جدا باید کرد از خوابگاه زنان و امام جعفر صادق
علیه السلم فرمودند که بزرگ می شود طفل در هر سالی
بقدر چهار انگشت بانگشتان خودش و پیغمبر صلعم فرمودند
که نگاه دارید فرزند از شیر زن دیوانه و زن بدکردار
و بدکار زیرا که شیر سرایت میکند و فرزند دختر چون
شش ساله شود مبوسید و پسر چون گذشت از هفت
سال مبوسید زنرا و فرمودند که خوابگاه فرزندان
جدا باید کرد چون هفت ساله شوند و در روایتی شش
ساله و امام زین العابدین علیه السلم تعلیم یکی از اصحاب
خود فرمودند که چون خواهی که ترا فرزند شود هفتاد
نوبت این دعا بخوان بدرستی که هر کس که این دعا
بخواند حق تعالی باو دهد آنچه خواهد از فرزند و مال

وخیر دنیا و آخرت و دعا اینست رَبِّ لَاتَذَرْنِي فَرْدًا
وَاَنْتَ خَيْرُالْوَارِثِيْنَ وَاجْعَلْنِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي
حَيٰوتِي وَيَسْتَغْفِرُلِي بَعْدَ وَفَاتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا
تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيْهِ نَصِيبًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ
اِلَيْكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيمُ وکسی نزد امام جعفر
صادق علیه السلم آمد و گفت مرا فرزند نیست فرمودند
که چون در سجده باشی این دعا بخوان یَارَبِّ هَبْ
لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، رَبِّ لَا
تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُالْوَارِثِيْنَ وشخصی نزد امام
جعفر صادق علیه گفت ای فرزند رسول الله مرا هشت
دختر هست و خدا پسر بمن نداد دعا کن که مرا پسری شود
فرمودند که چون خواهی که جماع کنی و پیش پای زن
نشسته باشی دست راست بر طرف راست ناف زن
بنه و هفت بار سورهٔ انا انزلنا بخوان و بعد از آن

جماع کن و چون زن آبستن شود در شب که بچه در شکم
مادر جنبد همچنین دست راست بر طرف راست ناف
زن بنه و هفت نوبت انا انزلناه بخوان آن مرد چنین
کرد حق سبحانه و تعالی هفت پسر با و متوالی داد

در عقیقه (یعنی دعوت جهت رسیدن فرزند)

فصل هفتم در عقیقه یعنی دعوت جهت رسیدن فرزند
و آنچه بدان متعلق است امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند
که هر کس که در قیامت مرهونست بعقیقه خود و عقیقه
از قربان واجب ترست و شخصی نزد آنحضرت آمد و
گفت والله نمیدانم پدر عقیقه من نموده یا نه پس ایشان
امر فرمودند که عقیقه از جهة خود نمود و فرمودند که
عقیقه لازم است بر هر کس که غنی باشد و اگر فقیر باشد
در ان وقت که غنی شود و اگر بران قادر نشود برو
واجب نیست و اگر عقیقه کسی نکرده باشد و او قربانی
کند قربان از عقیقه او مجزیست و فرمودند که در عقیقه

یک گوسفند نر بکشد و اگر نر یافت نشود مجزیست
کشتن آنچه مجزیست از قربانی و ازان حضرت سوال
کردند از کیفیت عقیقه فرمودند که گوسفندی یا
گاوی یا شتری بکشند و بعد ازان نام فرزند بنهند
و سر او بتراشند در روز هفتم و بمقدار موی سر او
طلا یا نقره بصدقه دهند و اگر فرزند پسری باشد آنچه
کشند نر باید و اگر دختری باشد آنچه کشند ماده و فرمودند
از آنچه می کشند چهار یکی بقابله دهند و اگر قابله نباشد
مادر بهر کسی که خواهد بدهد و از باقی اطعام نماید ده
نفر از مسلمانان یا بیشتر و منقولست که پدر و عیال او
از عقیقه نخورند و امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که چون
فرزند بزاید آب فرات در دهان او کنند و در گوش
راست او بانگ نماز بگویند و در ان گوش دیگر قامت
و در روز هفتم نام او بنهند پس بدرستی که خدای تعالی

از آسمان نام او می فرستد و چون گوسفند ذبح کنند
بگویند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللهُ أَكْبَرُ إِيمَانًا بِاللهِ
وَثَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللهِ وَشُكْرًا لِرِزْقِ اللهِ وَعِصْمَةً
بِأَمْرِ اللهِ وَمَعْرِفَةً بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ پس اگر
فرزند پسری باشد بگوید اللّٰهُمَّ أَنْتَ وَهَبْتَ لَنَا
ذَكَرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا أَعْطَيْتَ وَلَكَ
مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَسُنَّةِ رَسُولِكَ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاخْسَأْ عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سُفِكَتِ
الدِّمَاءُ لَا شَرِيكَ لَكَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ امام جعفر
صادق علیه السلم فرمودند که رسول صلعم عقیقه فرمودند
جهة امام حسن و امام حسین علیهما السلم بیک گوسفند نر
در روز هفتم اعضای آنرا از یکدیگر جدا کردند و استخوان
آن نشکستند و پخته کردند بآب و نمک خوردند بی نان
و بهمسایها فرستادند و فرمودند که سنت است که

زعفران

زعفران بسر فرزند بمالند و منقولست که پیغمبر صلعم
فرمودند که ای فاطمه گوش امیر المؤمنین حسن و
امیر المومنین حسین را علیهما السلم سوراخ کن بمخالف
یهود و علی ابن جعفر سوال کرد از امام موسی بن
جعفر علیه السلم از فرزندی که در روز هفتم سر او
تراشند فرمودند که چون هفت روز گذشت سر
تراشیدن سنت نیست امام جعفر صادق علیه السلم
فرمودند که چون فرزند بزاید اول در دهان وی
بنهند آب فرات و خاک قبر امام حسین علیه الصلوة
والسلم و اگر نباشد باران و امیر المومنین علی علیه الصلوة و
فرمودند که اول خرما در دهن وی بنهند که پیغمبر صلعم
با امام حسن و امام حسین علیهما السلم چنین فرمود **فصل ششم**
در ختنه کردن و آنچه بدان متعلق است پیغمبر صلعم فرمودند
که ختان سنت است و مردان نیکو سیرت را نیکوست

در ختنه کردن

مر زنانرا ومنقولست که ختنهٔ فرزندان در روز هفتم
بکنید تا پاک شوند پس بدرستی که زمین شکوه کرد
بخدا از بول کسی که ختنه نکرده باشد و امام موسی
کاظم علیه السلم فرمودند که پسر من علی رضا علیه السلم
زاید ختنه کرده و پاک و پاکیزه ولیکن ما تیغ در رو
مالیدیم جهة اتباع سنت **فصل نهم** در اموری که متعلق است
بزنان عادت پیغمبر صلعم چنان بود که چون بغزا رفتندی
زنانرا می طلبیدند و با ایشان مشورت می کردند
ولیکن بخلاف رای ایشان عمل می نمودند و پیغمبر
صلعم میفرمودند که فرمان برداری زن موجب
پشیمانیست و منع فرموده اند از انکه زنان بر زین
سوار شوند و همچنین امیر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلم
نهی فرموده اند که پند و نصیحت کنید زنانرا به نیکی
پیش از انکه ایشان امر کنند شما را ببدی و پناه بخدا برید

در امور متعلق بزنان [illegible]

از شر

از شر و بدی ایشان و از زنان نیکو بر حذر باشید
و امام محمد باقر علیه السلم فرمودند که مشاورت مکنید
با زنان در مهمات سری و قبول سخن ایشان مکنید
در حق خویشان و امیر المؤمنین علی علیه فرمودند که مردی
که زن تدبیر امر او می کند ملعونست و فرمودند که در
مخالفت ایشان برکتست و پیغمبر صلعم فرمودند که
هرکس که فرمان برداری زن کند الله تعالی اورا در
آتش دوزخ اندازد پس سؤال کردند که فرمان برداری
در چه چیز فرمودند که در رفتن بحمام و عروسی و عیدها
و نزد نوحه کنندگان امام محمد باقر علیه فرمودند که
زنان از خانه بدر روند بجنازه و پیغمبر صلعم فرمودند
که زنانرا در وثاق بالایی منشانید و خط بایشان میاموزید
و امر کنید به پنبه رشتن و سورهٔ نور تعلیم ایشان
کنید و پیغمبر صلعم فرمودند که دو مرد با یکدیگر نخوابند

الا وقتی که میان ایشان حایلی باشد و همچنین دو زن
با همدیگر نخوابند الا وقتی که میان ایشان حائلی باشد
و لعنت کرده اند بر مخنثان و فرموده اند که ایشانرا
از خانه برون کنید و فرموده اند سحق زنان چون
لواطهٔ مردانست پس ایشانرا بکشید و سحق آنست که
زنان ختنه گاه بهمدیگر مالند و همچنین فرمودند که
زنان در مصیبت نوحه نکنند و روی نخراشند و با
مردان در محل خالی ننشینند و فرمودند در حدیثی
با فاطمه علیها السلم که زنان نه بینند مردانرا و مردان
نیز نه بینند زنانرا و بعد از ان فرمودند که فاطمه علیها السلم
از منست و مرویست که دو نفر زنان پیغمبر صلعم نزد آن
حضرت بودند مردی اعمی آمد نزد رسول صلعم آنحضرت
فرمودند که آن دو زن پنهان شوند گفتند یا رسول الله
این مرد کورست و مارا نمی بیند رسول الله صلعم فرمودند

که اگر او

در نوادر نکاح

که اگر او کورست شما روشنید و او را می بینید

فصل دوم

در نوادر نکاح امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که رسول
صلعم باز می گشتند از غزایی که در ان مسلمانان بسیار
کشته شده بودند زنان بسیار باستقبال می آمدند
و احوال کشتگان می پرسیدند زنی نزدیک رسول
الله صلعم آمد و حال برادر پرسید فرمودند حمد خدا
بکن و بگو انا لله و انا الیه راجعون که او شهید
شده پس حال شوهر پرسید فرمودند که حمد خدا بکن
و بگو انا لله و انا الیه راجعون که او شهید شده
پس آن زن بفریاد آمد رسول الله صلعم فرمودند
که گمان نداشتم که زنان در این مرتبه باشند با شوهر
تا این زمان این زن را دیدم و امام جعفر صادق
علیه السلم فرمودند که حق سبحانه و تعالی مخصوص
گردانیده خود را باخلاق نیکو پس بیازمایید

نفس خود را اگر از ان اخلاق در شما باشد حمد خدا کنید
ومیل کنید در انکه بیشتر بود و فرمودند که آن اخلاق
ده چیز است یقین و قناعت و صبر و شکر و حلم و حسن
خلق و بخشش و غیرت و شجاعت و مودت و نزد آن
حضرت چیزهای شوم یاد می کردند آنحضرت فرمودند
شوم سه چیز است یکی زن و شومی او کابین بسیار است
و نافرمان برداری شوهر و دیگر چهارپای و شومی او
جموشیت و دشواری سوار شدن و دیگر خانه و شومی
او آنست که فضای تنگ داشته باشد و همسایه بد واز
امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که به عیسی علیه السلام
گفتند که چرا زن نکنی جواب گفت چکنم با او گفتند جهة
فرزندان فرمودند فرزندانرا چکنم اگر می زیند بفتنه
می افتند و اگر می میرند دیگرانرا محزون می سازند
و زید بن علی علیه السلام نقل کرده که اباء عظام او فرمودند

که نزد رسول الله صلعم حکایة غزا و ثواب آن می
کردند زنی گفت یا رسول الله زنانرا این نصیب هست
فرمودند بلی از ان وقت که آبستن می شوند تا میزایند
تا شیر می دهند ایشانرا ثواب غازیان هست و اگر
درین اوقات وفات یابند اجر و ثواب شهیدان
دارند و امام محمد باقر علیه السلام از امام علی زین العابدین
علیه السلام نقل فرموده اند که بیشتر اهل بهشت زنان
ضعیفه اند که خدا بر ایشان رحم کرده و امام محمد باقر
فرمودند که عادت علی زین العابدین صلوات الله علیه
آن بود که چون زنی میزایید امر می فرمودند که زنان
دیگر از وثاق بیرون روند تا عورت آن زن را
نبینند سوال کردند از امام علی رضا صلوات الله علیه
که جایز است که مردی که خصیه نداشته باشد نزد زنان
رود و آب وضو بایشان دهد بس موی ایشان را

بیند جواب فرمودند که نه و امیر المؤمنین علی علیه السّلم
سلام می کردند بر زنان پیر و خوش نمی داشتند سلام
بر زنان جوان و می فرمودند که اندیشه دارم که از وی مرا
خوش آید و گناه آن بیشتر باشد از ثواب سلام و از امام
جعفر صادق علیه السّلم سوال کردند که چون زنان بر مردان
درآیند چگونه سلام کنند فرمودند که بگویند علیکم السّلم
و مردان بگویند اَلسَّلَامُ عَلَیکُم و امام جعفر صادق علیه فرمودند
که کسی که موی بسیار بر اندام داشته باشد شهوت او
اندک باشد و امام محمد باقر علیه فرموده اند که سبب آنکه
کابین زن چهار هزار درهم آنست که ام حبیبه دختر ابی سفیان
از حبشه بود و پیغمبر صلعم او را خواست و نجاشی که حاکم
حبشه بود چهار هزار درهم نزد وی فرستاده و در اصل
کابین دوازده وقیه و نیم نقره بود و منقولست که
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسّلم براه میرفتند دیدند که چهار

زنی

بابی نر بر ماده می جهانند اعراض فرمودند و روی
از آنجا گردانیدند و فرمودند که سزاوار نیست آنچه
شما می کنید مگر در جایی پنهان که مرد و زن نه بینند
و امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند که هر که نظرش بزنی
افتد پس چشم از و بآسمان کند یا بهم نهد و باز در و ننگرد
الله تعالی جزای آن حوری بوی دهد و فرمودند که نظر
اول جایز است و دوم گناه است و سوم هلاک و امیر
المؤمنین علیه فرمودند که کابین زنان بسیار مکنید که
موجب عداوت می شود و کسی گفت با امام جعفر صادق
علیه که من زنی میخواهم که بکنم و پدر و مادرم میخواهند که
زنی دیگر بزنی بمن دهند فرمودند که زنی که خود
می خواهی نکاح کن و غیر آن بگذار و امام جعفر صادق
فرمودند که رسول صلعم فرمودند که هر زنی که کابین
بشوهر بخشد پیش از آنکه شوهر با وی نزدیکی کند حق

سبحانه وتعالی بهر دیناری ثواب آزاد کردن بندهٔ
باو دهد و هم فرمودند که هرکس که کنیزکی سرتیه سازد
باید که بهر چل روز یکبار نزدیکی باو کند و فرمودند
که هرکس که نزدیکی با کنیزکی کند و خواهد که بکنیزکی دیگر
نزدیکی کند باید که وضو بسازد و نزدیکی کند و نقل
فرموده اند از امام محمد باقر علیه که حضرت امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلم فرمودند که زن احمق بشیر دادن طفل
مدارید که آن صفت بد بطفل سرایت میکند و حضرت
امام جعفر صادق فرمودند که حق سبحانه وتعالی حرام
کرده است فرشهای استبرق بهشت بر مردی که مرطوباشد
و حضرت پیغمبر صلعم فرمودند که هرکس که پسری بوسه کند
بقصد شهوت حق سبحانه وتعالی در روز قیامت در
دهان او لجامی کند از آتش و حضرت امیر المؤمنین علیه
فرمودند که هر مردی که برغبت خود را واگذارد که مردم

بوی بازی کنند حق سبحانه وتعالی او را مبتلا کرداند
بشهوت زنان و حضرت امام جعفر صادق فرمودند که
حق سبحانه وتعالی گردانیده شهوت مؤمن در پشت او
و شهوت کافر در دبر او و فرمودند که هرکس که دختر
بشراب خواره دهد بزنی ترک خویشتن پیوندی کرده
و پیغمبر صلعم فرمودند که پنبه رشتن نکو شغلست مر زنان
صالحه را و فرمودند که ابرهیم پدر من علیه السلم غیرت داشت
و من از او غیرت بیشتر دارم و هر مؤمنی که غیرت نداشته
باشد حق سبحانه وتعالی روی او را در خاک کشد و منقولست
از امام محمد باقر علیه که فرمودند غیرت زنان حسد است
و حسد اصل کفر است و زنان چون غیرت مینمایند غضب
می کنند و در غضب کافر می شوند الا زنان مسلمان
و کسی سوال کرد از امام علی رضا علیه که زنان مقنعه بر
روی افکنند از مردان بی خصیه جواب فرمودند که

ایشان بر دختران ابی الحسن علیه السلم در می آمدند و
ایشان مقنعه نمی افکندند پس سوال کرد که ایشان
مردان آزاد بودند که فرمودند والله اعلم بالصواب

باب نهم

در آداب سفر و در او ست فصلت

فصل اول

در فضیلت سفر و آنکه کدام وقت جهة سفر خوبست و کدام وقت بد
روایتست از امام جعفر صادق علم که فرمودند در حکمت
آل داود مذکورست که عاقل سفر نکند مگر از برای سه چیز
زاد راه آخرت و ترتیب معیشت و لذت یافتن از غیر حرام
و فرمود رسول الله صلعم که مسافرت نمایید تا صحت
و تن درستی یابید غزا کنید تا مال و غنیمت بگیرید و حج
کنید تا غنی شوید و همچنین روایتست از امام جعفر صادق
علیه السلم که فرمودند که هر کس که خواهد که سفر کند باید که
روز شنبه سفر کند که اگر سنگی درین روز از کوه بیفتد حق
سبحانه و تعالی باز او را بمکان خود رساند و هر که مشکل

در فضیلت سفر

شده باشد حاجتهای او و باید که در روز سه شنبه طلب
آن نماید که روزیست که خدای تعالی آهن برای حضرت
داود علیه السلم موم کرد و همچنین روایتست از آن
حضرت که فرمود در شب جمعه مسافرت کردن باکی
نیست روایتست از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم
که فرمودند حضرت رسالت صلعم در روز پنجشنبه سفر
فرمودند و یکی از اصحاب گفت دوسترین روزها
جهة سفر پیش حضرت رسالت صلعم روز جمعه بود و
گاهی که بجایی میفرمود از مردم پنهان میداشت و
گفت روز پنجشنبه روزیست که خدا و رسول و ملایکه
آنرا دوست دارند و بعضی مردم بغداد بعلی ابن موسی
الرضا صلوات الله علیه نوشتند که روز چهارشنبه آخر ماه
سفر می توان کرد فرمود که هر کس که بخلاف مردمی که
فالهای بد میزنند سفر کند حق سبحانه و تعالی او را از

مرآفتی نگاه دارد و جمیع عافیتها اورا روزی کند و
حاجت اورا برآورد و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله
که در شب سیر کنید که در شب راه از پیش میرود و روایتست
از امام جعفر صادق علیه السلم که فرمود روز جمعه بیرون مروید
از جهة کاری و روز شنبه چون آفتاب طلوع کند بیرون
روید و سوال کرد ابو ایوب از امام جعفر صادق علیه السلم
از معنی آیه فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض که
مراد ازین چیست فرمود که مراد آنست که روز جمعه نماز
گذارید و روز شنبه سفر کنید و از آن حضرت صلی الله علیه وآله
روایتست که فرمود که از سفر روز سوم و چهارم و بیست
و یکم و بیست پنجم ماه بپرهیز کنید که آنها روز نحس است و نیز
از آنحضرت روایتست که فرمود روز شنبه سفر مکنید و
طلب حاجات مکنید و حضرت امام رضا علیه در عیون
الاخبار فرموده اند که روز شنبه روز مکر و فریبست

و روز یکشنبه روز عرس است و بنا نهادن و روز دوشنبه
روز سفر است و طلب حاجات و روز سه شنبه روز
جنگ و خون ریزیست و روز چهارشنبه روز شوم
است که مردم ازو فال بد میگیرند و روز پنجشنبه روز
دیدن امرا و حکام است و ساختن کارها و روز جمعه
روز خطبه و نکاح است و همچنین روایتست از امام جعفر
علیه که فرمود که هرکس که قمر در عقرب سفر کند نیکویی نه بیند
و شخصی با آنحضرت علیه گفت من ببلای علم نجوم گرفتار بودم
و هرگاه کاری میخواستم که بکنم در طالع نظر میکردم اگر خوب
بود آن کار را میکردم و اگر بد بود ترک می کردم فرمود آن
کار بر می آمد گفت بلی فرمود که کتابهای خود بسوزان و
امیرالمومنین علی علیه السلم سفر و نکاح کردن مکروه میداشت
در حالتی که قمر در محاق بود یعنی روز بیست و هشتم و بیست نهم
و سیم ماه و از حضرت امام موسی علیه روایتست که فرمود

پنج چیز در راه مسافر شوم است کلاغی که از دست راست
او آواز کند و هر کبک او رم کند و کرگی که در برابر او بر دم
نشسته آواز کند و سه نوبت برخیزد و دیگر بنشیند و آهویی
که از دست راست بیاید و بجانب چپ رود و جغد که آواز
کند و بر زنی که فرج خود را آشکار کند و ماده خر گوش
بریده را که ببیند آنکس که در دل او ازینها چیزی افتد این دعا
بخواند اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی نفسی
فاعصمنی من ذلک از شر آن خلاص شود شخصی از امام
جعفر علیه السلم سوال کرد که آیا سفر مکروهست در یکی از روزهای
مکروه مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که پیش از سفر صدقه
کن و آیة الکرسی بخوان هرگاه که سفر پیش آید علی زین العابدین
علیه السلم فرمودند حج کنید و عمره بگذارید تا تن درست شوید
و رزق شما فراخ شود و معاش خود و عیال یابید و هم
از آن حضرت روایتست که فرمود هر کس که پیاده بحج رود

سوره

سورة انا انزلنا بخواند الم پیاده رفتن در پا بدو فرمود
که هیچکس انا انزلنا نخواند در حینی که سوار می شود الا که
خدای تعالی او را سالم و آمرزیده بمنزل رساند و نیز چون
سفت نوبت بحج رفت از حیوانات بهشت می شود
امام جعفر صادق علیه السلم فرمود اگر چیزی بر تقدیر خدای
تعالی مقدم می بود من میگفتم که خوانندهٔ انا انزلناست
چون سفر کند یا از منزل خود بیرون آید زود بمنزل خود
باز میگردد انشاء الله تعالی **فصل دوم** در صدقه دادن
پیش از سفر روایتست از امام جعفر علیه السلم که فرمود
صدقه کن و هر روزی که میخواهی سفر کن شخصی حکایت
می کند که در علم نجوم نظر میکردم و ملاحظهٔ طالع می نمودم
و از آن دغدغه در خاطر پیدا می شد شکایت کردم از آن
پیش حضرت امام موسی علیه فرمود که هرگاه که در خاطر
تو از آن ره کند و چیزی بر سد صدقه کن بهر مسکینی که

در صدقه دادن

اول دو چار تو شود بعد از آن خاطر جمع دار که خدای
تعالی آنرا از تو رفع می کند از حضرت امام جعفر صادق علیه
مرویست که هر که تصدق کند بچیزی چون صبح شود خدای
تعالی نحوست آنروز را از و دفع کند و بدیهای آنروز
و در کتاب محاسن از حضرت امام جعفر ع روایتست که
فرمود پدرم هرگاه روز چهارشنبه یا روز دیگر از روزها
سفر می کرد صدقه میداد بعد از آن بیرون میرفت و همچنین
روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلم که هرگاه که بجانب
اموال خود بیرون میرفت می خرید سلامتی را از حضرت
خداوند بانچه میسر بود یعنی صدقه میداد آنچه آنحضرت را
دست رس می بود و این صدقه وقتی می فرمود که پای
مبارک در رکاب همایون می نهاد و چون بسلامت
مراجعت میفرمود حمد و شکر خداوند بجای می آورد و
بانچه میسر بود صدقه می کرد و همچنین آنحضرت فرمود

که هرگاه که خواهی که سفر کنی از پروردگار خود سلامتی
خود بخر بآن مقدار که نفست بآن خوش بود و بگو
خداوندا میخواهم که فلان سفر کنم و از تو سلامتی میخرم
درین سفر باین مبلغ یعنی چیزی صدقه کن و در حال صدقه
کردن این عبارت که مذکور شد بگو و همچنین فرموده
هرگاه بسلامت مراجعت کردی چیزی صدقه کن
در برداشتن عصا روایتست که حضرت رسالت صلعم
فرمود آیا عاجز است یکی از شما که عصای بردارد که در
با بین او نیزه باشد که بآن بدیها را از راه دفع کند و
جانوران موذی را بکشد و همچنین فرموده که عصا
علامت مؤمنست و سنت و طریق انبیا و نیز آن
حضرت فرموده که با عصا براه رفتن از تواضعست
و هر که با عصا براه رود در هر قدم برای او هزار
نیکویی می نویسند و هزار درجه پایهٔ او بلند میگردانند

حضرت امیر المؤمنین عله از حضرت رسالت صلعم روایت
می کند که آن حضرت فرمود که هر کس که بسفر بیرون رود
و با او عصایی باشد از چوب بادام تلخ و این آیت بخواند
ولما توجه تلقاء مدین تا آنجا که والله علی ما نقول وکیل
خدای تعالی او را از هر جانور ایذا رساننده ایمن گرداند
و از هر دزد و ظالم و جانور زهر دار مثل مار نگهدارد تا
بوقتی که بکسان خود بپیوندد و با او هفتاد و هفت ملک
باشد که جهة او طلب آمرزش کنند تا باز گردد و همچنین
حضرت امیر المؤمنین از آن حضرت نقل میکند که عصا فقر
می برد و شیطان را دفع می کند و حضرت رسالت صلعم
فرموده که هر کس که خواهد که راه از پیش او زود برخیزد
عصای چوب بادام تلخ با خود نگاه دارد **در دستار زیر**
گلو بستن از حضرت امام جعفر صادق عله روایت که
فرمود هر کس که از خانه خود دستار بزیر گلو بسته بیرون

دستار در زیر گلو بستن

رود

رود من ضامنم که باز بسلامت بخانه خود باز رود
و هم از آن حضرت روایت که هر کس که بسفر بیرون
رود و دستار بزیر گلو نه بندد و درد بی دوایی باو
برسد ملامت نکند مگر نفس خود یعنی آنرا از نفس خود
بیند **فصل سوم** در چیزهاییست که در وقت بیرون رفتن
بسفر سنت است حضرت رسالت صلعم فرموده که
هر کس که بسفر رود او را هیچ قایم مقامی در خانه به از
دو رکعت نماز نیست که در وقت بیرون رفتن
بگذارد و در وقت وداع این دعا بخواند اللهم انی
استودعک الیوم دینی ونفسی ومالی واهلی وولدی
وجیرانی واهل حزانتی الشاهد منا والغائب وجمیع
ما انعمت به علی اللهم اجعلنا فی کنفک ومنعک و
عیاذک وعزک عز جارک وجل ثناؤک وامتنع
عائذک ولا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی
الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا الله
اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا
وحضرت امام محمد باقر علیه هرگاه که می خواست که بسفر
رود جمیع عیال خود را در خانه جمع می فرمود وهمین
دعا که مذکور شد میخواندند شخصی روایت میکند از حضرت
امام موسی علیه السلم که هرگاه که بسفر می فرمود بر در خانه
می ایستاد و بآن جانب که متوجه بود روی می آورد
و فاتحة الکتاب میخواند از پیش رو و جانب راست
و چپ و آیة الکرسی میخواند بهمین طریق بعد از ان
این دعا می خواند اللهم احفظنی واحفظ ما معی و
سلمنی وسلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن
خدای تعالی نگاه میداشت آنحضرت را و چیزی که با آن
حضرت بود بسلامت میداشت و بمنزل می رسانید

اورا و حضرت امام جعفر هرگاه که بسفر می فرمود این
دعا می خواند اللهم خل سبیلنا واحسن تسییرنا واعظم
عاقبتنا روایتست از امام رضا علیه السلم که فرمود که
هرگاه که از منزل خود بیرون می روی خواه بجانب سفر
و خواه بجانب مهمی این دعا می خوان بسم الله امنت
بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
هر کس که این دعا بخواند شیاطین که پیش راه او می آیند
ملایکه بر روی ایشان میزنند که برابر این شخص میاید
که نام خدای تعالی برده است و ایمان باو آورده
و توکل برو کرده روایت می کند شخصی از حضرت رسالت
صلعم که آن حضرت هرگاه که بسفر می فرمودند این دعا
می خواند اللهم بک انتشرت والیک توجهت وبک
اعتصمت انت ثقتی ورجائی اللهم اکفنی ما اهمنی وما لا اهتم
له وما انت به اعلم منی اللهم زودنی التقوی واغفرلی

فَارْحَمْنِي إِلَى الْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتُ   واز حضرت امام
جعفر علیه السلم روایتست که فرمود هر که در وقت بیرون
آمدن از منزل خود بگوید اَللهُ اَکْبَرُ اَللهُ اَکْبَرُ اَللهُ اَکْبَرُ
بِسْمِ اللهِ دَخَلْتُ وَبِسْمِ اللهِ خَرَجْتُ وَعَلَى اللهِ تَوَكَّلْتُ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وصلی الله علی محمد
وآله اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِي هَذَا بِخَيْرٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ
بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ   در ضمان خدای تعالی است
تا وقتی که باز گردد به منزل در وقت سواری حضرت
امام جعفر صادق علـ وقتی که پای مبارک در رکاب
می نهاد می فرمود سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا
لَهُ مُقْرِنِينَ   و هفت بار سبحان الله و هفت بار الحمد لله
و هفت بار لا اله الا الله می فرمود و شخصی روایت
می کند که رکاب حضرت امیر المومنین علی علیه الصلوة والسلم

گرفتم

گرفتم در حالی که آن حضرت سواری می شد سر مبارک بجانب آسمان
کرد و تبسم فرمود گفتم یا امیر المومنین دیدم که سر سوی
آسمان کردی و تبسم فرمودی گفت بلی همچنانکه تو
رکاب من گرفتی من رکاب حضرت رسالت را
گرفتم آن حضرت سر بجانب آسمان کرد و تبسم فرمود
همچنانکه تو از من سوال کردی من از آن حضرت سوال
کردم فرمود یا علی هیچکس سوار نشود بآنچه خدای
تعالی باو انعام فرموده است پس بخواند اِنَّ رَبَّکُم
الله الذی خلق السموات والارض تا سه آیه بخواند
بعد از آن بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ
الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
إِلَّا أَنْتَ   مگر آنکه خدای تعالی فرماید ای ملایکه من بنده
من میداند که گناهان غیر از من کسی نمی آمرزد گواه باشید
که من آمرزیدم او را **فصل چهارم** در مشایعت کردن حضرت

در مشایعت کردن

صلی الله علیه وآله وقتی که جعفر طیار را بجانب حبشه می فرستاد

باره براه مشایعت کرد و همراه برفت واین دعا را زاد

راه او ساخت اَللّٰهُمَّ اُلْطُفْ بِی فِی تَیْسِیرِ کُلِّ عَسِیرٍ فَاِنَّ تَیْسِیرَ

الْعَسِیرِ عَلَیْکَ یَسِیرٌ اَللّٰهُمَّ اَسْاَلُکَ الْیُسْرَ وَالْمُعَافَاتَ فِی الدُّنْیَا

وَالْاٰخِرَةِ حضرت امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین

علیهم السلم و عقیل برادر حضرت امیر و عبدالله بن جعفر

و عمار یاسر مشایعت ابوذر فرمودند و حضرت امیر المؤمنین

فرمودند که وداع کنید برادر خود را هر کس که وداع

خواهد بکند شخصی را این دعا بخوانند در حال وداع

اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ دِینَکَ وَاَمَانَتَکَ وَخَوَاتِیمَ عَمَلِکَ اَحْسَنَ اللّٰهُ

لَکَ الصَّحَابَةَ وَاَعْظَمَ لَکَ الْعَافِیَةَ وَقَضٰی لَکَ الْحَاجَتَ

وَزَوَّدَکَ التَّقْوٰی وَوَجَّهَکَ لِلْخَیْرِ حَیْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَرَدَّکَ

سَالِمًا غَانِمًا روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه

که فرمودند حضرت رسالت پناه صلعم وداع مردی کرد

وفرمود سَلَّمَکَ اللّٰهُ وَغَنَّمَکَ **فصل پنجم** در آداب مصاحبت

در سفر شخصی روایت میکند که من پیش امام جعفر علیه السلم

بودم و در خانهٔ آنحضرت از مردم ایشان پر بود فرمود

از ما نیست هر که مصاحبت و همراهی نیکو نکند رفیق و

مصاحب خود را و همچنین در مخالقت با خلق و همچنین

حضرت امام جعفر علیه فرمودند که پدرم می گفت اعتمادی

بر آنکس نیست که در وسه خصلت و خاصیت نباشد

خلقی که نیکوئی کند با مصاحبان خود و حلمی که بواسطهٔ

آن مالک غضب خود باشد و زهدی که مانع شود او را

از حرام شخصی از امام جعفر علیه السلم روایت می کند که آن

حضرت وصیت کردم ابتقوی و آنکه امانت را ادا کنم

و راست گو باشم و مصاحبت با مصاحبان نیکو کنم حضرت

رسالت صلعم فرمودند اول رفیقت و بعد از آن

سفر و همچنین فرمودند که دو کس که مصاحبت میکنند

بزرکتر ایشان پیش خدای تعالی از روی ثواب واجر
انکس که در مصاحبت بهتر باشد و حضرت امیر المؤمنین
فرمود که مصاحبت مکن در سفر باکسی که ترا برتر از خود
نداند همچنانکه تو او را برتر از خود میدانی مصاحب می
باید که کل واحد یکدیگر را بهتر از خود دانند حضرت رسالت
صلعم فرموده است که سنت است که چون بسفر روند
نفقهٔ خود همراه برند که موجب خوش وقتی انکس و
نیکویی خلق اوست روایتست از امام محمد باقر علیه السلم
که فرمود مصاحبت با مثل خود بکن و باکسی که رعایت
حال تو بکند و معیشت تو بد مصاحبت مکن که سبب
خواری مؤمنست و فرموده حضرت رسالت صلعم که
بهترین مصاحبان این کس نزد خدای چهار کس اند
تا هفت کس و از هفت که درگذشت موجب پریشانیست
وحضرت امام جعفر علیه السلم فرموده که مسافر می باید

که تا سه

که تا سه روز جهت مصاحب توقف کند وقتی که آن
مصاحب بیمار شود و هم آنحضرت فرموده که حضرت
رسالت صلعم فرمود که هیچ نفقه پیش خدای تعالی به از
میانه روی نیست و اسراف و بی اعتدالی را دوست
نمیدارد مگر در حج و عمره و همچنین فرمود که هیچکس
با بدخلق همراه سفر نکند و فرموده که بهترین مردم در
سفر انکس است که خدمت یاران کند و حضرت امام
جعفر علیه السلم فرموده است که حضرت در سفری فرمود
که گوسفندی بکشند مردی گفت من میکشم این گوسفند را
و شخصی گفت من پوستش را بکنم و دیگری گفت من
پاره کنم و دیگری گفت من بپزم آنحضرت صلعم
فرمودند که من هیزم جمع میکنم یاران گفتند یا حضرت
شما زحمت مکشید تا ما بکنیم آنحضرت فرمود من
میدانم که شما این خدمت می کنید اما خدای تعالی

مکروه میدارد بندهٔ راکه درمیان مصاحبان بیکار
باشد وکار خود بر گردن ایشان اندازد وحضرت
رسالت صلعم که بسفر می فرمودند شانه وسرمه دان
ومسواک همراه می بردند وروایتست از حضرت امام
جعفر علیه که فرمودند که لقمان علیه السلم با پسر خود گفت
هرگاه که با جماعتی مسافرت کنی با ایشان در کارهای خود
وکارهای ایشان مشورت کن ودر روی ایشان
خندان باش وخوش حال ودر توشهٔ خود کریم باش
وبا ایشان درمیان نه وهرکار که دعوت کنند ترا قبول
کن واگر از تو یاری طلبند ایشانرا یاری کن وخاموش
باش ونماز بسیار بکن وبا همراهان خود کریم باش
با نچه داری از الاغ وآب و توشه یعنی در هیچ کدام
ازینها با ایشان مضایقه مکن وهرگاه که از تو گواهی
حق طلبند گواهی بده وگاهی که پیاده روند با ایشان

پیاده برو وچون سوار شوند تو هم سوار شو وهرگاه
که صدقه کنند یا قرضی دهند تو نیز با ایشان اتفاق کن
وسخن کسی که بحسب سن از تو بزرگتر باشد بشنو هرگاه
که ترا امر کنند بچیزی ویا از تو چیزی خواهند قبول کن
وجواب مگو که جواب بدخلقیست وهرگاه که در راه
متحیر شوید فرود آیید ومشورت کنید وهرگاه که
شخصی را ببینید راه را از و سوال مکنید که شاید جاسوس
دزدان باشد یا شیطان که خواهد شما را سرگردان کند
واز دو کس که ملاقی شوید به پرهیزید مگر آنکه از احوال
ایشان دریابید که در ایشان دغلی نیست وهمچنین لقمان
گفته با پسر خود که ای پسر هرگاه که وقت نماز درآید فی الحال
نماز بگذار و با آخر وقت مگذار بعد از ان آسایش کن
ونماز بجماعت بگذار در هرجا که توان گذارد وبر
بالای مرکب خواب مکن که مجروح می سازد او را وهرگاه

نصیحت

که به منزل نزدیک شوی از مرکب فرود آی و او را
بعلف سرده واگر در صحرایی باشی درجایی فرود آی
که بصفا باشد و خاکش نرم باشد و چون فرود آیی
دو رکعت نماز بگذار پیش از انکه بنشینی و هر وقت
که بقضا حاجت روی از مردم دور شو چون کوچ کنی
دو رکعت نماز بگذار بعد از ان زمین را وداع کن
و سلام کن بر وی و بر اهل او که در هر منزلی جماعتی از
ملایکه هست و اگر می توانی که طعام نخوری تا اول صدقه
بدهی اول صدقه بده و می باید که قرآن بخوانی مادام
که سوار باشی و تسبیح کنی بهر کار که مشغول باشی و دعا
کنی کاهی که بیکار باشی و از اول شب تا آخر شب سیر مکن
و در راه بلند سخن مکن فصل ششم در نگاه داشتن چیزی
که همراه اوست و استخاره و طلب حاجت روایت از
امام جعفر صادق علیه السلم که فرمود هر کس که آیة الکرسی

در استخاره و طلب حاجت

بخواند

بخواند هر شب در سفر بسلامت ماند خود و هر چه با اوست
روایتست که شخصی از برای امام علی رضا علیه السلم جند
بقچه رخت فرستاد و درمیان او قدری کل بود شخصی
میکوید که برسیدم این چه کلست کفتند کل قبر امام حسین
علیه الصلوة والسلم وصاحب رخت هر چیز بهر جا که می فرستد
این کل درمیان آن می نهد و میکوید که آن در امان خداست
و روایتست از امام جعفر علیه السلم که دو برادر نزد رسول
صلعم آمدند و کفتند که میخواهیم بجانب شام بتجارت رویم
تعلیم کن ما را که در راه چه دعا بخوانیم حضرت فرمودند
که هرکاه که در منزل جای کنید و نماز خفتن کزارده باشید
محلی که بهلو بر جامه خواب نهید تسبیح فاطمه زهرا صلوات الله علیها
و آیة الکرسی بخوانید که در امان خدا باشید پس ایشان
بسفر رفتند جماعتی دزدان در عقب ایشان رفتند تا
وقتی که فرود آمدند دزدان شخصی را فرستادند که خبر کیرد

که ایشان در خوابند یا بیدار آن شخص آمد دید که یکی از ایشان
تسبیح زهرا گفت و آیة الکرسی خواند و خواب کرد ناگاه
گرد حصاری دید که در گرد ایشان در آمد آن شخص هرچند
در گرد آن حصار گشت باندرون نتوانست آمد به پیش
یاران خود بازگشت و آن حکایت بازگفت مصاحبان
دشنام دادند و گفتند دروغ می گویی بلکه ترسیده و سست
شده همه برخاستند و آمدند حصاری دیدند نتوانستند
در آمد چون صباح شد پیش آن دو جوان آمدند و گفتند
دوشینه کجا بودید گفتند همین جا بودیم و جایی نرفتیم
گفتند ما آمدیم و چاراندیدیم و چهار دیواری دیده ایم
درین چه سر بود گفتند ما بحضرت رسالت صلعم رفته
بودیم ما را تعلیم کرد تسبیح زهرا و آیة الکرسی پس همچنان
کردیم دزدان گفتند بروید که ما را با شما کاری نیست فصل هفتم
در استخاره در تجارت شخصی روایت میکند که بمکة الله رفتم

در استخاره در تجارت

و باره

و باره قماش همراه داشتم و کس نمی خرید یاران گفتند
که بمصر فرست و دیگر باره بیمن و کوفه و باز مکرر دان
القصه هر کس چیزی می گفتند بخدمت امام جعفر علیه السلم
رفتم و این قصه عرضه داشت کردم فرمود قرعه بینداز
میانهٔ مصر و یمن و توکل بر خدا کن قرعه بنام هر کدام
ازین شهر که بر آید بانجا فرست گفتم یا امام چگونه قرعه
اندازم فرمود که در کاغذی بنویس که بسم الله الرحمن الرحیم
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ
اَنْتَ الْعَالِمُ وَاَنْتَ الْمُتَعَلِّمُ فَانْظُرْ لِی فِی اَیِّ الْاَمْرَیْنِ
خَیْرٌ لِی حَتّٰی اَتَوَکَّلُ عَلَیْکَ فِیهِ وَاَعْمَلُ بِهِ و نام مصر بر او
بنویس با انشاء الله و در رقعهٔ دیگر این دعا بنویس
و نام یمن با انشاء الله بر آن بنویس و در رقعهٔ سوم
همین دعا بنویس با کلمه که دلالت کند بر جنس متاع
و نفرستادن با آن دو شهر بعد از آن کاغذها را جمع کن

وبشخصی بده که در زیر جایی پنهان کند بعد از ان بردار
هر کاغذ که اول بیرون آید بآن عمل کن و فرمود که
هر گاه که خواهی که بمهمی بروی و آفتاب بلند شده باشد
دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعتی الحمد و قل هو الله
احد و قل یا ایها الکافرون بخوان و چون سلام باز
دهی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّی غَدَوْتُ اَلْتَمِسُ مِنْ
فَضْلِکَ کَمَا اَمَرْتَنِی فَارْزُقْنِی مِنْ فَضْلِکَ رِزْقاً حَسَناً
وَاسِعاً حَلَالاً طَیِّباً وَاَعْطِنِی فِیمَا رَزَقْتَنِی الْعَافِیَةَ غَدَوْتُ
بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ غَدَوْتُ بِغَیْرِ حَوْلٍ مِنِّی وَلَا قُوَّةٍ وَلٰکِنْ
بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ وَاَبْرَأُ اِلَیْکَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْاَلُکَ بَرَکَةَ هٰذَا الْیَوْمِ فَبَارِکْ لِی فِی جَمِیعِ اُمُورِی
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَصَلَّی اللّٰهُ علی محمد و آله اجمعین فصل ششم
در آداب پیاده رفتن و آنکه تنها سفر کردن مکروه است
روایتست از حضرت امام جعفر علیه که فرموده پیاده روید

در آداب پیاده رفتن و آنکه تنها سفر کردن مکروه است

بسر

بسرعت و قدم بکشید که آن بر شما آسان ترست از مشقت
الاغ روایتست که جمعی پیاده میرفتند حضرت رسالت
پناه بایشان رسید گفتند یا رسول الله از پیاده رفتن
بتنگ آمده ایم فرمود که قدم بکشید که بر شما آسان می
شود روایتست از آن حضرت که فرموده است شما را
خبر دهم از بدترین خلایق حاضران مجلس گفتند یا رسول الله
خبر ده فرمود کسی که تنها سفر کند و فایده بمردم نرساند
و خادم و غلام خود را می آزارد و روایتست از حضرت امام
موسی علیه که فرمود هر کس که تنها سفر کند باید که این دعا
بخواند مَاشَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ آنِسْ
وَحْشَتِی وَاَعِنِّی عَلیٰ وَحْدَتِی وَاَدِّ غَیْبَتِی روایتست از
از حضرت امام جعفر علیه که فرمود هر گاه که راه گم کنید بگویید
یَا صَالِحُ یَا اَبَا صَالِحٍ اَرْشِدُونَا اِلَی الطَّرِیقِ یَرْحَمُکُمُ اللّٰهُ و هم
از آن حضرت روایتست که فرمود نگهبان صحرا صالح است

ونگهبان دریا حمزه و نیز آن حضرت فرموده که هرگاه که در
صحرا غول پیدا شود بانگ نماز بگوید تا برطرف شود
و روایتست از پیغمبر صلعم که چون بمنزل فرود آید این دعا
بخواند اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِين
و چون بجانب خانه باز گردید این دعا بخواند آیبون
تایبون انشاء الله عابدون راكعون ساجدون لربنا
حامدون اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حِفْظِكَ اِيَّايَ فِي سَفَرِي وَ
حَضَرِي اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوْبَتِي هٰذِهِ مُبَارَكَةً مَيْمُونَةً مَقْرُونَةً
بِتَوْبَةِ النَّصُوحِ تُوجِبُ لِي بِهَا السَّعَادَةَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِين
و چون بشهری درآیند این دعا بخوانند در وقتی که شهر
نمودار شود اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا
اَللّٰهُمَّ حَبِّبْنَا اِلٰى اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي اَهْلِهَا اِلَيْنَا چون
در کشتی نشیند بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِكِ الرَّحْمٰن و ما قدروا الله
حق قدره تا آخر آیه بخواند و بعد از ان بخواند بِسْمِ اللّٰهِ

مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و چون از پلی
گذار کنید بگوید بِسْمِ اللّٰهِ اُدْحُرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيم
و کسی که از مکه الله مراجعت کند حضرت امام جعفر گفت
که با او بگوید تَقَبَّلَ اللّٰهُ مِنْكَ وَاَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ
وَغَفَرَ ذَنْبَكَ و هم آنحضرت فرموده که هر که در بغل گیرد
حاجی را که از راه برسد همچنانست که حجر الاسود را زیارت
کرده است و کسی که از سفر باز آید و بخانه در آید باید که هیچ
کار مشغول نشود تا غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد
و سجده شکر بکند و در حال سجود صد بار بگوید اَلشُّكْرُ لِلّٰه
قول در رعایت الاغان ابو ذر از حضرت رسول صلعم
روایت می کند که شنیدم از ان حضرت صلعم که فرمود هر کسی
دعا می کند و می گوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْكَ صِدْقًا يُشْبِعُنِي
وَيُسْقِينِي وَلَا يُحَمِّلُنِي مَا لَا اُطِيقُ یعنی خداوندا روزی کن
مرا مالی که مرا سیر کند و سیراب گرداند و بر من باری ننهد

که مرا طاقت آن نباشد و روایتست از حضرت امام جعفر علیه
که فرموده است الاغان بدست آرید که داخل زینت است
و از ان مهمات کفایت می شود و رزق ایشان بر خداست
و روایتست از حضرت رسالت پناه صلعم که فرمود واجبست
که مدارا با مرکب لاغر ضعیف بکنید در وقت سواری
و بمقداری که تواند رفت راه روید و همچنین حضرت
رسالت صلعم فرموده که مرکوب را بر خداوند خود حقهاست
اول انکه علیق دهد او را هر گاه که فرود آید و چون باب
رسد او را آب نماید و بر روی او نزنند که او تسبیح می کند
بحمد پروردگار و همچنین بر پشت او نزنند و بیش از قوت
او بر وستم نکند و در رفتن با او زیادتی نکند شخصی از
حضرت امام جعفر علیه سوال کرد که بزنم مرکوب را فرموده که
وقتی که همچنانچه بجانب علف می رود بزن و دوم آنحضرت
فرموده است که مرکوب را وقتی که بسر در آید بزنید و وقتی

که رم میخورد مزنید که او چیزی می بیند که شما نه بینید و حضرت
رسالت صلعم فرمود که بر بالای مرکوب مربع منشینید و بر
سر اسب صحبت مدارید و مرد و با از جانب وفرو مگذارید
و روایتست از حضرت امام علی زین العابدین علیه که بیک
شتر چهل بار بحج رفت که یک تازیانه برو نزد قول در احوال شتر
روایتست از حضرت امام جعفر علیه که فرمود شترهای سرخ
نگه مدارید که کوتاه عمرند فرمود که شترهای سیاه بدشکل بخرید
که دراز عمرترند از باقی شتران و حضرت رسالت صلعم نهی
فرموده از میان قطار شتر گذشتن و فرموده که درمیان
مرد و شتر شیطانست ایستاده قول در احوال اسب حضرت
رسالت صلعم فرموده اند که خیر از پیشانی اسبها تابانست
تا روز قیامت و کسی که اسب را در راه خدا رعایت کند
حکم انکس دارد که هرگز صدقه ترک نکند روایتست از حضرت
امام رضا علیه السلام که فرمود در بینی هر اسبی شیطانی مجاورست

در شتر

در اسب

هرگاه که خواهید لجام کنید نام خدا برید روایتست از حضرت
امام موسی علیه السلم که فرمود هر کوبی که سر سخت و بدچشم باشد
در گوش او بخوانید این آیت افغیر دین الله یبغون وله
اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون
واین دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَخِّرْهَا وَبَارِکْ لِیْ فِیْهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ **فصل نهم** در بعضی چیزها که متعلق بسفرست حضرت رسالت
صلعم منع فرموده که پیش از انکه مسافر خبر کند اهل خود را
در آید وقتی که شب رسیده باشد و فرموده اند که سفر پاره
است از عذاب باید که هر کس که در سفر مهم سازی کند زود
باز گردد و هم آنحضرت فرموده که هر کس که یاری و مدد
کاری کند مسافر مومن را خدای تعالی ازو هفتاد و
سه غم و محنت برد در دنیا و در قیامت راحت عظیم او را
روزی کند و هم فرموده اند که وقتی که مسافرت کنید
ترتیب سفر نماید و روایتست از حضرت امام موسی علیه

السلم

در چیزها که متعلق بسفر است

که سفره دید که حلقهای زرد در و بود فرمود که بیرون
کنید و حلقه آهن بجا در و کنند که نیک نیست والله اعلم
باب دهم در دعا و چیزی که بدعا تعلق دارد **فصل اول** خواندن
در فضیلت دعا و کیفیت خواندن آن حضرت رسالت
صلعم فرمود هیچ چیز پیش خدای تعالی بهتر از دعا نیست
و همچنین فرمود سلاح مومن و ستون دین و نور
زمین و آسمانست و فرمود که شما را دلالت کنم بسلاحی
که از دشمنان نگاه دارد و رزق شما را زیاده گرداند
حاضران گفتند بلی فرمود شب و روز دعا کنید که دعا
سلاح مومنست و عاجزترین مردم انکس است که از
دعا عاجز آید و بخیل ترین مردم کیست که در سلام بخیلی
کند و فرمود که مسلمانی نیست که بخدای تعالی دعایی کند
که بخویشان او از ان دعا ضرری برسد و طلب معصیتی چون
دران نباشد خدای تعالی یکی از سه چیز او را کرامت فرماید

در فضیلت خواندن دعا

دعا او را قبول کند یا در آخرت او را عوض دهد یا بلایی
از او دفع کند و حضرت امام جعفر علیه السلام فرموده است
که دعا موجب قبولست همچنانچه ابر موجب بارانست
و روایتست از حضرت امام رضا علیه که فرمود یک دعای
پنهانی به از هفتاد دعا که بر ملا باشد و حضرت امام جعفر علیه
فرمود که حضرت عزت حاجات شما را می داند لیکن
حاجات را عرض کنید و دعا نمایید که خدای تعالی عرض
حوائج دوست میدارد و هم فرموده است که خدای تعالی
مکروه میدارد که از خلق طلب کنید لیکن دوست میدارد
که از و قول در اوقاتی که امیدواری قبول دعاست
روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود در چهار وقت
دعا کنید وقتی که باد سخت آید و وقت زوال و وقتی که
باران آید و وقتی که خون مومنی بر خاک ریزد که درهای
آسمان درین وقتها کشاده می شود و آن حضرت فرموده

که در چند

که در چند موضع دعا قبولست در نماز وتر و بعد از نماز
صبح و بعد از پیشین و بعد از شام و حضرت امیر المومنین
فرمود غنیمت دانید دعا را در چهار موضع نزد خواندن
قرآن و وقت بانگ و وقت باران و وقتی که در غزا
صفها راست شود و روایتست از امام محمد باقر علیه السلام
که فرمود خدای تعالی دوست میدارد بندگان مومن را
که دعا کنند پس دعا کنید از سحر تا طلوع آفتاب که در ان
وقت درهای آسمان گشوده است و رزق در ان وقت
بخش میکنند و حاجتها در ان وقت روا می شود و روایتست
از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود هرگاه که طلب روزی
می کنید در دعا کفها و دست را بجانب آسمان بگشایید و
چون بخدای تعالی پناه جویید از شر نکبتی کفهای دست
بجانب قبله کنید و در حال تضرع و زاری دست را از
سر بگذرانید چون روی از دنیا گردانیده بجانب خدای

تعالی آرید انگشتهای شهادت را حرکت دهید **قول**
در آنچه پیش پیش از دعا باید کرد در روایتست از امام جعفر
علیه السلم که فرمود پیش از دعا حمد و ثنای خدای تعالی را
بجای آرید و صلوات بر پیغمبر بفرستید بعد از ان جهة خود
دعا کنید و روایتست از امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم
که فرمود پس از دعا بگوید یا من هو اقرب الی من
حبل الورید یا من یحول بین المرء و ما فی قلبه یا من هو
بالنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء و از حضرت امام جعفر
روایتست که فرمود هرگاه که یکی از شما طلب حاجت کنید
ثنای خدای تعالی را بجای آرید که شخصی که از پادشاه طلب
حاجت میکند اول بسخن خوب تقریبی پیدا می کند بعد ازان
طلب میکند و می باید که در وقت طلب حاجت این دعا
بخوانید یا اجود من اعطی یا خیر من سئل یا ارحم من استرحم
یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا

احد یا من لم یتخذ صاحبة و لا ولدا یا من یفعل ما یشاء
و یحکم ما یرید و یقضی ما احب یا من یحول بین المرء و
قلبه یا من هو بالنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء و هو
السمیع البصیر و نام خدا بسیار برید و صلوات بر
حضرت رسالت و آل آنحضرت صلوات الله علیه فرستید
و این دعا بخوانید اللهم اوسع علی من رزقک
الحلال ما اکف به وجهی و اؤدی به عن امانتی و اصل
به رحمی و یکون عونا لی علی الحج و العمرة و روایتست از
امام جعفر علیه السلم که هرگاه که چهل کس باشند هریکی ده بار دعا
کنند آن نیز مستجاب می شود و اگر یکی چهل بار دعا کند خدای
تعالی آنرا قبول می کند و هم آنحضرت فرموده که پدرم
هرگاه که از چیزی غمگین می شد عورتان و طفلان را جمع می
فرمود و دعا می کرد و ایشان امین می کنند و نیز فرموده
اند که دعا محجوبست مادام که صلوات بر محمد و آل محمد نفرستند

وروایتست از حضرت رسالت صلعم که فرمود در مجلسی که
جماعتی صحبتی دارند و ذکر خدا نکنند و صلوات بر من نفرستند
آن صحبت وبال و حسرتست برایشان روایتست از حضرت
امام جعفر علیه السلم که فرمودند دعای سه کس مستجابست
کسی که در راه مکه الله باشد و کسی که بغزا رود و کسی که بیمار
باشد و هم از آن حضرت روایتست که فرمود که پدرم فرمود
که چند کسند که دعای ایشان مردود نیست یکی امام عادل
و یکی مظلوم که خدای تعالی در جواب او میگوید که داد ترا
از ظالم می ستانم واگرچه بعد از مدتی باشد دعای فرزند
صالح جهت پدر رود دعای پدر صالح جهة فرزند و مؤمنی
که از برای برادر مؤمن طلب حاجتی کند خدای تعالی دعا
مستجاب میکند و نیز از آن حضرت روایتست که فرمود
از دعای مظلوم پرهیز کنید که دعای او بآسمان می رسد
و روایتست از حضرت امام جعفر علیه که شخصی سوال کرد

که من دو آیه در کتاب الله می یابم که آنچه از و میطلبم نمی یابم
آنحضرت فرمود کدامست گفت ادعونی استجب لکم
یعنی دعا کنید که مستجاب کنم و حال آنکه من دعا می کنم و مستجاب
نمی شود امام علیه السلم فرمود که گمان توانیست که حق سبحانه
و تعالی خلاف وعده کند آنکس گفت نه یا امام پس امام
گفت که چه خیال کرده آنکس گفت یا امام من سر این نمیدانم
امام علیه السلم فرمود که من ترا آگاه کنم از سر این و این
آنست که دعا مشروطست بآنکه اول تحمید و تمجید حق تعالی
کنید و ذکر نعمتهای حق تعالی کرده شکر بجای آورید پس
صلوات فرستید بعد از آن یاد گناهان خود کرده و
اقرار بآن کرده استغفار کنید هرکه چنین کند و دعا کند
در چیزی که صلاح باشد البته مستجاب گردد بعد از آن امام
علیه السلم گفت آیه دیگر کدامست گفت وما انفقتم من شیء
فهو یخلفه یعنی آنچه شما صدقه می کنید خدای تعالی عوض میدهد

وحال آنکه ما صدقه می کنیم وعوض نمی یابیم حضرت گفت که
گمان تو آنست که خدای تعالی خلاف وعدهٔ خود میکند گفت
نه حضرت فرمود پس چه خیال کرده گفت یا امام تر این
نمیدانم فرمود که اگر مال از جهت حلال پیدا کنید وصدقه
دهید خدای تعالی عوض میدهد سلمان فارسی رحمة الله علیه
از حضرت رسالت صلعم روایت میکند که فرمود که خدای
تعالی شرم میدارد از کسی که دستها بجانب او بردارد واو را
نا امید گرداند **فصل دوم** در دعایی چند که بشب و روز تعلق
دارد از دعاهای مختار در روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام
که فرمود که هر که ده نوبت قبل از طلوع آفتاب و بعد از
غروب او بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو
علی کل شئ قدیر کفارت گناهان او می شود دران روز
وهم آنحضرت فرموده است که نوح علیه السلام در صبح وشام

در دعاهای شب و روز

این دعا

این دعا می خواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُشْهِدُکَ اَنَّهُ مَا اَصْبَحَ وَاَمْسَیٰ
بِی مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِیَةٍ فِی دِینِی اَوْ دُنْیَا فَمِنْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ
لَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الشُّکْرُ بِهِ عَلَیَّ حَتّٰی تَرْضٰی وَبَعْدَ الرِّضَا وازین
جهت خدای تعالی او را عَبْدًا شَکُورًا خواند در روایتست
ازان حضرت علیه السلام که چون از نماز صبح سنت فارغ
می شد دست بجانب آسمان برمیداشت ومی فرمود
اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ الْمُلْکُ لِلّٰهِ اَللّٰهُمَّ اَنَا عَبِیدُکَ وَاَبْنَاءُ عَبِیدِکَ
اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ حَیْثُ نَحْتَفِظُ وَمِنْ حَیْثُ لَا نَحْتَفِظُ اَللّٰهُمَّ
احْرُسْنَا مِنْ حَیْثُ نَحْتَرِسُ وَمِنْ حَیْثُ لَا نَحْتَرِسُ اَللّٰهُمَّ اسْتُرْنَا
بِالْغِنٰی وَالْعَافِیَةِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا الْعَافِیَةَ وَارْزُقْنَا الشُّکْرَ عَلَی
الْعَافِیَةِ وشخصی از امام جعفر علیه السلام روایت می کند که
فرمود شیعهٔ ما را پناه دوستی ماست اگر در دریا باشد و
اگر در صحراهای خالی یا در میان شیران وگرگان درنده
ودشمنان جن وانس وهر کس که هر صباح سه بار این

دعا بخواند که اصبحت اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی
لا یطاول ولا یحاول من شر کل غاشم وطارق من سائر
من خلقت وما خلقت من خلقک الصامت والناطق
فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بیت
نبیک علیهم السلام محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار
حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم
جمیعا موقنا ان الحق لهم ومعهم وفیهم وبهم اوالی من
والوا واجانب من جانبوا واحارب من حاربوا وصلی
الله علی محمد وآل محمد واعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه
یا عظیم یا عظیم حجز الاعادی عنی ببدیع السموات والارض
انا جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
و در محل شام سه بار بخواند و بجای اصبحت امسیت بگوید
در پناه خدای باشد روایتست از حضرت امیر المومنین علیه

که فرمود

که فرمود نیکی از یاران که از خود و فاطمه علیها السلام
بتو حکایتی بگویم گفت بلی فرمود که جمیع کارهای خانه
فاطمه علیها السلام بدست مبارک خود می کرد تا خانه جاروب
کردن و آش پختن این بحضرت رسالت صلعم معروض
شد فرمود که ترا چیزی تعلیم کنم که از خدمتکار تنگ
نباشی در هر صبح سی و چهار بار الله اکبر و سی و سه بار
الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله بگو پس حضرت فاطمه
علیها السلام سر سوی آسمان کرد و فرمود که راضی شدم از
خدا و رسول خدا روایتست از امام جعفر علیه که فرمود موسی
علیه السلام هر گاه که نماز می گزارد روی از قبله نمی گردانید
تا طرف روی راست بر خاک نمی مالید و حضرت امام
محمد باقر علیه السلام فرموده است که خدای تعالی وحی فرستاده
بحضرت موسی علیه آیا میدانی که چرا ترا از میان خلق بر
گزیدم و با تو سخن گفتم موسی علیه السلام گفت نه حضرت

خداوند تعالی فرموده در میان بندگان بسیار طلب کردم
از تو در عبادت خود خوارتر و نیازمندتر نیافتم که تو هرگاه
که نماز کردی روی خود بر خاک مذلت نهادی و حضرت
امام جعفر علیه فرمود که بنده هرگاه که سجده کند و بگوید یا رب
یا رب یا رب تا آن زمان که نفسش بگیرد حضرت خداوند
فرماید لبیک ای بنده چه حاجت داری روایتست از
حضرت امام جعفر علیه السلم که هر مسلمانی می باید که بعد از نماز
سجده شکر بکند که موجب تمامی نماز و رضای خدا و تعجب
ملایکه است و فرمود که بنده هرگاه که نماز کند و بعد از آن
سجدهٔ شکر کند خدای تعالی میان او و ملایکه رفع حجاب میکند
و ملایکه می گویند به بینید که بندهٔ من ادا فرض نمود بعد
از آن سجدهٔ شکر کرد و حضرت امام علی زین العابدین علیه
در سجده این می خواندند که اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ
فَاِنِّي قَدْ اَطَعْتُكَ فِي اَحَبِّ الْاَشْيَاءِ وَهُوَ الْاِيمَانُ بِكَ مَنًّا

منک

مِنْكَ عَلَيَّ لَا مَنًّا مِنِّي عَلَيْكَ وَتَرَكْتُ مَعْصِيَتَكَ فِي اَبْغَضِ
الْاَشْيَاءِ اِلَيْكَ وَهُوَ اَنْ اَدْعُوَ لَكَ وَلَدًا اَوْ اَدْعُوَ لَكَ شَرِيكًا
مَنًّا مِنْكَ عَلَيَّ لَا مَنًّا مِنِّي عَلَيْكَ وَعَصَيْتُكَ فِي اَشْيَاءَ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ
مُكَابَرَةٍ وَلَا مُعَانَدَةٍ وَلَا اسْتِكْبَارٍ عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا جُحُودٍ
لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلٰكِنِ اتَّبَعْتُ هَوَايَ وَاسْتَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ
بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ فَاِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرَ ظَالِمٍ وَاِنْ تَغْفِرْ لِي
وَتَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وحضرت امام جعفر علیه
با شخصی گفت که هرگاه که ترا غمی برسد دست خود را بر موضع
سجود خود بمال و بعد از آن بر طرف چپ و بعد از آن
روی بکش بجانب پیشانی بطرف راست روی و سه
نوبت بگو بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الْغَمَّ وَالْحُزْنَ قول در دعایی
چند که تعلق بحال خواب و بیداری دارد روایتست از
حضرت امام جعفر علیه السلم که فرمود هر کس که وضو سازد

(در حاشیه:) دو بار بپیشانی

(در حاشیه:) در دعاهای متعلق بخواب و بیداری

و در جامهٔ خواب در آید آن جامهٔ خواب حکم مسجد دارد و
همچنانست هرگاه که داند که وضو دارد پس با وضو باشد
در جامهٔ خواب همیشه در نماز و ذکر خدای تعالی است و هم
از ان حضرت روایتست که فرمود که چون چراغ نزد تو در
آورند بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوْرًا بِهٖ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنَا
نُوْرَكَ يَوْمَ نَلْقَاكَ وَاجْعَلْ لَنَا نُوْرًا اِنَّكَ نُوْرٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
هرگاه که چراغ را بنشانید این دعا بخوانید که اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنَا
مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ و از حضرت امام جعفر علیه [السلام] روایتست
که فرمود که هرگه که ترا در وقت خواب پریشانی رخ نماید
قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخوان و آیة
الکرسی بخوان و هم از ان حضرت روایتست که فرمود
در وقت خواب قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون بخوانید
که قل یا ایها الکافرون سبب دوری از شرکست و قل هو الله
موجب قرب خدای تعالی ست و نیز آنحضرت فرموده

بادی

یمنی

که هرکس که در وقت خواب این دعا بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
عَلٰى فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتٰى وَيُمِيتُ الْاَحْيَاءَ وَهُوَ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ از گناه پاک می شود همچنانکه از مادر
بوجود آمده و پیغمبر فرموده که هرکس که در وقت خواب
کردن سورهٔ الهٰکم بخواند از عذاب قبر محفوظ باشد
و هرکس که او را در شب جزعی روی نماید این دعا بخواند
اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ مِنْ غَضَبِهٖ وَمِنْ عِقَابِهٖ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهٖ
وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَاَنْ يَحْضُرُوْنِ روایتست که
هرکس که از دزد ترسد در وقت خواب آیه قل ادعوا
الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بخواند روایتست از
حضرت امام جعفر علیه السلم که فرمود هرگاه که از جنابت
یعنی بوجه احتلام ترسید چون در جامهٔ خواب در آید این
دعا بخواند که اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ

سوءِ الاحلامِ ومِن ان يتلاعب بي الشيطانُ في اليقظةِ
والمنامِ وهركس كه از بيدارى ترسد در وقت خواب
اين دعا بخواند سبحانَ الله ذي الشانِ دائمِ السلطانِ
عظيمِ البرهانِ كلَّ يومٍ هو في شانٍ بعد از ان بگويد يا مُشبعَ
البطونِ الجائعةِ يا كاسي الجنوبِ العاريةِ يا مسكنَ العروقِ
الضاربةِ يا منوِّمَ العيونِ الساهرةِ سكِّن عروقي الضاربةَ
وائذن لعيني نوماً عاجلاً دعاى ديگر جهة بيدارى يكبار
آية الكرسى بخواند ديگر اذ يغشيكم النعاس امنة منه
ديگر وجعلنا نومكم سباتا تا آخر آيه وهركس كه از فرو آمدن
خانه بترسد در وقت خواب اين بخواند كه ان الله يمسك
السموات والارض تا آخر از امام محمد باقر عليه السلم مرويست
كه فرمود هركس كه اين كلمات بخواند كه اعوذُ بكلماتِ
اللهِ التاماتِ التي لا يجاوزهنَّ برٌّ ولا فاجرٌ من شرِّ ما ذرأ
ومن شرِّ ما برأ ومن شرِّ كلِّ دابةٍ الا هو اخذ بناصيتها ان

ربى على صراط مستقيم از همه گزندها ايمن باشد و از
ائمه عليه السلم مرويست كه هرگاه كه در بنات النعش نگاه كنيد
و در ميان او سه ستاره خردست كه عرب آنرا سها گويد
و ببينيد سه نوبت اين دعا بخوانيد اللهم ربَّ اسلمْ
صلِّ على محمدٍ وآلِ محمدٍ وعجِّل فرجهم سلّمنا من كلِّ ذي شرٍّ
از شر جميع گزندها ايمن باشد از امام جعفر عليه السلم روايت
كه فرمود كه هركس كه آخر سوره كهف بخواند قل انما انا
بشر مثلكم يوحى تا آخر وقت خواب كردن هرگاه كه خواهد
بيدار شود و حضرت رسالت صلعم هرگاه كه تكيه ميكردند
دست راست بشيب روى مى نهادند و از طرف راست
و چون از خواب برمیخیزید اين دعا مى خواند الحمدُ للهِ
الذي احيانا بعدما اماتنا واليه النشورُ الحمدُ للهِ الذي ردَّ
عليَّ روحي لاحمده واعبده وهرگاه كه نظر در آسمان كنى
اين دعا بخوان كه يا نورَ النورِ يا مدبرَ الامورِ يا من يلى

یلی التدبیر و یمضی المقادیر امض مقادیری یومی هذا الی
السلامة والعافیة بعد از آن پنج آیة از سورة آل عمران
بخواند از ان فی خلق السموات والارض تا تخلف
المیعاد و امام جعفر صادق علیه فرموده است که چون
آواز خروس شنوید این دعا بخوانید سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ
رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوْءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي
اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ وفرمودند پنج خصلت
از خروس بیاموزید محافظت اوقات نماز و غیرت
که نمیگذارد خروسی دیگر با مرغان او نزدیکی کند و سخاوة
که دانه را بمرغان رها می کند و جنگ و شجاعت و مردی
و فرمود که از کلاغ سه خصلت فرا گیرید پوشیده جماع
کردن و صبح زود بطلب رزق رفتن و از بد حذر
کردن روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلم که فرمود

انکس

انکس که پیاده بمسجد رود بر هیچ تر و خشکی پای ننهد که
هفت طبقهٔ زمین جهة او تسبیح نگویند و در توریة
نوشته است که بشارت دهید جماعتی را که پیاده
بمسجد روند بنوری تا بان در حشر و حضرت رسالت
صلعم فرموده است که خدای تعالی فرموده که مرا
در زمین خانها ست خوشا انکه خانهٔ او مسجد باشد
و خوش حال بندهٔ که در خانهٔ خود وضو سازد و بعد
از آن در خانهٔ من در آید یعنی بمسجد آید پس چون بمسجد
در آید پای راست پیش نهید و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ
بِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَى اللّٰهِ وَخَيْرُ الْاَسْمَاءِ كُلِّهَا لِلّٰهِ تَوَكَّلْتُ
عَلَى اللّٰهِ لَا حَوْلَ ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم صل علی
محمد و آل محمد وَافْتَحْ لِي بَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ وَاَغْلِقْ
عَنِّي اَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ
مَسَاجِدِكَ وَمِمَّنْ يُنَاجِيكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنَ الَّذِينَ

هُمْ فِي صَلٰوتِهِمْ خَاشِعُونَ وَادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ
وَجُنُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ بعدازان آية الكرسي وقل اعوذ
دوگونه بخواند وهفت بار سبحان الله وهفت بار الحمد لله
وهفت بار الله اكبر وهفت بار لا اله الا الله بگوید و در
مسجد نشیند تا دو رکعت نماز تحیت المسجد بگذارد و
چون روی بقبله آورد بگوید که اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ
وَرِضَاكَ طَلَبْتُ وَثَوَابَكَ ابْتَغَيْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ
تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي
لِذِكْرِكَ وَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي
وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب قول
نزد شنیدن اذان چون بگوید مؤذن اَللّٰهُ اَكْبَر تو هم بگو
اَللّٰهُ اكبر وچون بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ واشهد ان
محمدا رسول الله پس تو نیز بگو وانا اشهد ان لا اله الا الله
واشهد ان محمدا رسول الله اكفي بها عن كل من ابي وجحد وا

گفتن دعا در وقت اذان مؤذن

اعین

أُعِينُ بِهَا مَنْ أَقَرَّ وَشَهِدَ وهمچنین روایت کرده شد
که چون مؤذن بگوید أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رسول الله پس
تو نیز بگو صلی الله علیه وعلی آله الطیبین الطاهرین اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْ عَلَيَّ بِرًّا وَمَوَدَّةَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي قَلْبِي مُسْتَقِرًّا وَادْرِرْ عَلَيَّ
الرِّزْقَ دَرًّا چون مؤذن بگوید حَيَّ عَلَى الصَّلٰوة حي على
الفلاح تو نیز بگو لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظیم
روایتست که هرکه اذان بشنود وبگوید همچنانچه مؤذن
می گوید حق سبحانه وتعالی رزق او زیاده می گرداند
قول نزد طلوع فجر چون صبح برآید وتو نظر کنی بسوی
او پس بگوی دران حال که روی سوی آسمان کرده
باشی اَللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبُّنَا وَوَلِيُّنَا وَصَاحِبُنَا فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَنْقِذْنَا
مِمَّا نَحْنُ أَهْلُهُ اَللّٰهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ فَصَلِّ
على محمد وآل محمد وَأَتْمِمْهَا عَلَيْنَا بعدازان بگوید

در طلوع صبح

دعا

يا فالقه من حيث لا ارى ومخرجه من حيث ارى
صلى الله على محمد وآل محمد واجعل اول يومنا هذا صلاحا
واوسطه فلاحا واخره نجاحا بعد ازان بکوید الحمد لله
فالق الاصباح سبحان الله رب المساء والصباح
اللهم صبح آل محمد ببركة وعافية وسرور وقرة عين
ورزق واسع اللهم انك تنزل في الليل والنهار ما تشاء
فانزل علي وعلى اهل بيتي من بركة السموات والارض
رزقا واسعا تغنيني به عن جميع خلقك قول نزد اذان
اللهم اني اسالك باقبال نهارك وادبار ليلك وحضور
صلواتك واصوات دعائك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تتوب علي انك انت التواب الرحيم قول
درمیان اذان وقامت جون فارغ شوی از اذان
بس سجده کن وبکو لا اله الا انت ربي سجدت لك
خاضعا خاشعا ذليلا وصل على محمد وآل محمد واغفر لي

در نزد اذان بکو

در اذان واقامت بکو

وارحمني

وارحمني وتب علي انك انت التواب الرحيم دعایی دیکر
اللهم اجعل قلبي بارا ورزقي دارا واجعل لي عند قبر
رسولك صلواتك وآله مستقرا وقرارا فرمود بیغمبر
صلعم که دو ساعت است که دران دو ساعت کشاده
می شود درهای آسمان کم باشد که دعا رد کرده شود
دران دو ساعت یکی ازان دو ساعت وقت اذانست
برای نماز ویکی وقت صف بستن است در غزا با کفار
قول بعد از سجده جون فارغ شوی از سجده بس
بکو سبحان من لا يبيد معالمه سبحان من لا ينسى
من ذكره سبحان من لا يخيب سائله سبحان من
ليس له حاجب يغشى ولا بواب يرشى ولا ترجمان
يناجي سبحان من اختار لنفسه احسن الاسماء
سبحان من فلق البحر لموسى سبحان من لا يزداد
على كثرة العطاء الا كرما وجودا سبحان من هو هكذا

بعد از سجده بکو

در فضیلت نماز

لا یکذا غیره **فصل** در فضیلت نماز روایتست از ابی
عبدالله علیه السلم که فرمود رسول الله صلعم هیچ نمازی
نیست که حاضر شود وقت او مگر آنکه ندا کند فرشته میان
مردم که یا خلایق برخیزید بسوی آتشهایی که برافروخته
اید بر پشت خود پس فرو نشانید آنرا بنمازهای خود
همچنانکه خدای تعالی فرموده است ان الحسنات
یذهبن السیات روایتست از ابی یعفور که گفت
وا ابی عبدالله علیه فرمود چون بگذاری نماز بگذار چون
نماز آنکسی که نماز وداع میکند بتوجه تمام میگزارد و تو
نیز نماز بتوجه تمام بگذار بعد از آن بگردان نظر خود را
بموضع سجود چنانکه تو ندانی که بچپ و راست تو
کیست اگر چنین کنی نماز خود را مستحسن میگردانی تحقیقا
به نیکویها و رفع می کنی بدیها را دیگر بدانکه تو پیش کسی
واقع شده که او ترا می بیند و تو او را نمی بینی روایتست

هم ازو

هم ازو علیه السلم که فرمود نماز کننده را سه خصلتست
چون برخیزد در نماز خود فرو ریزد خیر بر او از آسمان
دیگر ملایکه گرد او بر می آیند از قدم تا آسمان دیگر فرشته
ندا می کند و میگوید که یا نماز کننده اگر تو بدانی که
مناجات با که داری هرگز التفات نکنی بغیر دیگر روایتست
ازو علیه السلم که گفت کسی دو رکعت نماز بگذارد و
بداند که چه می گوید در آن دو رکعت نماز بعد از آن نباشد
میان او و میان حق جل و علا گناهی الا آنکه بیامرزد
گناههای او را روایتست از امیر المومنین علی علیه السلم که
فرمود رسول الله صلعم دو رکعت نماز سبک به تفکر
بهتر است از تمام قیام شب روایتست از امام جعفر علیه که
گفت چون بنده شروع کند بنماز حق سبحانه و تعالی اقبال
کند بسوی او بوجه کریم دیگر موکل گرداند بر او ملکی را
و بردارد قرآنرا از او و چون بنده از نماز خود باز

کردد حق سبحانه و تعالی نیز از و باز کردد و دیگر ان
بنده را تفویض میکند بفرشته و چون بنده اقبال کند
بسوی نماز خود حق سبحانه و تعالی نیز اقبال می کند
بسوی او بوجه کریم تا انکه مرتفع شود نماز او کامل اگر
سهو کند در نماز یا غایب شود یا مشغول کند بغیر نماز
برداشته شود از و نماز یعنی از ثواب نمازش آنمقدار
که توجه بغیر نماز کرده است و مرکز داده نشود بدل
غافل چیزی از خیر روایتست از و علیه السلم که فضیلت
وقت اول بر وقت آخر بهتر است برای مؤمن از
فرزندش و مالش و فرمود که فضیلت وقت اول
بر آخر همچون فضیلت آخرتست بر دنیا **قول** در ذکر
بعد از فجر روایتست از امام حسن ابن علی علیهما السلم که
فرمود شنیدم از پدرم علی ابن ابی طالب علیه السلم که گفت
رسول الله صلعم فرمود هر بندهٔ مسلمانی که بنشیند در

نماز گاه

نماز گاه خود که نماز صبح گذارد و ذکر الله تعالی بگوید تا
انکه که آفتاب طلوع کند می باشد او را از اجر کسی که طواف
کند بیت الله را و دیگر گناههای او مغفور باشد و چون
بنشیند دران نماز گاه تا انگاه که بگذرد ساعتی که حلال
باشد در و نماز بعد از ان دو رکعت نماز بگذارد یا
چهار رکعت آمرزیده شود او را گناه گذشته و دیگر
باشد او را از اجرا جر انکس که طواف مکه کند روایتست
از جابر و ابی جعفر علیه السلم که فرمود رسول الله صلعم
که حق جل و علا می فرماید یا بنی آدم یاد کن مرا بعد
از نماز صبح و بعد از عصر ساعتی بس کفایت کنم من
مهم ترا **قول** در بیان آنچیز که مختص است در عقب
صلوة فجر چون سلام دهی فریضهٔ صبح را تکبیر سه
بار بگوی و دیگر بگو لا اله الا الله الها واحدا و نحن
له مسلمون لا اله الا الله و لا نعبد الا ایاه مخلصین

له الدین ولو کره الکافرون لا اله الا الله ربنا و
رب ابائنا الاولین لا اله الا الله وحده وحده وحده
انجز وعده ونصر عبده وغلب الاحزاب وحده فله
الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده
الخیر وهو علی کل شیٔ قدیر اللهم اهدنی لما اختلف فیه
من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم
بعد ازان بگوید بار استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی
القیوم ذو الجلال والاکرام واتوب الیه بعد ازان بگو
اَللّٰهُمَّ اهْدِنِی مِنْ عِنْدِکَ وَاَفِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَانْشُرْ
عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ وَاَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکَاتِکَ سُبْحَانَکَ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ اغْفِرْلِی ذُنُوبِی کُلَّهَا جَمِیعًا فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ
اِلَّا اَنْتَ بعد ازان تسبیح کن تسبیح زهرا علیها السلام واین
سی وچهار تکبیر است وسی وسه تحمید است وسی وسه
تسبیح است ابتدا به تکبیر است بعد ازان تحمید بعد ازان

تسبیح

تسبیح روایتست از امام جعفر علیه السلم که تسبیح حضرت فاطمه
علیها السلم در عقب هر نمازی دوستر است بمن از هزار رکعت
نماز در هر روز دیگر فرمودند که کسی که تسبیح کند الله تعالی را
در عقب نماز فریضه تسبیح فاطمه را صد بار و تابع گرداند
با و لا اله الا الله را آمرزیده گردد گناههای او و سزاوار
آنست که آماده شود برای تسبیح فاطمه تسبیحی تربت امام
حسین علیه السلم بتحقیق روایت کرده شد از امام جعفر علیه
فرمود هر کس که بگرداند آن تسبیح که از تربت امام حسین
است یکبار با استغفار یا بغیر آن نوشته شود او را اعتقاد
بار و سجود بر ان تسبیح بدرد سنت حجاب را دعایی دیگر
وان دعایست که روایت آنرا ابن عمار از ابی عبدالله
علیه کرده و دعا اینست که بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِیْنَ الْاَخْیَارِ الْاَتْقِیَاءِ الْاَبْرَارِ
الَّذِیْنَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِیْرًا وَاَفِضْ

أمري إلى الله وما توفيقي إلا بالله عليه توكلت ومن
يتوكل على الله فهو حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله
لكل شيء قدرا ما شاء الله كان حسبنا الله ونعم الوكيل
وأعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم من
همزات الشياطين وأعوذ بك رب أن يحضرون ولا
حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم الحمد لله رب العالمين
كثيرا كما هو أهله ومستحقه وكما ينبغي لكرم وجهه وعز
جلاله على إدبار الليل وإقبال النهار الحمد لله الذي أذهب
بالليل مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته خلقا
جديدا ونحن في عافيته وسلامته وستره وكفايته وجميل
صنعه مرحبا بخلق الله الجديد واليوم العتيد والملك
الشهيد مرحبا بكما من ملكين كريمين وحياكما الله من
كاتبين حافظين أشهدكما فاشهدا لي واكتبا شهادتي معكما
حتى ألقى بها ربي أني أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له

وأشهد

وأشهد أن محمدا عبده ورسوله أرسله بالهدى ودين الحق
ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون وأن الدين كما
شرع والإسلام كما وصف والقول كما حدث وأن الله
هو الحق والرسول حق والقرآن حق والموت حق و
مسائلة منكر ونكير في القبر حق والبعث حق والصراط
حق والميزان حق والجنة حق والنار حق والساعة آتية لا ريب
فيها وأن الله باعث من في القبور فصل على محمد و
آل محمد واكتب اللهم شهادتي عندك مع شهادة أولي
العلم بك يا رب ومن أبى أن يشهد لك بهذه الشهادة
وزعم أن لك ندا أو لك ولدا أو لك صاحبة أو لك
شريكا أو معك خالقا أو رازقا فأنا بريء منه لا إله إلا
أنت تعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا واكتب
اللهم شهادتي مكان شهادتهم وأحيني على ذلك وأمتني
عليه وابعثني عليه وأدخلني برحمتك في عبادك الصالحين

تعقیب فجر

قول مرویست که از تعقیب فجر فارغ شوی بس بخوان
قل هو الله احد صد بار دیگر بگو استغفر الله واتوب
الیه صد بار دیگر بگو لا اله الا الله الملک الحق المبین
صد بار دیگر بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر صد بار دیگر ما شاء الله کان لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم صد بار دیگر بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم صد بار دیگر اسال الله
العافیة صد بار اَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ صد بار اَسْاَلُ اللهَ
الْجَنَّةَ صد بار اَسْاَلُ اللهَ الْحُورَ الْعِينَ صد بار اَللّٰهُمَّ
قَدْ رَضِيتُ بِقَضَائِكَ وَسَلَّمْتُ لِاَمْرِكَ اَللّٰهُمَّ اقْضِ لِي
بِالْحُسْنَى وَالْغِنَى مَا اَمَتَّنِي صد بار اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ رِزْقِي
وَامْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ
بِهِ لِدِينِكَ اگر صد بار میسر نشود ده بار بخواند بعد
ازان بگو پانزده بار لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله

ایمانا

ایمانا وَصِدْقًا لا اله الا الله عُبُودِيَّةً وَرِقًّا دیگر سُبْحَانَ
اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْاَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ بگوی
قول دیگر فرمود رسول الله صلعم مهاجرات را بر شما
باد تسبیح وتهلیل وتقدیس غافل مشوید از حق تا
مستحق نسیان رحمت نشوید بشمارید بانگشتها بتحقیق
که انگشتان سوال کرده خواهند شد وبنطق خواهند
در آمد روایتست از امام جعفر علیه السلم که فرمود کسی که
بگذارد صلوة فجر را دیگر مکث کند تا آنکه آفتاب بر آید
این بهتر است از آنکه تردد کند در باب رزق یک ماه
قول در بیرون آمدن از مسجد هرگاه که خواهی بیرون آیی
از مسجد بگو اَللّٰهُمَّ دَعَوْتَنِي فَاَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَصَلَّيْتُ
مَكْتُوبَتَكَ وَانْتَشَرْتُ فِي اَرْضِكَ كَمَا اَمَرْتَنِي فَاَسْاَلُكَ مِنْ
فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ وَاجْتِنَابَ مَعْصِيَتِكَ وَالْكَفَافَ
مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ قول در بازگشتن از نمازگاه چون

در بیرون آمدن از مسجد

در بازگشتن از نمازگاه

خواهی که برخیزی از نماز صبح و یا از هر نماز بگو سُبْحَانَ رَبِّکَ
رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله
رب العالمین بتحقیق روایت کرده شد از امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلم که فرمود هر کس که خواهد خیر را دریابد
بکیل عظیم در آخر هر قول بگوید سبحان رب العزة تا آخر
قول مقدم دار پای چپ را در وقت بیرون آمدن از
مسجد و بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد وَافْتَحْ لَنَا بَابَ
فَضْلِکَ وَرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِین وجهد کن که سخنی
نکنی پیش از طلوع شمس دیگر مشغول باش بدعایی
دیگر بقرارت قرآن و بتحقیق روایتست از نبی صلعم
که فرمود که کسی که بنشیند در نمازگاه خود از نماز فجر تا
برآمدن آفتاب حق سبحانه و تعالی او را می پوشاند از
آتش دوزخ روایتست از امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم
که می فرمود بخدا که ذکر حق بعد از نماز صبح تا طلوع

آفتاب

آفتاب سریع تراست در طلب رزق از تردد بشمشیر در
روی زمین روایت کرد جابر ابی جعفر علیه السلم که فرمود
لشکر ابلیس شب نمی خوابند مگر از حین غروب آفتاب
تا وقت غروب شفق ولشکر روز از وقت طلوع صبح
تا وقت برآمدن آفتاب هیچ دعا و عبادتی نیست که
مستجاب نشود و درین دو وقت دیگر مذکور شد که
پیغمبر صلعم فرمود زیاده کنید ذکر حق را درین دو ساعت
بدرستی که درین دو ساعت وقت غفلت جنود
ابلیس است دیگر فرمود امام جعفر صادق علیه السلم
خواب صبح شومست رد میکند رزق را و زرد و
قبیح می کند روی را و تغیر میدهد لون را و خواب
صبح خواب پر شومیست پس بتحقیق که تقسیم رزقها از
طلوع صبح تا وقت برآمدن افتابست البته بپرهیزید
ازان خواب فرمود امام ابی جعفر علیه که خواب

دراول روز بدست خواب دروقت چاشت نعمتست
خواب بعد از عصر حماقتست خواب میان شام وخفتن
حرام می کند رزق را دیکر کوفت رضا علیه الصلوة والسلم
درین قول خدای عزوجل که فالمقسمات امرا فرشتکان
تقسیم میکنند رزقهای بنی آدم را از وقت طلوع
فجر تا وقت برآمدن آفتاب هرکس که خواب درین
وقت کند هر آینه محرومست از رزق روایتست از
(ابن) معمر خلاد که حضرت ابوالحسن رضا علیه السلم دروقتی
که تشریف در خراسان داشت جون نماز صبح میکذارد
می نشست در نماز کامش تا وقت برآمدن آفتاب
بعد از ان مسواک میکردند بعد از ان می آوردند
کندر را و می جاویدند بعد از ان بتلاوت قرآن
مشغول می شدند فصل ثالث در بیان ذکر وصلوات
نبی علیه السلم دیکر میان استغفار وکریه وتسبیح و

تحمید

در ذکر صلوات

تحمید وتهلیل وتکبیر روایتست از ابی عبدالله علیه السلم
که کفت التفات کرد رسول حق صلوات الله علیه وآله
بسوی اصحابش وکفت بناهی میخواهید اصحاب کفتند
یا رسول الله این بناه از دشمنست فرمودند که نه لیکن
این بناه از آتش است بکویید سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر که اثار ومنافع این کلمات
روز قیامت از جب وراست واز بس وبیش بر شما
خواهد بیوست اینها اند خیرات باقیه روایتست از
ابی بصیر از ابی عبدالله که فرمود رسول صلعم باصحاب
خود روزی آیا اکر جمع کنید انجه بیش شماست از جامه
والات بعد از ان بنهید بعضی بر بعضی دیکر آیا می
بینید که باسمان میرسد اصحاب کفتند که نه یا رسول
الله آنحضرت فرمود آیا شمارا دلالت کنم بر جیزی که
اصل او بر زمین است وفرع او در آسمان اصحاب

کفتند بلی یا رسول الله فرمود آنحضرت بکویید یکی
از شما جون فارغ شوید از نماز فرض سبحان الله و
الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر سی بار تحقیقا اصل اینها
در زمینست و فرع اینها در آسمان و اینها اند که دفع می
کنند از افتادن و سوختن و از غرق شدن و از افتادن
در جاه از خوردن جانورهاء درنده و از بلاهای که نازل
می شود از آسمان بر بنده دران روز روایتست از ابی
عبد الله از پدر خود از اباء خود علیهم السلم که کفت رسول الله
فرمود جهار چیز است که هر کس را که می باشد آن جهار چیز
در انکس حق سبحانه و تعالی انکس را از اهل جنت می کرداند
یکی آنست که عصمت او شهادة ان لا اله الا الله باشد
دوم انکس که هر کاه که حق سبحانه و تعالی نعمت باو کرامت
فرماید او در مقابله نعمت الحمد لله بکوید سوم انکس که
جون کناهی کند در عقب استغفر الله بکوید جهارم کسی که

جون باو مصیبتی برسد بکوید انا لله و انا الیه راجعون
روایتست از ابی عبد الله علیه السلم از آباء خود از پیغمبر که
فرمود بیامدند فقرا بسوی رسول الله صلعم و کفتند یا
رسول الله هست اغنیا را بندها که آزاد می کنند ما را نیست
دیکر ایشانرا استطاعت حج هست و ما را نیست دیکر
ایشانرا مال و نعمت هست که تصدق می کنند در راه حق
ما را نیست بعد از ان آنحضرت فرمود که هر کاه که کسی
صد بار تکبیر کند یعنی الله اکبر بکوید این افضلست از
آزاد کردن بنده و کسی که صد بار سبحان الله بکوید
این افضلست از صد قربان کردن دیکر کسی که صد بار
الحمد لله بکوید افضلست از صد اسب دادن در راه خدا
با زین و لجام دیکر هر کاه که کسی بکوید صد بار لا اله الا الله
افضل خلایق است از روی عمل در آن روز مکر انکه کسی
زیاده کند فقرا کفتند یا رسول الله بتحقیق رسیدند

اغنیا بآنجز که تو کفتی فرمود پیغمبر این فضل حقست میدهد
هرکس راکه می خواهد دیگر فرمود پیغمبر صلعم که سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر کفتن دوستراست بمن
ازان چیزهایی که آفتاب بآن تابنده است قول در تحمید
روایتست از ابی عبدالله علیه السلم که کفت رسول الله صلعم
حمد می کرد الله تعالی را در هر روزی سیصد وشصت بار
بعدد رکهای جسد و می کفت الحمد لله کثیرا علی کل حال
و در حدیثی دیگر چون شب می شد میکفت مثل این و
فرمود پیغمبر صلعم اول کسی که خوانده می شود بسوی جنت
انکسانند که حمد می کنند الله تعالی را در حال مسرت ومضرت
برسیدند که بوستان جنت کجاست آنحضرت فرمود که ریاض
بهشت مجلسهای ذکرست دریابید مجلس ذکر را بس
صباح کنید وشبانگاه کنید در ذکر الله تعالی فرمودند
امام جعفر صادق علم شکر هر نعمت هرچند بزرگ باشد آنست

که تو حمد

که توحمد کنی خدا را وفرمود انعام نکند خدای تعالی
بر هیچ بندهٔ مؤمن هرچند بزرگ باشد بس بنده
حمد خدا کوید بران نعمت روزی بکریخت استر ابی
جعفر علیه السلم میان مکه ومدینه کفت ابی جعفر اکر الله
تعالی استرم رد کند بمن اورا شکر عظیم بکویم بعد ازان
که بکرفت آن استر را کفت الحمد لله رب العالمین
سه بار بس کفت شکر الله سه بار باز روایتست از
ابی حمزه از پیغمبر صلعم که فرمود خبر دهم ترا بحمدی که کفایت
کند ترا از جمیع حمد من کفتم بلی یا رسول الله فرمود بکو
اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِکَ کُلِّهَا عَلیٰ جَمِیعِ نِعَمِکَ کُلِّهَا حَتّیٰ
یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ اِلیٰ مَا یُحِبُّ رَبُّنَا وَیَرْضیٰ روایتست از ابی
عبدالله علیه السلم که کفت هرکس که بکوید چهار بار در وقت
صبح الحمد لله رب العالمین بتحقیق ادا کرد شکر آن
روز را اکر کسی در اول شب الحمد لله بکوید بتحقیق ادا کرد

شکر شب روایتست از زید شحام از ابی عبدالله علیه السلم
کفت هر کس که الحمد لله کما هو اهله بکوید مشغول میکند
کاتبان آسمان را من کفتم جون مشغول می شوند کاتبان
آسمان کفت که می کویند اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ الْغَیْبَ یعنی
برورد کارا ما غیب نمیدانیم بس کفت الله سبحانه و
تعالی بنویسید حمد او را همجنانکه کفت بندهٔ من و بر
منست ثواب او و روایتست از ابی عبدالله علم که کفت
رسول صلعم فرمود هر کاه که کسی بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِمَحَامِدِهِ
کُلِّهَا مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَمَا لَمْ نَعْلَمْ عَلٰی کُلِّ حَالٍ حَمْدًا یُوَازِی نِعَمَهُ
وَیُکَافِی مَزِیْدَهُ عَلَیَّ وَعَلٰی جَمِیْعِ خَلْقِهِ می فرماید الله تبارک
و تعالی رسید بندهٔ من برضای من من هم میرسانم بندهٔ
خود را برضای وی روایتست که بیامد شخصی بخدمت
ابی عبدالله علیه و کفت فدای تو باد بدر و مادرم بدرستی
که من مرد بیرم تعلیم کن مرا دعای جامع فرمود ابی عبدالله

بکو حمد خدا التحقیقا تو جون حمد خدا بکوبی حق سبحانه و
تعالی نیز حمد ترا قبول فرماید روایتست از امیر المؤمنین علی
علیه السلم که فرمود رسول الله صلعم در بنی آدم سیصد و شصت
رکست صد و شصت ساکنست اکر جنانجه متحرک شوند هلاک
شوند و صد و شصت دیکر متحرکست اکر جنانجه ساکن شوند
ایشان هلاک شوند فرمود که بیغمبر صلعم هر روز جون
بامداد می شد سیصد و شصت نوبت می فرمود که
الحمد لله رب العالمین کَثِیْرًا طَیِّبًا عَلٰی کُلِّ حَالٍ قول فی تمجید
روایتست از زراره که من کفتم با ابی جعفر علم کدام عمل
از عملها دوستر است بخدا فرمود تمجید روایتست از ابی
عبدالله علم که فرمود بدرستی که الله تعالی تمجید می کند
نفس خود را یعنی حمد خود می کوید در هر شبانروزی سه
بار هر کس که تمجید الله سبحانه تعالی با خبر که خود تمجید نفس خود
می کند بکند یعنی حمد کود می کوید بعد از ان انکس از حال

شقاوت بسعادت می‌کردد روایتست از پیغمبر صلی الله علیه
که فرمود دعایی را که پیش او تمجید نیست گفتم ادنی انچه
مجزیست چه چیزاست گفت بگو اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ
فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ
الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ
شَيْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ قول در باب تسبیح روایتست
از یونس ابن یعقوب گفت که من گفتم بابی عبدالله علیه
کسی که صد بار سبحان الله بگوید آیا باشد از ان کسانی که
ذکر الله سبحانه و تعالی بسیار میگویند ابی عبدالله فرمود
بلی روایتست از ابی جعفر علیه السلم فرمود کسی که سبحان الله
بگوید بی تعجب حق سبحانه و تعالی مرغی از ان می آفریند
که آن مرغ را جناحی باشد و زبانی و تسبیح کند الله تعالی را
از برای او در مسبحین تا روز قیامت و ثواب از انکس
باشد والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر نیز مثل اینست

در تسبیح

روایت

روایتست از امیر المومنین علیه الصلوة والسلم که فرمود تسبیح
نیمه میکند میزانرا و حمد پر میکند آنرا وَاللّٰهُ اَکْبَرُ پر میکند میان
زمین و آسمانرا و هم آنحضرت فرموده که هر کس که
بگوید در حین شبانگاه سبحان الله حین تمسون و
حین تصبحون و له الحمد فی السموات والارض و
عشیا و حین تظهرون فوت نشود از و خیری که
دران شب باشد و بگردد از و جمیع شر و هر گاه که کسی
بگوید مثل این در بامداد فوت نشود از و خیری که دران
روز می باشد و بگردد از و جمیع شر قول در تهلیل روایتست
از ابن عباس از پیغمبر صلعم نیست کلمه دوستر بسوی
عزوجل از کلمه لا اله الا الله نیست هیچ بنده که بگوید لا اله
الا الله و آواز خود بکشد مگر انکه فرو ریزد گناههای او
در زیر قدمهاش همچنانکه فرو می ریزد برگهای درخت
روایتست از سکونی که امام جعفر صادق علیه السلم از

در تهلیل

آبای خود گفت که فرمود رسول الله صلعم بهترین عبادت
گفتن کلمهٔ لا اله الا الله است از کتاب عیون الاخبار
روایتست از امام رضا علیه السلم که گفت فرمود رسول
صلعم بدرستی که حق ستونی آفریده است از یاقوت
سرخ او در تحت عرش است پایین او بر پشت ماهی
در زمین هفتم چون بندهٔ بگوید لا اله الا الله بلرزد
عرش دیگر بحرکت آید آن ستون و ماهی پس بگوید
الله سبحانه و تعالی یا عرش ساکن شو عرش بگوید من
ساکن نمی شوم تا آنکه که بیامرزی گویندهٔ این کلمهٔ را
پس الله تعالی بگوید گواه باشید ای ملایکهٔ سموات سبعه
که آمرزیدم گویندهٔ این کلمه را روایتست از حضرت
رسالت صلعم که فرمود تلقین کنید مردگان خود را در
وقت مردن بعد از آن در قبر کلمهٔ لا اله الا الله بگویید
که گناهان او را نیست گرداند جماعتی گفتند یا رسول الله

اگر حال صحت گفته شود گناهان او آمرزیده می شود
فرمود بلی لا اله الا الله سبب رستگاری مؤمنست در
حال حیوة و در حال مردن و در روزی که از گور بر می
خیزد و هم فرموده است که هر کس که کلمهٔ لا اله الا الله بگوید
با خلاص البته بهشت رود و اخلاص بکلمهٔ لا اله الا الله
آنست که این شخص از همه حرامها خود را نگاه دارد
و نیز آنحضرت صلعم فرموده است که از من و انبیایی
که پیش از من بوده اند کلمهٔ بهتر از لا اله الا الله صادر نشده
قول در تکبیر روایتست از حضرت امام زین العابدین علیه
که فرموده هر کس که از اول شب صد بار کلمهٔ لا اله الا
الله بگوید همچنانست که صد بنده آزاد کرده است و روایت
از حضرت امام علیه السلم که فرمود که هر که لا حول و لا قوة
الا بالله نود و نه بار بگوید خدای تعالی نود و نه بلا ازو
بگرداند و روایتست از حضرت رسالت صلعم که فرمود

که هر کس که صباح از خانه بیرون رود و بگوید بسم الله
لا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الله دو ملک ندا میکنند
که مهمات تو جمیع ساخته وایمن شدی از هر بدی و راه
راست یافتی درین حالت شیطان گوید من چتوانم کرد
با بنده که کفایت شد مهمات او و از هر شری ایمن شد
و راه راست یافت روایتست از امام جعفر علیه که هر که ده
بار یا الله یا الله بگوید خداوند تعالی و را جواب دهد
و گوید لبیک بنده چه حاجت داری و هر که ده بار بگوید
یا رب یا رب خدا او را جواب دهد و گوید چه حاجت
داری و هر کس که هفتاد بار بگوید ما شاء الله لا حول ولا
قوة الا بالله خدای تعالی هفتاد بلا از و بگرداند و هم
آنحضرت فرموده که کسی که روزی سی بار لا اله الا الله
الملک الحق المبین بگوید غنا باو روآورد و فقر از و دور
بگرداند و در بهشت بروی او گشاده شود روایتست

ازحضرت

از حضرت رسالت صلعم که فرمود خانه که در و ذکر می
کنند مثل کسیست که زنده باشد و خانه که در و ذکر نمیکنند
مثل شخصیست که مرده باشد و هم آن حضرت فرموده
است که هیچ جماعت بذکر خدا مشغول نمی شوند که ملایکه
گرد ایشان فرو نمی گیرند و خدای تعالی بردهٔ رحمت
نمی پوشاند و سکون و آرام در میان ایشان نمی فرستد
و در میانهٔ ملایکه او را یاد نمی کند شخصی از آن حضرت
صلعم سؤال کرد که از سنتها بکدام مشغول فرمود باید
دایم بذکر خدای تعالی مشغول باشی قول در صلوات بر
نبی و آل او علیهم السلام روایتست از حضرت امام جعفر علیه که
فرمود هر گاه که نام حضرت رسالت صلوات الله علیه و آله
بشنوی بر و صلوات بسیار بفرست هر کس که یکبار
بر حضرت رسالت صلعم صلوات فرستد خدای تعالی بر و
هزار رحمت کند و هزار صف از ملایکه جهة او طلب

در صلوات نقل معصوم

آمرزش نمایند از حضرت خداوند تعالی و جمیع مخلوقات
بر و صلوات فرستند پس تقصیر مکنید در صلوات بر
آن حضرت و آل او و صلوات الله علیهم اجمعین بکرها بلی
مغروری و خدای تعالی و رسول صلعم از وی بیزارست و
روایتست از حضرت پیغمبر که فرمود من روز قیامت در
پیش میزان خواهم بود هر که صلوات بر نبی و آل او فرستاده
باشد و گناهان او زیاده باشد بر حسنات صلواتی که
بر من فرستاده باشد بر پله نیکویی می نهم تا آن زمان که
نیکوییهاء بر بدی زیاده شود روایتست از حضرت امیر
المؤمنین علیه الصلوة والسلم که فرمود هیچ دعایی بی صلوات
بر نبی و آل او علیهم السلم بآسمان نمی رسد و حضرت امام
جعفر علیه السلم فرموده که هر که بر حضرت مصطفی صلعم یکبار
صلوات فرستد خدای تعالی صد حسنه در نامهٔ اعمال او
می نویسد هر که بگوید صلی الله علی محمد و اهل بیته هزار

حسنه جهة او می نویسد روایتست از حضرت رسالت صلعم
که فرمود نزدیکترین مردم در روز قیامت بما کسی است
که بر من صلوات بسیار فرستد و فرستاده باشد و
فرمود بخیل کسی است که نام من بشنود و بر من و آل من
صلوات نفرستد و حضرت امام جعفر علیه السلم فرمود که
حضرت رسالت صلعم فرمود هرگاه که صلوات فرستید
آواز بلند کنید که آن نفاق را می برد **فصل چهارم** در استغفار
و گریه کردن روایتست از حضرت امام جعفر که فرمود
حضرت رسالت صلعم که هر دردی را دوایست و دوای
گناهان استغفر الله گفتن است و هم آنحضرت فرموده
که هر که در محل خواب صد بار استغفر الله بگوید همچنان که
برگها از درختان فرو می ریزد گناهان او فرو ریزد و
پاک از گناه خواب کند و صبح پاک برخیزد و شخصی از آن
حضرت یعنی امام تقی التماس کرد که مرا چیزی تعلیم کن

در استغفار و گریه کردن

که هرگاه که بآن قیام نمایم در دنیا و آخرت با شما باشم آن
حضرت فرمود انا انزلنا بسیار بخوان و استغفر الله بسیار
بگو و آنحضرت علیه السلام فرمود که حضرت رسالت صلعم
فرمودند خوشا حال آنکس که در روز قیامت در نامهٔ
اعمال خود بابین هر گناهی استغفر الله یابد نوشته و هم
حضرت امام علیه السلام فرموده است که هر کس که استغفر الله
بسیار بگوید نامهٔ اعمال او در روز حشر درخشان باشد روایت
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که شنید که شخصی
استغفر الله می گفت فرمود که میدانی که معنی استغفر الله
چیست بدانکه مرتبهٔ مقربانست و در استغفار شش چیز
می باید اول پشیمانی از آنچه گذشته است دوم عزم کردن
که بسر گناه باز نگردد سوم ادا کردن حقوق مردم چهارم
تلافی آنچه از عبادات فوت شده باشد پنجم گداختن
بدنی که از لقمهای حرام فربه شده باشد بمرتبهٔ که پوست

واستخوان بماند ششم آنکه جسم را الم و تلخی طاعت بچشانی
همچنانچه شیرینی معصیت چشانیده بعد از آن استغفر الله
بگویی روایتست از حضرت امام جعفر علیه که هر کس که بعد
از نماز فرض پیش از آنکه روی از قبله بگرداند اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَاَتُوبُ
اِلَیْهِ سه بار بگوید خدای تعالی گناهان او را بیامرزد
واگرچه برابر کف دریا باشد و روایتست از امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلام که فرمود چشم اشکبار و دل ترسان از
خدا نشانهٔ رحمتست از خدای تعالی هرگاه که شما را این دو
صفت حاصل شود دعا کنید و فرمود که اگر در میان
جماعتی کثیر یک شخص را دیده گریان باشد خدای تعالی
بجهة او بر همه رحمت کند و فرمود که اگر شما را گریه نیاید
خود را بضرورت مردم گریان برارید و روایتست از
حضرت امام جعفر علیه که فرمود هیچ چیز نیست که بوزن

وکیل در نیاید مگر آب چشم که خدای تعالی از آتش دوزخ
نگاه میدارد چشم پر آب را و چون کسی از دیده فرو
ریزد قطرهٔ آب روی بدی نه بیند در دنیا و آخرت
که قطرهٔ از آب چشم دریاهای آتش فرو می نشاند روایت
از حضرت امام محمد باقر علیه السلم که پیش پدرش امام علی
زین العابدین علیه السلم فرمود آنحضرت را بعبادت
در مرتبهٔ یافت که هیچکس بآن مرتبه نرسیده رنگ مبارکش
از بی خوابی زرد گشته و کنارهای چشمش از گریه مجروح شده
و پیشانی مبارکش از کثرت سجده همچون سینهٔ شتر شده
و ساقها و قدمهای آنحضرت از بسیاری ایستادن جهة نماز
آماس کرده امام محمد باقر علیه السلم می فرماید که چون آن
حضرت را بآن حال دیدم خود را از گریه نتوانستم نگاه
داشتن که رحم آمد مرا بر حال آن حضرت علیه السلم بسیار گریستم
و آن حضرت در من نگاه می کرد و متفکر بود در حال من

بعد از لحظهٔ روی مبارک بمن کرد و فرمود ای فرزند
بعضی از ان کتابها که احوال عبادتهای حضرت امیر المؤمنین
علیه الصلوة والسلم در انجاست بیاور حضرت امام محمد باقر
می فرماید یک کتاب از جهة آنحضرت بیاوردم در انجا
ساعتی نگاه فرمود و از انجا دعایی بخواند بعد از ان
کتاب را بنهاد غمناک گشته فرمود چه کس می تواند
که مثل حضرت امیر المؤمنین علیه عبادت کند و حضرت
امام علی زین العابدین علیه هرگاه وضو می ساخت
رنگ مبارکش متغیر می شد پرسیدند که سبب این
تغیر چیست فرمود میدانید که بخدمت که قیام خواهم
نمود و روایتست که حضرت امام موسی علیه از ترس
خدای تعالی چندان می گریست که محاسن مبارکش پر
آب می شد قول در نماز استخاره حضرت امام جعفر
علیه السلم می فرماید که هرگاه قصد کاری کنید با هیچکس

نماز استخاره

مشورت مکنید تا با خدای تعالی مشورت کنید شخصی
گفت یا امام چگونه با پروردگار خود مشورت کنیم
فرمود صد بار بگویید اَسْتَخِیرُ اللهَ بعد از آن با مردم
مشورت کن که خدای تعالی خیر ترا بر زبان مردم جاری
می کرداند و هم آنحضرت فرمود هرگاه قصد کاری کنید
شش پاره کاغذ بردارید در سه پاره کاغذ بنویسید
بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم و نام
خود و پدر و مادر خود آنجا بنویسید و بعد از آن کلمه افعل
بنویسید و در سه دیگر همچنین بنویسید و بجای افعل لا
تفعل بنویسید بعد از آن در شب جای نماز نهید و دو
رکعت نماز بگذارید و چون از [illegible]رغ شوید سجده
کنید و در آن سجده صد بار بگویید استخیر الله برحمته
خیرة فی عافیة بعد از آن راست بنشیند و بگویید اللهم
یسر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة بعد از آن

دست بر آن کاغذها زنید و بهم بر آورید و یکی از آن
برون کنید و بعد از آن یکی دیگر و همچنین اگر سه کاغذ
پی در پی افعل برون آید آن کار بکنید و اگر سه کاغذ پی
در پی لا تفعل بر آید ترک کنید و اگر یکی افعل و یکی لا تفعل
برون آید تا پنج پاره برون آید اگر بیشتر افعل باشد آن
کار بکنید و اگر بیشتر لا تفعل باشد ترک کنید و ششم را حاجت
برون آوردن نیست **قول** در تفاءل بکلام می باید که نماز
جعفر طیار بگذارد و چون فارغ شود دعای آنحضرت
بخواند پس مصحف را بگیرد پس نیت کند فرج آل محمد را
اولاً و آخراً پس بگوید که اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ فی قَضائِکَ وَ
قَدَرِکَ اَنْ تُفَرِّجَ عَنْ وَلِیِّکَ وَحُجَّتِکَ فی خَلْقِکَ فی عامِنا
هذا اَوْ شَهْرِنا هذا فَاَخْرِجْ لَنا رَأْسَ آیَةٍ مِنْ کِتابِکَ نَسْتَدِلُّ
بِها عَلی ذلِکَ بعد از آن مصحف بگشاید و هفت ورق
بشمارد و بنگرد که در سطر یازدهم چه حال می نماید بعد از آن

در تفاءل بکلام مجید

یکبار دیگر جهة حاجت خود بگشاید و بهمین طریق ورق
بشمارد و حال خود بداند و روایتست از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام که فرمود هر که بیرون رود از خانه و نگین انگشترین را
از پشت دست بکف دست کرداند و سورهٔ انّا انزلنا
بخواند بعد از ان بگوید اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَاشَرِیکَ لَهُ
اٰمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِیَتِهِمْ در آنروز باو مکروهی نرسد
روایتست از حضرت امام جعفر علیه السلام که فرمود چون یکی
از شما خسته می شود می طلبید طبیب و چیزی باو میدهید
و چون به بادشاه کاری می افتد در بان دعایی می کند پس
اگر کسی را مهمی پیش آید توجه بحضرت عزت کند و وضو
بسازد و چیزی کم یا بر بصدقه دهد پس بمسجد رود و دو
رکعت نماز بگذارد و خدا را حمد و ثنا گوید و صلوات
بر نبی و اهلبیت او علیهم السلام فرستد پس بگوید که اَللّٰهُمَّ
اِنْ عَافَیْتَنِی مِمَّا اَخَافُ مِنْ کَذَا وَکَذَا پس بدهد خدا مراد

اورا

اورا نماز دیگر وقتی که نصف شب در آید غسل کن و
دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحة الکتاب
و سورهٔ اخلاص با نصد بار و در رکعت دوم الحمد
مثل آن بخوان از اخلاص و چون از قراءت
رکعت دوم فارغ شوی آخر سورهٔ حشر و شش
آیة از اول سورهٔ حدید بخوان و بعد از ان بگو در
حالتی که ایستاده باشی ایاک نعبد و ایاک نستعین یکهزار
نوبت پس رکوع و سجود کن و تشهد بخوان و ثنای
خدای تعالی بگو پس اگر قضای حاجت تو نشود در
بار دوم خواهد شد و الا در نوبت سوم نماز دیگر
ابی عبد الله علیه السلام گفت چون ترا حاجتی و مهمی بخدای
تعالی شود سه روز متوالی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
روزه گیرد و در روز جمعه غسل کن و جامهٔ نو بوش
و بر خانهٔ بلند تر از خانهٔ خود بیرون رو و دو رکعت

در نماز حاجت

نماز در و بگذارد و دستها بسوی آسمان بردارد و بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّی حَلَلْتُ بِسَاحَتِکَ لِمَعْرِفَتِی بِوَحْدَانِیَّتِکَ وَ
صَمَدَانِیَّتِکَ وَاِنَّهُ لَا قَادِرَ عَلیٰ حَاجَتِی غَیْرُکَ فَقَدْ عَلِمْتُ
یَا رَبِّ اِنَّهُ کُلَّمَا تَظَاهَرَتْ نِعَمُکَ عَلَیَّ اِشْتَدَّتْ فَاقَتِی
اِلَیْکَ وَقَدْ طَرَقَنِی هَمُّ کَذَا وَاَنْتَ بِکَشْفِهِ عَالِمٌ غَیْرُ مُعَلَّمٍ
وَاسِعٌ غَیْرُ مُتَکَلِّفٍ فَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی وَضَعْتَهُ
عَلَی الْجِبَالِ فَنُسِفَتْ وَعَلَی السَّمَاءِ فَانْشَقَّتْ وَعَلَی النُّجُومِ
فَانْتَثَرَتْ وَعَلَی الْاَرْضِ فَسُطِحَتْ وَاَسْئَلُکَ بِالْحَقِّ الَّذِی
جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ اَنْ تُصَلِّیَ علی محمد و آل محمد وَاَنْ
تَقْضِیَ حَاجَتِی وَاَنْ تُیَسِّرَ لِی عَسِیرَهَا وَتَکْفِیَنِی مُهِمَّهَا فَاِنْ
فَعَلْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَکَ الْحَمْدُ غَیْرُ جَائِرٍ
فِی حُکْمِکَ وَلَا مُتَّهَمٍ فِی قَضَائِکَ وَلَا حَائِفٍ فِی عَدْلِکَ
و روی خود را بر زمین بنه و بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّ یُونُسَ
ابْنَ مَتّیٰ عَبْدَکَ دَعَاکَ فِی بَطْنِ الْحُوتِ فَاسْتَجَبْتَ

لَهُ وَاَنَا عَبْدُکَ فَاسْتَجِبْ لِی ابو عبدالله علیه السلم
فرمود که هرگاه که مرا حاجتی می شود این دعا می خوانم
و رجوع میکنم حاجت روا می شود نماز دیگر منقولست از
امام رضا علیه السلم که گفت چون ترا امری سخت رسد
دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحة الکتاب و آیة
الکرسی و در دوم فاتحه و انا انزلناه پس مصحف بر
دار و بالای سر خود بر و بگو اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ اِلیٰ
خَلْقِکَ وَبِحَقِّ کُلِّ آیَةٍ فِیهِ وَبِحَقِّ کُلِّ مَنْ مَدَحْتَهُ فِیهِ عَلَیْکَ
وَبِحَقِّکَ عَلَیْهِ وَلَا نَعْرِفُ اَحَدًا اَعْرَفَ بِحَقِّکَ مِنْکَ
یَا سَیِّدِی یَا اَللّٰهُ ده نوبت بحق محمد ده نوبت بحق علی
ده نوبت بحق فاطمه پس عدد کن امامان را ده نوبت
تا برسی بامام حق که امام زمانست هنوز از جای خود بر
نخاسته باشی که حاجت تو روا شود نماز دیگر مقاتل ابن
مقاتل گفت که گفتم به رضا علیه السلم جانم فدای تو باد

نماز دو رکعتی

دعا جهت ادای قرض

تعلیم کن مرا دعایی جهت قضا حاجتها پس گفت وقتی که
ترا بخدای تعالی حاجتی و مهمی باشد غسل کن و پاکترین
جامهای خود را بپوش و از بوی خوش بوی کن و تحت
السماء ظاهر ادو رکعت نماز بگذار و بخوان فاتحة الکتاب
وقل هو الله احد را پانزده بار پس رکوع کن و پانزده
بار بخوان بر مثال نماز تسبیح لیکن درین نماز قراءت
پانزده نوبتست پس سجده کن و در سجده بگو اَللّٰهُمَّ
اِنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِکَ اِلٰی قَرَارِ اَرْضِکَ فَهُوَ
بَاطِلٌ سِوَاکَ فَاِنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِیْنُ اِقْضِ حَاجَتِی
کَذَا وَ کَذَا اَلسَّاعَةَ اَلسَّاعَةَ والحاح کن در مراد خود چون
حاجت تو روا شود بگذار شکر روایت میکند هارون
ابن خارجه از ابی عبد الله علیه السلم که او گفت در نماز شکر
که وقتی که خدای تعالی بتو نعمتی دهد دو رکعت نماز
بگذار و در رکعت اول فاتحة الکتاب وقل هو الله احد

بخوان و در رکعت دوم فاتحه وقل یا ایها الکافرون
و در رکوع و سجود بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُکْراً شُکْراً وَحَمْداً و در
رکوع و سجود در رکعت دوم بگوی الحمد لله الذی
استجاب دعائی واعطانی مسئلتی از کتاب روضة
الواعظین منقولست قال الصادق علیه السلم اَلْعَافِیَةُ
نِعْمَةٌ خَفِیَّةٌ اِذَا وُجِدَتْ نُسِیَتْ فَاِذَا فُقِدَتْ ذُکِرَتْ
وَالْعَافِیَةُ نِعْمَةٌ یُعْجَزُ عَنْهَا الشُّکْرُ یعنی عافیت نعمتی است
خفی وقتی که عافیت یافت شود فراموش کرده میشود
و وقتی که عافیت نباشد یاد کرده می آید و عافیت
نعمتی است که شکر از وی عاجزاست قال زین العابدین
علیه السلم مَنْ قَالَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَقَدْ اَدّٰی شُکْرَ کُلِّ نِعْمَةٍ لِلّٰهِ
عَزَّ وَجَلَّ یعنی هر که الحمد لله گوید پس ادا کرده باشد شکر
جمیع نعمتهای خدای عز و جل دیگر هر گاه که در نفس خود
احساس فترتی کنی پس در ان وقت ترک مکن نماز عفو را

وآن دو رکعتست در هر رکعتی الحمد و انا انزلناه یکبار و
بعد از قراءت پانزده بار بگو رَبِّ عَفْوَکَ رَبِّ عَفْوَکَ
پس رکوع کن و آن زاده بار بگوی و نماز را تمام کن
مثل نماز جعفر علیه السلم دیگر منقولست از صادق علیه السلم که
لَیْسَ مُؤْمِنٌ یَمُرُّ عَلَیْهِ اَرْبَعُوْنَ صَبَاحًا اِلَّا حَدَّثَ نَفْسَهُ
فَلْیُصَلِّ رَکْعَتَیْنِ وَلْیَسْتَعِیْذُ بِاللّٰهِ مِنْ ذٰلِکَ یعنی
نیست هیچ مؤمن که بر وی چهل صباح بگذرد الا آنکه با نفس
خود سخن گوید پس باید که دو رکعت نماز بگذارد و
بخدای تعالی پناه طلبد مرویست از امام جعفر علیه السلم
شَکٰی آدَمُ اِلَی اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ حَدِیْثَ النَّفْسِ فَنَزَلَ عَلَیْهِ جَبْرَئِیْلُ
فَقَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ العلی العظیم یعنی شکایت
کرد آدم علیه السلم بخدای عز و جل از حدیث نفس پس
جبرئیل علیه السلم نازل شد و گفت بگو لا حول ولا قوة
الا بالله دیگر منقولست از امام محمد باقر علیه السلم که مردی آمد

پیش نبی علیه السلم و شکایت کرد از وسوسه و از حدیث
نفس و از دین و از عیال پس رسول صلعم او را گفت
بگو تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِیْ لَا یَمُوْتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ
یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیْکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ
مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیْرًا پس آن مرد چند بار تکرار کرد
درنگی نشد که باز آمد پیش نبی صلی الله علیه و آله و گفت
یا رسول الله تعالی برداز من وسوسه وادا کرد دین
و او مرا غنی گردانید نماز استغفار و طلب رزق یعنی
طلب آمرزش و طلب رزق منقولست از نبی صلی الله علیه و آله
که گفت وقتی که در معاش خود تنگی یابید ترک مکنید نماز
استغفار را و آن دو رکعتست در هر رکعتی الحمد و
انا انزلناه یک نوبت پس از قراءت پانزده بار
بگو استغفر الله پس رکوع کن و بگوی استغفر الله ده نوبت
برمیارت نماز جعفر علیه السلم که کار تو بصلاح می آید ان شاء الله

دیگر منقولست از صادق علیه السلام که گفت دو رکعت
نماز بگذار و سلام بده و سجده کن و حمد و ثنای خدای
تعالی بگوی و صلوات بر محمد و آل فرست و بگوی یا
محمد یا علی یا جبرئیل اِکْفِیَانِی مِمَّا اَنَا فِیهِ فَاِنَّکُمَا کَافِیَانِی اِحْفَظَانِی
بِاِذْنِ اللّٰهِ فَاِنَّکُمَا حَافِظَانِ صد نوبت و هر که بر قدح
آب سی و پنج نوبت سورة انا انزلناه بخواند و بر جامهٔ خود
افشاند همیشه در سعت باشد تا آنکه که جامه کهنه شود دیگر
منقولست از رضا علیه السلام که گفت بگذارد دو رکعت نماز
در هر رکعتی الحمد یکبار و انا انزلناه سیزده بار چون فارغ شود
سجده کند و بگوید اَللّٰهُمَّ یَا فَارِجَ الْهَمِّ یَا کَاشِفَ الضُّرِّ وَمُجِیبَ
دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَرَحِیمَ الْاٰخِرَةِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِی رَحْمَةً تُطْفِی بِهَا عَنِّی غَضَبَکَ وَسَخَطَکَ
وَتُغْنِینِی بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاکَ بس خد راست خود
بر زمین نهد و بگوید یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَمُعِزَّ کُلِّ

ذلیل

ذَلِیلٍ قَدْ وَحَقِّکَ بَلَغَ الْمَجْهُودُ مِنِّی فِی اَمْرِ کَذَا فَفَرِّجْ عَنِّی
بس خد چپ بر زمین نهد و بگوید مثل این حق سبحانه
و تعالی او را از غم برهاند و حاجتش روا کند دیگر منقولست
از امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام که گفت دو رکعت نماز
بگذارد و در رکعت اول الحمد و قل هو الله احد یکبار
بس تشهد بخواند و سلام بدهد و به دعای فرج دعا کند
و بگوید اَللّٰهُمَّ یَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُیُونُ وَلَا تُخَالِطُهُ الظُّنُونُ
یَا مَنْ لَا یَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ یَا مَنْ لَا تُغَیِّرُهُ الدُّهُورُ یَا مَنْ
لَا یَخْشَی الدَّوَائِرَ یَا مَنْ لَا یَذُوقُ الْمَوْتَ یَا مَنْ لَا یَخْشَی
الْفَوْتَ یَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ وَلَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ یَا
مَنْ یَعْلَمُ مَثَاقِیلَ الْجِبَالِ وَکَیْلَ الْبُحُورِ وَعَدَدَ الْاَمْطَارِ وَ
وَرَقَ الْاَشْجَارِ وَدَبِیبَ الذَّرِّ وَلَا یُوَارِی مِنْهُ سَمَاءٌ وَلَا
اَرْضٌ اَرْضًا وَلَا بَحْرٌ مَا فِی قَعْرِهِ وَلَا جَبَلٌ مَا فِی وَعْرِهِ وَیَعْلَمُ
خَائِنَةَ الْاَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ وَمَا اَظْلَمَ عَلَیْهِ اللَّیْلُ وَ

اشرف عنه النها یا سألک باسمک المکنون الذی فی علم
الغیب عندک استخصصت به لنفسک واشتققت منه
اسمک فانک انت الله لا اله الا انت وحدک وحدک
لا شریک لک الذی اذا دعیت به اجبت واذا سئلت
به اعطیت واسألک بحق انبیائک المرسلین وبحق حملة
عرشک وبحق ملائکتک المقربین وبحق جبرئیل ومیکائیل
واسرافیل وبحق محمد وآل محمد وان تجعل خیر عمری آخره
وخیر اعمالی خواتیمها واسألک مغفرتک ورضوانک
یا ارحم الراحمین دیگر نماز بتول علیها السلم دو رکعت نماز
بگذارد پس سجود کند صد بار بگوید یا فاطمه و صد راست
بر زمین نهد مثل این گوید و صد چپ بر زمین نهد و مثل
این بگوید پس سجده کند و در سجده صد و ده نوبت بگوید
یا فاطمه پس بگوید یا آمنا من کل شیء وکل شیء منک
خائف حذر اسألک بامنک من کل شیء وخوف کل

شیء منک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعطینی امانا
لنفسی واهلی ومالی وولدی حتی لا اخاف احدا ولا
احذر من شیء ابدا انک علی کل شیء قدیر دیگر نماز مظلوم
مظلوم
دو رکعت نماز بگذارد و بخواند از قرآن انچه خواهی
وصلوات بر محمد وآل بفرست آن قدر که توانی
پس بگو اللهم ان لک یوما تنتقم فیه للمظلوم من الظالم
لکن هلعی وجزعی لا یبلغان بی الصبر علی اناتک و
حلمک وقد علمت ان فلانا ظلمنی واعتدی علی بقوته
علی ضعفی فاسألک یا رب العزة وقاصم الجبابرة و
ناصر المظلومین ان تریه قدرتک اقسمت علیک
یا رب العزة الساعة الساعة دیگر محمد بن الحسن الصفار
دیگر
مرفوعا گفت که گفتم امام را علیه السلم که فلان کس ظالم منست
گفت اسباغ وضو کن و دو رکعت نماز بگذار و خدای را
ثنا کن وصلوات بر محمد وآل محمد بفرست و بگو که اللهم

انّ فلاناً ظلمنی و بغی علیّ فابتله بفقرٍ لا تجبره و بسوءٍ لا تستره پس گفت که چنین کردم رسید او را یعنی بلا روشن

در حدیث آمده است یا من مؤمنٍ ظُلم فتوضّی و صلّی رکعتین ثمّ قال اللهمّ انّی مظلومٌ فانتصر و سکت الّا اُعجل اللّه تعالی له النّصر یعنی هیچ مؤمن نیست که مظلوم شده باشد پس وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد پس گوید اللهمّ انّی مظلوم فانتصر و خاموش شود مگر آنکه خدای تعالی او را به تعجیل نصرت دهد دیگر مرویست که علی بن الحسین را علیه السلام چون امری پیش آمدی پاکترین جامهای خود را پوشیدی و اسباغ وضو کردی و بر بالاترین بام خود رفتی و بعد از آن چهار رکعت نماز بگذاردی در رکعت اول الحمد و اذا زلزلت و در رکعت دوم الحمد و اذا جاء نصر اللّه و در سوم الحمد و قل یا ایها الکافرون و در چهارم الحمد و قل هو اللّه احد بعد از آن دستها بر آسمان

برداشتی

برداشتی و بگفتی اللّهمّ انّی اسئلک باسمائک الّتی اذا دُعیت بها علی ابواب السّماء للفتح انفتحت و اذا دُعیت علی مضائق الارضین للفرج انفرجت و اسئلک باسمائک الّتی اذا دُعیت بها علی ابواب العسر للتّیسیر تیسّرت و اسئلک باسمائک الّتی اذا دُعیت بها علی القبور للنّشور انتشرت صلّ علی محمّد و آل محمّد و اقلبنی بقضاء حاجتی حضرت علی ابن الحسین علیه السلم فرمود و اللّه قدم بر نداشته باشد که قضاء حاجت او شود دیگر مرویست از صادق علیه السلم که گفت دو رکعت نماز بگذار به هر کیفیت که باشد پس این دعا بخوان اللّهمّ اثبت رجاک فی قلبی و اقطع رجای من سواک عنّی حتّی لا ارجوا الّا ایّاک و لا اثق الّا بک دیگر منقولست از امیر المؤمنین علی علیه السلم که گفت وقتی که فرزند خواهی وضو تمام بساز و دو رکعت نماز بر وجه احسن بگذار و بعد از نماز سجده کن و منقاد

ویکبار بگو استغفر الله بعد از ان با زن جمع شو و بگو
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ اَنْ تَرْزُقَنِی وَلَدًا اُسَمِّیهِ بِاِسْمِ نَبِیِّکَ
علیه السلم به تحقیق الله تعالی فرزندی دهد پس فرمود
که امر کردم ترا بطهارت زیرا که خدای تعالی فرموده است
ان الله یحب المتطهرین یعنی خدای دوست میدارد
طهارت کنندگان را و امر کردم بنماز زیرا که شنیدم که رسول
الله صلعم فرمود اقرب ما یکون العبد من ربه اذا راه
راکعا وساجدا یعنی نزدیکتر بودن بنده بخدای وقتیست
که او را ساجد و راکع بیند و امر کردم ترا باستغفار کردن
زیرا که خدای تعالی فرموده است استغفروا ربکم انه کان
غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین
یعنی طلب آمرزش کنید از خدای که او بنهایت آمرزنده
است میفرستد ابر کثیر المطر و عطا می کند شما را از زینة
دنیا از مال و فرزند و جایی دیگر خطاب فرمود بانبی

صلعم

صلعم ان تستغفر لهم سبعین مرة فلن یغفر الله لهم
یعنی اگر استغفار کنی برای منافقان هفتاد بار هرگز ایشانرا
خدای نمی آمرزد پس امر کردم ترا که هفتاد و یکبار بگویی
دیگر نمازی که پدر از برای فرزند گذارد چهار رکعتست
در رکعت اول الحمد یکبار و ده بار ربنا واجعلنا مسلمین
لک و من ذریتنا امة مسلمة لک وارنا مناسکنا وتب
علینا انک انت التواب الرحیم و در رکعت دوم الحمد و
ده بار رب اجعلنی مقیم الصلوة و من ذریتی ربنا وتقبل
دعاء ربنا اغفرلی ولوالدی وللمؤمنین یوم یقوم الحساب
و در رکعت سوم الحمد یکبار و ده بار ربنا هب لنا من
ازواجنا تا آخر آیه و در رکعت چهارم الحمد یکبار و ده بار
رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی تا آخر آیه چون سلام
دهد ده بار بخواند ربنا هب لنا تا آخر آیه دیگر نماز فرزندان
از جهت والدین دو رکعت نماز بگزارد در رکعت اول

فاتحة الکتاب و ده بار ربنا اغفرلی ولوالدی وللمومنین
یوم یقوم الحساب و در رکعت دوم فاتحة الکتاب و ده
بار رب اغفرلی ولوالدی ولمن دخل بیتی مومنا وللمومنین
والمومنات و بعد از سلام ده بار بگوید رب ارحمهما
تا آخر آیه دیگر نماز جهة ادا قرض چهار رکعت بگذارد و در
رکعت اول الحمد یکبار و معوذتین ده بار و قل هو الله
احد ده بار و در رکعت دوم الحمد یکبار و آیة الکرسی ده
بار و قل یا ایها الکافرون ده بار و امن الرسول ده بار
چون سلام دهد تسبیح کند چنانچه مثبت است و آن تسبیح
اینست سُبحانَ اللهِ اَبَدًا لا بُدَّ سُبحانَ اللهِ الواحِدِ الاَحَدِ سُبحانَ
اللهِ الفَرْدِ الصَّمَدِ سُبحانَ اللهِ الَّذی رَفَعَ السَّموات بغیر عمد
المُنفَرِدِ بِلا صاحِبَةٍ وَلا وَلَد و در رکعت سوم الحمد یکبار و
الهکم سه بار و والعصر سه بار و انا اعطیناک سه بار و در
رکعت چهارم الحمد یکبار و انا انزلناه سه بار و اذا زلزلت

سه بار

سه بار چون سلام دهد سجده کند و در سجده تسبیح کند چنانچه
گفته شد والله اعلم بالصواب از برای ختم قرآن روایت
از امیر المومنین علی علیه السلم که فرمود امر کرد مرا حبیب
من رسول صلعم که نزد ختم قرآن این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُکَ اِخْباتَ المُخْبِتینَ وَاِخْلاصَ المُوقِنینَ وَ
مُرافَقَةَ الاَبْرارِ وَاسْتِحْقاقَ حَقائِقِ الاِیمانِ وَالغَنیمَةَ
مِنْ کُلِّ بِرٍّ وَالسَّلامَةَ مِنْ کُلِّ اِثْمٍ وَوُجُوبَ رَحْمَتِکَ
وَعَزائِمَ مَغْفِرَتِکَ وَالفَوْزَ بِالجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ

فصل پنجم در نوادر ادعیه از برای برگرفتن مصحف ابو
عبدالله علیه السلم چون قصد قرآن خواندن کردی پیش
از آن که مصحف بردارد این دعا خواندی کم اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَشْهَدُ اَنَّ هٰذا الکِتابُ المُنْزَلُ مِنْ عِنْدِکَ عَلی رَسُولِکَ
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ وَکَلامُکَ النّاطِقُ عَلی لِسانِ نَبِیِّکَ
جَعَلْتَهُ هادِیًا مِنْکَ اِلی خَلْقِکَ وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فیما

نبیک و بین عبادک اللهم انی نشرت عهدک و
کتابک اللهم فاجعل نظری فیه عبادة و قراءتی فیه
فکرا و فکری فیه اعتبارا و جعلنی ممن اتعظ ببیان
مواعظک فیه و اجتنب معاصیک و لا تطبع عند
قراءتی علی قلبی و لا علی سمعی و لا تجعل علی بصری غشاوة
و لا تجعل قراءتی قراءة لا تدبر فیها بل اجعلنی اتدبر
آیاته و احکامه آخذا بشرایع دینک و لا تجعل نظری فیه
غفلة و لا قراءتی هذرا انک انت الرؤف الرحیم دعا
نزد قرات اللهم انی قد قرأت ما قضیت من
کتابک الذی انزلت علی نبیک الصادق صلی الله
علیه و آله فلک الحمد ربنا اللهم اجعلنی ممن یحل حلاله
و یحرم حرامه و یؤمن بمحکمه و متشابهه و اجعله انسا
فی قبری و انسا فی حشری و اجعلنی ممن ترقیه بکل آیة
قرأها درجة فی اعلی علیین آمین و رب العالمین

دعا

دیگر هرگاه که قراءت عزائم قرآن خوانده شود سامع را
و قاری را سجده واجبست در سجدهٔ تلاوت تکبیر نیست
و دعا اینست لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا
و تصدیقا لا اله الا الله عبودیة و رقا لا مستنکفا و لا
مستکبرا انا عبد ذلیل ضعیف خائف مستجیر بعد
ازان سر بردارد و تکبیر بگوید خواص قراءت قرآن
من قرأ مائة آیة من ای آیة القرآن شاء ثم قال سبع
مرات یا الله فلو دعا علی الصخور قلعها یعنی هر که صد
آیة از قرآن از هر آیه که خواهد بخواند بعد ازان هفت
بار یا الله گوید اگر بر سنگهای بزرگ خواند قلع کند
منقولست از معاذ جبل که گفت مرا روزی رسول
صلی الله علیه و آله نزد عبد الله ابن سلام فرستاد پس حاضر
شد و نزد رسول صلعم جمعی از اصحاب بودند پس
رسول صلعم فرمود که یا عبد الله خبر ده مرا از ده

کلمه که خدای عزوجل تعلیم ابرهیم کرد روزی که او را
در آتش انداختند آیا در توریة این کلمات را یافتی
عبدالله گفت که پدر و مادرم فدای تو باد در باب آن
کلمات آیا چیزی بر تو نازل شده که من در توریة ثواب
آن کلمات یافته ام و آن کلمات را نیافتم و آن ده دعاست
که در آن اسم اعظمست بعد از آن رسول صلعم فرمود
که آیا آن کلمات را خدا بموسی تعلیم کرده است عبدالله
گفت که غیر ابراهیم خلیل را تعلیم نکرده است بعد از آن
نبی صلعم فرمود که چه یافتی ثواب این کلمات در توریة
عبدالله گفت یا رسول الله کرا استطاعت آنست که
بثواب این کلمات برسد لیکن در توریة نوشته یافتم
که هیچ بنده نیست که خدای تعالی برو منت کرده و این
کلمات در قلب او نهاده باشد انکه نور را در بصر و یقین را
در قلب او نهاده باشد و سینهٔ او برای ایمان گشاده

باشد و از برای او نوری از مجلس او تا عرش تابان
کرده اند و مباهات کنند باو ملایکه روزی دو بار و
حکمة بزبان او جاری کرده اند و حفظ کلام را روزی
او کرده اند اگرچه او بران حریص نباشد و او را بعلم
دین عالم سازد و محبت او در دل بندگان خود جا
دهد و ایمن کرده اند او را از عذاب قبر و فتنهٔ دجال
و بزرگترین فزعی روز قیامت و او را با شهدا حشر
کنند و عطا کنند او را آنچه عطا کرده است انبیا را و
نترسد گاهی که مردم ترسند و محزون نشود گاهی که
مردم محزون شوند و او را از صدیقان نویسند
چون او را حشر کنند دل او مطمئن شده باشد و از
جملهٔ کسانی باشد که با ابرهیم علیه السلام حله پوشیده باشد
و هرچه باین دعوات از خدای خواهد عطا دهد و هر
سوگند که بخدا خورد راست سازد و همسایهٔ خدای

تعالی درخانهٔ جلال بود واو را او را اجر شهیدی
دهند که از روز آفریدن دنیا شهید شده پس نبی
علیه السلم گفت یا ابن سلام خانهٔ جلال کدامست گفت
جنات عدن که موضع عرش رحمان است ابن سلام
گفت یا رسول الله ما را تعلیم کن و بر ما منت نه چنانکه
خدا بر تو منت نهاد پس نبی صلعم گفت که خدا برا
سجده کنید پس همه سجده کردند چون سر از سجده
برداشتند نبی صلعم فرمود بگویید یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ
اَنْتَ الْمَرْغُوبُ مِنْكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ يَا نُورَ النُّورِ اَنْتَ
الَّذِي احْتَجَبْتَ دُونَ خَلْقِكَ فَلَا يُدْرِكُ نُورَكَ نُور
يا الله يا الله اَنْتَ الرَّفِيعُ الَّذِي ارْتَفَعْتَ فَوْقَ
عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَمَائِكَ فَلَا يَصِفُ عَظَمَتَكَ اَحَدٌ
مِنْ خَلْقِكَ يَا نُورَ النُّورِ قَدِ اسْتَنَارَ بِنُورِكَ اَهْلُ
سَمَائِكَ وَاسْتَضَاءَ بِضَوْئِكَ اَهْلُ اَرْضِكَ يَا اَللهُ يَا
الله

الله يا الله اَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ غَيْرُكَ تَعَالَيْتَ عَنْ
اَنْ يَكُونَ لَكَ شَرِيكٌ وَتَعَظَّمْتَ عَنْ اَنْ يَكُونَ
لَكَ وَلَدٌ وَتَكَرَّمْتَ عَنْ اَنْ يَكُونَ لَكَ شَبِيهٌ وَتَجَبَّرْتَ
عَنْ اَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ فَاَنْتَ اللهُ الْمَحْمُودُ بِكُلِّ لِسَانٍ
وَاَنْتَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَاَنْتَ الْمَذْكُورُ فِي
كُلِّ اَوَانٍ وَزَمَانٍ يَا نُورَ النُّورِ كُلُّ نُورٍ خَامِدٌ لِنُورِكَ
يَا مَلِيكَ كُلِّ مَلِيكٍ يَفْنَى غَيْرُكَ يَا دَائِمُ كُلُّ حَيٍّ يَمُوتُ
غَيْرُكَ يا الله يا الله يا الله اَلرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ارْحَمْنِي رَحْمَةً
تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ وَتَكُفُّ بِهَا عَذَابَكَ وَتَرْزُقُنِي بِهَا
سَعَادَةً مِنْ عِنْدِكَ وَتُحِلُّنِي بِهَا دَارَكَ الَّتِي تُسْكِنُهَا
خِيَرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ اَظْهَرَ
الْجَمِيلَ وَسَتَرَ عَلَى الْقَبِيحِ مَنْ لَا يُؤَاخِذُ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ
يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ
الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى

وَیَا مُنْتَهَی کُلِّ شَکْوَی یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ یَا مُبْدِیَ
النِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا یَا رَبَّاهُ وَیَا سَیِّدَاهُ وَیَا اَمَلَاهُ وَیَا
غَایَةَ رَغْبَتَاهُ اَسْاَلُکَ یَا اللّٰه یَا اللّٰه یَا اللّٰه اَنْ لَا تُشَوِّهَ
خَلْقِی فِی النَّارِ   عبداللّٰه سلام گفت یا رسول اللّٰه
چیست ثواب کسی که این کلمات را گوید گفت هیهات
هیهات اگر ملایکهٔ هفت آسمان و هفت زمین گرد
شوند که وصف این کلمات کنند تا روز قیامت
نتوانند که از هزار جزوا و را یک جزو وصف کنند
و رسول صلعم فرمود که این کلمات را ثواب و
فضیلت بسیارست که درین کتاب ذکر آن نمی
گنجد براین قدر اختصار کردیم از خوف تطویل
دیگر هر که خواهد که از خانهٔ خود بیرون آید در وقت بیرون
آمدن گوید بسم اللّٰه و باللّٰه و لا حول و لا قوة الا باللّٰه
توکلت علی اللّٰه و الحمد و قل اعوذ ها و قل هو اللّٰه احد

و آیة الکرسی بخواند از پس و پیش و چپ و راست
و بالا و زیر و چون بخانه باز آید بگوید بِسْمِ اللّٰهِ
وَبِاللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ
وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ   پس سلام دهد
بر اهل خانه اگر باشد اهلی و اگر در خانه کسی نباشد
بجای سلام گوید اَلسَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ
آلِهِ الْهَادِینَ الْمَهْدِیِّینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَی عِبَادِ اللّٰهِ
الصَّالِحِینَ   و چون در بازار رود بگوید اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا
عبده و رسوله دیگر دعای حضرت امیر المومنین جهة
طلب حاجت   لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ الْحَلِیمُ
الْکَرِیمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ یَا هُوَ یَا مَنْ هُوَ هُوَ یَا مَنْ
لَیْسَ هُوَ اِلَّا هُوَ یَا مَنْ هُوَ یَا مَنْ لَا هُوَ اِلَّا هُوَ مفعول بست

از ابی عبد الله علیه السلم که گفت چون پدرم را حاجتی
بودی سجده کردی بی قراءت و رکوع پس گفتی
هفت نوبت یا ارحم الراحمین سل حاجتک رسول
الله صلی الله علیه و آله فرمود یا علی هرگاه از منزل خود
برون آیی بقصد حاجتی آیة الکرسی بخوان که حاجت
تو بر آید انشاء الله تعالی منقولست از امام جعفر صادق
علیه السلم که گفت هر که در پی حاجتی رود بی وضو اگر حاجت
او روا نشود ملامت نکند الا نفس خود را از کتاب
عیون اخبار الرضا الاخبار از رضا علیه السلم منقولست که او
روایت کرد از آبا خود از امیر المؤمنین علی علیه السلم که
گفت چون کسی را حاجتی بود صباح روز پنجشنبه در
طلب آن رود و چون از خانه بیرون رود آخر
سورهٔ آل عمران و آیة الکرسی و انا انزلناه و فاتحه
الکتاب بخواند که حوائج دنیا و آخرت او روا شود

و نیز منقولست از امیر المؤمنین علیه السلم که فرمود
هرگاه که کسی را تبی باشد زانوها و ساعدهای خود را
برهنه کند و بر زمین نهد و پشت پای را بر زمین
نهد پس دعا کند دیگر فرمود علی علیه السلم بسر خود را اگر
نازل شود بتو امر عظیمی در دین یا در دنیا وضو بساز
و دستها بردار و بگو یا الله یا الله هفت بار که مستجاب
شود دیگر از ابو الحسن اول منقولست که گفت هیچکس
نیست که او را غمی یا کربتی رسد پس سر خود را باسمان
بردارد و سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم مگر آنکه
غم و کربت او زایل شود منقولست از حسین ابن خالد
که گفت مرا در بغداد سیصد هزار درهم دین شد و مرا جهه
صد هزار دیگر دین بود و قرض خواهان مجال نمیدادند
قادر نبودم که نزد امیر المؤمنین روم و احوال خود عرض
کنم پس کتابتی نوشتم و در آن وصف حال خود کردم

که مرا قرض چنداست ومالی نیست پس جواب نوشت
که بگو در پس هر نمازی اللهم انی اسالک یا لا اله الا
انت ان ترحمنی بلا اله الا انت اللهم انی اسالک یا لا اله
الا انت بحق لا اله الا انت ان تغفرلی بلا اله الا انت
سه نوبت اعاده کن بعد از هر نماز فریضه که حاجت تو
قضا شود انشاء الله تعالی راوی گوید که برین مداومت
کردم والله که چهار ماه نگذشت که دین من قضا شد و
صد هزار درهم دیگر فاضل آمد منقولست از رسول الله صلعم
وقتی که بترسی از کسی وخواهی که دفع شر او کنی طلب هلال
کن چون هلال بینی پس در پا ایست در حال که اعتماد بر
قدمها کنی وبر وجه خطاب بهلال بگو أَيَوَدُّ أَحَدُكُم ان
تکون لک جنة من نخیل واعناب تجری من تحتها
الانهار له فیها من کل الثمرات واصابه الکبر وله ذریة
ضعفاء فاصابها اعصار فیه نار فاحترقت پس ایما

واشارت

واشارت بکلمهٔ فاحترقت بجانب خانهٔ آنکس که از و
می ترسی واو ایذاء تو می کند وسه نوبت بگوی فاحترقت
اَللّٰهُمَّ طَمِّهُ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَغُمَّهُ بِالْغَمَاءِ غَمًّا وَارْمِهِ بِحِجَارَةٍ مِنْ
سِجِّيلٍ وَطَيْرًا اَبَابِيلَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ پس در شب دوم
وسوم مثل این عمل کن البته در چهارم احتیاج این عمل
نخواهد شد باذن الله دیگر مردی نزد امام جعفر صادق
علیه السلم شکایت کرد از ظالمی که بر وظلم کرده بودند
فرمود بگو يَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِ الْمَبْغِيِّ عَلَيْهِ اِنْ كَانَ فُلَانُ
ابن فلان ظَلَمَنِي وَبَغَى عَلَيَّ فَابْتَلِهِ بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ وَبَلَاءٍ لَا
تَسْتُرُهُ وهرکس که بر ظالم خود سه نوبت این دعا کند
در پیشانی او علامت بلا ظاهر شود وبعد از ان بفقر
مبتلا شود دیگر چون نزد سلطان روی بگوی
خَيْرُكَ خَيْرُكَ دیگر هرگاه که نزد سلطان روی بگوی
خیرک بین عینیک وشرک تحت قدمیک وانا

استعین بالله علیک منقولست از حضرت رضا علیه السلم
که هرگاه کسی دعا کند بر دشمن خود پس بگوید اَللّٰهُمَّ
اَطْرُقْهُ بِبَلِيَّةٍ لَا اُخْتَ لَهَا وَاَبِحْ حَرِيمَهُ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ
شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي مَؤُنَتَهُ
بِلَا مَؤُنَةٍ منقولست که چون از کسی ترسی بگوی حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
اَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ وَاَمْتَنِعُ
بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ما شاء الله لا قوة الا بالله
منقولست از حضرت رضا علیه السلم که کسی نزد ابو عبد الله
شکایت کرد از فقر فرمود که بانگ نماز بگوی چنانچه
موذن گوید وقتی آواز اذان بشنوی منقولست
از رضا علیه السلم اِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَاَنْزِلْهُ
وَاِنْ كَانَ فِي الْاَرْضِ فَاَظْهِرْهُ وَاِنْ كَانَ بَعِيدًا
فَقَرِّبْهُ وَاِنْ كَانَ قَرِيبًا فَاَعْطِنِيهِ وَاِنْ كَانَ قَدْ اَعْطَيْتَهُ
فبارک

فَبَارِكْ لِي فِيهِ وَجَنِّبْنِي عَلَيْهِ الْمَعَاصِي وَالرَّدَى منقولست
از صادق علیه السلم که گفت چون در سفر و صحرا باشی و از جن
و آدمی ترسی دست راست را بر سر نه و با آواز بلند بخوان
افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و الارض
طوعا و کرها و الیه یرجعون مرویست در خاصیت این
آیت چون چارپای بدلجام باشد در گوش او این آیت
بخوان و بگوی اَللّٰهُمَّ سَخِّرْهَا وَبَارِكْ فِيهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
و سورة انا انزلناه بخوان امیر المومنین علی علیه السلم
فرمود که هرگز چارپای من بسر در نیامد پرسیدند که
سبب چیست فرمود زیرا که هرگز در زراعت منقولست
از ابی عبد الله علیه السلم که چون از شیر ترسد که مضرت با و
و گوسفندان او رساند پس دایره بر ایشان بکشد و
این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ رَبَّ دَانْيَالَ وَالْجُبِّ رَبَّ كُلِّ
اَسَدٍ مُسْتَاْسِدٍ اِحْفَظْنِي وَاحْفَظْ عَلَيَّ غَنَمِي منقولست از نبی صلعم

که گفت یا علی هر گه که شیر بینی و کار بر تو دشوار شود سه بار
تکبیر بگوی و بگوی اَللهُ اَکبَرُ وَاَجَلُّ وَاَعَزُّ وَاَعظَمُ مِن کُلِّ شَیءٍ
وَاَکبَرُ وَاَعَزُّ مِن خَلقِهِ وَاَقدَرُ اَعُوذُ بِاللهِ مِن شَرِّ مَا اَخَافُ
وَاَحذَرُ شر شیر کفایت شود کسی که از سگ یا از سبعی دیگر
ترسد بگوید قل للذین امنوا یغفروا للذین تا آخر آیه
و اذا قرات القران جعلنا تا آخر آیه و جعلنا علی قلوبهم
اکنة تا آخر آیه بخواند منقولست که نبی صلعم فال خوب را دوست
میداشت و فال شوم را مکروه و امر می فرمود کسی که
چیزی بیند و شوم دارد بگوید اَللّهُمَّ لَا یُؤتِی الخَیرَ اِلَّا اَنتَ
وَلَا یَدفَعُ السَّیِّئَاتِ اِلَّا اَنتَ وَلَا حَولَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ دیگر
منقولست از صادق علیه السلم که پیش منصور میرفت و او را
غضب سخت بود این دعا بخواند غضب او سست شد
یَا عُدَّتِی عِندَ کُلِّ شِدَّتِی وَیَا غَوثِی عِندَ کُلِّ کُربَتِی اُحرُسنِی
بِعَینِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَاکنُفنِی بِرُکنِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ دعا بخواند

بر قفل

برقفل و بند تا و حلقها قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
آیا تا آخر سوره از دزد ایمن شود منقولست از صادق
علیه السلم که گفت چون کسی را غضب آید و ایستاده
باشد بنشیند غضب او زایل شود و هر که غضب
کند بر خویشی دست بر او بمالد غضب او ساکن شود
و هم از و منقولست که در وقت غضب این دعا بخواند
اَللّهُمَّ اَذهِب عَنِّی غَیظَ قَلبِی وَاغفِر لِی ذَنبِی وَاَجِرنِی
مِن مُضِلَّاتِ الفِتَنِ اَسأَلُکَ رِضَاکَ وَاَعُوذُ بِکَ
مِن سَخَطِکَ اَسأَلُکَ جَنَّتَکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِن نَارِکَ
اَسأَلُکَ الخَیرَ کُلَّهُ وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ اَللّهُمَّ ثَبِّتنِی
عَلَی الهُدَی وَالصَّوَابِ وَاجعَلنِی رَاضِیاً مَرضِیّاً غَیرَ ضَالٍّ
وَلَا مُضِلٍّ حدیث قدسی وارد است که یَا ابنَ آدَمَ اُذکُرنِی
حِینَ تَغضَبُ اَذکُرکَ حِینَ اَغضَبُ فَلَا اَمحَقُکَ فِیمَن
اَمحَقُ یعنی ای فرزند آدم مرا یاد کن چون ترا غضب آید

که ترا یاد کنم چون مرا غضب آید پس نابدید نکردانم ترا
درمیان کسانی که ایشانرا از غضب نابدید میکنم قال ابو
عبدالله مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ كَفَّ اللهُ عَنْهُ
غَضَبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ یعنی هر که غضب خود از مردم باز
دارد خدای تعالی غضب خود از وی باز دارد در روز قیامت
و نیز در غضب صلوات بر نبی و آل فرستد و بگوید
و یذهب غیظ قلوبهم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ ذَنْبِي وَاذْهِبْ غَيْظَ
قَلْبِي وَاجِرْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم منقولست که مردی از وحشت پیش
رسول صلعم شکایت کرد گفت بسیار بگوی سُبْحَانَ اللهِ
رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ خَالِقِ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ خدای
تعالی وحشت از وزایل گردانید منقولست رسول صلعم
فرمود هر که این دعا کند اَللّٰهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ

وابن

وَابْنُ اَمَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ
قَضَاؤُكَ اَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ
اَوْ اَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ اَوْ عَلَّمْتَهُ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ اَوِ اسْتَأْثَرْتَ
بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ اَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي وَنُورَ
صَدْرِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي خدای تعالی غم او را
بردارد و درمکان حزن فرح بدل آورد و نقلست که
هر که مبتلا به بلایی بیند باید که بخفیه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاهُ بِهِ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ گفت هر که این دعا
بخواند هرگز بوی این بلا نرسد قال رسول الله صلعم
اِذَا رَاَيْتَ اَهْلَ الْبَلَاءِ فَاحْمَدُوا اللهَ فَلَا تُسْمِعُوهُمْ فَاِنَّ ذٰلِكَ
يُحْزِنُهُمْ یعنی هر وقتی که اهل بلا را بینید حمد و ثنای خدا یرا
بگوید و ایشانرا مشنوانید که غمگین می گردند منقولست
که علی ابن الحسین علیهما السلم وقتی که جنازه دیدی گفتی
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ و نیز گفته

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی تَفَرَّدَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ منقولست
که هرکرا مهمی پیش آید و خواهد که بداند که وجه حیله در و
چیست وقتی که بخوابگاه خود رود این دو سوره واللیل
اذا یغشی و والشمس والضحیها را هریک هفت نوبت بخواند
وجه حیلت را در خواب بوی نمایند از رسول صلعم
منقولست که اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ الْعَافِیَةَ وَشُکْرَ الْعَافِیَةِ
وَتَمَامَ الْعَافِیَةِ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ دیگر قال رسول الله صلعم
مَنْ رَاٰی یَهُودِیًّا اَوْ نَصْرَانِیًّا اَوْ مَجُوسِیًّا اَوْ وَاحِدًا علی غیر
ملة الاسلام فَقَالَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی فَضَّلَنِی عَلَیْکَ بِالْاِسْلَامِ
دِینًا وَبِالْقُرْاٰنِ کِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِیًّا وَبِعَلِیٍّ اِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِینَ
اِخْوَانًا وَبِالْکَعْبَةِ قِبْلَةً لَمْ یَجْمَعِ اللّٰهُ بَیْنَهُ وَبَیْنَهُ فِی النَّارِ
یعنی هرکه جهودی یا ترسایی را یا مجوسی را یا غیر ملتی بیند
الحمد لله الذی تا بالکعبة قبلة بخواند خدای تعالی ایشانرا
باهم در آتش جمع نکند دیگر درجد در سوال و مستحب است

دعا کننده را جد کردن در سوال که نبی صلعم فرموده
لا احدکم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِی اِنْ شِئْتَ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِی اِنْ شِئْتَ
وَلْیَعْزِمِ الْمَسْئَلَةَ فَاِنَّهُ لَا مُکْرِهَ لَهُ یعنی باید که هیچ یک از
شما در دعا نگوید خدای بیامرز مرا اگر خواهد رحمت کند
مرا اگر خواهد بلکه باید در دعا جد کند زیرا که خدای تعالی را
هیچ مکره نیست و وقتی که دعا مستجاب شود باید که بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بِعِزَّتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ وچون در اجابت
توفیقی شود باید که بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی کُلِّ حَالٍ و
مکروه است که دعا کننده در اجابت دعا تعجیل کند باید
که بر دعا مواظبت نماید و پشیمان و ملول نشود زیرا
که نبی صلعم فرمود که دعای بنده مستجاب می شود مادام
که تعجیل نکند و نگوید دعا کردم و مستجاب نشد هرگاه
قصد حاجتی کنی این دعا را بگوی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ
بِاسْمِکَ الْاَعْلٰی الْاَکْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَعْظَمِ الْاَکْرَمِ اَنْ تَفْعَلَ

بی گذارد دیگر روایت از نبی صلعم که مر علی علیه السلم را گفت
هر گاه که در بیم بلا افتی این دعا را بگو تا بلا دفع شود بسم الله
الرحمن الرحیم لا حول ولا قوت الا بالله العلی العظیم اللهم
ایاک نعبد وایاک نستعین پس بدرستی که خدای دفع
کند بلا را روایت از علی ابن الحسین علیهما السلم که سالی در
عقب هر نماز دعا می کردم که خدای تعالی مرا اسم اعظم تعلیم
کند روزی نماز صبح گذاردم نشسته خواب در چشم غالب
شد مردی پیش خود ایستاده دیدم بمن گفت از خدا اسم
اعظم می خواهی گفتم بلی گفت بگو اللهم انی اسالک
باسمک الله الله الله الله الله الذی لا اله الا هو رب
العرش العظیم گفت که والله دعا نکردم باین دعا برای
چیزی الا آنکه روا شد دعا چون آواز رعد بشنوی و صاعقه
بینی بگو اللهم لا تقتلنا بغضبک ولا تهلکنا بعذابک
وعافنا من ذلک چون باران آید بگوی صیبا هنیئا

ادکر

روایت از صادق علیه السلم که گفت چون باد وزد
تکبیر بسیار بگوی و بگوی اللهم انی اسالک خیر ما
جاءت به الریاح وخیر ما فیها واعوذ بک من شر ما
وشر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین
عذابا وصلی الله علی محمد وآله منقولست از ابی جعفر علیه
که چون خواهی که زراعت کنی قبضه تخم بردار بدست
خود وروی بقبله کن وسه بار بگوی ءانتم تزرعونه
ام نحن الزارعون پس بگوی اللهم اجعله حرثا مبارکا
وارزقنا فیه السلامة والتمام واجعله حبا متراکبا ولا
تحرمنی خیر ما ابتغی ولا تفتنی بما منعتنی بحق محمد وآله
الطیبین پس این قبضه را بیفشاند دیگر دیگر دعا ر
ردحدة یا ارض ربی وربک اعوذ بک من شرک
وشر ما فیک وشر ما خلق الله فیک ومن شر ما یجاد
علیک اعوذ بالله من شر کل اسد واسود وحیة

وَعَقْرَبٍ مِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ أَفَغَيْرَ
دِينِ اللهِ يَبْغُونَ وله اسلم من فی السموات والارض طوعا
وکرها والیه یرجعون اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِنِعْمَتِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا
اَللّٰهُمَّ صَاحِبْنَا فِي السَّفَرِ وَاَفْضِلْ عَلَيْنَا فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللهِ بعد ازان سورة الهکم تا آخر بخواند هیچ درنده
وبرنده وعقرب گزند بوی نرساند اگرچه بر بالای مار
خفته باشد در عطسه منقولست از ابی عبدالله علیه السلم که
هرکس که عطسه بشنود وحمد وثنای خدای گوید وصلوات
بر رسول واهل بیت او صلی الله علیه وآله فرستد هرگز
چشم ودندان او درد نکند بعد ازان گفت اگر بشنود و
میان ایشان دریایی باشد باید که ترک نکند منقولست
از امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم که گفت هرکرا عطسه آید
وبگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال هرگز درد گوشها
ودندان نیابد منقولست از ابی جعفر علیه السلم که چون کسی را

سه بار عطسه آید تشمیت کن یعنی حمد وثنای بگوی
وچون بعد ازان عطسه دهد ترک کن نقلست از امیر
المؤمنین علیه السلم از حضرت رسالت پناه صلعم نقل کرده
که چون برادر شما را عطسه آید وشما ترک تشمیت او بکنید
روز قیامت بر شما دعوی کند وبرای او حکم خواهد
شد ورسول صلعم فرمود که چون کسی عطسه دهد و
اورا علتی باشد که نتواند الحمد لله گفتن وسکوت کند
ملایکه از جانب او الحمد لله رب العالمین گویند واگر
الحمد لله رب العالمین گوید ملایکه گویند يَغْفِرُ اللهُ لَكَ
یعنی خدای بیامرزد ترا نقلست از تسنیم خادم حسن ابن
علی العسکری علیه السلم که گفت بعد از ولادت صاحب
زمان شبی پیش او رفتم مرا عطسه آمد وبمن گفت یرحمک الله
تسنیم گوید که شاد شدم باین گفتن بعد ازان گفت بشارت
دهم ترا بعطسه گفتم بلی آنحضرت فرمود عطسه امانست

از عرک تا سه روز منقولست از ابی مریم که شخصی نزد ابی جعفر
علیه السلم عطسه زد ابو جعفر فرمود خوب چیزیست عطسه
در راحت بدنست باید که در وقت عطسه خدایرا یاد
کنند و صلوات بر نبی و آل او فرستند کفتم محدثان عراق
روایت می کنند که در سه موضع صلوات نمی باید فرستاد
در وقت عطسه و در وقت ذبح و در وقت جماع پس
ابی جعفر فرمود ای بار خدایا اکر آن جماعت دروغ
کفته باشند شفاعت محمد صلعم ایشانرا روزی مکن نقلست
از ابی عبد الله علیه السلم که کفت هر که عطسه کسی بشنود و کوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى كُلِّ حَالٍ مَا كَانَ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وصلی الله
علی محمد و آله درد دندان و درد چشم نبیند و نیز از جعفر صادق
علیه السلم نقل میکنند که چون کسی عطسه دهد الحمد لله کوید
آن دو فرشته که موکلند برو کویند رب العالمین کثیرا
لا شریک له دو ملک کویند صلی الله علی محمد و چون

او بکوید

او بکوید صلی الله علی محمد ملکان کویند و علی آل محمد چون
آدمی آنرا کوید دو ملک کویند رحمک الله او روایت از امیر
المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلم در حدیثی طویل که
چون یکی از شما عطسه دهد و الحمد لله بکوید پس تشمیت
کنید او را پس اکر او یرحمکم الله بکوید شما بکوید یغفر الله
لکم و یرحمکم زیرا که خدای تعالی در کلام مجید فرموده
وَاِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِاَحْسَنَ مِنْهَا اَوْ رُدُّوهَا یعنی که
چون بشما تحیتی فرستند شما بهتر از ان فرستید یا همان
باز فرستید منقولست از عبد الله ابن ابی یعفور که کفت
حاضر شدم در مجلس ابو عبد الله علیه کسی عطسه زد ابو
عبد الله فرمود رحمک الله اهل مجلس کفتند آمین پس
ابو عبد الله عطسه زد اهل مجلس خجل شدند نیک رد
نکردند پس ابو عبد الله فرمود که بکوید اعلی الله ذکرک
و در روایت دیکر منقولست از ائمه علیهم السلم که چون

بسم الله الرحمن الرحیم
هو الفتاح العلیم
رب یسر ولا تعسر
سهل علینا
یا رب العالمین
۱۲۵۴

کسی را عطسه آید باید که انگشت سبابه را بر سر بینی نهد و
بگوید الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله
الطاهرین رَغَمَ اَنْفِی لله رَغْماً دَاخِراً صَاغِراً غَیرَ مُسْتَنْکِفٍ
وَلَا مُسْتَحْسِرٍ وجون دیگری عطسه زند بگوید یَرْحَمُکَ الله
یکبار یا دو بار یا سه بار باز جون از سه بار زیاده شود
بگوید شفاک الله بس در تشمیت مرد مؤمن بگوید یرحمک الله
ودر زن مؤمنه عافاک الله ودر کودک بگوید زَرَعَکَ الله
وجهة بیمار بگوید شفاک الله از برای ذمّی بگوید هداک الله
ونبی وامام را صلی الله علیک بگوید وجون رد کند
یَغْفِرُ الله لَنَا وَلَکُم روایت میکند ابو بصیر از ابو عبد الله
که گفت بسیار عطسه رهاند صاحب عطسه را از پنج چیز
اول جذام دوم باد خبیث در سر و روی سوم نزول
آب در چشم چهارم سده در خیشوم پنجم بر آمدن موی در
چشم ابو عبد الله علیه السلم فرمود که جون عطسه زیاده شود

وخواهی که کم گردد اندکی روغن مرزنجوش در دماغ
کن راوی گوید پنج روز چنین کردم عطسه از من
رفت وهم ازو منقولست که گفت عطسه در مرض
امانست از مرگ دران مرض وگفت که خمیازه از
شیطانست وعطسه از رحمن وهم از ابی عبد الله منقولست
که رسول صلعم فرمود که بدرستی وراستی که عطسه مریض
دلیل عافیتست وراحت بدن ودفع فراموشی و
سکونی از ابی عبد الله علیه السلم نقل کرده که جون شیطان
ترا چیزی فراموش گرداند دست خود را بر پیشانی خود
بنه وبگو اللهم انی اسالک یا مذکر الخیر وفاعله والآمر به
ان تصلی علی محمد وال محمد وتذکرنی ما انسانیه الشیطان
الرجیم **باب یازدهم** در آداب مریض وعلاج مرض وآنچه
بدان متعلق است ودران پنج فصلست این باب را
اختیار کرده شده از طب ائمه علیهم السلم واز مجموع

دعوات بدر من طول الله عمره **فصل اول** در آداب
مریض و علاج مرض و ثواب مریض و ثواب کسی که
پرسش مریض کند روایت میکند ابو عبدالله علیه السلم
از رسول صلعم که گفت حُمّی رائد الموت است یعنی خبر دهنده
مرگست و زندان خدایست در زمین و گرمی او از جهنم
است حظ هر مؤمنست از آتش رسول صلعم وقتی که
در بدن مبارک خود بثره میدیدند پناه بخدای آوردند
پس گفتند یا رسول الله ازان باکی نیست فرمودند که
چون خدای تعالی خواهد کوچک را بزرگ می کند و چون
خواهد بزرگ را کوچک کند می کند **منقولست** از ابی عبدالله که
گفت هیچ مرضی و صداعی و عرقی نیست مگر بسبب گناه
چنانکه در کتاب کریم وارد ست وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ
فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ یعنی هر مصیبتی که بشما رسد
آن مصیبت بسبب کسب دست شماست و از بسیاری

عفو

عفو میکند علی ابن الحسین علیه السلم فرمود نِعْمَ الرَّجْعُ
الْحُمَّى يُعْطِي كُلَّ عُضْوٍ قِسْطَهُ مِنَ الْبَلَاءِ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُبْتَلَى
یعنی خوش دردیست حمی که عطا می کند هر عضوی قسط
که چون کسی را حمی شود گناهان او چون برگ درخت
می ریزد و در بستر ناله او تسبیحست و آواز او تهلیل است
و گردیدن او در فراش بکسی ماند که در غزا شمشیر زند
منقولست از علی ابن الحسین علیه السلم که گفت حمی شبی کفارت
گناهان یکساله است بجهة آنکه الم تب در بدن یکسال
باقی و مؤثر می ماند و حضرت ابی عبدالله فرمود که
تب شبی کفارت گناه پیش و پس آن شبست و هم ازو
علیه السلم منقولست هر که شبی خسته شود و به قول آن
تلقی کند و شکر او را ادا کند کفارت شصت ساله
گناهان او گردد راوی گوید پرسیدم که قبول او
چیست گفت صبر کردن بر دردی که دران خستگی است

منقولست از باقر علیه السلم که گفت بیداری یک شب در
مرض افضلست از عبادت یکسال زراره نقل میکند
از یکی از ایشان که بیداری یکشب از مرض با وجع
فاضلتر است و بزرگتر پیش خدای از روی اجر از عبادت
سالی و حمی دو شب برابری میکند با عبادت شصت سال
و حمی سه شب برابرست با عبادت هفتاد سال او حمزه
گفت که پرسیدم اگر بهفتاد سالگی نرسد گفت پدر و مادر
او را باشد گفتم اگر پدر و مادر باقی نباشد گفت خویشان
او را باشد گفتم اگر خویشان او هفتاد ساله نشوند گفت
همسایه او را بود منقولست از رضا علیه السلم که گفت مرض
مؤمن را پاک می کند و رحمت و کافر را عذاب و
لعنت و مرض با مؤمن می باشد تا آنکه در وی هیچ گناه نماند
منقولست از ابی عبدالله علیه السلم که گفت درد سر یکشب محو
می گرداند همه گناهانرا مگر گناه کبیره را ابو ابراهیم علیه السلم

روایت

روایت می کند از رسول صلعم که گفت مریض را چهار
خصلتست اول رفع قلم از وی دوم امر خدای تعالی
ملک را بنویسد مر فضل را که کرده باشد در صحت سوم
بیرون آوردن مرض گناهانرا از هر عضوی که در جسد
اوست چهارم آنکه اگر بمیرد آمرزیده میرد و اگر زید
آمرزیده می زید روایتست از نبی صلعم که گفت چون
مسلم مریض گردد خدای تعالی در دیوان عمل او بنویسند
بهتر از آن عمل که در صحت می کرد و بریزد گناهان او
چنانکه برگ درختان می ریزد منقولست از ابو عبدالله
علیه السلم که گفت چون خدای تعالی بنده را دوست دارد
نظر میکند بسوی او و یک تحفه از سه تحفه می فرستد
یا حمی یا درد سر یا درد چشم منقولست از کاظم علیه السلم که گفت
چون مؤمن مریض شود خدای عز و جل باصحاب شمال
وحی کند که منویسید گناهان بنده مرا مادام که در بند

وزندان منت و باصحاب یمین وحی کند که بنویسید
حسنات بندهٔ مرا که در صحت او می نوشتید در صبر در
علت روایت میکند ابو جعفر علیه السلم از رسول صلعم
که خدای عز و جل میفرماید که چون بندهٔ خود را مبتلا
گردانم و او صبر کند و تا سه روز نزد جمعی که بعیادت
آیند شکایت نکند از بیماری گوشتی بهتر از گوشت او
و پوستی بهتر از پوست او و خون بهتر از خون او
عوض دهم و اگر بمیرانم برحمت خودش رسانم و اگر
عافیت دهم او را از گناهش پاک سازم منقولست
از نبی صلعم که بنده را مصیبتها می رسد تا آنکه بر زمین
میرود و بر وی هیچ گناه نمی ماند ابو عبدالله علیه السلم فرمود
که عیادت کنید خستگان خود را و از ایشان دعا طلب
نماید که دعای ایشان برابر دعای ملایکه است و هر که
یکشب مریض گردد و آن مرض را قبول نماید حق

سبحانه

سبحانه و تعالی مرض او را با عبادت شصت سال
بنویسید پرسیدند که قبول او چیست فرمود از درد
خود بهیچکس شکایت نکردن او عبدالله علیه فرمود
که شکایت آنست که مریض گوید مبتلا شده ام ببلایی
که هیچکس مبتلا نشده و مصیبتی دیدم که هیچکس ندیده و شکایت
آن نیست که بگوید دوشینه بیداری کشیدم و امروز
تب دارم امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم فرمود که در
مرض هیچ اجری نیست ولیکن هیچ گناهی نیست که مرض
آنرا محو نمی کند و نیت اجر مگر بقول زبان و عمل بدست
و پای و خدای تعالی بسبب صدق نیت و خلوص سریرت
بسیاری از بندگان را به بهشت می برد روایتست که نبی صلعم
فرمود حق مسلمان بر مسلمان آنست که هرگاه بمسلمانی
رسد سلام دهد و چون خسته شوند پرسش کند و چون
بمیرند مشایعه جنازه کنند بدرستی که رسول صلعم فرمود

که تمام عیادت مریض آنست که دست خود را بر مریض
نهد و گوید که چونی و صباح چون شد و شب چون
گذشت و تمام تحیت شما مصافحه است **منقولست**
از ابی عبدالله علیه السلم که گفت باید که مریض یاران
خود را از مرض خود خبر کند که عیادت او کنند تا او
و یاران اجر برند برسیدند که اجر یاران بسبب پرسش
مریض است اما اجر مریض بچه سبب باشد گفت بسبب
انکه مریض از برای یاران حسنات کسب می نماید اجر
می برد پس باین سبب برای مریض حسنه می نویسند
و ده درجه رفع می شود و ده گناه رفع می گردد و باید
که اولیای میت یاران میت را اعلام کنند تا برای
ایشان کسب اجر و برای میت دعا و استغفار شود
و حضرت ابوالحسن علیه السلم روایت میکند که امیرالمؤمنین
علیه الصلوة عیادت صعصعة بن صرحان نمود و گفت که یا

صعصعه مفاخرت مکن بر یاران خود بانکه من ترا
عیادت کنم و نظر بخود کن که کار بتو رسید و باید که ترا
امل از راه نبرد **منقولست** از حضرت امام جعفر صادق علیه
که گفت در درد چشم را پرسش نیست و عیادت مریض
پیش از سه روز نیست و بعد از ان روزی عیادت
کنید و روزی مکنید و چون مریض دراز کشد مریض را
با عیالش بگذارید امیرالمؤمنین علیه السلم فرمود که هر کس
که عیادت مریض کند تخفیف کند او را نزد خدای تعالی
اجر عظیمست مگر انکه مریض او را دوست دارد و نشستن او را
خواهد و از و سؤال کند و نیز فرمود از تمام عیادت
مریض است یکدست او را بر دست دیگر یا بر پیشانی
او نهد **منقولست** از حضرت امام جعفر صادق علیه که گفت
چون روز قیامت شود خدای تعالی بندهٔ از بندگان را
خطاب کند و گوید یا مؤمن چه منع کرد ترا که عیادت

من نکردی وقتی که من مریض شدم پس آن بنده گوید
تو خدای منی و من بندهٔ توام تو حق و قیوم و ترا درد
و الم نمیرسد پس خدای تعالی گوید هر که مؤمنی را برای
من عیادت کند مرا عیادت کرده است پس گوید آیا
می شناسی فلان بن فلانرا گوید بلی یا رب گوید چه مانع
شد ترا در عیادت او و اگر تو او را عیادت می کردی
مرا عیادت کرده بودی و مرا نزد او می یافتی و اگر از من
سوال می کردی حاجت ترا روا می کردم و رد نمی کردم حضرت
ابو الحسن علیه السلم فرمود چون کسی از شما مریض شود باید
که اجازت دهد که مردم نزد او در آیند که هیچکس نیست
که او را دعایی مستجاب نیست مرویست از نبی صلعم که
عیادت سلمان رضی الله عنه کرد و گفت یا سلمان کَشَفَ اللّٰهُ
ضُرَّکَ وَغَفَرَ ذَنْبَکَ وَحَفِظَکَ فی دینک و بدنک الی منتها
اجلک منقولست از امام جعفر صادق علیه السلم که روایت میکند

که حضرت رسول صلعم عیادت سلمان فارسی کرد و گفت
یا سلمان در علت تو سه خصلت تو بذکر خدای تعالی
مشغول و دعای تو مستجاب و این علت ترا گناهی
نمی گذارد الا آنکه محو میکند مَتَّعَکَ اللّٰهُ بِالْعَافِیَةِ اِلَی انْقِضَاءِ
اَجَلِکَ مرویست از نبی صلعم که فرمود عیادت سه نوبت
و تعزیت یک نوبت منقولست از ابی عبد الله علیه السلم که
گفت هر مؤمنی که عیادت برادر خود کند در مرض او
پس اگر صباح باشد هفتاد هزار ملک مشایعت او کنند
و چون بنشیند پیش مریض غریق رحمت خدای شود
و تا شبانگاه ملایکه برای او استغفار کنند و اگر شبانگاه
باشد مثل این تا صباح منقولست از امام ابو جعفر که گفت
موسی نبی علیه السلم در مناجات گفت با خدای یا رب
تا چه مرتبه است مزد عیادت کنندهٔ مریض گفت هر که
عیادت مریض کند ملکی را بر وی موکل کردانم در قبر که تا

قیامت عیادت او کند منقولست از امام جعفر صادق علیه
که رسول صلعم فرمود که هر که عیادت کند منادی از
آسمان باسم او ندا کنند که ای فلان خوش باش و خوش
باد آمدن تو و نیز فرمود که اجر بزرگست در عیادت
کسی را که در نشستن پیش مریض تخفیف نماید و نیز
فرمود که چون عیادت مریض کنید دعا کنید که دعای
آنکس مثل دعای ملایکه است و نیز فرمود که هر که در راه
خدا مریض را عیادت کند هر دعایی که مریض از برای او
کند البته مستجاب گردد امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
آنچه در مرض بکودک می رسد کفارت پدر و مادر اوست
روایت میکند غلامی از غلامان امام جعفر بن محمد علیه السلام
که غلامی دیگر خسته شده بود با جمعی از غلامان بعیادت
میرفتیم خواجهٔ ما امام جعفر علیه السلام مقابل آمد و گفت کجا
خواهید رفتن گفتیم بعیادت غلامی خسته آنحضرت فرمود

که توقف کنید توقف کردیم فرمود آیا با شما سیبی یا بهی
یا ترنجی یا قدری از بوی خوش یا قطعهٔ از عود هست
گفتیم با ما هیچ از اینها نیست فرمود که نمیدانید که مریض
راحت میکند که برای او چیزی می برند منقولست که حضرت
رسول صلعم فرمود که دوا کنید که خدای تعالی فرمود که هیچ
دردی نازل نشده که با او دوایی نازل نشده و نیز فرموده
که موت مردم بگناه بیشتر است که از موت باجل و حیوة
مردم به نیکویی بیشتر است از حیوة بعمر و هم فرمود که هیچ
علتی نیست مگر از گناه و عفو خدا از گناه بیش است و هم
مرویست که دو کس معلول اند تن درستی که بدوا خو کرده
باشد و خسته که درد دوا خبط کرده باشد و هم مرویست که
از دوا پرهیز کن آن قدر که بدن تو تحمل کند درد را چون
تحمل نتوانی پس دوا کن منقولست که ابو عبدالله علیه فرمود
که نبی از انبیا را مرضی عاید شد گفت دوا نمی کنم تا آنکس

که مرا مریض کردانیده شفا کرامت کند پس خدای تعالی
وحی فرستاد که شفا ازمنست تا دوانکنی شفا ندهم
ازامام رضا علیه السلم که اکر مردم طعام اندک خورند بدن
ایشان صحیح باشد ومنقولست ازابی عبدالله علیه السلم
که پرهیز کردن ازچیزی ترک آن نیست بلکه پرهیز کردن کم
کردنست منقولست ازامام محمد باقر علیه السلم که پرهیز کردن
راس دواست ومعدهٔ خانهٔ داست وبدن تو بانچه
معتاد کردانی معتاد می شود نقلست ازرسول صلعم
که فرمود کسی که بمیرد ووصیت نکند آنچنانست که کافر
مرده باشد وهم منقولست ازانحضرت که نباید کسی را
شب خواب کرد الا انکه وصیت او زیر سراو باشد
ونیز منقولست ازرسول صلعم که هرکس که نیکو وصیت
نکند در عقل ومروت او نقصان است منقولست ازامیر
المؤمنین علی علیه الصلوة والسلم که فرمود هرکه وصیت کند

وازان

وازان نترسد ومضرت بکسی نرساند آنچنانست که
باآن وصیت تصدق کرده باشد منقولست ازامام
جعفر صادق علیه السلم که فرمود بر هر مسلمانی وصیت
کردن حقست وهم فرمود که هرکه در وقت مردن
برای خویشان که میراث نمی برند وصیت نکند هرآینه
ختم عمل خود بمعصیت کرده باشد فصل دوم در طلب
شفا بقرآن مجید رسول صلعم فرمود که هرکه بسبب
قرآن شفا نطلبد خدای تعالی او را شفا ندهد و
منقولست ازامام جعفر صادق علیه که هرکه صد آیة
قرآن بخواند ازهر آیات که خواهد پس هفت بار بگوید
یا الله اگر بر سنگ خاره دعا کند کنده شود منقولست
ازامام ابوالحسن علیه السلم هرگاه که از کسی بترسی پس صد
آیة ازقرآن بخوان ازهرجا که خواهی پس سه نوبت بگو
اَللّٰهُمَّ اکْشِفْ عَنِّی الْبَلَاءَ منقولست ازموسی کاظم علیه السلم

منقولست

که در قرآن شفا از هر دردی هست در فضیلت سورهای
قرآن منقولست از امام محمد باقر علیه السلم که هر کرا علتی
عارض شود هفت نوبت سورة فاتحة الکتاب را
بخواند و اگر ساکن نشود هفتاد نوبت بخواند ساکن
گردد منقولست از نبی صلی الله علیه و آله که خواندن فاتحة
الکتاب هفت بار شفای تمام دردهاست پس اگر کسی
صد بار بخواند اگر روح از بدنش رفته باشد حق تعالی
روحش باز گرداند منقولست از ابی عبدالله علیه السلم
که گفت اگر هفتاد بار الحمد بر مرده بخوانی و روح در بدن
او باز آید عجب نباشد منقولست از امام محمد باقر علیه السلم
که هرگاه که نفس ترا علتی باشد و از ان ترسی سورة انعام
بخوان که ترا از علت مکروهی نرسد و منقولست که فرمود
که هر که سورة نحل را هر ماه بخواند هفتاد نوع از انواع
بلا که آسان تر آن جنون و جذام و برص باشد ازو بگردد و روا

بجها

دیگر آنست که از برای احتراز از ابلیس و لشکر و تابعان
او بخواند و هم آنحضرت فرمود که سورة لقمان را هر که هر شب
بخواند حق سبحانه و تعالی در ان شب ملایکه را برا او موکل
گرداند که او را محافظت نمایند از ابلیس و لشکر او
تا صبح و هر که در روز بخواند خدای تعالی او را محفوظ
دارد از ابلیس و لشکر او تا شب و همچنین مرویست
از امام عبدالله علیه که هر چیزی را دلیست و دل قرآن
یس است هر که سورة یس را بخواند پیش از خواب
و یا در روز بخواند پیش از انکه شب شود تا بشب از
جملهٔ مرزوقان باشد و محفوظان و هر که در شب پیش
از خواب بخواند خدای تعالی هزار ملک موکل او گرداند
که او را محافظت نمایند از شیطان و از هر آفت و
اگر درین روز بمیرد حق سبحانه و تعالی او را بهشت برد
منقولست از امام ابی عبدالله علیه السلم که گفت بنویسید از

برای تب وصداع وبه بند د برهرکس که خواهد وهفت
گره بر بند زند وبرهرگرهی فاتحة الکتاب بخواند و به
بند د برهرکسی که تب دارد وبیاویزد بر بازوی راست
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین تا آخر سوره
ومعوذتین وقل هو الله احد تمام بسم الله الرحمن الرحیم
رَبَّ النَّاسِ اَذْهِبِ الْبَأسَ وَاشْفِهِ یَا شَافِی فَاِنَّهُ لَا شِفَاءَ
اِلَّا شِفَاؤُکَ شِفَاءً لَا یُغَادِرُ سُقْمًا بِیَدِکَ الْخَیْرُ اِنَّکَ عَلَی کُلِّ
شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرانِ ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
بسم الله الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم
کَذَالِکَ صَاحِبُ کِتَابِی هذا برحمتک یا ارحم الراحمین بسم الله
الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع
العلیم اُسْکُنْ اَیُّهَا الصُّدَاعُ وَالْاَلَمُ بِعِزَّةِ اللهِ اُسْکُنْ بِقُدْرَةِ
اللهِ اُسْکُنْ بِجَلَالِ اللهِ اُسْکُنْ بِعَظَمَةِ الله اُسْکُنْ بِلَا حَوْلَ
ولا قوة الا بالله العلی العظیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع

العلیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن
نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم
وکذلک ننجی المؤمنین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم حسبنا الله ونعم الوکیل وصلی الله علی محمد وآله
وسلم تسلیما از برای دفع تب نقلست که بعضی از اصحاب
ابو عبد الله علیه السلم را خستگی یا تب عارض شده بود
ابو عبد الله فرمود که بگشای تکمهٔ پیراهنت وسر خود
بگریبان فرو بر وبانگ نماز وقامت بگوی وهفت
نوبت الحمد بخواند گفت چنین کردم گو بیا از بند
خلاص شدم ونیز از برای دفع تب ابو عبد الله فرمود
فرو بر سر خود را در جیب خود وبانگ نماز بگو وبخوان
فاتحة الکتاب وقل هو الله احد سه بار ومعوذتین
وبگو اُعِیذُ نَفْسِی بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَةِ اللهِ وَعَظَمَةِ اللهِ

وَسُلْطَانِ اللّٰهِ وَبِجَمَالِ اللّٰهِ وَبِجَمْعِ اللّٰهِ وَبِرَسُولِ اللّٰهِ وَ
بِعِزَّتِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ وَبِوُلَاةِ أَمْرِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ
مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا
حول ولا قوة الّا بالله العلیّ العظیم وصلّی الله علی محمد وآله
اَللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ
بَلَائِكَ ودر روایتی دیگر آنست که گفت داخل کن
سر خود را در جیب و بانگ نماز و قامت بگو و فاتحة
الکتاب و معوذتین بخوان و قل هو الله احد سه بار
و آخر سورة حشر را سه بار و بگو اعیذ نفسی چنانکه گذشت
منقولست از حماد که گفت چون تب من دراز کشید
ابو عبد الله علیه السلم فرمود که بنویس آیة الکرسی را در ظرفی
و بجرعهٔ آب بشوی و بخور و مثل آن مرویست از بعضی
صادقین که قدری از تربت امام حسین علیه السلم را با آب
حل کن و در جام زجاجی بقلم آس بنویس و بکسی که

اورا

اورا الملی حادث شده باشد بده تا بخورد سلام قولا
من رب رحیم حسبی الله و نعم الوکیل طه ما انزلنا
علیک القران لتشقی الا تذکرة لمن یخشی ان الله یمسک
السموات والارض تا آخر آیه یرید الله ان یخفف
عنکم الآن خفف الله عنکم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما
علی ابرهیم اردد عن فلان بن فلان الحَرَّ وَالْبَرْدَ
وَالْمَلِيلَةَ وَجَمِيعَ الْآلَامِ وَالْأَسْقَامِ وَالْأَعْرَاضِ وَالْأَمْرَاضِ
وَالْأَوْجَاعِ وَالصُّدَاعِ طسم طس بِأَسْمَاءِ اللّٰهِ حم عسق
کذلک یوحی الیک والی الذین من قبلک الله العزیز
الحکیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلیّ العظیم والحمد لله
رب العالمین وصلواته علی سیدنا محمد النبیّ و آله
الطاهرین یا من یزول الجبال ولا یزول وصل علی
محمد و آل محمد وانزل کلها بفلان بن فلان من مرض
وَسَقَمٍ وَأَلَمٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَحْدَهُ

وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَجْمَعِين مثل آن
بنویس بر کاغذ و بیاویز بر مریض و بالحق انزلناه و
بالحق نزل وما ارسلناک الا مبشرا ونذیرا و ننزل
من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و ما محمد الا رسول
قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم
علی اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه وامنوا بما نزل
علی محمد وهو الحق من ربهم کفر عنهم سیاتهم واصلح بالهم
ماکان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم
النبیین وکان الله بکل شیء علیما محمد رسول الله و
الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا
یبتغون فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من
اثر السجود ذلک مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل ومبشرا
برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلما جاءهم بالبینات
قالوا هذا سحر مبین ولو ان قرانا سیرت به الجبال

او قطع

او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر
جمیعا الملک لله الواحد القهار پس بگوید بِسْمِ اللّٰهِ
الْمَكْتُوبِ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ جهة تب بنویسد و بیاویزد
بر بازوی دست راست بسم الله الرحمن الرحیم ولو
ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم
به الموتی بل لله الامر جمیعا یا شافی یا کافی یا معافی و
بالحق انزلناه وبالحق نزل بنویسد بر کتف او بسم الله
الرحمن الرحیم الم نشرح لک صدرک تا آخر لَا بَأْسَ لَا بَأْسَ
رَبَّ النَّاسِ اِذْهَبِ الْبَأْسَ اِشْفِ اَبْتَلَاءِي اَنْتَ الشَّافِي
لَا شِفَاءَ اِلَّا شِفَاءُكَ قَالَ رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ
الرَّاسُ شَيْبًا وَلَمْ اَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا باسم فلان بن
فلان جهت دفع تب برد بسم الله الرحمن الرحیم مرج البحرین
یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان وجعل بینهما برزخا وحجرا
محجورا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم الا ان حزب الله

هم الغالبون ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم
المنصورون وان جندنا لهم الغالبون ازبرای تب ربع
از امام حسن عسکری علیه السلم که بنویس بر ورقه یا نار کونی
بردا وسلاما علی ابرهیم وبیاویز بر کسی که تب دارد وقتی
که او را تب بگیرد و بنویس این آیه را و بر بازوی او بند
قل آلله اذن لکم ام علی الله تفترون بطلط بطلطاط وبگو
بستم بر نام خدای تعالی تب فلانکس را و بر ساق چپ او
بندد دیگر به بستن آن الم ترالی ربک کیف مد الظل ولو
شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا ازبرای درد شقیقه
منقولست از ابی عبدالله علیه السلم این ایات قرانی بخوانند
ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او
کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات یتفطرن منه
وتنشق الارض وتخر الجبال هدا وجعلنا من بین ایدیهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لایبصرون ویا
ارض

ارض ابلعی ماءک ویاسماء اقلعی وغیض الماء وقضی
الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین
مثل آن فمن کان منکم مریضا او به اذا من راسه ففدیه
من صیام او صدقه او نسک یدالله فوق ایدیهم فمن
نکث فانما ینکث علی نفسه ومن اوفی بما عاهد علیه الله
فسیؤتیه اجرا عظیما اسکن سکنتک یا وجع الراس بالذی
سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم منقولست
که مردی شکایت نزد امام جعفر صادق علیه از درد سر
کفت بنه دست خود را بر موضعی که درد می کند وبخوان
آیة الکرسی وفاتحة الکتاب وبگو اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَجَلُّ وَاَکْبَرُ مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ عِرْقٍ
نَعَّارٍ وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ حَرِّ النَّارِ ازبرای درد سر روایت
کرد عمر بن حنظله که شکایت کردم پیش امام ابی جعفر علیه
از درد سر که مرا می شد کفت وقتی که ترا درد سر شود بنه

دست خود را بر میان سر خود و بگو لو کان معه آلهة

کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی العرش سبیلا و اذا قیل

لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقین

یصدون عنک صدودا از برای درد شقیقه منقولست از

امام رضا علیه السلام بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا

بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب

ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف

المیعاد و بنویس اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ لَسْتَ بِاِلٰهٍ اِسْتَحْدَثْنَاهُ تا

آخر زود باشد که این دعا در فصل رابع مذکور شود بعد

ازین انشاء الله تعالی از برای درد سر و غیر آن منقولست از

امام جعفر صادق علیه السلام که هر کرا درد سر و غیر درد سر باشد

پس دست خود بران موضع نهد و بگوید اُسْکُنْ

سَکَّنْتُکَ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُوَ السَّمیع

العلیم منقولست از امام جعفر صادق علیه که وقتی که در کسی

کاهلی با درد سری باشد یا چشمی رسیده باشد دستها بکشاید

و سورة فاتحة الکتاب و معوذتین بخواند پس دست

خود را بر روی خود بمالد دردی که داشته باشد زایل

شود عمر بن ابرهیم گفت که شکایت کردم پیش امام رضا

علیه السلام از درد سر بسیار و از رعشی که عارض می شد مرا

که بسبب آن می یافتم مرضی شبیه بجنون فرمود که این

علف که برگ او پیچیده است و آنرا اللباب می گویند

بکوب و بر سر خود بنه و بفرمای که بر سر کودکان خود

بنهد که نافعست باذن الله تعالی راوی گوید که

چنین کردم وجع ساکن شد هم از وی منقولست در

درد سر که بخار رنگ کنند افسون شقیقه بسم الله الرحمن الرحیم

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک

رحمة انک انت الوهاب اگر خوش نشود بگیر یک نخود

سفید و نیمی و بگوید چنانکه نرم شود و بخواند بران

قل هو الله احد راسه بار و بمریض دهد تا بخورد شکایة

کرد شخصی از اهل مرو نزد ابو عبد الله علیه السلام از درد سر

گفت نزدیک شو بمن پس دست راست بر سر او مالید

و بخواند ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا

ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما

غفورا عمار گفت شکایت کردم نزد امام ابو عبد الله

از باد شقیقه گفت چون از فریضه فارغ شوی انگشت

سبابه راست میان دو چشم خود بنه و هفت نوبت بگو

یَا حَنَّانُ اِشْفِنِي و انگشت را برابروی راست بمال بعد

ازان بگو یَا مَنَّانُ اِشْفِنِي پس آن انگشت را برابروی

چپ بمال بعد ازان کف دست راست را بر میان سر خود

بنه و بگو یَا مَنْ سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا فِي السَّمٰوَاتِ

وَالْأَرْضِ صلی الله علیه و آله وَسَكِّنْ مَا بِی منقولست از حضرت

امیر المومنین علیه الصلوة والسلام که آن حضرت فرمود هر کس را

که درد

که درد چشم باشد آیة الکرسی بر چشم خود خواند و در دل خود

بگذراند که صحت می یابد بدرستی و راستی که ببرکت آن

صحت یابد منقولست که هر کس که هر روز این آیت بخواند

فجعلناه سمیعا بصیرا چشم او از آفت سالم باشد و همچنین

اگر سه نوبت آیة فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید

و آیة ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی

یبصرون بر آب بخواند و روی خود را بآن آب بشوید

چشم او از آفات سالم باشد روایتست که حضرت مصطفی

صلعم نظر بسلمان کرد و سلمان را درد چشم بود فرمود که

خرما مخور بجانب چپ خواب مکن و همچنین هر که آیة

الله نور السموات والارض تا آخر آیه و یا آیة وان یکاد

الذین کفروا تا آخر سوره بگل تربت حضرت امام حسین

علیه السلام و آب زمزم بر جامی نویسد و آن جام بشوید و در

شیشه کند و بمیل در چشم کشد شفا یابد از برای دفع شب

کوری منقولست از ابو یوسف مصعب که گفت بحضرت
مرتضی علی علیه الصلوه والسلم از زحمت شب کوری شکایت
کردم والتماس کردم که بمن تعلیم کن چیزی که دفع شب
کوری شود آنحضرت فرمود که آیة الله نور السموات
والارض تا آخر بجامی بنویس وبشوی وبر شیشه کن
ودر چشم بکش چنان کردم کمتر از سه مثل کشیده بودم که
بهتر از ان شد که بود وهمچنین منقولست که اگر آیة کان لم
یسمعها کان فی اذنیه وقرا ان السمع والبصر والفواد کل
اولئک کان عنه مسئولا هفت بار بر روغن یاسمین یا
بنفشه بخواند ودر گوش چکاند در دگوش را نافع بود
درد دندان سه نوبت فاتحة الکتاب وسه نوبت قل هو الله
احد بخواند وبگوید یَا ضِرْسُ بِالْحَارِّ تُسَكِّنِينَ اَمْ بِالْبَارِدِ
تُسَكِّنِينَ اَمْ بِاسْمِ اللهِ تُسَكِّنِينَ اُسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ
لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قال من

یحیی

یحیی العظام وهی رمیم الی قوله بکل خلق علیم اخرج منها
فانک رجیم ولنخرجنهم منها تا آخر آیه فخرج منها خائفا
یترقب وهمچنین بنویس بر نان تنک و دندانی
که درد میکند بران نهد بسم الله لکل نباء مستقر فسوف
تعلمون اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالی عما یشرکون
فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی ویریکم
لعلکم تعقلون قال من یحیی العظام وهی رمیم قل یحییها
الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم از برای بستن درد
دندان سه نوبت فاتحة الکتاب ومعوذتین بر میخ آهنی
بخوان بعد از ان آیة من یحیی العظام وهی رمیم تا بکل
خلق علیم بخوان بعد از ان بگوید یا ضرس فلان بن
فلان اَكَلْتَ الْحَارَّ الْبَارِدَ اَفَبِالْحَارِّ تُسَكِّنِينَ اَمْ بِالْبَارِدِ
تُسَكِّنِينَ بعد از ان بخوان وله ما سکن فی اللیل والنهار
وهو السمیع العلیم شَدَدْتُ بهذا دَاءَ الضِّرْسِ من فلان

بن فلان باسم الله العظیم بعدازان بردیواری زند
وبگوید الله الله الله وهمچنین یک برگ سبزی بردارد
وبران نویسد الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا
انتم منه توقدون بعدازان بردندان نهد که درد می کند
وچند قدمی رود وآن برگ سبز را برپس سر خود اندازد
وبازپس نگاه نکند درد دندان ساکن گردد انشاء الله
تعالی ازبرای دفع خون ازبینی منها خلقناکم تا آخر یومئذ
یتبعون الداعی تا آخر قیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء
اقلعی تا آخر آیه ومن یتق الله یجعل له مخرجا تا آخر آیه
وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا تا آخر آیه
وهمچنین اگر آیه قیل یا ارض ابلعی را تا آخر آیه برپیشانی
آنکس که خون ازبینی او آید بهمین خون یا بزعفران بنویسد
ساکن گردد انشاء الله تعالی ازبرای دفع زکام مرویست
ازحضرت مصطفی صلعم که آن حضرت فرمود که زکام لشکریست از

لشکرهای

از لشکرهای خدای تعالی او را برسر زحمتها می فرستد وزکام
زحمتها را فرو می آورد ومنقولست از امام عبدالله الحسن
علیه السلم که روغن بنفشه را در پنبه بردارند ودر محل خواب
در مقعد نهند ازبرای دفع زکام نافع باشد انشاء الله
تعالی ازبرای دفع وسوسه دل بگوید فاذا قرات القران
فاستعذ بالله وقل اعوذ تا بخواند نافع باشد وحضرت
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم فرمود که هرکس که شیطان
اورا وسوسه دهد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بگوید
وبزبان ودل بگوید آمنت بالله ورسله مخلصا له
الدین افسون ازبرای درد دل بخواند برآب وبیاشامد
لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین سیهزم
الجمع تا ادبر وامر ان الله یمسک السموات والارض تا
غفورا وهمچنین این آیه را برآب خواند وبنوشد و
بنویسد وبرگردن اندازد فبسم الله الرحمن الرحیم ربنا

لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة
تا لا یخلف المیعاد الذین امنوا وتطمئن قلوبهم بذکر
الله تا حسن مآب لئن انجینا من هذه لنکونن من الشاکرین
ازبرای دفع دلتنگی سه‌ده روز صباح یکنوبة وشب یکنوبة
سورة الم نشرح تا آخر بخواند منقولست از حضرت امام حسین
علیه الصلوة والسلم که شخصی از درد سینه نزد آن حضرت شکایة
کرد آن حضرت فرمود که قرآن بخوان وشفا از آن طلب
که حضرت حق سبحانه وتعالی فرموده که در قرآنست شفای
دردسینها وهمچنین آیة واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله
مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله
الموتی ویریکم آیاته لعلکم تعقلون بخواند نافع باشد از
برای دفع درد شکم سورة قل هو الله و بسم الله الرحمن الرحیم
قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم ولو
ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم

به الموتی بل لله الامر جمیعا بنویسد وبروی آویزد وبر
وی این آیه بخواند بسم الله الرحمن الرحیم ما اصابکم من
مصیبة فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان
نبراها ان ذلک علی الله یسیر هذان خصمان اختصموا فی ربهم
فالذین کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب من فوق
روسهم الحمیم یصهر به ما فی بطونهم والجلود فتعالی الله
الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم لا اله الا هو وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت
ابدا بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر همچنین بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن
نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین وفاتحة الکتاب هفت نوبت
بخواند نافع باشد وهمچنین بخواند لئن انجینا من هذه
لنکونن من الشاکرین ان الله بالناس لرءوف رحیم

ونزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمومنين ولا يزيد
الظالمين الا خسارا از برای دردبشت شهد الله انه لا اله الا هو
تا سریع الحساب بخواند از برای دفع وبستن بول بر دوپای را
بشوید وبنویسد ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض
عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح
ودسر تجری باعیننا جزاء لمن کان کفر نافع باشد نقلست
از حمران که گفت که نوشتم بحضرت امام علی نقی علیه السلام که جان
من فدای تو باد نزد ما شخصی هست از دوستداران شما نام
نغیس خادم وحبس بول دارد والتماس دعایی دارد از
شما که برکت آن شفا یابد آنحضرت دعا فرمود که خدای
تعالی دفع مضرت تو بکند واز تو مکروهات دنیا بردارد
مبالغه بسیار فرمود بر انکس که باید که قرآن بسیار بخواند
که برکت آن شفا یابد افسون درد بچه دان بسم الله الرحمن
الرحیم بسم الله وبالله الذی باذنه قامت السموات و

الارض

الارض قالت مریم بنت عمران لم یضرها وجع الارحام
کذلک یشفی الله فلانه بنت فلان من وجع الارحام ومن
وجع عرق الارحام اسلم اسلم بسم الله الحی القیوم بسم الله
المستعان بالله علی ما هو کائن وعلی ما قد کان اشهد ان
الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما که [illegible]
[illegible] بسم الله
الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار
رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله ورضوانا
تا آخر آیه اجیبوا عزمت علی سامعة الکلام بعزائم الله الشداد
التی یرتق الارواح والاجساد ولا یبقی روح ولا فواد
اجبنا بسم الله الذی قال للسموات والارض ایتیا طوعا
او کرها قالتا اتینا طائعین صل علی محمد النبی وآله الطاهرین
واقرأ ما انت بینک وبین نفسک ان شاء الله تعالی یعنی
بخوان این دعا را چنانچه خود بشنوی شفا یابی دفع غلبه

پشاب در خواب روایت از ائمة علیهم السلم که بستانند و
قدر سعد و یک قدر زعفران و هر یک را جدا بکوبد و سعد را
به والای سفته بپزد و بهم بیامیزد و بعسل صاف خمیر کند و
کلولها ازان بسازد و بر جام آسنی بزعفران بنویسد بسم الله
الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
تمام جام را ازین بنویسد دو سه نوبت و بآب سرد بشوید
و بریزد در شیشهٔ پاک و رق آهو بستانند و بعد از بر و نویسد
این آیت را و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد سه بار و قل
اعوذ ها و آیة الکرسی و آخر سورة حشر و آخر سورة بنی اسرائیل
بعد از ان بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا تا آخر آیه و بنویسد یا من هو
کذا الا هکذا غیره امسک عن فلان بن فلانه ما یجد من غلبة
البول و این تعوید را بر زانو های او بندد اگر زن باشد

و اگر مرد

و اگر مرد باشد بر زهار و سر ذکر او بندد و ازان کلولها که
خمیر سعد و زعفران ساخته بود در وقتی که بجامهٔ خواب
میرود بقدری ازان آب که اینها با آن شسته حل کند و
بیاشامد و باید که آب کم خورد پس ناگاه با مر الله برود
مرض غلبهٔ بول زود انشاء الله تعالی و باید که تعوید از خود
بگشاید تا به بول تر نشود از برای خلاصی زن حامله بنویسد
و بر ساق زن حامله بندد بسم الله و بالله محمد رسول
الله کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحها اذا
السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا الارض
مدت والقت ما فیها وتخلت ولبثوا فی کهفهم ثلاث
مائة سنین وازدادوا تسعا أُخْرُجْ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ
وَاسْمِهِ مِنَ الْبَطْنِ الطَّيِّبَةِ إِلَى الْأَرْضِ الطَّيِّبَةِ منها خلقناکم
وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری أُخْرُجْ بِإِذْنِ اللّٰهِ
وَقُدْرَتِهِ وَاسْمِهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ دَاءٌ فِي الْأَرْضِ

ولا فی السماء وهو السمیع العلیم العزیز الوهاب کانهم
یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون
ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک
الا القوم الفاسقون اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا تا فلا یؤمنون انما امره اذا اراد
شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت
کل شیء والیه ترجعون اذا جاء نصر الله والفتح تا آخر
واولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن وهمچنین بنویسد
بر ورق آهو و بر ران زن حامله بندد هفت نوبت
آیة فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا ویکنوبت
یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة تا عذاب الله
شدید بخواند نافع باشد وهمچنین بنویسد بر پهلوی
زن حامله بسم الله وبالله اخرج باذن الله منها خلقناکم
وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری ویصلی علی النبی

وآله وسلم وهمچنین بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا یرید الله بکم الیسر ولا
یرید بکم العسر ویهیء لکم من امرکم مرفقا ویهیء لکم من امرکم
رشدا وعلی الله قصد السبیل ثم السبیل یسره اولم یر الذین
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا تا آخر آیه و
همچنین بنویسد بر کاغذی اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا تا افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون ونفخ فی الصور فاذا هم من
الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرون ما یوعدون
لم یلبثوا الا ساعة من نهار وبه بندد بر میان زن حامله
وچون وضع حمل شود بگشاید مرویست که انا انزلناه بنویسند
وبشویند وآن آب را بخورد او دهد و بر فرج او نیز از آن
بپاشانند نافع باشد نقلست که نزد زن حامله در وقت زاییدن
انا انزلناه بخوانند زود وضع شود از برای دفع سحر بخواند

برکفهای دست صاحب سپرز سورة اذا جاء نصر الله سه
نوبت بعد از آن آیة ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا
تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة
التی کنتم توعدون سه نوبت بعد از آن هر دو دست
را بر سرش بمالد هفت بار نافع باشد و همچنین بنویسد
آیة ان الله یمسک السموات والارض تا آخر آیه انه من
سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم و بر محل سپرز نهد
نافع باشد **از برای** دفع قولنج روایتست از ائمه علیهم السلم
ابرهیم که سورة فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ ها را
بنویسد و بر بالای آن اَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظِیمِ وَبِعِزَّةِ اللهِ الَّتِی
لَا تُرَامُ وَبِقُدْرَةِ اللهِ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَمِنْ
شَرِّ مَا فِیهِ وَمِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ مِنْهُ در لوحی یا در شانه و بآب
آسمان بشوید و بنوشد بناشتا در وقت خواب نافع باشد
و مبارک انشاء الله تعالی **از برای** قبض شکم بخواند بر روغن

وبرشکم

وبرشکم خود افشاند و بر خود ماالد بسم الله الرحمن الرحیم
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی
الماء علی امر قد قدر و حملناه علی ذات الواح و دسر ففتحنا
علیهم ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان اولم یر الذین
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما و
جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یومنون همچنین مرویست
از حضرت ابی عبد الله علیه السلم که فرمود بنویسد از جهة
پیچ شکم بِسْمِ اللهِ الْمُتَعَلِّمُونَ الَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ یَعْلَمُونَ
قَاعِدُونَ فَوْقَ عِلِّیِّینَ یَاکُلُونَ نُورًا طَرِیًّا یَتَنَاوَلُونَ صَاحِبَهُمْ
مِنَ النُّورِ الْعِلْوِیِّ کَذٰلِکَ یَشْفِی فُلَانَ بْنِ فُلَانَةَ اَوَلَمْ یَرَ
الذین کفروا ان السموات والارض تا آخر هفت نوبت
افسون کند بعد از آن روغن بران ریزد و چون روغن
بران ریزد بخسبد و بمالد و بخورد صاحب زحمت دهد
نافع باشد انشاء الله تعالی و همچنین مرویست از حضرت

ابی عبدالله که فرمود اذا السماء انشقت تا القت ما فیها
وتخلت یک نوبت واذ قالت امراة عمران تا آخر آیه
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین بر او بخواند
نافع باشد وهمچنین مرویست از ائمه علیهم السلم که افسون
مذکور را بر آب خواند بی روغن وبخورد صاحب زحمة
دهد بعد از آن دست بر شکم او مالد سه نوبت وبگوید
یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر ثم السبیل یسّره ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض الی جذع
النخلة والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا
کَذٰلِکَ اُخْرُجْ اَیُّهَا اللَّوَی بِاِذْنِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ازبرای دفع
بواسیر مرویست از حضرت امام رضا علیه السلم که شخصی بآن
حضرت از بواسیر شکایت کرد فرمود که سورة یس را
بعسل بنویس وبآب بشوی وبخور ازبرای دفع افلاج
وغیر آن منقولست که شخصی نزد حضرت امام محمد باقر علیه

دو

رفت وگفت که مرا دختری هست که گاهی در پای وی
سستی و بیخبری می‌شود که نزدیک می‌شود که بیفتد آن
حضرت فرمود که در وقتی که حایض باشد شپد بخته و
عسل سه روز بخورد او بده که نافع باشد و آنحضرت
فرمود که بر فالج وقولنج وباد ها از زحمت فاتحة الکتاب
وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس
بعد از آن اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ وَعِزَّتِهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ
قُدْرَتِهِ الَّتِی لَا یَمْتَنِعُ مِنْهَا شَیْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَمِنْ شَرِّ
مَا فِیهِ وَمِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ یا بر شانه یا بر لوح بنویسد وبآب
باران بشوید وبناشتا بیاشامد وخواب کند نافع باشد
انشاء الله تعالی ازبرای جرب وقوبا ودمل بخواند بر او و
بنویسد بر آن بسم الله الرحمن الرحیم ومثل کلمة خبیثة
تا آخر آیه منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری
اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَاَنْتَ لَا تَکْبَرُ اَللّٰهُ اَبْقیٰ وَاَنْتَ لَا تَبْقیٰ وَاللّٰهُ عَلیٰ کُلِّ

شئ قدیر کسی که بیدا شود دردی در ساق او یا مشقتی یا
زحمتی بنویسد بران ولقد خلقنا السموات والارض
وما بینهما فی ستة ایام وما مسنا من لغوب وبنویسد
بر محل بهق وان من شئ الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر
معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون
منقولست از حضرت امام رضا علیه السلم بناشتا فالج می آورد
منقولست که بخواند بران وبنویسد وبران بندد بسم الله
الرحمن الرحیم یمحوا الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب
الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی
اجنحة مثنی وثلاث ورباع باسم فلان بن فلان ازبرای
دفع برص وجذام شخصی نزد امام ابی عبد الله علیه از برص
شکایت کرد آنحضرت فرمود که از گل قبر امام حسین علیه الصلوة
باب باران بخور انکس چنین کرد نافع بود و مرویست
از بعضی اصحاب ما که در روی سفیدی برص پیدا شده بود
حضرت

حضرت ابو عبد الله علیه السلم امر کرد بمن که سورهٔ یس
بعسل بجامی بنویس وبشوی وبنوش چنین کردم اثر
آن تمام بر طرف شد مرویست از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلم که فرمود شوربای گوشت گاو با پست جو خشک
دفع زحمت برص میکند ویونس ابن عمار شکایت کرد
نزد آنحضرت از سفیدی که در اندام او پیدا شده بود
آنحضرت فرمود که مویز را در آب بخیسانند و آن آب
بنوشد چنین کرد نافع بود ازبرای دفع خشکی که آنرا گرگ
می گویند که بر اعضا پیدا می شود وصلهٔ نمک بردارد و
بدان مالد وسه نوبت بران خواند که لو انزلنا هذا القرآن
علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله تا آخر سوره
و در تنوری اندازد و علی الفور باز گردد دفع آن زحمت
شود ان شاء الله تعالی منقولست که بر سه دانه جو بخوانند که
ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض

مالهامن قرار وآن سه جو را بران دانها بگرداند بعد
ازان در محلی دفن کند در آخر ماه هرگاه آن جوها کنده شود
آن زحمت برطرف شود وهمچنین مرویست که شخصی از
حضرت امام رضا علیه التماس کرد که چیزی بدو تعلیم فرماید
که دفع دانهای اعضا کند آنحضرت فرمود که ازبرای هریک
ازان هفت جو بردار و برجو در آخر ماه هفت نوبت سورة
اذا وقعت تا فکانت هباء منبثا بخواند ویسالونک
عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا تا فلا تسمع الا همسا بخواند
بعد ازان یک یک ازان جوها بدان دانها وآن اعضا
بمالد و در وصلهٔ کرباس نو به بندد و در چاه آن خانه اندازد
می گوید که چنین کردم و نظر کردم روز هفتم یا هشتم تمام خوب
شده بود وهمچنین کف دست پاک شده بود ازبرای
دفع مرض رگ باد افکندن بخواند اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما ویک انگشت از

انگشتهای

انگشتهای خود باواز در آورد باسم صاحب درد نافع
باشد برای جهة عرق بد بنویسد در ان محل در وقت خارش
آن قبل ازان که بیرون آید ویسئلونک عن الجبال
تا ولا امتا وصبر بران طلا کند واین آیة را نیز بنویسد که
او کالذی مر علی قریة وهی خاویة علی عروشها قال
انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام ازبرای
دفع صرع ومالنا الا نتوکل علی الله وقد هدینا سبلنا
ولنصبرن علی ما اذیتمونا وعلی الله فلیتوکل المتوکلون
ازبرای فزع صبیان سورة اذا زلزلت تا آخر فضربنا
علی اذانهم تا امدا وآیة شهد الله وقل ادعوا الله تا آخر [illegible]
سوره لقد جاءکم تا آخر سوره ومن یتوکل علی الله فهو
حسبه ان الله بالغ امره نافع باشد وهمچنین روایت کرد
معمر بن خلاد که گفت که من با حضرت امام رضا علیه السلام
بودم در خراسان پس بمن امر کرد که غالیه بجهة او بسازم

جون غالیه ساختم نظر کرد دران وتعجب فرمود وگفت
یا معمر عین حقست بنویس در ورقهٔ الحمد وقل هو الله
احد ومعوذتین وآیة الکرسی و در شیشه بگذار وهمچنین
مرویست از امام ابی عبدالله که فرمود عین حقست
وامن نیستی از چشم زخم تو بر تو واز چشم زخم تو بر غیر تو
هرگاه که بترسی از چیزی بگو ماشاء الله لاحول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم سه نوبت وفرمود هرگاه که یکی
از شما تهماتش مهیا ومرتب می شود بنوعی که ازان تعجب
کنند باید که در محلی که از خانه بیرون می آیی قل اعوذ ها
بخواند بدرستی که هیچ مضرت بدو نرسد باذن الله تعالی
وهمچنین فرمود که هرکس که از برادر مومنی چیزی بیند که اورا
بتعجب اندازد باید که بارک الله بگوید که عین حقست و
حضرت مصطفی صلعم فرمود که چشم مرد را بقبر می فرستد
وشتر را بدیگ وهمچنین فرموده افسون نیست الا در زهر

کژدم

کژدم وچشم زخم **از برای** دفع خواب وتمالجا موسی لمیقاتنا
وکلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی تا وانا
اول المؤمنین بخواند بر آب وبر روی وبر سرود ستهای
خود مالد گریخته وکم شده مرویست از حضرت امام رضا
علیه السلم که آن حضرت فرمود که هرگاه که از تو چیزی کم شود
بگو وعنده مفاتح الغیب لایعلمها الا هو ویعلم تا آخر
آیه بعد ازان بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَهْدِی مِنَ الضَّلَالَةِ وَتُنْجِی
مِنَ الْعَمٰی وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْلِی وَرُدَّ
ضَالَّتِی وَصَلِّ عَلٰی محمد وآله وسلم **از برای** شفای مرضها مرویست
ازحضرت مصطفی صلعم که فرمود جبرئیل بمن دوایی تعلیم
کرده که با آن به دوایی دیگر محتاج نیستم بس گفتند یا حضرت
آن دوا کدامست گفت آب باران را قبل ازانکه بزمین رسد
بگیرند و در ظرفی پاک کنند وسورة الحمد را هفتاد نوبت
بران بخوانند وقل هو الله احد وقل اعوذ دو گونه هفتاد

باربعد از ان قدحی از ان در صباح وقدحی در شب بنوشد
بحق آنکس که مرا بحق بخلق فرستاده که خدای تعالی آن زحمت را
ازبدن واستخوان ورکهای او بیرون کند وهمچنین هفت
دانهٔ سیاه تخم وهفت دانهٔ مرجک وکل قبر امام علیهم السلم
وهفت قطره عسل در آبی ویا در روغنی کند وفاتحة الکتاب
وقل هو الله احد وقل اعوذ دوکانه وآیة الکرسی واول سورهٔ
حدید تا والی الله ترجع الامور وآخر سورهٔ حشر بر آن بخواند
نافع باشد **منقولست** از امام جعفر علیه السلم که قال الله تعالی
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین وحضرت
حق فرموده یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه
فیه شفاء للناس وحضرت مصطفی صلعم فرموده که سیاه
تخم ارمر زحمتی شفاست الا مرگ وما در کوفه اظهار قبری می
کنیم که هیچ صاحب زحمت نباشد که بدان بناه برد الا آن
که خدای تعالی ببرکت آن اورا شفا دهد وآن قبر حضرت

امیر المؤمنین

امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم است **فصل سوم** در شفا جستن
بصدقه ودعا ونماز وغیر آن مرویست از حضرت امام
جعفر صادق علیه که آن حضرت از پدران خود روایت می
کند که حضرت مصطفی صلعم فرموده که صدقه مردن بدن
را منع می کند وهمچنین فرموده که صدقه وصله رحم
آبادان میکند دیار را وعمر زیاده میکند ومرویست
از امام جعفر صادق علیه فرموده که هرکس که در روز
صدقه بدهد در ان روز ببرکت آن صدقه در زیر دیوار
وخانه که فرود آید نماند واز درد ها ایمن کردد وبیدی
نمیرد واکر در شب صدقه کند در ان شب از بلا ها محفوظ
باشد ومنقولست از حضرت امام ابی جعفر که فرموده
نیکویی وصدقه درویشی می برد وعمر را زیاده می کند
وهفتاد علت را دفع می کند ومرویست از معاذ بن
مسلم که کفته که من نزد حضرت امام ابی عبد الله علیه السلم

بودم که جمعی نزد آنحضرت گفتند مردم ما درد ها دارند
فرمود که بیمار خود را بصدقه علاج کنید همچنین فرموده
که بیمار خود را علاج کنید بصدقه و نیست بر شما که جمیع
قوت خود را که مالک ان باشید بصدقه دهید و
بدرستی که نوشتهٔ قبض روح هر شخصی بملک موت داده
می شود چون آن شخص صدقه دهد آن نوشته بدو رد
می شود و اموال خود را نگاه دارید بزکوة دادن
و هر کس که زکوة مال خود داده باشد و بسفر زمین یا
دریا رود من ضامن او از تلف کشتن منقولست
از امام موسی کاظم علیه السلم که فرمود صدقه بلاء مبرم را که
از آسمان متوجه باشد دفع می کند منقولست از داود ابن
زرقی که گفته مرا در مدینه تب تندی بیدا شد خبر بحضرت
امام ابی عبد الله رسید آنحضرت بمن مکتوبی نوشت مضمون
انکه بمن رسید که ترا تب بیدا شده یک صاع گندم بخر بعد

ازان بهم

بر پشت خواب کن و آن گندم بر سینهٔ خود بیفشان و بگو
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاِسْمِكَ الَّذِي اِذَا سَاَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ
كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ مَا فِي الْاَرْضِ وَجَعَلْتَهُ
خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي بعد از ان بنشین و گندم از اطراف
خود جمع کن و همین دعا بخوان و از ان گندم بهر مسکینی
یک مد صدقه کن و همین دعا بکن داود گفت چنین
کردم گویا که از بند خلاص یافتم و بسیاری از مردم بدین
عمل کردند نافع بود منقولست که حضرت رسول صلعم فرموده
که هیچ چیز رد قضا نمی کند مگر دعا و حضرت امام جعفر
صادق علیه فرموده که دعا بلا را رد می کند اگرچه بلای
مبرم باشد منقولست از امام ابی الحسن که موسی علیه السلم
فرمود که بر شما باد که دعا کنید بدرستی که دعا و طلب از
حضرت حق جل و علا رد بلا می کند و بر شخصی مقدر گشته

وباقی نمانده الا جاری شدن آن شخص دعا کرده رد بلا
از وی شود منقولست از سلمان فارسی که نقل کرده از حضرت
رسول صلعم که آن حضرت فرموده که هیچ چیز عمر زیاده نمی
کند مگر نیکویی و هیچ چیز رد قضا نمی کند مگر دعا و حضرت
امام محمد باقر فرموده بحضرت امام جعفر صادق علیه السلم که
هر کس که بپوشاند از خلق بلایی که بدو رسیده باشد و بحق
جل و علا شکایت نکند از آن بر حضرت حق سبحانه و تعالی
لازم آید که او را از آن بلا خلاص کند منقولست از حضرت
امام ابی عبدالله علیه که فرموده هر کس که پیش از نزول بلا
دعا کند چون بلا نازل شود دعای او مستجاب گردد و
ملایکه گویند که این آوازیست که می شناسیم و دعای او
از آسمان محجوب نگردد و هر کس که قبل از نزول بلا دعا
نکند در وقت نزول بلا دعای او مستجاب نیست و ملایکه
گویند ما این آواز را نمی شناسیم منقولست از حضرت امام

موسی

موسی کاظم علیه السلم که فرموده هر رحمتی را دوایی هست و
فرموده هر رحمتی را دعایست و فرموده فاضلترین دعاها
صلواتست بر حضرت مصطفی و آل او علیه السلم و بعد از آن
دعا از برای خود و هر چه دوست داری و نزدیکترین وقتی
که بنده بخدا نزدیک باشد وقتیست که در سجده باشد و
فرموده دعا فاضلتر است از خواندن قرآن بجهة آنکه
حضرت حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید می فرماید قل
ما یعبؤ بکم ربی لولا دعاؤکم و فرموده که حق سبحانه و تعالی
دعای مؤمن را دیر مستجاب می کند بجهة شوقی که بدعای
مؤمن دارد و می فرماید که آوازیست که دوست میدارم
شنیدن آنرا و دعای منافق را زود مستجاب میکند و
می گوید که آوازیست که بد می آید شنیدن آنرا منقولست
از حضرت امام ابی عبدالله که گفته کسی که از بلایی ترسد
و پیش از آمدن آن بلا دعا کند حضرت حق سبحانه و تعالی

آن بلا را بد و ننماید دعای مریض از برای خود مستحب است
که بیمار بسیار بگوید لا اله الا الله یحیی و یمیت و هو حی
لا یموت سبحان الله رب العباد و البلاد و الحمد لله حمداً
کثیراً طیباً مبارکاً فیه علی کل حال و الله اکبر کبیراً کبریاء ربنا
و جلاله و قدرته بکل مکان اللهم ان کنت امرضتنی
لقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی ارواح
من سبقت لهم منک الحسنی و باعدنی من النار کما
باعدت اولیائک الذین سبقت لهم منک الحسنی
منقولست از حضرت امام ابی عبد الله علیه که فرمود دست
بنهید بر موضعی که درد می کند و سه بار بگوید الله الله
الله ربی حقاً لا اشرک به شیئاً اللهم انت لها و لکل عظیمة
ففرجها عنی منقولست از آن حضرت که فرموده دست بر
محلی که درد میکند بنهید و بگوید سه نوبت که اللهم انی
اسألک بحق القرآن العظیم الذی نزل به الروح الامین

و هو عندک فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی بشفائک
و تداوینی بدوائک و تعافینی من بلائک و صلی الله
علی محمد و اهل بیته منقولست از حضرت امام جعفر علیه السلام
که بگوید بسم الله و بالله کم من نعمة الله عز و جل فی
عرق ساکن و غیر ساکن علی عبد شاکر و غیر شاکر و بعد
از نماز فرض بدست راست ریش خود را بگیرد و
بگوید اللهم فرج کربی و عجل عافیتی و اکشف ضری
سه بار و جهد تمام کند که این دعا را با گریه بخواند منقولست
از بعضی اصحاب ائمه علیه السلام که گفت شکایت کردم بحضرت
ابی عبد الله علیه از دردی که داشتم آنحضرت فرمود که بگو
بسم الله و دست بران بمال و بگو هفت نوبت اعوذ
بعزة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ
بجمع الله و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من
شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی ناقل میگوید

که چنین کردم خدای تعالی مرا ازان درد خلاصی داد منقولست
ازان حضرت که فرموده دست بنهید برجایی که درد میکند
وبگوید بسم الله وبالله محمد رسول الله صلی الله علیه و
آله لاحول ولا قوة الا بالله اللهم امح عنی ما اجد وسه بار
دست بران بمالد منقولست ازانحضرت که فرمود که دست
برسر بیمار بنهید بعد ازان بگوید بسم الله وبالله والی الله
وماشاء الله ولاحول ولاقوة الا بالله ابرهیم خلیل الله
موسی کلیم الله نوح نجی الله عیسی روح الله محمد رسول الله
صلی الله علیه وعلیهم من الارواح والاوجاع بسم الله
وبالله وعزائم من الله لفلان بن فلان لا یقربه الا کل
مسلم واعیذه بکلمات الله التامات کلها الذی سأل بها
آدم فتاب علیه انه هو التواب الرحیم ایتها الارواح و
الاوجاع باذن الله عز وجل لا اله الا الله الا له الخلق و
الامر تبارک الله رب العالمین بعد ازان آیة الکرسی

وفاتحه

وفاتحه الکتاب وقل اعوذها وقل هو الله احد وده آیة
از اول سورة یس بخواند بعد ازان بگوید اللهم
اشفنی بشفائک وداوه بدوائک وعافه من بلائک
ونسأله بحق محمد وآل محمد صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین
منقولست از امام جعفر صادق علیه که حضرت صلعم را تب
گرفت حضرت جبرئیل علیه السلم بعیادت آنحضرت آمد
وگفت بسم الله ارقیک وبسم الله اشفیک وبسم الله
من کل داء یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله خذها
فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم
لتبرأن باذن الله نقل میکند سید ناصح الدین ابی
البرکات مشهدی رحمة الله علیه که از حضرت امام جعفر صادق
شنیدم که فرمود گل قبر امام حسین علیه الصلوة والسلام شفاست
از همه زحمتی هرگاه که کسی خورد گوید بسم الله وبالله
اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء

اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدیر   و هم آنحضرت فرموده که هرکس را
که علتی پیدا شود ابتداء علاج آن بگل قبر امام حسین علیه
نماید حضرت حق سبحانه و تعالی او را شفا کرامت فرماید
ازان علت مگر آنکه علت مرگ باشد منقولست از حضرت
ابی جعفر علیه السلام که فرموده از اهل بیمار کسی که مشفق تر
باشد بر وکف دست بر دهن خود نهد و بگوید بسم الله
سه بار بجلال الله سه بار بکلمات الله التامات سه بار
بعد ازان دست بر سر و روی بیمار بمالد ببرکت آن
شفا یابد نقل میکند زراره از یکی از امام محمد باقر و امام
جعفر صادق علیه السلام که فرموده که هرگاه که بر سر بیماری روی
بگو هفتاد بار   اُعیذُکَ بِاللّٰهِ الْعَظیمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ مِنْ
کُلِّ عِرْقٍ نَعّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النّار نقل میکند حسین بن
ابی نعیم از امام ابی عبدالله علیه السلام که بعضی از اولاد آن
حضرت را بیماری پیدا شده بود و آنحضرت فرمود که

بگوی   اَللّٰهُمَّ اشْفِنی بِشِفائِکَ وَداوِنی بِدَوائِکَ وَعافِنی
مِنْ بَلائِکَ فَاِنّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ منقولست از حضرت
مصطفی صلعم که بعضی از اصحاب خود را تعلیم فرمود که
دست راست خود را بجائی که درد می کند بنهید و بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ و همچنین
فرموده که هرکس که بیماری را عیادت کند بگوید   اَللّٰهُمَّ
اشْفِ عَبْدَکَ یَنْکی عَدُوّاً اَوْ یَمْشی لَکَ اِلَی الصَّلوٰة و همچنین
منقولست از آن حضرت که هرگاه که بعیادت میرفت میفرمود اَذْهِبِ
الْبَأْسَ رَبَّ النّاسِ بِیَدِکَ الشِّفاءُ لا کاشِفَ الْبَلاءِ اِلّا اَنْتَ
اَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النّاسِ وَاشْفِ اَنْتَ الشّافی لا شِفاءَ
اِلّا شِفاؤُکَ شِفاءً لا یُغادِرُ سُقْماً اَللّٰهُمَّ اَصْلِحِ الْقَلْبَ وَالْجِسْمَ
وَاکْشِفِ السُّقْمَ وَاَجِبِ الدَّعْوَةَ و همچنین فرموده که هرکه نزد
بیماری رود و بگوید که   اَسْأَلُ اللّٰهَ الْعَظیمَ رَبَّ الْعَرْشِ
الْعَظیمِ اَنْ یَشْفِیَکَ   اگر اجلش نرسیده باشد شفا یابد

وهمچنین فرموده که بعضی از اصحاب مصطفی صلعم بیمار شده
بودند آنحضرت فسونی که جبرئیل علیه السلم با آنحضرت تعلیم
فرموده بود تعلیم فرمود افسون اینست بِسْمِ اللهِ أَرْقِيكَ
بِسْمِ اللهِ يَشْفِيكَ مِنْ كُلِّ أَرَبٍ يُؤْذِيكَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ
فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وهمچنین فرموده که دست
خود را بر دهن نهد و سه بار بگوید بِسْمِ اللهِ بِجَلَالِ اللهِ
بِعَظَمَةِ اللهِ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ بِأَسْمَاءِ اللهِ الْحُسْنَى بعد
ازان دست برجایی نهد که درد میکند و بگوید بسم الله
بسم الله بسم الله بعد ازان هفت بار بگوید اللَّهُمَّ امْحُ
مَا بِي شفا یابد چون شفا یابد بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي
فَهَدَانِي وَأَطْعَمَنِي وَسَقَانِي وَصَحَّحَ جِسْمِي وَشَفَانِي لَهُ الْحَمْدُ وَلَهُ
الشُّكْرُ دعا ازبرای دفع درد چشم روایت میکند محمد بن جعفر
جعفی ازپدرش که گفته مرا درد چشم بسیار می شد شکایت
کردم بحضرت امام ابی عبدالله علیه آن حضرت فرمود آیا

بتو دعا

بتو دعایی تعلیم کنم که در دنیا و آخرت ترا نافع باشد و دفع
درد چشم نیز بکند گفتم بلی فرمود که در عقب نماز صبح و
شام بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ
تصلی علی محمد و آل محمد وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي
وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي
عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ أَبَدًا
لَكَ مَا أَبْقَيْتَنِي و در روایتی دیگر هفت بار بخواند این
دعا بعد از نماز صبح قبل ازان که برخیزد از مقام خود دعا
ازبرای دشوار زاییدن مر زن که زاییدن برو دشوار
باشد این دعا بر کوزهٔ آب سه بار بخواند و آن زن
ازان آب بخورد و بعضی بر میان دو شانهٔ او و بعضی
بر میان پستانهای او فشانند زاییدن برو آسان
شود و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَلِيمُ
الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

العالمین بسم الله الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات
ورب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم
یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون
ما یوعدون دعا از برای دشواری پیشاب ربنا الله
الذی فی السماء تقدس اللهم اسمک فی السماء والارض
اللهم کما رحمتک فی السماء اجعل رحمتک فی الارض اغفر لنا
حوبنا وخطایانا انت رب الطیبین انزل رحمة من
رحمتک وشفاء من شفائک علی هذا الوجع فلیبرأ از برای
سنک مثانه نقلست از امام جعفر صادق علیه السلم که فرموده
درحینی که نماز شب می گذارد در سجده بگوید اللهم انی
ادعوک دعاء الذلیل الفقیر الحقیر العلیل دعاء من
اشتدت فاقته وقلت حیلته وضعف عمله والح علیه
البلاء دعاء مکروب ان لم تدرکه هالک ان لم تستنقذه
فلا حیلة له فلا تحیطن بی مکرک ولا تثبت علی غضبک

ولا تضطرنی الی الیاس من روحک والقنوط من رحمتک
وطول التصبر علی البلاء اللهم انه لا طاقة لی ببلائک ولا
غنی بی عن رحمتک وهذا ابن حبیبک اتوجه به فانک
جعلته مفزعا للخائف واستودعته علم ما سبق وما هو
کائن فاکشف به ضری وخلصنی من هذه البلیة واعد لی
ما عودتنی من رحمتک وعافیتک یا هو یا هو یا هو یا هو
انقطع الرجاء الا منک از برای شفاء علتها سه روز
روزه بگیرد و در روز سوم غسل کند در وقت زوال
آفتاب و بیرون رود و وصله کرباس پاک همراه داشته
باشد و چهار رکعت نماز بگذارد و آن مقدار که تواند
قرآن در آنها بخواند بتضرع و چون از نماز فارغ شود
جامه خود را بیندازد [illegible] و جانب راست روی خود را
بر زمین نهد و بعد از آن بگوید یا واحد یا ماجد یا کریم
یا حنان یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین وصل علی

محمد وآل محمد واكشف ما بي من ضر ومعرة والبسني العافية
في الدنيا والآخرة وامنن علي بتمام النعمة واذهب ما بي فانه
قد اذاني وغمني حضرت امام جعفر صادق علیه فرموده که
نافع نیست الا از برای کسی که یقین داند که نفع می دهد برکت
آن از ان زحمت خلاص شود نماز از برای دفع جمیع بیماری
روایت کرده اند ابو امامه از حضرت رسول صلعم که فرموده
که بنویسید دعا و آیاتی که بعد ازین گفته می شود در ظرف
پاک بزعفران بعد ازان بشوید سه بار و وضو سازد چنانچون
وضویی که برای نماز می کند و سه مشت آب ازان بردارد
و بخورد و بر روی و بدن خود مالد بعد ازان دو رکعت
نماز بگذارد و طلب شفا از خدای تعالی کند و سه روز بدین
طریق عمل کند شفا یابد حسان گفته تجربه کردیم نافع بود و
دعا و آیات اینست اعوذ بكلمات الله التامة واسمائه
كلها عامة من شر السامة والهامة والعين اللامة ومن شر

بیماری

حاسد اذا حسد بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين
تا آخر سوره و سورهٔ قل هو الله احد و قل اعوذ دو گونه
و سه آیة از سورة البقرة والهكم اله واحد تا يعقلون و
آیة الکرسی و امن الرسول تا آخر سورة و ده آیة اول
سورهٔ آل عمران و ده آیة از آخر آل عمران ان في خلق
السموات والارض و اول آیة از سورهٔ نسا و اول آیة
از سورهٔ مایده و اول آیة از انعام و اول آیه از اعراف
ان ربكم الله الذي تا رب العالمين قال موسى ما جئتم به
السحر ان الله سيبطله تا آخر آیه والق ما في يمينك تلقف
ما صنعوا تا حيث اتى و ده آیة از اول والصافات نماز
بیمار نقل میکنند اسمعیل ابن محمد عبد الله بن علی ابن حسین
علیه السلام که گفت من بیمار شدم بمرتبه که از من نومید شدند
حضرت ابو عبد الله آمد و جزع و فزع ما در مراد دید فرمود
بما در من که وضو بگیر و دو رکعت نماز بگذار و در سجود بگو

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ يَكُ شَيْئاً فَهَبْهُ لِي هِبَةً جَدِيدَةً مادرم
چنین کرد صباح شد در من بیماری نمانده بود بمرتبه که مرب
بخته بود من با مردم از آن خوردم **ازبرای** دفع تب محمد بن
حسن صفار گفته که نزد حضرت ابی عبدالله علیه السلم رفتم و
مرا تب گرفته بود از من برسید چیست ترا که ملول می
بینم ترا گفتم جان فدای تو باد تب دارم فرمود که هرکس از
شما که تب دار شود تنها بخانه رود و دو رکعت نماز بگذارد
و طرف راست روی خود را بر زمین نهد و بگوید ده نوبت
یا فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله اَشْفَعُ بِكَ اِلَی اللّٰهِ فِیمَا
نَزَلَ بِي بدرستی که شفا می یابد انشاء الله تعالی و همچنین
دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سورة فاتحه سه بار
بخواند و آیة الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین
و این دعا بسم الله الرحمن الرحیم اَللّٰهُمَّ اَسْتَشْفِعُ بِنَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ
صلی الله علیه و آله یا محمد اَسْتَشْفِعُ بِكَ عَلَی رَبِّي فِي قَضَاءِ

حاجتی

حَاجَتِي وَسُؤْ شِفَاءِ هٰذَا الْمَرِیضِ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا
رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ
بِرَحْمَتِكَ نَسْتَغِیثُ اَلْآنَ خَفَّفَ اللّٰهُ عَنْكُمْ یُرِیدُ اللّٰهُ
اَنْ یُخَفِّفَ عَنْكُمْ ذٰلِكَ تَخْفِیفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ
بنویسد و بشوید و بخورد تب دارد هذا نافع باشد
نماز ازبرای دفع درد سر دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار
فاتحة الکتاب و سه بار قل هو الله احد و آیة رب
انی وهن العظم منی واشتعل الراس شیبا ولم اکن
بدعائک رب شقیا **نماز ازبرای** دفع درد چشم دو رکعت است
در هر رکعتی فاتحة الکتاب یکبار و قل یا ایها الکافرون
سه بار و آیة وعنده مفاتح الغیب تا آخر آیه **نماز ازبرای**
دفع کوری ابو حمزه ثمالی نقل کرده از حضرت ابی جعفر که گفته
کوری می گذشت حضرت رسول صلعم فرمود که میخواهی
که خدای تعالی چشم ترا باز دهد کور گفت بلی آنحضرت

فرمود وضو تمام بگیرد و دو رکعت نماز بگذارد و بگو
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ وَاَرْغَبُ اِلَیْکَ وَاَتَوَجَّهُ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ
الرَّحْمَةِ یَا مُحَمَّدُ اِنِّی اَتَوَجَّهُ بِکَ اِلَی اللّٰهِ رَبِّی وَرَبِّکَ اَنْ تَرُدَّ
عَلَیَّ بَصَرِی میگوید سوز حضرت رسول صلعم نشسته
بود که آن کور عود کرد و حضرت حق سبحانه و تعالی بینایی
او را بداد و حضرت رسول صلعم بسلمان فرمود که یا
سلمان اگر درد داشته باشی برخیز و نماز بگذار که در نماز
شفاست نماز از برای درد کردن دو رکعتست در هر رکعتی
یکبار الحمد و سه بار اذا زلزلت بخواند نماز از برای درد
سینه چهار رکعتست در هر رکعتی الحمد یکبار و بعد از الحمد
در رکعت اول الم نشرح یکبار و در رکعت دوم قل هو الله
احد سه بار و در رکعت سوم والضحی یکبار و در رکعت
چهارم یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور نماز از برای
دفع قولنج دو رکعتست در هر رکعتی یکبار الحمد و آیة

ففتحنا

ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر نماز از برای آمدن گریخته
دو رکعتست در هر رکعتی بعد از الحمد از اول سورهٔ
حدید چهار آیه و آخر سورهٔ حشر از لو انزلنا تا آخر سوره
بخواند و بگوید یَا مَنْ هٰکَذَا هُوَ لَا هٰکَذَا غَیْرُهُ اِجْعَلِ
الدُّنْیَا عَلَی فلان اَضْیَقَ مِنْ مَسْلِ جَمَلٍ حَتّٰی تَرُدَّهُ عَلَیَّ نماز
از برای درد پا دو رکعتست در هر رکعتی الحمد یکبار و آمن الرسول
تا آخر سوره بخواند نماز از برای وجع لقوه روی دو
رکعتست بگذارد و دست خود را بر روی خود نهد
و حضرت رسول صلعم وسیلهٔ شفاعت سازد بحضرت
حق جل و علا و سه بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اُخْرُجْ
عَلَیْکَ یا وجع من عین انس و عین جن اخرج علیک
بالذی اتخذ ابرهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وخلق عیسی
من روح القدس لما بدأت وطغیت کما طغیت نار
ابرهیم باذن الله نماز از برای بیدا شدن کم شده

از برای گریخته

نقلست از امیر المومنین علی علیه الصلوة والسلم که دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعتی سورة یس بخواند وچون فارغ
شود از نماز دستها بردارد بجانب آسمان وبگوید
اَللّٰهُمَّ رَادَّ الضَّلَالَةِ وَالْهَادِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّد
وَآلِ مُحَمَّد وَاحْفَظْ عَلَيَّ ضَالَّتِي وَارْدُدْ هَا اِلَيَّ سَالِمَةً يَا
اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ يَا عِبَادَ اللّٰهِ فِي
الْاَرْضِ فَاِنَّهَا رُدُّوا عَلَيَّ ضَالَّتِي فَاِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَ
عَطَائِهِ وهمچنین منقولست از ان حضرت که فرموده
که بخواند اَللّٰهُمَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَكَ السَّمٰوَاتُ وَلَكَ الْاَرْضُ
وَمَا بَيْنَهُمَا وَاجْعَلِ الْاَرْضَ عَلٰى كَذَا اَضْيَقَ مِنْ جِلْدِ جَمَلٍ حَتّٰى
تُمَكِّنَنِي مِنْهُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ومنقولست در روایتی از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که فرمود هرکس که بنده
او بگریزد آیة الکرسی مدور بر کاغذی بنویسد ودرمیان
این دعا را بنویسد اَللّٰهُمَّ السَّمَاءُ لَكَ وَالْاَرْضُ لَكَ وَمَا

بَيْنَهُمَا لَكَ فَاجْعَلْ مَا بَيْنَهُمَا اَضْيَقَ عَلٰى فُلَانٍ مِنْ جِلْدِ جَمَلٍ
حَتّٰى تَرُدَّهُ عَلَيَّ وَتُظْفِرَنِي بِهِ واین دعا را بخواند وآن
کاغذ را بر محلی که آن گریخته خوابگاه داشته دفن کند
وسنگی بر بالای آن نهد وهمچنین بنویسد وبخواند
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ جَبَّارٌ فِي السَّمَاءِ وَجَبَّارٌ فِي الْاَرْضِ وَمَلِكٌ
فِي الْاَرْضِ وَاِلٰهٌ فِي السَّمَاءِ وَاِلٰهٌ فِي الْاَرْضِ تَرُدُّ الضَّالَّةَ
وَتَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ رُدَّ عَلٰى فُلَانٍ ضَالَّتَهُ وَاحْفَظْهُ
از برای دفع تب بسم الله ذی العزة والکبریاء والنور
بر سه کاغذ پاره نویسد بقلم باریک چنانکه بتوان خواندن
وآن کاغذ را به پنجه مدور وصاحب تب هر روز
بناشتا یکی از ان بخورد نافع باشد واین مجربست
وهمچنین بر یک وصله قند بنویسد عَقَدْتُ بِاِذْنِ اللّٰهِ
وبر یکی دیگر شَدَدْتُ بِاِذْنِ اللّٰهِ وبر یکی دیگر سَكَنْتُ
باذن الله وصاحب تب هر روز بناشتا صباح یک

وصله ازان قند بخورد وهمچنین بنویسد برپای راست
صاحب تب بسم الله یا حمی الماضیة المتمضیة بالذی
في السماء عرشه وبالذی کلم موسی تکلیما واتخذ ابرهیم خلیلا
وبعث محمدا بالحق نبیا کما خرجت من العظم الی اللحم ومن
اللحم الی الجلد ومن الجلد الی الارض فیسکن فیها ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم
تسلیما وهمچنین بنویسد بر کاغذی و بر ریسمانی به بندد
وهفت گره بران ریسمان به بندد واین ایات را
بسم الله الرحمن الرحیم وبالحق انزلناه وبالحق نزل وننزل
من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین یا نار کونی
بردا وسلاما علی ابرهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین
یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن اسکن
بقدرة الجبار العظیم وبقدرة المنان الکریم وقل اعوذ
دوگونه نیز بنویسد و بر هر گره فاتحه بخواند واین تعوید

بدین

بدین وجه بر سر صاحب تب بندد شفا یابد وهمچنین
روایتست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که فرمود حضرت
مصطفی صلعم تب دار شد جبرئیل علیه السلم نزد آن حضرت
آمد وگفت بسم الله ارقیک یا محمد بن عبد الله بسم الله
اشفیک بسم الله من کل داء یعنیک بسم الله والله شافیک
بسم الله خذها فلیهنیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم
بمواقع النجوم تبرا آن باذن الله منقولست از حضرت امام
رضا علیه السلم که فرموده که کنیزکی که نزد من قدر ومنزلتی
داشت بمن شکوه کرد از تب من در خواب شخصی را
دیدم که آمد و بمن گفت بگو با کنیز که بگوید یا ربّاه یا
سیّداه صلّ علی محمد علی نبیّه واکشف عنی ما اجد که بدین
که فلان بن فلان از آتش تب باین خلاص شد وهمچنین
منقولست از آنحضرت که سه روز در روز اول بنویسد
بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک انت الاعلی ودر روز

دوم بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف نجوت من القوم
الظالمین ودر روز سوم بسم الله الرحمن الرحیم الا له
الخلق والامر تبارک الله رب العالمین وسه روز بخورد
شفا یابد **ثلثت** از حضرت امام
رضا علیه السلم این تعویذ بجهة تب

بسم بذکر الرحمن یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم وال ابرهیم وعلی ... فلان بن فلان

فصل چهارم افسونها از برای بیماری مرویست از ائمه علیهم السلم
که بنویسد بر ورق آهو و بر صاحب تب بندد اللهم انی
اسئلک بعزتک وقدرتک وسلطانک واحاط به علمک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان لا تسلط علی فلان بن فلان
شیئا مما خلقت بسوء ونحم جلده الرقیق وعظمه الدقیق
من فوره الحریق یا ام ملدم یا آکلة اللحم وشاربة الدم
حرها وبردها من جهنم ان کنت امنت بالله الاعظم ان
لا تاکلی الغلان بن فلان لحما ولا تمصی له دما ولا تنهکی
له عظما ولا تثوری علیه غما ولا تهیجی علیه صداعا وان

تغلی عن شعره وبشره ولحمه ودمه الی من زعم ان مع
الله الها آخر لا اله الا هو سبحانه وتعالی عما یشرکون

افسون از برای **تب یومی** بنویسد بر کاغذ و بر ریسمانی
به بندد از جانب راست ریسمان چهار گره کند و از
جانب چپ سه گره کند و بر گردن صاحب تب بندد
این دعا را اعیذه بما استعاذ به موسی وابرهیم ومحمد
صلی الله علیه وآله من الحمی والناقص والغب والعتیق
والربع والصداع اللهم کما تلد مریم بنت عمران غیر
عیسی فلا تذر علی هذا الانسان من هذه الاورام و
الاوجاع الا نزعته عنه فلا اقسم بما تبصرون وما لا تبصرون
انه لقول رسول کریم اقسمت علیک لما ترکته ولا تاخذه
وسورة قل هو الله و قل اعوذها بخواند بعد از ان بگوید
اللهم اشف فلان بن فلانة من حمی یوم ویومین و
ثلثة ایام وحمی الربع فانک تفعل ما ترید وتحکم ما تشاء .

وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِسْمِ اللّٰهِ كَتَبْتُ وَبِسْمِ اللّٰهِ خَتَمْتُ
وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وهو رب العرش العظيم ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم وهمچنین ریسمانی از پنبه هفت تاری
بسازد و فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذها بران خواند
و هفت بران کند و بر گردن صاحب تب بندد و
بعضی گفته اند بر هر گرهی این سورها بخواند و همچنین
مصطفی صلعم فرموده که هر کسی که تب داشته باشد سه
روز غسل کند در هر وقت غسل بگوید بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اِنَّمَا اغْتَسَلْتُ اِلْتِمَاسَ شِفَائِكَ وَتَصْدِيقِ نَبِيِّكَ البته
شفا یابد وهمچنین نقل کرده ابن عباس از حضرت مصطفی
صلعم که گفته حضرت نبی ما را بجهة دفع دردها و تب و درد
سر تعلیم میداد بِسْمِ اللّٰهِ الْكَبِيرِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ
عِرْقٍ نَعَّارٍ وَشَرِّ حَرِّ النَّارِ وهر گاه دست بردارد بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ عَلٰى

ما یشاء

مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ حرز حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله بجهة فاطمه
علیها السلم خاصه از برای او و از برای هر مؤمنی که اقرار
بحق داشته باشد وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يَا اُمَّ مِلْدَمٍ اِنْ كُنْتِ اٰمَنْتِ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ
وَرَسُولِهِ الْكَرِيمِ فَلَا تَهْشِمِي الْعَظْمَ وَلَا تَاْكُلِي اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِي
الدَّمَ اُخْرُجِي مِنْ حَامِلِ كِتَابِي هٰذَا اِلٰى مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ
الْعَظِيمِ وَرَسُولِهِ الْكَرِيمِ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ برای تب ربع نقل میکنند و شاکه شخصی نزد حضرت
امام رضا علیه السلم آمد حضرت امام بدو گفت چیست ترا
که رنگ تو زرد است گفت ربع مرا تشویش میدهد پس
آن حضرت دوات و قلم طلب فرمود و نوشت
بسم الله الرحمن الرحیم بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَبْجَدْ هَوَّزْ حُطِّي
عن فلان بن فلانة بِاِذْنِ اللّٰهِ بعد از آن در آخر آن
کاغذ هفت نوبت خاتم سلیمان پیغمبر را نقش کند بعد

انبان بپیچید و ریسمانی طلب فرمود که آب و آب دهان
بران نرسیده باشد ریسمان آوردند گرهی بران زد
و نزدیک دهن خود آورد و از یک جانب چهار
گره بدان زد و بر سر گرهی فاتحة الکتاب و معوذتین
و قل هو الله احد و آیة الکرسی خواند و بر جانب دیگر
سه گره زد بهمان دستور بران گرهها خواند و بدان
شخص داد فرمود که بر بازوی راست خود بند و آیة
الکرسی بخوان و خاتم سلیمان بنویس و با آن جماع
مکن و در بعضی روایتست که کاغذ را بپیچید و ریسمانی
طلب کرد ریسمان تر آوردند فرمود ریسمانی خشک
بیاورید گرهی بر میان او زد و بر جانب راست آن
چهار گره زد و بر جانب چپ سه گره و بر سر گرهی فاتحة
الکتاب و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی خواند
بعد از ان بان شخص داد فرمود که بر بازوی راست بند

وبا آن

و با آن جماع مکن و همچنین نقل کرده ابو زکریا خزمی
که حضرت ابو الحسن علیه السلم فرمود که بجهة ربع بر دست
راست بنویسید بسم الله جبرئیل و بر دست چپ بنویسید
بسم الله میکائیل و بر پای راست بنویسید بسم الله اسرافیل
و بر پای چپ بنویسید بسم الله لا یرون فیها شمسا و لا
زمهریرا و بر میان هر دو شانه بنویسد بسم الله العزیز الجبار
و همچنین برای دفع تب بنویسد بر شانهٔ راست بسم الله
جبرئیل و بر شانهٔ چپ بسم الله میکائیل و بر شانهٔ راست
بسم الله اسرافیل و بر شانهٔ چپ بسم الله لا یرون فیها
شمسا و لا زمهریرا **ازبرای** دفع تب سه برگ درخت
بستانند و باسم صاحب تب بر یک برگ طَینُسُو مَا
و بر برگ دیگر اُوْ حُومَا و بر برگ دیگر اَبْرَاسُومَا و بسه
نوبت در آب اندازد و بروایتی دیگر حُومَا طَینُسُو مَا
اَبْرُسُومَا **افسون** ازبرای دفع تب بنویسد و بر بازوی

را بنت بند د بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب
العالمین تا آخر سوره. بسم الله وبالله اعوذ بکلمات الله
التامات کلها لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما خلق
وذرا وبرا ومن شر السامة والهامة والعامة واللامة
ومن شر طوارق اللیل والنهار ومن شر فساق العرب
والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ومن شر الشیطان
وشرکه ومن شر کل ذی شر ومن کل دابة هو آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا والیک انبنا
والیک المصیر یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم وارادو
به کیدا فجعلناهم الاخسرین یا نار کونی بردا وسلاما علی فلان
بن فلانه ربنا لا تواخذنا ان نسینا او اخطانا تا آخر سوره
حسبی الله لا اله الا هو فاتخذه وکیلا وتوکل علی الحی الذی
لا یموت وسبح بحمده وکفی به بذنوب عباده خبیرا لا اله
الا الله وحده لا شریک له صدق وعده ونصر عبده وهزم

الاحزاب وحده ولا شی بعده ما شاء الله لا حول ولا
قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی
عزیز ان حزب الله هم الغالبون ومن یعتصم بالله فقد
هدی الی صراط مستقیم وصلی الله علی محمد وآله الطیبین
الطاهرین افسون از برای همه درد ها بعضی گفته اند بجهة
درد دندان بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله
الطیبین وبصنع الله الذی اتقن کل شی انه خبیر بما تفعلون
اسکن ایها الوجع عشک بالذی سکن له ما فی السموات
وما فی الارض وهو العلی العظیم عزمت علیک ایها الوجع
بالله الذی اتخذ ابرهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وخلق عیسی
من روح القدس وبعث محمدا بالحق نبیا لما ذهبت
عن فلان بن فلانه الی مدت حیوته ولا تعود الیه حرز طاقیه
ملک نجاشی را درد سر بود بحضرت رسول صلعم نوشت و
طلب دعا کرد حضرت رسول صلعم این حرز فرستاد

واو بر کلاه خود دوخت درد سر او ساکن شد و حرز اینست

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الحق المبین شهد الله تا آخر

لله نور و حکمة و عز و قوة و برهان و قدرة و سلطان

و رحمة یا من لا ینام لا اله الا الله ابرهیم خلیل الله لا اله الا

الله موسی کلیم الله لا اله الا الله عیسی روح الله و کلمته

لا اله الا الله محمد رسول الله و صفیه و صفوته صلی الله علی

محمد و آله اجمعین اسکن سکنتک بما سکن له ما فی السموات

والارض و سکن له ما فی اللیل والنهار و هو السمیع العلیم

رضاء حیث اصاب والشیاطین تا انجا که الا الی الله تصیر الامور

افسون ازبرای درد سر بر ورق نویسد و بر پیشانی بر سر

بندد که بسم الله الرحمن الرحیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم

تا آخر آیه که ام الکتاب واخرج منها مذموما مدحورا و

همچنین منقولست از حضرت امام ابی جعفر علیه که فرمود

بنویسد بر کاغذی و صاحب صداع بر سر بندد از ان جانب

که درد

که درد میکند اللهم انک لست باله استحدثناه ولا برب

یبید ذکره ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان قبلک

اله ندعوه و نتعوذ به و نتضرع الیه و ندعک ولا اعانک

علی خلقنا من احد فنشک لا اله الا انت وحدک لا شریک

لک عاف فلان بن فلانه وصلی الله علی محمد و اهل بیته

و فی روایت اسالک باسمک الذی قام به عرشک علی الماء

ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تشفی فلان بن فلانه من

الصداع والشقیقة فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین

عددا و اسالک باسمک الذی خلقت آدم و اتممت خلقه

علیه السلام ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تشفی فلان بن

فلان **ازبرای** درد شقیقه بنویسد این کلمات را بر ورق

آسو یا کاغذ اگر مرد باشد بر سر بندد و اگر زن باشد

میان گره موی سرش بندد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله من

الارض الی السماء کان هبط جبرئیل فاستقبله الاجزع

درد چشم

فقال این ترید قال اذهب الی الانسان فاکل شحم عینیه
واشرب من دمه فقال بالله الذی لا اله الا هو لا تذهب
الی الانسان ولا تاکل شحم عینیه ولا تشرب من دمه انا
الراقی والله الشافی وصلی الله علی محمد وآله وسلم از برای
درد چشم برداردبنبه وترکند وبر چشم نهد وبگوید عین
الشمس فی لجة البحر یا نار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم
وهمچنین سلیمان ابن عیسی گفته که رفتم نزد حضرت امام
ابی عبدالله دیدم که درد چشم عظیم داشت غمناک شدم
وبیرون آمدم روز دیگر نزد آن حضرت رفتم اثری از
درد چشم آن حضرت نبود گفتم من فدای تو دی روز
درد چشم شما را دیدم غمناک شدم وامروز آمدم اثری
ندیدم از آن چه علاج کردید فرمود تعوید کردم بتعویذی
که دارم گفتم بمن بگو پس نوشت اعوذ بعزة الله اعوذ
بقوة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجلال الله

اعوذ

اعوذ ببهاء الله اعوذ بجمع الله اعوذ برسول الله صلی الله
صلی الله علیه وآله علی ما اجد واخاف علی عینی واجده من
وجع عینی اللهم رب الطیبین فکشفنا عنک غطائک
فبصرک الیوم حدید فنظر نظرة فی النجوم فقال انی
سقیم وصورکم فاحسن صورکم ورزقکم من الطیبات
فتبارک الله احسن الخالقین یا علی یا عظیم یا کبیر یا جلیل
یا منیع یا فرد یا وتر یا رب لا تذرنی فردا وانت خیر
الوارثین وان کنت الا واحدا الصلوة فی قبری
مما رزقنی فی حاجته امین یا رب العالمین از برای خون
بینی بخواند وبنویسد وبه بینی انکس گیرد که خون از
بینی او آید یا من حمل النیل من بینک الحرام اسکن
دم فلان بن فلان باآب یخ بر سر وپیشانی او ریزد
ساکن گردد باذن الله تعالی از برای درد دندان منقولست
از سکونی که او نقل کرده از حضرت ابی عبدالله علیه السلم

که گفت حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرموده هر کس که
از درد دندان بزحمت باشد از موضع سجود خاک بر
دارد و بمالد بران موضع که درد می کند و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ
وَالْكَافِي اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وهمچنین
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرموده هر کس که دندان
او درد کند کاردی یا برگ خرما بردارد و بمالد بر محلی که
درد می کند و هفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ اِبْرٰهِيمُ خَلِيلُ اللّٰهِ اُسْكُنْ
بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِاِذْنِهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قدیر وهمچنین منقولست از ابن عباس که گفته حضرت
مصطفی صلعم فرموده هر کس که دندان او درد کند انگشت
خود بران نهد و این آیت را هفت بار بخواند هو الذی
انشاکم وجعل لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا
ما تشکرون از برای درد دندان افسون کرد بان جبرئیل

علیه السلم حضرت امام حسین علیه السلم را که چوبی یا آهنی
بر دندان نهد و هفت نوبت بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
اَلْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ دُودَةٌ مَكْنُونَةٌ فِي الْفَمِ تَاْكُلُ الْعَظْمَ وَتُنْزِلُ
الدَّمَ اَنَا الرَّاقِي وَاللّٰهُ الشَّافِي وَالْكَافِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج
ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی
ویریکم آیاته لعلکم تعقلون وهمچنین نقل میکند از مفضل
بن عمر که گفته رفتم نزد حضرت امام ابی عبد الله و درد دندان
داشتم شکایت کردم بآنحضرت پس گفت نزدیک شو پس
نزدیک شدم بآنحضرت پس انگشت سبابهٔ خود را نهاد
بر دندانی که درد می کرد اندک چیزی خواند علی الفور
ساکن شد پس بمن گفت درد ساکن شد یا مفضل گفتم
بلی تبسم فرمود گفتم دوست میدارم که این افسون را بمن
بیاموزی فرمود که حضرت فاطمه علیه السلم نزد حضرت

رسول صلعم رفت و از درد دندان شکایت کرد آن
حضرت انگشت بزرگ خود بر دندان او نهاد و گفت
بسم الله الرحمن الرحیم اَسْأَلُکَ بِعِزَّتِکَ وَجَلَالِکَ وَقُدْرَتِکَ
عَلَی کُلِّ شَیْءٍ اِنَّ مَرْیَمَ لَمْ تَلِدْ غَیْرَ عِیسَی رُوحِکَ وَکَلِمَتِکَ
اَنْ تَکْشِفَ مَا تَلْقَی فَاطِمَةُ بِنْتُ خَدِیجَةَ مِنَ الضُّرِّ کُلِّهِ ثم آن دعا
فَسَکَنَ مَا بِهَا کَمَا سَکَنَ مَا بِکَ وَمَا زِدْتُ عَلَیْهِ شَیْئاً بَعْدُ مَا یعنی
تسکین شد بآن دعا درد دندان حضرت فاطمه همچنانکه
درد دندان تو شفا یافت و من چیزی بران زیاده نکردم
درد دندان مرویست از عطا که نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق
که گفته بآنحضرت شکایت کردم از درد دندان فرمود که
هفت نوبت بران بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اُسْکُنْ
بِقُدْرَةِ اللهِ الَّذِی خَلَقَکَ فَاِنَّهُ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ عَلَیْکَ وَعَلَی
الْجِبَالِ اَثْبَتَهَا وَاَثْبَتَکَ فَقَرَّ حَتَّی یَاْتِیَ فِیکَ اَمْرُهُ وصلی الله علی
محمد و آله اجمعین ازبرای درد شکم مرویست که شخصی نزد حضرت

امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم آمد و گفت درد شکم دارم
گفت زن داری گفت بلی گفت از و چیزی طلب کن
که دوست دارد از مال تا بتو بخشد و بآن عسل بخر و
آب آسمان برو بریز و بیاشام که بدرستی که حضرت
حق در کلام مجید فرموده وانزلنا من السماء ماء
مبارکا یعنی ما از آسمان آب مبارک فرستادیم و هم
فرموده یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه
شفاء للناس یعنی برون می آید از شکم زنبور عسل
که رنگهای آن مختلف است و شفای مردم در آنست
و هم فرموده فان طبن لکم عن شیء منه نفسا فکلوه
هنیاء مریا یعنی اگر دوست دارند زنان مر شما را از مال
خود پس گوارنده باد شما را بخورید آنرا پس هرگاه که
برکت و شفا و گوارندگی جمع شد شفا می یابد انشاء الله
تعالی راوی گوید چنان کردم شفا یافتم ازبرای درد تهیگاه

وبهلو حضرت رسول صلعم فرمود که هر کس که از شما درد
تهیگاه داشته باشد دست خود را سه نوبت بر محل درد
مالد و هر بار بگوید أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ
مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که دست
خود را بر محل درد نهد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ مُحَمَّدٌ رسول
الله صلی الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي بعد از آن دست بمالد
بر محل درد سه بار و بسم الله بگوید از برای باد شکم یونس بن
یعقوب گفته که گفتم بحضرت امام ابی عبد الله که جان من
فدای تو باد دردی در شکم منست فرمود توحید خدای بگو
گفتم چون بگویم گفت بگو یَا اَللهُ یَا رَبِّي یَا رَحْمٰنُ رَبَّ الْأَرْبَابِ
وَیَا سَیِّدَ السَّادَاتِ اشْفِنِي وَعَافِنِي مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ فَإِنِّي
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ و همچنین
بگوید بِسْمِ اللهِ الَّذِي اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَكَلَّمَ مُوسَى تَكْلِيمًا

وبعث

وَبَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا بعد از آن بگو سه بار يَا رِيحُ
اُخْرُجِي بِإِذْنِ اللهِ از برای علت شکم منقولست از امام موسی
کاظم علیه السلام که فاتحة الکتاب و معوذتین و قل هو الله احد
بنویسد بعد از آن بنویسد أَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظِيمِ وَعِزَّتِهِ
الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَمِنْ شَرِّ
مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا أَحْذَرُ مِنْهُ از برای درد شکم و دیگر درد با دست خود
بر محل درد نهد و [illegible] بگوید بسم الله اعوذ بعزة الله
وقدرته وجلاله من شر ما اجد و دست راست خود بر محل
درد نهد و بگوید سه بار بسم الله از برای دفع مرض علی ابن
عیسی نقل میکند که شخصی بحضرت امام حسن علیه السلام از زحیر
شکایت کرد آنحضرت فرمود که چون از نماز شب خلاص
شوی بگو اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ لِي مِنْ خَيْرٍ فَمِنْكَ لَا حَمْدَ لِي فِيهِ وَمَا
عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنِيهِ لَا عُذْرَ لِي فِيهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَّكِلَ عَلَى مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ أَوْ آمَنَ مَا لَا عُذْرَ لِي

فیه از برای درد رحم بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ الَّذِی بِاِذْنِهٖ قَامَتِ
السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ فَاِنَّ مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ الَّتِی لَمْ یَضُرَّهَا
وَجَعُ الْاَرْحَامِ كَذٰلِكَ یَشْفِی اللهُ فُلَانَةَ بِنْتَ فُلَانَةٍ مِنْ
وَجَعِ الْاَرْحَامِ وَمِنْ وَجَعِ عِرْقِ الْاَرْحَامِ اَسْلِمْ اَسْلِمْ بِسْمِ اللهِ
الْحَیِّ الْقَیُّومِ بِسْمِ اللهِ الْمُسْتَعَانُ بِاللهِ عَلٰی مَا هُوَ كَائِنٌ وَعَلٰی
مَا قَدْ كَانَ اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَاَنَّ اللهَ قَدْ اَحَاطَ
بِكُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا میه مه كه IIII مه مه
سه مه بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین
معه اشداء علی الكفار رحماء تا آخر اَجِیبُوا عَزَمْتُ عَلٰی
سَامِعَةِ الْكَلَامِ اِلَّا اَجَابَتْ هٰذَا الْخَاتَمَ بِعَزَائِمِ اللهِ الشِّدَادِ
الَّتِی تَرْجُفُ الْاَرْوَاحُ وَالْاَجْسَادُ وَلَا یَبْقٰی رُوحٌ وَلَا فُؤَادٌ
اَجِبْ بِسْمِ اللهِ الَّذِی قَالَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ائْتِیَا طَوْعًا
او كرها قالتا اتینا طائعین صلی الله علی محمد وآله الطاهرین
واین را آهسته بخوان از برای دفع خنازیر وغیره نقلست كه

بخوانند

بخوانند بران سه روز بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللهُ اَكْبَرُ اَللهُ
اَكْبَرُ وَهُوَ یَا زُرَكُ اَنْ لَا یَكْبُرَ سه نوبت منقولست از حضرت امام
رضا كه فرمود كنیزكی داشتم وبر گردن او خنازیر برون
آمد شخصی در خواب نزد من آمد و گفت یا علی بگو با او
كه بگوید یَا رَؤُفُ یَا رَحِیمُ یَا رَبِّ یَا سَیِّدِی یَكْبُرُ مَرْیَمُ
آنحضرت فرمود كه آن كنیزك گفت خدای عز وجل آن
زحمت را از او برداشت از برای دفع پیشاب در خواب
بنویسد بر ورق آهو و بر آنكس آویزد هف هف
هد هد هف هف هات هات ایا اله كف كف
كف هف هفف هفف مهم مسعر لهم
قل هو الله احد الْغَالِبُ مِنْ حَیْثُ یستحر العدو ابلیس
شح لِبَنِی آدم كما الذی سجد لآدم الملائكة بِاِذْنِ الله اِنَّهٗ كَرِیمَةٌ
بنت كریمة وولد فلان بن فلان ٥٥٥٥٥٥٥ سددت
سددت بسورة سورة صفه صفه ختمت بخاتم سلیمان

ابن داود لله رب العالمین و همچنین از برای آن
و از برای برجستن از خواب بسم الله الرحمن الرحیم مِنْ مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللهِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ الْعَرَبِیِّ الْهَاشِمِیِّ الْمَدَنِیِّ الْاَبْطَحِیِّ
التِّهَامِیِّ صلعم اِلَی مَنْ حَضَرَ الدَّارَ مِنَ الْعُمَّارِ اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّ لَنَا
وَلَكُمْ فِی الْحَقِّ سَعَةً فَاِنْ لَمْ یَكُنْ فَاجِرًا مُقْتَحِمًا اَوْ دَاعِیَ حَقٍّ
مُبْطِلًا اَوْ مَنْ یُؤْذِی الْوِلْدَانَ وَیُفْزِعُ الصِّبْیَانَ وَیُبْكِیهِمْ
وَیَبُولُ لَهُمْ عَلَی الْفِرَاشِ فَلْتُوصُوا اِلَی اَصْحَابِ الْاَصْنَامِ
وَاِلَی عَبَدَةِ الْاَوْثَانِ وَلْیَخْلُوا عَنِ الْقُرْاٰنِ فِی جِوَارِ الرَّحْمٰنِ
وَمُحَاذِ الشَّیْطَانِ وَعَنْ اَیْمَانِهِمُ الْفِرَارُ وَصَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ از برای دفع صرع شهد الله تا آخر آیه و آیة الکرسی و قل
ادعوا الله تا آخر سورهٔ ان ربکم الله الذی تا آخر آیه
لقد جاءکم رسول تا آخر آیه قل من یکلؤکم باللیل والنهار
مِنَ السِّبَاعِ وَالْجِنِّ وَالسَّحَرَةِ قُلْ هُوَ اللهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ
الْیَوْمَ تُجْزَی كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْیَوْمَ اِنَّ اللهَ سَرِیعُ

بنی اسرائیل

الحساب

الحساب لمن الملک الیوم لله الواحد القهار از برای دشوار
زاییدن مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود
بنویس از برای زن کامی که زاییدن برو دشوار باشد
بر ورق یا بر کاغذ اَللّٰهُمَّ یَا فَارِجَ الْهَمِّ وَكَاشِفَ الْغَمِّ وَ
رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِیمَهُمَا اِرْحَمْ فلان بنت فلانة
رَحْمَةً تُغْنِیهَا بِهَا عَنْ رَحْمَةِ جَمِیعِ خَلْقِكَ تُفَرِّجُ بِهَا كُرْبَتَهَا
وَتَكْشِفُ بِهَا غَمَّهَا وَتُیَسِّرُ بِهَا وِلَادَتَهَا وَقُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْحَقِّ
وقیل الحمد لله رب العالمین و همچنین که زاییدن برو
دشوار باشد از آدم یا حیوان بخوانید برو یَا خَالِقَ
النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ وَمُخَلِّصَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ اَخْلِصْهُ
بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ و همچنین بنویس بر دو وصله سفال
که آب ندیده باشد و در زیر پایهای آن زن که زاییدن
برو دشوار باشد نهد بدرستی که برو آسان شود انشاء الله
و همچنین بنویسد این شکل را و بر ران راست آن زن بندد

اخرج نفسی من هذا المخلص

٤	٩	٢
٣		٧
٨	١	٦

ولکم من ادراک

وبنویسد بر کاغذ و بر ران جب او بندد منها خلقنا کم
وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری یا خالق النّفس
من النّفس ومخلص النّفس من النّفس فرّج عنها فالقیه
سویا باذن الله عزّ وجلّ و شکل اینست

اثنين	ثلثه	اربعه
اربعه	اثنين	ثلثه

وهمچنین بنویسد این صورت را بر پشت طبق چوبین و
زنی که دشوار زاید بر بالای آن بنشیند بزودی بزاید و
در کتابت آن ابتدا باثنین کند از سطر بالا بعد از ان بثلثه
بعد از ان باربعه بعد از ان ثلثه از سطر زیر بعد از ان
باثنین بعد از ان باربعه تا خاصیت وتمام شود از برای
دفع رشته می باشد بستاند ریسمانی از پشم شتر که کنده باشد.
از شتر نه انکه بکارد یا مقراض جدا کنند وهفت گره برو
زند و بر هر گرهی سه بار فاتحة الکتاب بخواند بعد از ان
سه بار بدان بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الْاَبَدِ الْاَبَدِ الْمُحْصِي الْعَدَدِ
الْقَرِيبِ لَا بَعُدَ الطَّامِرِ عَنِ الْوَالِدِ الْعَالِي عَنْ اَنْ يُولَدَ

الْمُنْحَنِ لِمَا وَعَدَ الْعَزِيزِ لِمَا عدد القویّ بلا مدد لم یلد ولم
یولد ولم یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السّتر
والخفیة یا من السّموات بقدرته مرخاه یا من الارض
بعزّته مدحوّة یا من الجبال بارادته مرساة یا من نجی به
صاحب الغرق من کلّ آفة و بلیّة وصلّی الله علی محمّد خیر
خلقک واشف اللّهمّ فلان ابن فلانة بشفائک وداوه
بدوائک وعافه من بلائک انّک قادر علی ما تشاء وانت
ارحم الرّاحمین وصلّی الله علی محمّد النّبیّ وآله افسون دفع ورم
وجراحت منقولست که گفته اند که کاردی بر دارد و
بر محلی که درد می کند از جراحت وغیر آن بمالد و بگوید.
بِسْمِ اللّٰهِ اَرْقِيكَ مِنَ الْحَدِّ وَالْحَذَرِ وَمِنْ اَثَرِ الْعُودِ مِنَ
الْحَجَرِ الْمَلْبُودِ وَمِنَ الْعِرْقِ الْعَاثِرِ وَمِنَ الْوَرَمِ الْاَحْرِ وَ
مِنَ الطَّعَامِ وَحَرِّهِ وَمِنَ الشَّرَابِ وَبَرْدِهِ بِسْمِ اللّٰهِ فُتِحَتْ
وَبِسْمِ اللّٰهِ خُتِمَتْ بعد از ان کارد بر زمین چون میخ

فرو برد از برای دفع لکه منقولست از حضرت امام رضا
علیه السلم که فرمود نظر کنید باول ستاره که شب بیرون
آید و نظر تیز مکن و قبضهٔ خاک بردارد و بران محل مالد
و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ رَأَیْتُنِی وَلَمْ أَرَاکَ سُوءُ عَوْدِ نَصَرَکَ
اللّٰهُ یَخْفَی أَثَرُکَ ارْفَعْ تَالِیلِی مَعَکَ از برای دفع لکه که بر بدن
می شود خطی مدور بران کشد و بعد ازان در وسط آن
بنویسد نوما نو نامر ثا تا ادعنی اصوانا و بی ثمر مر
السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیٔ انه خبیر بما تفعلون
و همچنین صباح بناشتا بنویسد هریقه مریقه حتی تحت
الطریق و همچنین صباح بنویسد قهر بد قهر اسد کسر هن
کروهن سالا دخشک ماد بحق الملک القدوس از برای
آبله بنویسد و بر بازوی او بندد که بیرون نیاید و اگر آمده
باشد بیشتر ازان بیرون نیاید
و همچنین بنویشد شکل چهار در چهار از برای آبله و بر

از برای لکه

انکس

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

انکس بندد از برای عقرب و مار منقولست
از حضرت امام جعفر علیه السلم که فرموده که شب بخواند
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَخَذْتُ الْعَقَارِبَ
وَالْحَیَّاتِ کُلَّهَا بِإِذْنِ اللّٰهِ تَبَارَکَ وَتَعَالَی بِأَفْوَاهِهَا وَ
أَذْنَابِهَا وَأَسْمَاعِهَا وَأَسْمَاعِهَا وَأَبْصَارِهَا وَقُوَاهَا عَنِّی وَ
عَنْ مَنْ أَحْبَبْتُ إِلَی ضَحْوَةِ النَّهَارِ إِنْشَاءَ اللّٰهُ تعالی و همچنین
منقولست ازان حضرت که بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ تَوَکَّلْتُ
عَلَی اللّٰهِ وَمَنْ یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی فِی کَنَفِکَ وَفِی جِوَارِکَ وَجْعَلْنِی فِی حِفْظِکَ
وَاجْعَلْنِی فِی أَمْنِکَ و همچنین ازان حضرت منقولست که
فرموده جماعتی نزد حضرت رسول الله صلعم آمدند
و از عقربها شکایت کردند آنحضرت فرمود که در صباح
و شب هفت نوبت بخواند أَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ
کُلِّهَا الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ الَّذِی لَا یَخْفُرُ جَارَهُ مِنْ

شر ما ذرا و من شر ما برا و من شر الشیاطین و شر کید و
من شر کل دابة الا هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که هر کس که
در شب این دعا بخواند من ضامن اویم که تا صبح از شر
عقرب و گزنده افسون مار بسم الله الرحمن الرحیم خاتم سلیمان
ابن داود داخ اخ دماسکه ملائکه هبوا سومار واباد
وادا اقوی فرادی مریم هدبا بسم الله خاتم و بالله
الخاتم چون مار ببیند سه بار بخواند مار بایستد و زبان را
بیرون کند پس مار را بگیر و اگر خواهد که مار در خانهٔ او
در نیاید بنویسد بر چهار قطعه و در چهار طرف خانه دفن
کند بسم الله الرحمن الرحیم هجه و مهجه بحا و اطود و یهوب
افسون از برای دفع عقرب منقولست از حضرت ابی عبد الله
که اسحق ابن عمار را گفت که من از عقربها می ترسم آن
حضرت فرمود که نظر کن بکواکب بنات النعش بستاره

میانه که در پهلوی آن ستارهٔ خرد ست که عرب آنرا
سها گویند و هر شب بدان نظر کن و بگو سه بار اللهم
رب اسلم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و سلمنا
اسحق گفت من هرگز ترک نکردم در مدت عمر خود الا
یک روز و دران روز مرا عقرب گزید افسون از برای
دفع عقرب بنویسد در روز پنجم از اسفندارمذ ماه در
حالتی که وضو باشد و سخن نگوید تا از کتابت فارغ شود
و نگاه دارد عقرب او را نگزد بسم الله سحه سحه قرینه
رسه ملجه بحر قعتا قفطا نقطه و همچنین نیز روایت
کرده اند از حضرت مصطفی صلعم این افسون از جهة مار
که فرمود بنویسند و در سوراخ دیوار خانه نهند بدرستی که
بیفتد و دو نیم شود افسون کیک بگوید ایها الاسود الوثاب
الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک بام الکتاب
ان لا تؤذینی و لا اصحابی الی ان ینقضی اللیل و یجی الصبح بما

جَاءُ بِهِ وَالَّذِي يَعْرِفُهُ اِلَى اَنْ يَؤُبَ الضُّحَى بَها آب **افسون**
باز آمدن گریخته منقولست از امام جعفر صادق علیه السلم
که فرموده بنویسید ازبرای گریخته در رقی یا در کاغذی
بسم الله الرحمن الرحیم ید فلان مغلولة الی عنقه اذا
اخرج یده لم یکد یریها ومن لم یجعل الله له نورا فما له من
نور بعد ازان به پیچد در جایی و در میان دو چوب نهد
و در دریچهٔ خانهٔ تاریک اندازد در جایی که آن گریخته خواب
می کرد **ازبرای** تعوید رمضهٔ بهایم یعنی مرض که بر سم مرکب
عارض می شود بسبب سنگی که بران می آید قطعهٔ پشم که آب
بران نرسیده باشد بردارد و بتابد و هفت گره بدان
زند و بگوید خَرَجَ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ عَلَی حِمَارٍ اَقْمَرَ لَمْ یَدْخُسْ
وَلَمْ یَرْمَضْ اَنَا اَرْقِیکَ وَاللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ یَشْفِی و بر بندد
در محل رمضه **در دفع سحر** محمد عیسی گفته که از حضرت امام رضا
علیه السلم پرسیدم از سحر گفت سحر حقست و باذن خدا

مضرت

مضرت می رساند پس هرگاه سحری بتو رسد دو دست
خود را بردار برابر روی خود و بخوان بران بِسْمِ اللّٰهِ
الْعَظِیمِ بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اِلَّا ذَهَبَتْ
وَانْقَرَضَتْ **منقولست** از حضرت امام رضا علیه السلم
از چشم زخم پرسیدند فرمود چشم زخم حقست پس
هرگاه که چشم زخمی بتو رسد دو دست خود را برابر
روی خود بردار و الحمد و قل هو الله احد و معوذتین
بخوان و دستهای خود بر طرف پیشانی خود بمال
که نافعست باذن الله تعالی **منقولست** از حضرت امام
ابی عبد الله علیه السلم که ازان حضرت پرسیدند از قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس فرمود که
لبید بن اعصم یهودی بر رسول الله صلعم سحر کرد
حضرت جبرئیل علیه السلم هر دو سورة آورد و طلب
کرد حضرت مرتضی علیه السلم را و ریسمانی که دوازده گره

بدان بود بد و داد و کفت بجاه در رو و چون باندرون
جاه روی مر آیتی ازان بخوان و کرهی ازان بکشای پس
حضرت مرتضی علی رفت و از جاه برون آمد حضرت
مصطفی صلعم شفا یافت **مجنین** بجهة آنحضرت سحر
کردند و در جاه بنی زریق انداختند مصطفی صلعم بیمار
شد و در خواب بود که دو فرشته آمدند یکی پیش سر آن
حضرت و یکی پیش پای آن حضرت نشستند و بدو خبر دادند
که ترا سحر کرده اند و در جاه بنی زریق در شیب سنکی نهاده
اند در پوست درخت خرما حضرت مصطفی صلعم که از خواب
بیدار شد حضرت مرتضی علی و زبیر و عمار را فرستاد و
ایشان آب آن جاه کشیدند و سنکی دران جاه بود بر
داشتند و بوست شکوفهٔ خرما را برون آوردند و موی
سر آنحضرت که در شانه کردن جدا شده بود یازده کره
بران زده بودند و سوزنها بران فرو برده و جند

سحر

دندانهٔ شانه دران حالت این دو سورة را علیه السلم از
نزد حضرت حق سبحانه و تعالی آورد و هر یک آیة که از ان
میخواندیک کره ازان موی کشاده می شد و خفتی در
حضرت مصطفی بیدا می شد تا انکه سورها تمام شدن
حضرت برخاست جنانکه کویا از بند خلاص شده بود
و جبرئیل میکفت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ارقیک
من کل شر یوذیک من حاسد و عین والله یشفیک
افسون سحر بنویسد بر رق و بیاویزد بر انکس که برو
سحر کرده باشند وقال موسی ما جئتم به السحر ان الله
سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین و آیة فوقع
الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک وانقلبوا
صاغرین و سعنت بار بکوید سنشد عضدک تا ومن
اتبعکما الغالبون **منقولست** از امام جعفر صادق علیه السلم
که فرموده که عورتی از حضرت صلعم برسید که من شوهری

دارم وتندی وغلیظی دارد ومن عملی کردم که برمن
مهربان شود آنحضرت فرمود که اُفٍ لَکَ تجارت
وعین تو بدست وملایکهٔ زمین وآسمان برتو لعنت
کردند پس آن زن روز روزه میداشت وشب
بیدار می بود وعبادت می کرد وسر خود را تراشید
وپوست بوشید خبر بحضرت مصطفی رسید آن حضرت فرمود
که این عمل از و قبول نیست وفرمود خدا را شریک دانستن
بزرگتر از کافریست وسحر وشرک مثل یکدیگر است افسون

چشم زخم

چشم زخم نقلست از زراره که گفته بدمند در سوراخ راست
بینی چهار بار ودر سوراخ چپ سه بار بعد از ان بگوید
بِسْمِ اللهِ لَا بَأْسَ اَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ واشف
انت الشافی لَا یَکْشِفُ الْبَأْسَ اِلَّا اَنْتَ وحضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرموده اگر چیزی بر قضا وقدر پیش
می بود چشم زخم بود وهمچنین فاتحة الکتاب بخواند

وبنویسد

وبنویسد بِسْمِ اللهِ اُعِیذُ بِاللهِ فلان ابن فلانه بِکَلِمَاتِ
اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ کُلِّ عَیْنٍ
نَاظِرَةٍ وَاُذُنٍ سَامِعَةٍ وَلِسَانٍ نَاطِقٍ اِنَّ رَبِّی عَلی صراط
مستقیم وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ وَعَمَلِ الشَّیطان وَخَیْلِهِ وَ
رَجْلِهِ وَقَالَ یَا بَنِیَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بابٍ واحدٍ وادخلوا
من ابوابٍ متفرقة منقولست از معمر بن خلاد که گفته که من
با حضرت امام رضا علیه السلام بودم در خراسان پس امر
کرد بمن که جهت او غالیه بسازم چون ساختم بتعجب دران
نظر کرد واو را از ان خوش آمد پس فرمود که یا معمر
بدرستی که چشم زخم حقست بنویس بر رقعهٔ الحمد و
قل هو الله احد وقل اعوذ دو گونه وآیة الکرسی
ودر غلاف شیشه بنه منقولست از حضرت ابی عبد الله
علیه السلام که فرموده که چشم زخم حقست هرگاه که از چشم زخم
ترسی بگو سه بار ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله

وبگو که چون یکی از شما نشسته باشد بهیانی که سبب تعجب
او باشد هرگاه که از منزل خود بیرون رود قل اعوذ دو
گونه بخواند برکت آن هیچ مضرت بدو نرسد باذن
الله تعالی وهمچنین آنحضرت فرمود که هرکسی که اورا
چیزی از برادر خود عجب آید بارک الله بگوید بدرستی که
چشم زخم حقیت **تعوید** چشم زخم اللهم رب مطر حابس
وحجر یابس ولیل دامس ورطب ویابس رد العین
عین العیان فی کبده ولحمه وماله فارجع البصر هل
تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک
البصر خاسئا وهو حسیر **فصل پنجم** در بیان احراز حرز امیر
المؤمنین علیه الصلوة والسلام از برای کسی که بزو سحر کرده
باشند یا صرع داشته باشد یا خوف ز مریا سلطان یا
شیطان یا جمیع انکه مردم ازان ترس داشته باشند
وهرکس که بر واین تعوید به بندد دزد و درنده و

عقرب ومار و هرچیزی که مضرتی بدو رساند نرسد
وکتابة اینست ای کموش ای کموش ارشش
عطسظیطیح یا میططرون فرمالینون ما وما
ساماسو یا طیطثا لوش حیطوس مشفقیس
مشاطعوس اوطنعنیوس لطفی کش هذا هذا
وما کنت بجانب الغربی اذ قضینا الی موسی الا مر
وما کنت من الشاهدین اخرج بقدرة الله منها ایها
العین بعزة رب العالمین اخرج منها والا کنت
من المسجونین اخرج منها فما یکون لک ان تتکبر
فیها فاخرج انک من الصاغرین اخرج منها مذءوما
مدحورا ملعونا کما لعنا اصحاب السبت وکان امر
الله مفعولا اخرج یا ذوی المخزون اخرج یا سورا
سوریا لا اسم المخزون یا میططرون طرعون مراعون
تبارک الله احسن الخالقین یا شیا شرا هیا حیا قیوما

بِالْاِسْمِ الْمَكْتُوبِ عَلَى جَبْهَةِ اِسْرَافِيلَ اُطْرُدْ عَنْ صَاحِبِ
هٰذَا الْكِتَابِ كُلَّ جِنِّيَةٍ وَجِنِّيٍ وَشَيْطَانٍ وَشَيْطَانَةٍ وَتَابِعٍ
وَتَابِعَةٍ وَسَاحِرٍ وَسَاحِرَةٍ وَغُولٍ وَغُولَةٍ وَكُلِّ
مُتَعَبِّثٍ وَعَابِثٍ يَعْبَثُ يَا ابْنَ آدَمَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وصلى الله على محمد وآله الطيبين

حرحرحرحرحرحرسرحرجلدابل ورجلدابل
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ سدت اَفْوَاهُ الْجِنِّ
وَالْاِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّحَرَةِ وَاَبَا لِسَنَةِ الْجِنِّ والانس
وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّلَاطِينِ وَمَنْ يَلُوذُ بِهِمْ بِاللّٰهِ الْعَزِيزِ الْاَعَزِّ
وَبِاللّٰهِ الْكَبِيرِ الْاَكْبَرِ بِسْمِ اللّٰهِ الظَّاهِرِ الْبَاطِنِ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ
الَّذِي اَقَامَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ
بسم الله الرحمن الرحيم وَوَقَعَ الْقَوْلُ عليهم بما ظلموا فهم
لا ينطقون قَالَ اخْسَؤُا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ وعنت الوجوه

للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما وخشعت الاصوات
للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا على قلوبهم اكنة
ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك
في القران وحده ولوا على ادبارهم نفورا واذا قرات
القران جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالاخرة
حجابا مستورا وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون اليوم نختم على افواههم
وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون لو
انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم
ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم تعويذ امام رضا عليه السلام
بسم الله الرحمن الرحيم اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ
تَقِيًّا اخسؤا فيها ولا تكلمون اَخَذْتُ سَمْعَكَ وَبَصَرَكَ
بِسَمْعِ اللّٰهِ وَبَصَرِهِ وَاَخَذْتُ قُوَّتَكَ وَسُلْطَانَكَ بِقُوَّةِ اللّٰهِ
وَسُلْطَانِ اللّٰهِ الْحَاجِزِ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بِمَا حَجَزَ بِهِ اَنْبِيَاءَهُ

ورسله وسترتهم من الفراعنة وسطواتهم جبرئيل عن يميني
وميكائيل عن يساري ومحمد امامي والله محيط بي يحجزک
عني ويقول بينک وبيني بحول الله وقوته وحسبي الله
ونعم الوكيل ما شاء الله كان وما لم يشا لم يكن وآية
الكرسی بر بنویسد ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
حرز امیر المومنین بسم الله وبالله احترزت بک وتوکلت
علیک وفوضت امری الیک رب انجات ضعف رکني
الی قوة رکنک مستجیر بک مستنصر الک مستعینا علی ذوی
التعزز علی والقهر لی والقوة علی ضیمی والاقدام علی
ظلمی یا رب انی فی جوارک فانه لا ضیم علی جارک رب
فاقهر عنی قاهری بقوتک واوهن عنی مستوهني بقدرتک
واقصم عنی ضائمی ببطشک رب واعذنی بعیاذک بک
امتنع عائذک رب وادخل علی فی ذلک کله سترک
ومن یسترک فهو الامن المحفوظ لا حول ولا قوة الا بالله

الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن
له ولی من الذل وکبره تکبیرا من یک ذا حیلة فی نفسه
او حول فی تقلبه او قوة فی امره فی شئ سوی الله
عز وجل فان حولی وقوتی وکل حیلتی بالله الواحد
الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
کل ذی ملک فمملوک لله وکل معتد رفوا واقدرة
الله وکل ظالم فلا محیص له من عدل الله کل متسلط
فهامد لسطوة الله کل شئ ففی قبضة الله صغر کل جبار
فی عظمة الله ذل کل عنید لبطش الله استظهرت علی
کل عدو ودرات فی نحر کل عات بالله ضربت
باذن الله بینی وبین کل مترف ذی سطوة وجبار
ذی نخوة ومتسلط ذی قدرة وعات ذی مهلة و
وال ذی امرة وحاسد ذی صنعة وماکر ذی مکیدة
وکل معان او معین علی بغاة متعربة او حیلة مؤذیة

أَوْ سَعَايَةٍ مُشْلِيَةٍ أَوْ عِلَّةٍ مُرْدِيَةٍ وَكُلِّ طَاغٍ ذِي كِبْرِيَاءَ
أَوْ مُعْجَبٍ ذِي خُيَلَاءَ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ فِي كُلِّ مَذْهَبٍ وَأَعْدَدْتُ
لِنَفْسِي وَذُرِّيَّتِي مِنْهُمْ حِجَابًا بِمَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ وَأَحْكَمْتَ
مِنْ وَحْيِكَ الَّذِي لَا تُؤْتَى بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَهُوَ الْكِتَابُ
الْقُدُسُ الْعَزِيزُ الْجَلِيلُ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد ختم الله على قلوبهم وعلى
سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظيم وصلى الله
على محمد وآله وسلم تسليما كثيرا   در بعضی روایات گویند
که از برای تب نوشته شده که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ نُورَ
النُّورِ بِسْمِ اللّٰهِ نُورٍ عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ
النُّورِ وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ بِقَدَرٍ
مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيٍّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ
مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ   واین حرزیست که حضرت فاطمه علیه السلم

سلمان

سلمان علیه الرحمة تعلیم فرموده و سلمان گفت که بسیاری
از مردم مکه و مدینه که ایشان را تب بود به برکت این حرز
شفا یافتند باذن الله تعالی باب دوازدهم در نوادر کتاب
و در وی هفت فصل است فصل اول در ذکر حقوق که حضرت
امام علی زین العابدین علیه السلم فرموده که حق خدای
بر تو آنست که او را پرستی و هیچ چیز را در عبادت با او
شریک نگردانی هرگاه که چنین کنی باخلاص خدای تعالی
امر دنیا و آخرت تو بر می آورد و آنرا کفایت می کند
وحق نفس تو بر تو آنست که او را در طاعت خدای تعالی
کار فرمایی وحق زبان تو بر تو آنست که او را عادت دهی بخیر
گفتن و ترک زیادتیها که در و فایده نباشد و نیکویی
با مردم و سخن خوب گفتن با ایشان وحق گوش تو بر تو آنست
که آنرا از غیبت شنیدن نگاه داری و آنچه شنیدن آن
حلال نیست وحق چشم تو بر تو آنست که آنرا از آنچه دیدن

آن بر تو حلال نیست بپوشانی و بآن نظر در صنع خدا
کنی و از چیزها عبرت گیری وحق دست تو بر تو آنست که آنرا
بچیزی که بر تو حلال نیست دراز نکنی وحق پای تو بر تو آنست
که بدان بجایی نروی که بر تو رفتن بدانجا حلال نیست
و بآن بایست بر صراط و نظر کن که بلغزد تا در آتش نیفتی
وحق شکم تو بر تو آنست که آنرا ظرف حرام نکردانی و زیاد
بر سیری نخوری وحق فرج تو بر تو آنست که از زنا نگهداری
و آنرا از آن نگاه داری که بدان نظر نکنند وحق نماز
آنست که بدانی که ترا بجانب حضرت حق سبحانه و تعالی
می کشد و در وقت نماز نزد حضرت حق ایستاده پس
هرگاه که دانستی این را می ایستی در مقام ذلیل خوار حقیر
راغب ترسنده امیدوار متضرع تعظیم کننده کسی را که
نزد او ایستاده و باید که بدل متوجه شوی و نماز را
بحدود وی و حقوقی که هست بجای آوری وحق حج بر تو

آنست

آنست که بدانی که ترا بجانب پروردگار تو می کشد و
گریختن است بسوی او از گناهان و درست قبول
توبه تو واداء فرضی که خدای بر تو واجب کرد وحق روزه
تو آنست که بدانی که حجابیست که خدای تعالی بر زبان
و چشم و گوش و شکم و فرج تو نهاده تا بپوشاند ترا بآن
از آتش اگر روزه نگیری پرده خدایرا پاره کرده باشی
وحق صدقه بر تو آنست که بدانی که ذخیره آخرت تواست
نزد حضرت حق و امانتی است که حاجت بگواه ندارد
و تو آنچه به پنهانی دهی اعتماد بیشتر است که بظاهر دهی
و بدانی که دفع بلاها و بیماریها می کند از تو در دنیا و دفع
آتش میکند از تو در آخرت وحق هدی بر تو آنست که بجهة
رضای حق کنی نه بجهة خلق و نخواهی از آن الا که رسیدن
برحمة حق جل و علا وحق سلطان بر تو آنست که بدانی که ترا فتنه
او کردانیده اند و او را مبتلاست بسلطانی بر شما و باید.

که به بدی او تعرض نکنی که بدست خود خود را به تهلکه
انداخته باشی و خود با او شریک باشی درانچه بتو رسد از
بدیها و حق معلم بر تو آنست که تعظیم او و توقیر مجلس
او کنی که گوش بسخن او نیکو کنی و روبدو کنی و آواز
بدو بلند نکنی و تو جواب نگوئی کسی را که از و سؤال کند
از چیزی الّا انکه خود جواب دهد و در مجلس او با دیگری
سخن نگویی و نزد او غیبت هیچکس نکنی و هرکس که بد
او نزد تو گوید دفع آن از و کنی و اگر عیب داشته باشد
بپوشانی و اظهار نیکویهای او کنی و با دشمنان او ننشینی
و با دوستان او دشمنی نکنی هرگاه که چنین کردی ملایکه
گواهی میدهند که تو علم از و بجهة خدا آموختی و حق پدر بر تو
آنست که مطیع او باشی و از فرمان او درنگذری الّا در
چیزی که رضای خدا دران نباشد که اطاعت مخلوق در
معصیت خالق نتوان کرد و امّا حق رعیت سلطان بر سلطان آنست

که بداند

که بداند که ایشان بجهت ضعف خود و قوت او رعیت او
شده اند پس واجب باشد بر و میانهٔ ایشان عدالت
کند و بر ایشان همچون پدر مشفق باشد و نادانی ایشان
ببخشد و زود بر ایشان عقوبت نکند و شکر خدا کند
که خداوند او را بر ایشان غالب گردانیده حق معلم بر شاگرد
آنست که بدانی که خدای تعالی ترا بر ایشان حاکم ساخته
بسبب علمی که بتو داده و در خزینهای علم خود بر تو گشوده
پس اگر نیک تعلیم کردی ایشانرا و از ایشان دریغ نداشتی
خدای تعالی زیاده می کند فضل و احسان خود را دربارهٔ
تو و اگر با ایشان تعلیم علم نکنی و در وقت طلب ازیشان
علم را دریغ داری بر خدای تعالی لازم می شود که آن علم
از تو باز ستاند و ترا از دلها بیندازد و امّا حق زن بر شوهر
آنست که شوهر بداند که خدای عزّ و جلّ زنرا انیس و محل
سکون او گردانیده و بداند که این نعمتیست که از جانب

حق سبحانه وتعالی بر وبس باید که گرامی دارد او را و
با او برفق ومدارا سلوک کند وگرچه حق شوهر بر و
واجبتر باشد فاما بر شوهرست که بر و رحم کند بسبب آنکه
زن اسیر اوست ونان وجامه شوهر بدو میدهد وهرگاه
نادانی کند شوهر از و عفو کند واز گناه او درگذرد واما
حق غلام بر تو آنست که بدانی که او آفریده پروردگار تست
وپسر پدر تو آدم ومادر تو حواست واز خون وگوشت
تست ملک تو نیست از برای آنکه تو او را نه آفریده بلکه
خدای تعالی آفریده است وهیچ چیز از دست وپای او و
رزق او نمیدهی بلکه خدای تعالی رزق او میدهد و او را
مسخر تو گردانیده وبامانت بتو داده تا نگاه دارد از
برای تو آنچه بتو می رآید از خیر پس احسان کن با او همچنانکه
خدای تعالی بر تو احسان کرده وعذاب مکن بنده خدای
تعالی را واما حق مادر بر تو آنست که بدانی که او ترا بر داشته

درجایی

درجایی که هیچکس بر نداشته واز میوه دل خود بتو
داده وآنچه آنرا هیچکس بهیچکس ندهد وبتمامی دست
وپا وچشم وزبان خود ترا نگاه داشته ودر وقت گرسنگی
ترا طعام داده ودر وقت تشنگی ترا آب داده ودر
وقت برهنگی ترا جامه پوشانیده ودر وقت آفتاب
ترا بسایه برده وبی خوابی کشیده برای تو وترا از گرما
وسرما نگه داشته که از برای او باشی بدرستی که از عهده
شکر آن بیرون نمی آیی مگر بیاری وتوفیق خدای تعالی
حق پدر بر تو آنست که بدانی که او اصل تست واگر نمی
بود تو نمی بودی پس هرگاه در نفس خود چیزی بینی
که سبب عجب وتکبر تو شود بدانکه پدر تو اصل نعمت
تست بر تو پس شکر وثنای حضرت حق سبحانه وتعالی
بجای آور حق فرزند بر تو آنست که بدانی که او از تست
وبتو منسوبست در دنیا وآخرت بخیر وشر وآنکه از

تو برتش خواهد شد از حسن ادب او و رهنمایی او که

آموخته

بجانب حق او را اکرده باشی بر طاعت حضرت حق پس

عمل کن در امر او و مثل عمل انکس که میدانی که ثواب

می یابد بر نیکویی با او و عقاب می یابد بر بدی با او

وحق برادر تو آنست که بدانی که او دوست تست و سبب

عزت و قوت تست پس او را سلاح کناه خود و مدد

ظلم بر بندکان خدای تعالی مکردان و ترک مکن یاری

کردن او بر دشمنان او و نصیحت کن او را و بکو اطاعت

و فرمان برداری حق کرد خوب والا خدای تعالی بر تو

کریم تر است از و و هیچ قوتی نیست الا بسوی خدای تعالی

و اما حق آقا که ترا آزاد کرده است آنست که بدانی که او

مال خود را در راه خدا صرف کرده و ترا خریده و از

مذلت بندکی و وحشت آن بیرون آورده بعزة آزادی

و انس آن پس ترا مطلق العنان کرده و بند بندکی ترا

کشوده

کشوده و ترا از زندان بدر آورده و نفس ترا ملک

تو کردانیده و ترا از برای عبادت پروردکار فارغ

کردانیده و بدانی که نزدیکتر بن مردم در حین حیوة و

بعد از مردن اوست و انکه یاری دادن او بر تو

واجبست و هیچ قوتی نیست الا بجانب خدای تعالی

و اما حق غلام که آزاد کردهٔ بر تو آنست که بدانی که خدای

تعالی آزاد کردن تو او را سبب نزدیکی بسوی خود

کردانیده و حجاب تو کردانیده از آتش دوزخ و

درین دنیا میراث او را عوض آزادی و مال که در

بهاء او دادهٔ بتو داده اکر او را میراث خوارهٔ دیکر

نباشد و در آخرت بهشت بتو داده و حق انکه نیکویی کرد

آنست که شکر او بکویی و نیکویی که با تو کرده فراموش

نکنی و میانهٔ تو و خدا باخلاص دعای او کنی هرکاه که

چنین کنی هم بستر و علانیه شکر او کردهٔ و اکر بروی قادر

باشی که عوض نیکویی او کنی باید که بجای آوری حق
مؤذن آنست که بدانی که خدای تعالی را بتو یاد میدهد
و ترا بسوی نفع تو طلب میکند و یاری میدهد ترا بر
ادای آنچه خدا بر تو فرض کرده پس شکر او بکو همچنانکه
شکر میکویی کسی را که با تو احسان و نیکویی کرده باشد
و حق پیش نماز بر تو آنست که بدانی که میانجی و رسولست
میانهٔ تو و خدای عز و جل و از تو بخدای تعالی سخن میکوید
و تو از جانب او سخن نمیکویی و او از برای تو دعا می
کند و تو از برای او دعا نمی کنی و کفایت کرده هول
ایستادن تو نزد خدای تعالی پس اکر نقصانی باشد از و
باشد نه از تو و اکر تمام باشد تو با او شریک باشی و
نباشد او را بر تو زیادتی پس نکاه داشته نفس ترا
بنفس خود و نماز ترا بنماز خود پس شکر کن او را برین
و اما حق همنشین بر تو آنست که نرمی کنی بجانب او و در جواب

لفظ او

لفظ او و انصاف دهی او را و از مجلس بی اذن او
برنخیزی و آنکس که بنشیند نزد تو او را دوست باشد
که برخیزد بی اذن تو و باید که کناهان او را فراموش کنی
و نیکویی و خیر او یاد کنی و از و بغیر خیر نشنوی و اما حق
همسایه بر تو آنست که اکر غایب باشد جانب او نکاه
داری و اکر حاضر باشد او را کرامی داری و اکر مظلوم
باشد او را یاری دهی و اکر بدی از و بدانی بپوشانی
و اکر بدانی که نصیحت تو قبول میکند او را نصیحت کنی
در آنچه میانهٔ تو و اوست و او را در سختی نکذاری و اکر
لغزندکی از و واقع شود بپوشانی و کناه او را ببخشی و با او
همصحبتی خوب کنی و هیچکس را قوت نیست الا بسوی
خدای عز و جل و اما حق صاحب آنست که با او صحبت داری
به نیکویی و انصاف و کرامی داری او را همچنانکه او
ترا کرامی میدارد و نکذاری که او بر تو به نیکویی سابق

شود و اگر بر تو به نیکویی سابق شود باید که عوض آن
نیکویی کنی همچنانکه او کرده و اگر معصیتی از و ظاهر شود
او را منع کنی و بر و برحمة باشی و بر و بعذاب نباشی
و هیچکس را قوتی نیست الا بسوی خدای تعالی حق شریک
بر تو آنست که اگر غایب شود کفایت مهمات او را
بر آوری و اگر حاضر باشد رعایت او کنی و بی حکم او حکم
نکنی و بی مشورت او نکنی برای خود و مال او را نگاه داری
و خیانت دران نکنی که بدرستی که برکت خدای عز و جل
با شریکانست مادام که خیانت نکنند و هیچ قوتی نیست
الا بسوی خدای عز و جل حق مال بر تو آنست که بستانی او را
از وجه حلال و صرف نکنی آنرا الا در محل حلال و عمل کن
دران بطاعت پروردگار خود و دران بخیلی مکن که
موجب حسرت و ندامتست و هیچ قوتی نیست الا بسوی
خدای تعالی حق قرض دادن بر تو آنست که اگر مال داری قرض

اورا

او را ادا کنی و اگر مال نداری بسخن خوش او را راضی
کنی و بلطف او را از خود دور کنی و حق کسی که بمال یا بنان
تو مخلوط باشد آنست که او را بر زبان نه اندازی و
چیزها برو بپوشانی و او را فریب ندهی و از خدای تعالی
بترسی در امر او حق خصم بر تو آنست که اگر آنچه او بر تو
دعوی میکند حقست تو گواه او باشی بر خود یعنی
اقرار بکنی بآن و ظلم بران نکنی و حق او را ادا کنی
و اگر بر تو دعوی می کند که باطل باشد برفق و نرمی
با او سخن کنی و بغضب نروی با حق تعالی در امر او
و هیچ قوتی نیست بهیچ چیز الا بسوی حق و حق خصم که برو
دعوی میکنی آنست که اگر تو در دعوی خود محقی و راست
می گویی با او نیکویی عمل کنی و حقی که بر تو داشته باشد
انکار نکنی و اگر دعوی تو باطل باشد از خدا بترسی و
توبه کنی بسوی او و ترک آن دعوی کنی و حق کسی که با تو

مشورت کند آنست که اگر رای خوبی آنست دانی او را
بدان اشارت کنی و خبر دهی واگر ندانی بکسی که داند
رهنمایی کنی وحق کسی که با او مشورت کنی آنست که اگر
رای تو با رای او موافق نباشد شکر و ثنای خدای تعالی
بجای آوری وحق کسی که از تو نصیحت طلبد آنست که نصیحت
کنی او را بطریق رفق و مدارا و شفقت وحق نصیحت
کننده بر تو آنست که مطیع او شوی و گوش بسخن او
کنی اگر نصیحت خوب کند شکر و ستایش حق سبحانه و
تعالی بجای آوری واگر موافق نگوید و دران متهم
نباشد و دانی که خطا گفت او را بدان مواخذ مکن مگر
انکه متهم باشد و محل اعتماد نباشد واعتماد مکن بهیچ
چیز از امور الا بسوی حق جل وعلا وحق پیر بر تو آنست که
او را بجهة حرمت سال او تعظیم کنی و او را بزرگ دانی
بجهة انکه پیش از تو باسلام در آمده و با او مقابله و مخاصمة

نکنی

نکنی و در راه ز رو تقدم نکنی و پیش او نشوی و او را
نادان نشمری واگر نادانی با تو کند تحمل کنی و او را
گرامی داری بجهة حق اسلام و حرمت آن وحق کودک
بر تو آنست که رحم کنی بر او و در تعلیم او و اگر گناهی
از و صادر شود عفو کنی و بره عفو برو بپوشانی و
با او بنرمی سلوک کنی و یاری دهی او را وحق کسی که از
تو چیزی طلبد آنست که بقدر حاجت او باو چیزی
دهی وحق کسی که از و چیزی طلب نمایی آنست که اگر
چیزی بتو دهد شکر آن بگذاری و قدر آن بدانی و
اگر چیزی ندهد عذر او را قبول کنی وحق کسی که خوش
حال کند خدای تعالی ترا بیاد او آنست که اول حمد
و سپاس خدای تعالی بجای آوری بعد از ان شکر او
بکنی وحق انکس که با تو بدی کرده باشد گذشتن از
گناهانست و اگر دانی که اگر از گناه او بگذری ترا مضرت

میدهد یاری یا بی **فصل دوم** درآنهاکه پیغمبر صلعم نهی فرموده
ثابت شده بروایت امام جعفر صادق علیه السلم که پیغمبر
صلعم نهی فرموده از طعام خوردن برجنابت که موجب
درویشی است و از ناخن بدندان چیدن و مسواک
در حمام کردن و در مسجد آب دهان انداختن و خوردن
طعامی که از خورش موش باز مانده باشد و از گذشتن
در مسجد الا آنکه دو رکعت نماز بگذارد ونهی فرموده از پیشاب
در زیر درخت میوه دار و در میان کوچه و از خوردن
طعام بدست چپ و تکیه کرده و از اندود کردن قبر
بگچ و نماز کردن در مقابر و آنکه شخص راه رود بیک
کفش و از نوحه و فریاد کردن در مصیبت و گوش
بآن کردن و از سیاه کردن قرآن بآب دهان و همچنین
نوشتن بآن و از خواب دروغ گفتن بعمد که بجزای آن
در قیامت عذابش کنند که بر دانه جو گره بزند ونهی فرموده

ازصورت

ازصورت ساختن که در قیامت عذابش کنند که روح
در آن دهد و نتواند و از آنکه جانور را بآتش بسوزاند
و از سخن بسیار گفتن در وقت جماع و از سخن گفتن
زن با غیر محرم بیشتر از پنج سخن که ضرورت باشد و
از حکایت کردن زن با زن دیگر بآنچه میانهٔ او و
شوهر گذشته در خلوت ونهی فرموده از بازی کردن نرد
و شطرنج و تمام الات ملاهی و زدن تنبک و نواختن
عود و طنبور و از غیبت کردن و شنفتن و دعوة
فاسقان قبول کردن و طعام ایشان خوردن و
از سوگند بدروغ یاد کردن که موجب خرابی مملکت
است و از حاضر شدن بر خوان شراب و بر خوان
طعام که در آنجا شراب باشد و از رفتن بحمام با زن
خود و از رفتن بحمام بی فوطه و از گفتن سخن که در آن
یاد خدا نباشد ونهی فرموده از خوردن میوه پیش از آنکه

بخته و رنگین شود و فرموده لعنت خدا بر شراب است
وانکس که درخت انکور بقصد آن نشاند و فشارنده
شراب و ساقی آن و خورنده آن و فروشنده و فرموده
که هر کس که شراب بخورد نماز او قبول نیست چهل روز
واگر بمیرد و در شکم او شراب باشد عذاب کنند
باشامیدن چرکها که از مردم دوزخ جدا باشد و از
فرج زناکار و نهی فرموده از نماز کردن در راهها و رود
خانها و جایها که شتر می بندند و بر بام کعبه و از داغ
کردن روی چهارپای و از سوگند خوردن و یاد
کردن بغیر خدا هر که سوگند یاد کند بغیر خدا او را از
خدا نصیبی نباشد و از سوگند خوردن بیک سوره
قرآن و اگر چنین کنند بهر یک آیت کفارت یمین لازم
آید و نهی فرموده از نشستن در مسجد بجنابت و برهنه بودن
در روز و شب و از حجامت کردن در روز چهارشنبه

وجمعه

وجمعه و از گفتن سخن در وقتی که خطبه خوانند در روز جمعه و
اگر سخن گویند همچنانست که نماز جمعه نکرده اند و نهی فرموده
از شعر خواندن در مسجد و شمشیر کشیدن بر کسی در مسجد
و از زدن در روی چهارپا و از نگرستن در عورت مردم
و از نگرستن زن در عورت زن و نهی فرموده از نقش
کردن جانوران در نگین و از خوردن آب که چون
چهارپایان دهان در آب کنند بلکه بدست بیاشامد
و از آب دهن در چاه انداختن و آنکه کسی را در کار بندد
و مزد کار با وی ندهد و از دوری از دوستان مگر ضرورت
باشد و تا سه روز دوری توان کرد و اگر ضرورت باشد
و از فروختن طلا بطلا که بیش باشد و فرموده که کسی
که خانه بسازد زیاده از قدر حاجت بریا و سمعه بر
پا دارد روز قیامت بگردن او کنند تا هفت طبقه
زمین و فرموده کسی که ظلم کند مزد مردی که بجهت او

کاری کرده باشد نه بوی بهشت نشود با انکه بوی
آن از پانصد ساله راه می رود و هر که قرآن خوانده باشد
و بعد از آن فراموش کند بهر آیة یکبار بکردن او کشد
در دوزخ مکر حق سبحانه و تعالی اورا بیامرزد و هر کس
که قرآن خوانده باشد و حرامی بخورد یا میل بدنیا کند
بعقاب خدا مبتلا شود مکر توبه کند و هر که زنا کند و بی
توبه بمیرد حق سبحانه و تعالی سیصد سوراخ در قبر او بیدا
کند که مار و عقرب برون آیند و او را کزند و سوزند
تا روز قیامت و جون از کور برخیزد مردم از بوی بد
او در عذاب باشند و فرموده صلعم که کسی که راضی نباشد
رزقی که خدای تعالی باو داده باشد و شکوه کند و صبر نکند
عمل حسنهٔ او قبول نشود و خدای عز و جل از و بخشم شود
مکر که توبه کند و فرموده که کسی که ظلم کند در مهر زن
خود مجانست که زنا کرده و در روز قیامت از ثواب

وعملهای

وعملهای انکس بزن دهند مقدار حق او و اکر ثواب
نداشته باشد بدوزخ فرستندش و نهی فرموده از پنهان
داشتن کواهی که نزد او باشد که بروز قیامت درمیان
خلایق عذابش دهند که کوشت بدن خود خورد و
فرمود که هر کس که بدی بهمسایه رساند بوی بهشت
نشود و بدوزخ رود و اکر حق همسایه بجای نیاورد
از ما نیست و فرموده صلعم که دایم جبرئیل علیه السلام
وصیت بمن می کرد در رعایت همسایه بوجهی که کمان
شد که همسایه میراث می برد و همچنین وصیت میکرد
برعایت حق غلام و کنیز بنوعی که کمان من شد که تعین
وقتی میکند که جون ایشان بآن وقت می رسند آزاد
می شوند و وصیت می نمود به بیداری شب بنماز بوجهی
که کمان من شد که بهترین امت من خواب نخواهند کرد
و همچنین صلعم فرموده که هر کسی که هر کسی که بفقیر مسلمان

خواری کند جان باشد که با حق خواری کرده باشد و
در روز قیامت حق تعالی برو خواری فرماید مگر توبه
کند و فرموده صلعم که چون کسی را به منهی و شهوتی
بخوانند و او اجتناب کند از ترس خدا و حرام کند
الله تعالی او را آتش دوزخ و از سختی روز قیامت
نگاه دارد و بستانهای بهشت که باو وعده شده
بوی دهد و هرکس که برو عرض کند چیزی از دنیا و
آخرت و اختیار دنیا کند او را نیکی نباشد در قیامت
که بآن گناه از آتش دوزخ رستگار شود و اگر اختیار آخرت
کند و دنیا بگذارد خدا ازو راضی باشد و گناه او
آمرزیده باشد و هرکس که چشمان او از حرام پر باشد
در روز قیامت پر شود از آتش مگر که توبه کند و باز
گردد فرمود کسی که دست بروی دست زنی نهد که
برو محرم نباشد مستحق عذاب خدا شود و کسی که در

برگردن زنی بحرام او را با شیطان بیک زنجیر در دوزخ
اندازند و کسی که در خرید و فروخت با مسلمانی غش
و ناراستی کند از ما نیست و در روز قیامت با یهودان
حشر کنندش و نهی فرموده از انکه کسی از همسایه باز گیرد
چیزی چند که در عادت همسایگان بیکدیگر مدد می
کنند مانند نمک و آتش و هرکس که باز گیرد حق تعالی
ازو باز گیرد رحمت و حالش سخت می شود و او را بخود باز
می گذارد و هرکس که طبانچه بر روی مسلمانی زند در
قیامت استخوان اعضای او از هم جدا کرده و غل
در گردن بدوزخ رود مگر انکه توبه کند و هرکس که
خشم از گناه شخصی فرو برد با انکه تواند حق سزای او
بدهد حق سبحانه و تعالی ثواب شهیدی باو کرامت
فرماید و همچنین فرموده صلعم کسی که خیانت کند
در امانت و بصاحب نرساند و بمیرد مرده باشد

بغیر ملت من وحق سبحانه وتعالی ازو بخشم باشد و
هرکس که گواهی بدروغ بدهد بزبانش بیاویزند با
منافقان در درک اسفل دوزخ وکسی که بخرد آنچه
خیانت کرده اند و داند گناه خیانت کننده دارد
وهرکس که باز گیرد از برادر مسلمان حق او را حق تعالی
برکت رزق برو حرام گرداند مگر که توبه کند وفرموده
کسی که بشنود سخن فحش وشهرت دهد گناه او بقدر
گناه آنکس باشد که فحش کننده وفرموده کسی که باو محتاج
شود مسلمانی در قرض و او قرض باو تواند داد و
ندهد بوی بهشت بوی حرام شود وکسی که بر بدخلقی زن
صبر کند بجهة ثواب الله تعالی او را ثواب شاکران کرامت
فرماید وکسی که گرامی دارد برادر مسلمان را خدا گرامی
دارد او را وفرموده صلعم از آنچه کسی را امامت کند در
جماعت نماز بی رخصت ایشان واگر امامت کند برخصت

ایشان وقراءت ورکوع وسجود نیکو نماید وایشان
راضی باشند او را مقدار ثواب جماعت باشد بی
آنکه چیزی از ثواب ایشان کم شود وفرمودند که کسی
که حاجتی از حاجات دنیوی محتاجی بر آورد ویا در آن
سعی کند رحمة خدا باو رسد واز نفاق وآتش دوزخ
رستگار شود وکسی که خسته شود یک شبانروز وشکوه
نکند در روز قیامت با ابرهیم خلیل باشد تا از صراط
چون برق درخشان بگذرد وکسی که سعی کند در
حاجت خسته از تمام گناهان پاک شود اگرچه آن خسته
از مردم خودش باشد وفرموده صلعم که کسی که بر
دارد از مؤمنی زحمتی از زحمتهای دنیوی الله تعالی
ازو بردارد هفتاد ودو زحمت از زحمتهای اخروی
وکسی که باطل کند حق صاحب حقی با آنکه ادا تواند
کرد او را در هر روزی مقدار گناه تمغاجی باشد

وفرموده که حق سبحانه وتعالی فرموده که من حرام کرده
ام بهشت را به بخیلان وسخن چنین ومنت نهنده
وفرمود کسی که صدقه کند بهر یک درم مقدار کوه
احد از نعمت بهشت بوی دهند وکسی که سعی کند در
رسیدن صدقه بمحتاجی ثواب او بقدر ثواب صاحب
صدقه باشد وکسی که نماز گزارد بر میتی بر و نماز گزارند
هفتاد ملک واز گناهان پاک شود واگر بایستد تا او را
بخاک دفن کنند بهر یک گام قیراطی ثواب بوی دهند
وقیراطی مقدار کوه احد است وکسی که اشک زیر شود
چشمانش از ترس خدا او را باشد بهر یک قطره قصر
مرصع زیبا که هیچ چشمی ندیده باشد وفرموده که کسی که بمسجد
رود بطلب جماعت نماز او را بهر گام هفتاد هزار حسنه
بدهند وهفتاد هزار درجه بلند کنند واگر در ان بمیرد
حق سبحانه وتعالی هفتاد هزار ملک تعیین کند که برش

او

او کنند در قبر او وانیس او باشند وطلب آمرزش او
کنند وکسی که بانگ نماز گوید بجهة خدا بی طمعی او را
ثواب چهل هزار شهید وصدیق باشد ودر شفاعت
با او داخل باشد ومؤذن چون بگوید اشهد ان
لا اله الا الله هفتاد هزار ملک طلب آمرزش برای او
کنند وروز قیامت در سایهٔ عرش باشد تا حق تعالی
از حساب خلایق فارغ شود چهل هزار ملک ثواب نهند
ان محمدا رسول الله می نویسند وکسی که حضور در
صف اول جهة دریافتن تکبیر اول از نماز جماعت
رعایت کند او را ثواب مؤذنان باشد در دنیا وآخرت
وکسی که پیشوایی جماعتی کند در تقسیم اخراجات و
تعیین حوالات ایشان در روز قیامت دستهای او
بغل پیوسته باشد بر گردن پس اگر راستی وسویت
میان ایشان بحق نموده باشد حق تعالی او را خلاص

کند و اکر در ان ظلم کرده باشد باتش دوزخ در رود
وفرمود صلعم که کناه حقیر مدانید و اکرچه اندک باشد
در نظر شما و بسیار مدانید خیر و نیکی را و اکرچه بزرک
باشد در نظر شما بس بدرستی که کناه اکر بران مصر
می شوند کوجک نیست و [illegible] توبه میکنند بزرک نیست
منقولست از امام جعفر علیه السلم که این حدیث منقولست
از خط حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین علی مرتضی علیه
باملای رسول خدا صلعم فصل سوم در وصیت حضرت
رسالت بناه صلعم حضرت امیر فرمودند که حضرت
رسالت بناه مرا کفت یا علی وصیتی چند میکنم ترا یاد
کیر و فراموش مکن یا علی انکس که فرو خورد خشم
خود را و او قادر باشد بر انکس که خشم بر و کند و نکند
حق سبحانه و تعالی در روز قیامت امنی و امانی او را کرامت
کند که لذة آن از همه لذتها نیکوتر باشد یا علی انکس که

وصیتی

وصیتی نکند در وقت مرک ناقص باشد در مروت
و محروم باشد از شفاعت یا علی افضل جهاد آنست
که کسی که صباح کند و قصد نکرده باشد ظلم و جور و
بدی هیچکس را یا علی انکس که مردم از زبان او و بد
کفتن او ترسند از اهل [illegible] است یا علی بدترین مردم
انکس است که مردم او را کرامی دارند و حرمت دارند
تا بدیشان شری و بدی نرسد یا علی بدترین مردمان
انکس است که بفروشد آخرت خود را بدنیاء خود و
بدترین ازین کسان انکس که فروشد آخرت خود را
بدنیا [illegible] مردم یا علی انکس که قبول نکند عذر انکس را
که عذر کوید و اظهار عجز کند خواه صادق باشد او
در عذر کفتن یا کاذب محروم باشد از شفاعت من
یا علی بدرستی که حق تعالی دوست دارد دروغی را که
جهة صلاح مؤمنان کفته شود و دشمن دارد راستی را

که فساد حال مؤمنان کند یا علی انکس که ترک کند خمر
خوردن را از جهت غیر الله تعالی آب دهد خدای تعالی
او را از شراب خالص پاک مهر کرده حضرت امیر المؤمنین
فرمودند با وجود انکه از برای غیر خدا ترک کرده
باشد فرمودند نعم بحق خدا با انکه نفس او را مضرت نرسد
وخدای تعالی او را ازین جزای دهد یا علی شارب خمر
همچون بت پرستست یا علی قبول نمی کند الله تعالی
نماز شارب خمر تا چهل روز و کر درین چهل روز بمیرد
کافر مرده باشد یا علی مست کننده حرامست و آن
چیزی که بسیار مست نمیکند هم حرامست اگرچه یک مثقال
باشد یا علی همه گناهان در یک خانه است و کلید آن
خانه شرابست یا علی بر شارب خمر ساعتی می آید که نمی
شناسد خدای خود را یا علی بدرستی که خراب کردن
کوههای بلند آسان ترست از خراب کردن پادشاهی

شخصی

شخصی که هنوز خرابی سلطنت او نشده باشد یا علی
انکس که نفع نگیرد بدین خود و دنیای خود پس هیچ خیری نیست
از برای تو در نشستن با او و انکس که مرحبا نگوید و امام
نداند و دوست ندارد ترا تو او را مرحبا مگو و دوست مدار
که او را کرامت نیست یا علی سزاوارست انکه باشد در
مؤمن هفت خصلت اول وقار و تمکین نزد اضطرار
دوم صبر نزد بلا سوم شکر نزد آسانیها و رسیدن به
نعمتها چهارم قانع شدن بآنچه خدای تعالی باو داده
است پنجم ظلم نکند بر دشمنان ششم مشقت خود بار نکند
بر دوستان هفتم مردم ازو در راحت باشند یا علی چهار
طایفه اند که دعای ایشان رد نمی شود اول امام عادل
دوم پدر که از برای فرزند دعا کند سوم مؤمنی که دعا
از برای مؤمنی در غایبانهٔ او کند چهارم مظلومی که برو
ظلم رفته باشد یا علی هشت کسند که اگر اهانت کنند ایشان را

ملامت نکنند ایشان مگر نفس خود را اول کسی که ناخوانده
بر مایده وطعام کسی رود دوم کسی که کدخدایی خانه کسی
کند بی گفته او سوم کسی که از دشمنان چیزی طلبد چهارم
کسی که عطیه خواهد از لئیمان پنجم کسی که داخل شود میان
دو کس در سری و رازی که او را داخل نکرده اند در ان
راز ششم کسانی که سبکی کنند با پادشاهان و سخنان بی محل
گویند و چیزی گویند که لایق حال ایشان نباشد هفتم کسی
که بنشیند در جایی که لایق او نباشد هشتم کسی که سخن کند
با کسی که گوش نکند سخن او یا علی حرام شده است جنت
بر هر بدکاری که زی و شعار خود ساخته باشد فواحش
را و باک نداشته باشد از انچه می گوید و آنچه برای او
می گوید یا علی خوشا کسی که دراز باشد عمر او و عمل او نیکو
باشد یا علی مزاح مکن که مزاح می برد حشمت ترا و دروغ
مگو که دروغ می برد نور روی ترا و بر تو باد که احتراز

کنی از

کنی از دو خصلت از تعجیل و اضطراب و کاهی بدرستی
که اگر تعجیل کنی صبر نمیکنی بر اداء حق کسی و اگر کاهلی
کنی ادا نمی کنی حق کسان را یا علی جمله گناها را توبه هست
مگر بدخلقی بدرستی که هرکس که خلق بد دارد هرچند
بیرون می شود از گناهی داخل می شود در گناهی دیگر
یا علی چهار چیز است که عقوبت او زود می آید یکی
مردی که نیکی کرده باشی با او و بجای نیکی تو بدی کند
دوم کسی که برو جور و ستمی نکرده باشی و او با تو ستم
کند سوم کسی که با او عهد کرده باشی و با او وفا کرده
باشی و او غدر کند با تو چهارم کسی که قطع رحم کند
یا علی انکس که اضطراب برو مستولی شده می رود
از و راحت یا علی دوازده خصلت است در طعام خوردن
که سزاوار است مردم مسلمان را دانستن آن چهار فرض است
و چهار سنت و چهار آداب اما فرض آنست که بداند

که آن چیز حلالست یا حرام و بسم الله گفتن و شکر کردن
و راضی بودن با آن [illegible] اماسنت نشستن بر پای چپ
و خوردن به سه انگشت از پیش خود و پاک کردن انگشتان را
بزبان اما آداب کوچک برداشتن لقمه و جاویدن محکم
و نگاه نکردن بر [illegible] بروی مردمان و شستن دستها
پیش از طعام و بعد از طعام یا علی خلق کرده است
خدای تعالی بهشت را از دو خشت خشتی از طلا و خشتی
نقره و ساخته دیوارها از یاقوت و سقف او را از زبرجد
پس فرمود الله تعالی بر جنت که سخن بگو جنت گفت
لا اله الا الله الحی القیوم بدرستی که سعادت یافت آنکس
که داخل شد در من پس الله تعالی جل جلاله فرمود که بعزت
و جلال من که داخل نمیشود در جنت شراب خوار و سخن
چین و دیوث و شروطی یعنی کاتبان دار القضا که
بناحق چیزها نویسند و مخنث و کور شکاف و تمغاجی و کسی که

قطع صلهٔ رحم کند و قدری که میگویند جمیع افعال از
نیک و بد همه تقدیر خداست و بنده را در آن دخلی
نیست یا علی سوگند بخدا که کافر شدند از امت من
ده کس کشندهٔ مسلمانان بغیر حق و ساحر و دیوث
و جماع کنندهٔ زن در دبر یعنی که زنی که جماعش برو
حرامست و جماع کننده بهیمه و آنکس که نکاح کند
محرم خود را و کسی که سعی کند در فتنه و کسی که بفروشد
اسباب حرب را مثل تیر و شمشیر و نیزه و مانند آن به
کافران حربی و کسی که مانع زکوة باشد و کسی که حج
برو واجب باشد و تقصیر کند و بمیرد و حج در گردن
او بماند یا علی سور کردن نیست مگر پنج چیز یکی در نکاح
دوم در تولد سوم در ختان چهارم در خانه خریدن پنجم
کسی که از سفر مکه آمده باشد یا علی سه چیز است که از مکارم
اخلاقست در دنیا و آخرت اول عفو کردن آنکسی که

بر و ظلم کرده باشد دوم صلهٔ رحم جستن پیوستن بکسی
که از تو بریده باشد از خویشان و دوستان سوم حلم
کردن با کسی که از جهل ترا آزرده باشد یا علی غنیمت
دان چهار چیز پیش از چهار چیز جوانی پیش از پیری و
صحت پیش از بیماری و توانگری پیش از درویشی
و زندگی پیش از موت یا علی مکروه میدارد الله تعالی
از امتان من بازی کردن در نماز و منت نهادن
در صدقه و جنب رفتن در مسجدها و خنده کردن میان
گورستان و مطلع شدن در خانها با عورتان مردمان
و نظر کردن بر فرج زنان از برای انکه موجب عمیست
و مکروهست سخن کردن در محل جماع از برای انکه مورث
گنگی و لال بودنست و مکروهست خواب کردن میان
شام و خفتن از برای انکه حرام میکند رزق را و کم
می کند و مکروهست غسل کردن در جایی که ساتر نباشد

و نیز مکروهست دخول در آب جویهای بی فوطه زیرا که
آنجا ملایکه ساکنند و مکروهست رفتن بحمام بی فوطه
و سخن گفتن در میان بانگ و قامت در نماز صبح و
مکروهست بر کشتی نشستن در وقت اضطراب دریا
و مکروهست خواب کردن بر بالای بام که محجر نباشد
و گفت پیغمبر صلعم انکس که خواب کند بر بامی که ستر
نداشته باشد بدرستی که بری شده است از وی قیمت
و مکروهست خواب کردن در خانهٔ تنها و مکروهست
جماع کردن با زن خود در حالت حیض زیرا که فرزندی
که حاصل شود جذام داشته باشد یا برص پس ملامت
نکند الا نفس خود زیرا که فعل اوست و مکروهست
سخن کردن با کسی که جذام داشته باشد مگر انکه قدر
ذراعی در میانه باشد و پیغمبر صلعم فرموده یا علی بگریز
از کسی که جذام دارد آنچنان که می گریزی از شیر و مکروهست

جماع کردن با زن خود در حالتی که محتلم شده باشد و غسل
نکرده زیرا که فرزندی که حاصل شود مجنون باشد
و ملامت نکند مگر نفس خود را زیرا که این کار خود
کرده و مکروهست بول کردن در کنار آب روان
و مکروهست حدث کردن در زیر درخت میوه دار
و مکروهست بخانهٔ تاریک رفتن بی چراغ یا علی آفت
حسب افتخار و سرفرازی کردنست که من چنین یا علی
انکس که بترسد از خدا بترسد از وی همه چیز وانکس که از خدا
نترسد بترساند خدا او را از همه چیز یا علی هشت کسند که نماز
ایشان قبول نیست یکی غلامی که از خواجه بگریزد تا باز گردد
بسوی خواجهٔ خود دوم زنی که با شوهر خود ناسازگاری
کند و شوهر از افعال او در غضب باشد سوم کسی که
زکوة ندهد چهارم ترک کنندهٔ وضو پنجم کنیزکی که پیش
مردمان نماز گزارد بی مقنعه ششم امامی مر قومی که ایشان

او را

او را مکروه دارند هفتم کسی که مست باشد هشتم کسی که برو
بول و غایط غلبه کرده باشد یا علی چهار کس اند که بنا کرده
است خدای تعالی از برای ایشان خانهٔ در بهشت اول
کسی که جاده بیتیمی را دوم انکس که رحم کند ضعیفی را
سوم انکس که شفقت بر مادر و پدر کند چهارم انکس که
مدارا کند با غلامان خود یا علی سه چیز است که هرکس که
آنرا بجای آورد او را افضل مردم باشد اول انکس که
بجای آورد فرضهای خدای تعالی پس او عابدترین
مردمانست دوم انکس که پرهیز کند از حرامها پس او
پرهیزکارترین مردمان باشد سوم انکس که قانع باشد
بانچه خدا باو داده است پس غنی ترین مردمان
باشد یا علی سه چیز است که طاقت ندارند این امت
یکی مدارا و مواسا و یاری کردن با برادر مؤمن در
مال دوم انصاف دادن مردم از نفس خود سوم

و این دعا را بخواند
سلیمان بن داود
یعنی توریت موسی و انجیل
عیسی و زبور داود
و فرقان محمد صلی الله علیه
که روان شوی

ذکر خدا در همه حال و ذکر خدا آن نیست که کسی سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر گوید بلکه ذکر خدا آنست
که چون وارد شود بر تو حرامی از خدا بترسی و ترک آن کنی
یا علی سه کس اند که اگر انصاف کنی با ایشان ظلم کنند
بر تو یکی مردمان دنی و ارذال دوم اهل تو سوم خادم تو
یا علی انصاف نمی گیرند سه کس از سه چیز آزاد از بنده عالم
از جاهل قوی از ضعیف هفت چیز است که هر کس را که در و
باشد این هفت چیز بتحقیق تمام کرده است حقیقت ایمان
و درهای جنت کشاده شده است از برای او اول تمام
ساختن وضو دوم نیکو کردن نماز سوم دادن زکوة
مال چهارم منع کردن غضب خود از مردمان پنجم زبان
خود را از بد گفتن باز داشتن ششم استغفار از برای
گناه خود کردن هفتم نصیحت کردن اهل بیت خود را
یا علی لعنت کرده است خداوند عالم سه کس را اول
کسی

کسی که توشهٔ خود تنها خورد دوم کسی که در بیابان
تنها رود و او را رفیق نباشد سوم کسی که در خانهٔ
تنها خواب کند یا علی سه کس اند که می ترسم از دیوانگی
ایشان اول کسی که نجاست کند میان گورستان
دوم آنکس که براه رود و در یک پای او کفش باشد
و در دیگری نباشد دیگر آنکس که تنها می خواند یا علی
سه چیز است که نیکوست دروغ گفتن در آن اول
کید کردن در حرب با دشمنان دوم وعده دادن
با زنان از جهة صلاح ایشان سوم از جهة اصلاح
میان دو کس که در میان ایشان عداوت باشد
یا علی سه کس اند که مصاحبت ایشان دل را تباه گرداند
و سیاه کند اول نشستن با مردم ارذال دوم نشستن
با مردم غنی سوم سخن گفتن با زنان یا علی سه چیز است
که از حقایق ایمانست اول انعام کردن بفقرا در

مفلسیها دوم انصاف دادن مردمان از نفس خود
سوم علم بمردم تعلیم کردن یا علی سه چیز است که هر کس را
که نباشد تمام نیست عمل او یکی پرهیزکاری که منع کند
این کس را از معاصی دوم خلق نیکو که مدارا کند
بسبب آن با مردم سوم حلم که اجتناب کند بآن از
جاهلان یا علی سه چیز است که سبب راحت مؤمنست در
دنیا یکی ملاقات کردن با برادر مؤمن دوم روزه گشودن
با صایمان سوم نماز تهجد گزاردن در آخر شب یا علی
نهی میکنم ترا از سه خصلت حسد و حرص و کبر یا علی سه چیز
است که سبب درجات این کس است و سه چیز است
که سبب کفارات گناهان این کس و سه چیز است که
سبب هلاک این کس است و سه چیز است که سبب نجات
این کس اما آن سه چیز که سبب درجاتست اول تمام کردن
وضو در بامدادها سوم انتظار صلوة است بعد از
صلوة

صلوة و رفتن بشب و روز بجماعات اما آن سه چیز
که کفارت گناهانست یکی افشای سلام است دوم طعام
دادن سوم نماز تهجد گزاردن وقتی که مردمان در
خواب باشند اما آن سه چیز که مهلکاتست یکی بخیلی
دوم هوای نفس سوم عجب کردن مرد بنفس خودش
اما آن سه چیز که سبب نجاتست اول ترسیدن از خدا است
در نهان و آشکار دوم میانه بودن در توانگری و در
درویشی در جمیع کارها سوم سخن حق گفتن در رضا و غضب
یا علی چهار خصلت سبب شقاوتست خشکی چشم و تیرگی
دل و درازی امید بدنیا و دوست داشتن لفاف
یا علی شیرخوارگی نیست کسی را که از شیر واگردند و خواب
مکن بعد از احتلام یا علی برو دو ساله راه جهة نیکویی کردن
بمادر و پدر و برو یکساله راه جهة صلهٔ رحم و برو یک
فرسخ راه جهت پرسش بیماران و برو [illegible] میل راه

جهة مشایعت جنازه وبرو سه میل راه جهة اجابت
کسی که ترا می طلبد وبرو چهار میل راه جهة زیارت برادر
مؤمن وبرو پنج میل راه جهت کارسازی متحیری
ودرمانده، وبرو شش میل راه از برای یاری کردن
مظلومان وبر تو باد طلب آمرزش کردن از خداوند
عالم مؤمن را سه علامتست اول نماز دوم زکوة
سوم روزه ومتکلف را سه علامت است گاهی که
حاضر باشد تملق میکند وگاهی که غائب شد غیبت
می کند وشادی میکند وقتی که مصیبتی رسد بمؤمنان
وظالم را سه علامتست اول انکه قهر میکند برزیردستان
خود دوم انکه گناه میکند بآن کسانی که ازو بزرگترند
سوم انکه امداد کند ظالمانرا در ظلم ایشان واهل ریارا
سه علامتست اول انکه نشاط میکند در طاعت نزد
مردمان دوم کاهلی میکند در طاعت وقتی که تنها باشد

سوم دوست میدارد که او را مدح کنند در جمیع کارها
یاعلی منافق را سه خصلت است یکی انکه هرگاه که سخن گوید
دروغ گوید دوم انکه وعده دهد خلاف کند سوم
انکه امانت بدو سپارند خیانت کند یاعلی نه چیز است
که فراموشی می آورد یکی خوردن سیب ترش دوم
خوردن گشنیز سوم خوردن پنیر چهارم نیم خورده
موش پنجم خواندن کتابهای که بر سنگهای قبور نوشته
اند ششم از میان دو زن گذشتن هفتم شپش زنده
انداختن هشتم حجامت کردن بر قفای سر نهم بول کردن
در آب ایستاده یاعلی عیش مردمان در سه چیز است اول
خانه فراخ دوم کنیزک خوش شکل سوم اسب خوش
رفتار یاعلی بخدا سوگند که اگر مردمان رذل ودون
مرتبه در بن چاهی باشند هر آینه حق سبحانه وتعالی برانگیزد
بادی که ایشانرا از ان قعر چاه بیرون آورده مسلط کند

بر مردمان بزرگ و عالی مرتبه در وقتی که دولت و سلطنت
و بادشاهی بمردمان شریر افتد یا علی انکس که نسبت خود را
بغیر مولای خود کند بر اوست لعنت خدا و انکسی که منع
کند مزد مزدوران و اجیران از ابر اوست لعنت خدا و
انکس که مسلمانی را کشد بنا حق یا حمایت کند کشندهٔ مومنی
را بر اوست لعنت خدا یا علی مومن انکس است که ایمن
باشند مسلمانان از و و بر مال خود و خون خود و مسلمان
انکس است که بسلامت باشند مسلمانان از دست و
زبان او و مهاجر انکس است که دور شود از کناهان
خود یا علی محکم ترین ایمان کسی دارد که هرچه دوست
داشتنی است دوست دارد از برای خدا و دشمن
دارد هرچه دشمن داشتنی است از برای خدا یا علی
هرکس که مطیع زنش باشد حق سبحانه و تعالی بروی
بکشد او را بدوزخ بس کفت امیر المومنین علیه الصلوة

والسلام

والسلام که چه چیز است اطاعت زن حضرت رسالت
بناه صلعم فرمود اجازت دادن بحمامات و عروسیات
و تعزیتها و بوشیدن جامهای تنک برحیثیتی که اندام
او تمام نماید یا علی بدرستی که الله تعالی برده است
به اسلام تکبری که درمیان مردمان بود در زمان جاهلیت
و تفاخر ایشان بر بدران خود بدان و آکاه باش که
مردمان از آدمند و آدم از خاک و کرامی ترین ایشان
بیش خدا متقیانند یا علی حرامست بهای چیز مرده و
بهای سک و شراب و مهر زن زانیه و رشوة کرفتن
و اجرت کاهن یا علی انکس که بیاموزد علمی که تفاخر
کند بر سفیهان یا جدل کند بر عالمان یا دعوت کند
خلق را بسوی خود که معتقد او باشند و تعظیم کنند بس
او از اهل دوزخست یا علی هرکاه که بمیرد بندهٔ مردم
کویند که چه چیز کذاشته ملایکه کویند انچه بیش فرستاده

از عمل صالح یا علی دنیا زندان مؤمنانست وجنت کافران
یا علی مردن ناگاه راحتست از برای مؤمن وحسرتست
از برای کافر یا علی وحی کرده است الله تعالی بسوی دنیا
که خدمت کن کسی را که خدمت من کند وبزحمت انداز
وخدمت مکن انکس را که خدمت تو کند یا علی اگر چنانچه
دنیا را قدری می بود پیش خدا به پر پشه نمی خورد از دنیا
کافر یک دم آب یا علی هیچکس نیست از اولین وآخرین
الا انکه او تمنا کند در روز قیامت که کاشکی غیر از قوت
هیچ زیادتی نمی بود در دنیا مرا یا علی بدترین مردمان انکس
است که راضی نباشد بقضای خدا یا علی نالهٔ مؤمن تسبیح
است وصیحهٔ او تهلیل وخواب او عبادت وگردیدن
از پهلو به پهلوی دیگر جهادست در راه خدا یا علی اگر هدیه
آرند پیش من پای گوسفندی هر آینه قبول کنم واگر طلبند
از برای حاجت اجابت کنم یا علی بر زنان نماز جمعه نیست وجماعت

نیست

نیست وبانگ واقامت وعیادت مریض واتباع
جنازه نیست ودویدن میان صفا ومروه نیست وبوسیدن
حجر الاسود وتراشیدن سر نیست ونه تولیت قضا ونه
مشورت کردن بدیشان ونه ذبح کردن مگر نزد ضرورت
ونه بلند گفتن لبیک نزد حج ونه اقامت کردن نزد قبور
ونه شنیدن خطبه ونه وکیل شدن از برای نکاح ونه
بیرون رفتن از خانه بی اذن شوهر پس اگر بیرون رود
بغیر اذن شوهر لعنت می کنند او را خدا وجبرئیل ومیکائیل
وباید که ندهد از خانهٔ شوهر چیزی را بکسی مگر باذن شوهر
ونمی باید که شب نگذرد که شوهرش بغضب باشد اگر
چه شوهر او ظلم کرده باشد با او یا علی اسلام برهنه است
ولباس او حیاست وزینت او وفاست ومروة او
عمل صالح وستون او ورعست وهر چیزی را اساس و
بنیادیست وبنیاد اسلام دوستی اهلبیت مصطفی است

صلی الله علیه وآله وسلم یا علی بدخلقی شومست واطاعت کردن
زنان پشیمانی وندامت یا علی اگر شومی ست در چیزی پس
در زبان زنانست یا علی نجات یافته اند ترس کاران از
خدا یا علی انکس که دروغ بندد بر من بعمد پس مهیا کند جای
خود در دوزخ یا علی سه چیز است که زیاده می کند حفظ را
ومی برد بلغم را خاییدن کندر ومسواک وخواندن قرآن
یا علی خواب بر چهار نوعست اول خواب انبیا علیه السلم که
ایشان بر قفا خواب می کنند دوم خواب مؤمنان که ایشان
بر پهلوی راست خواب کنند سوم خواب کافران ومنافقان
که بر پهلوی چپ خواب کنند چهارم خواب شیاطین که بر
روی افتد وخواب کنند یا علی نه فرستاد خدای تعالی هیچ
پیغمبر را الا انکه گردانید فرزندان او را از پشت او وگردانید
فرزندان مرا در پشت تو واگر تو نبودی مرا هیچ فرزند نبودی
یا علی چهار چیز است که شکننده پشت است اول امام که عاصی

شده باشد خدا را ومردم مطیع او باشند دوم زنی که
شوهر محافظت او کند واو با شوهر خود خیانت کند
سوم درویشی که کسی مداوای او نکند چهارم همسایه بد
یا علی بدرستی که عبد المطلب در حالت جاهلیت پنج
چیز است وطریق خود ساخته بود که خداوند عالم
آیه قرآن فرستاده بر طبق آن وآن ثابت ماند اول
انکه جایز نمی داشت که زن پدر واجداد خود را بنکاح
در آورد واین آیت بر طبق آن آمد ولا تنکحوا ما نکح
اباؤکم من النساء دوم انکه گنجی یافت وبیرون کرد
ازو خمس را وبمستحقین رسانید وبر طبق آن این
آیه آمد که واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه تا
آخر آیه سوم چون چاه زمزم کند نام او نهاد سقایة الحاج
وبر طبق آن این آیه آمد اجعلتم سقایة الحاج چهارم
دیة انسان که بناحق کشند صد شتر نذر کرده بود الله

تعالی آنرا جاری داشت و تغیر نکرد در اسلام پنجم از برای
طواف عددی مقرر نبود پیش قریش پس او مقرر نمود
که هفت بار طواف کنند خدای تعالی جاری داشت آنرا
در اسلام و تغیر نکرد یا علی پدرستی که عبد المطلب قمار
نباخت و بت نپرستید و گوشت حیوانی نخورد که بنام
بتان کشته می شد و می گفت که من بر دین پدر خود م
ابرهیم علیه السلم یا علی عجبترین مردمان از روی ایمان
و عظیم ترین ایشان از روی یقین قومی اند در آخر الزمان
که پیغمبر را ندیده اند و حجتها از ایشان پوشیده پس ایمان آورده اند
بآنچه پیغمبر بآن آمده است یا علی سه چیز است که سخت میکند
دل را یکی کلام بی فایده شنیدن دوم صید کردن سوم
بدرخانهٔ سلطان رفتن یا علی نماز مگذار در پوست چیزی که
شیر او را نیاشامند که گوشت او را نمی خورند و مخور گوشت
آن چیز را و نماز مگذار در زمینی که دو لشکر در آنجا جنگ
کرده

کرده باشند و در زمینی که قوم نمرود و قوم عاد هلاک
شدند یا علی بخور از تخم مرغ آنچه در طرفش مختلف باشد
و بخور ماهی که او را پوستی باشد که پولک داشته باشد
و بخور از مرغ آنچه در پریدن بال خود را بسیار جنباند و
بخور از مرغ آبی آنچه باشد او را سنگ دان و علف دان
یا علی هر چیز که صاحب نیش باشد از درندها و صاحب
چنگ باشد از مرغها پس حرام است اکل او یا علی قتل کرده
نمی شود پدری را که پسر خود را کشته باشد یا علی قبول نمیکند
الله تعالی دعای دلی که فراموشی دارد یا علی خواب عالم
فاضلتر است از عبادت عابد غیر عالم دو رکعت نماز
عالم بهتر است از هزار رکعت عابد یا علی درست نیست
روزهٔ زن که بر او واجب و فرض نباشد و از روی
تبرع و بخشش باشد مگر باذن شوهر و درست نیست
روزهٔ کنیز و غلام که بر ایشان واجب نباشد مگر باذن

مالک ایشان و درست نیست روزهٔ مهمان که برو واجب
نباشد و بسنت روزه نماید مگر باذن انکس که مهمانی می
کند یا علی روزهٔ عید رمضان و روزهٔ عید قربان و
دو روز و یکشب روزه داشتن و روزه از برای انکه
باکس سخن نگوید حرامست و روزه داشتن از برای
وقوع معصیت و کاری که در وگناه باشد حرامست
و تمامی روزهای سال روزه داشتن حرامست یا علی
در زنا کردن شش خصلت است سه ازان خصلت در
دنیا واقع می شود یکی آنست که حسن و عزت زنا کننده
را می برد دوم فنای او را زود می آورد سوم قطع رزق او
می کند و آن سه که در آخرتست یکی آنست که حساب او را
بد میکنند دوم انکس مغضوب خدای تعالی است سوم
او دایم در دوزخ است یا علی سود نامشروع گرفتن
هفتاد جزء دارد کمترین و کوچک ترین باین ماند که شخصی

با مادر خود زنا کند در کعبه یا علی یکدرم سود را گناه عظیم
تراست نزد الله تعالی از گناه هفتاد زنا که با مادر و خواهر
خود کرده باشد در کعبه یا علی کسی که اندکی مالش بمستوجبه
او بی ایمانست و مسلمان نیست و او معزز و محترم نیست
نزد خالق و خلایق یا علی کسی که زکوة مال خود نداده
باشد در آخرت طلب میکند که مراجعت بدنیا کند و
ادا آن نماید و برین معنی ناطقست قوله سبحانه تعالی
حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی
اعمل صالحا ترضیه و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک
وانی من المسلمین یا علی ترک کنندهٔ حج که استطاعت
داشته باشد کافرست همچنان که الله تعالی فرموده
است ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا
ومن کفر فان الله غنی عن العالمین یا علی هرکه استطاعت
حج کردن داشته باشد و کاهلی نماید خدای تعالی او را

برانگیزاند یهودی یا نصرانی یا علی صدقه دادن رد می
کند قضا را اگرچه آن قضای محکم باشد یا علی بخشش کردن
بخویشان خود و خاطرجویی ایشان سبب درازی عمرست
و زیادتی عمر یا علی کسی که ابتدا نماید بخوردن نمک و ختم
کند بخوردن او از هفتاد و دو بیماری شفا یابد یا علی
اگر من در جنت بمقامی اعلا برسم شفاعت کنم پدر و مادر
و عم و برادر خود را که با من بودند پیش از زمان نبوت
یا علی من پسر دو کسم که قربان شده اند یکی عبدالله و یکی
اسمعیل و من دعا کرده پدر خودم که ابرهیم است که در مکه
دعا کرده که از نسل من یکی نبی و پیغمبر باشد یا علی عقل چیزیست
که باو حاصل می شود جنت و طلب رضای حق سبحانه و
تعالی یا علی بتحقیق که اول چیزی که الله تعالی خلق کرده
عقل است و الله تعالی مرورا گفت بیا آمد و گفت برو
رفت بعد ازان گفت الله تعالی که بعزة و جلال من که

خلق

خلق نکرده ام چیزی را که عزیزتر بود پیش من از تو و من
بسبب تو عفو میکنم و بسبب تو عقاب میکنم یا علی
صدقه دادن بغیر خویشان درست نیست هرگاه که
ایشان محتاج باشند یا علی یکدرم صرف کردن در
خضاب فاضلتر است از هزار دینار بذل و صدقه
کردن در راه خدا و در خضاب ده خصلت است یکی انکه
باد گوشها می برد دوم روشنایی چشم زیاده می کند سوم
دماغ را تر میدارد چهارم بوی دهان خوش می کند
پنجم دندانها سخت و محکم می کند ششم بوی بغل زایل
می کند هفتم انکه وسوسهٔ شیاطین ازو کم می شود هشتم
انکه ملایکه ازو خشنود و فرحناک می باشند نهم انکه مومنان
بسبب این عمل طلب بشارت می کنند دهم انکه کافران
ازان ترسناک می شوند یازدهم انکه او زینت مردست
دوازدهم انکه با کیست سیزدهم انکه منکر و نکیر از وحیا

می کنند چهاردهم انکه در قبر بسلامت باشد یا علی خیری نیست
در گفتن مگر انکه انرا بفعل وعمل آورند وخیری نیست
در مجرد دیدن چیزی مگر انکه از و بخشش وعطیه نمایند
وخیری نیست در عفت مگر انکه او پرهیزکار باشد
وخیری نیست در زندگی مگر با تن درستی وخیری نیست
در وطن مگر انکه در راحت وخوش دلی باشد یا علی
از گوسفند هفت چیز حرام است یکی خون دوم محل
ذکرش سوم آبدانش چهارم مغزی که درمیان پشت است
پنجم آن آماده که درمیان گوشت می باشد ششم سپرز
هفتم زهره یا علی در خریدن چهار چیز نزاع ومبالغه مکن
در خریدن حیوان ازجهة قربان دوم در خریدن کفن
سوم در خریدن غلام وکنیز چهارم در کرایه راه مکه یا علی
آیا خبر نکرده ام ترا از کسی که شبیه ترست بمن از مردم
گفت یا رسول الله بعد از ان حضرت فرمود که آن

کیست که خلق او بهتر باشد از خلق مردم وحلم او بیشتر باشد
از حلم مردم واحسان وکرم او بخویشانش بیشتر باشد
از مردم وانصاف او بیشتر باشد از مردم یا علی هرگاه
که امت من در کشتی نشینند وخواهند که غرق نشوند
این بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم ما قدروا الله حق
قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات
مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله
مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم یا علی هر که امت من
خواهد که از درد گوش بسلامت باشد این آیت بخواند که
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا تا آخر سوره
یا علی هرگاه که امت من خواهند که بسلامت باشند از
فرود آمدن خانه و دیوار برایشان این آیه بخوانند
ان الله یمسک السموات والارض تا آخر آیه یا علی هر که
از سباع ترسد بخواند قل ادعوا الله الرحمن تا آخر سوره

لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز تا آخر ترس آنکس بر
طرف شود یا علی کسی که چهار پای رام او نشود این آیه
کلام الله در گوش او بخواند رام شود وله اسلم من فی
السموات والارض طوعا و کرها والیه یرجعون یا علی
کسی که در شکم آب زرد داشته باشد بنویسد بر شکم او آیة
الکرسی بعد از آن بشویند و بخورد او دهند از آن خلاص
گردد باذن الله تعالی یا علی کسی که از ساحر و شیطان ترسد
این آیت بخواند ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض
تا آخر آیه ترس او برطرف شود یا علی حق پدر بر پسر آنست
که او را نام نیک نهد و ادب کند او را و در موضع خوب
بنشاند و حق پسر بر پدر آنست که باسمش نام نبرد و او را
پهلوی خود ننشاند و پیش او ننشیند و با او در حمام نرود
یا علی سه چیز است که وسوسه می آورد یکی خوردن گل و
خاک دوم پاره کردن ناخنها بدندان سوم خوردن ریش

یا علی

یا علی لعنت الله تعالی بر پدر و مادریست که مساهله و
مسامحه کرده باشند با فرزندی که بواسطه مساهله بر
ایشان عاق و نافرمان بردار باشد یا علی آنچه از عقوبت
و بدی لازم فرزند می شود بسبب آنکه عاق شده اند
بر مادر و پدر خود همان عقوبت لازم پدر و مادر می شود
جهة عدم تعلیم آداب و ارکان به او یا علی رحمة الله تعالی
بر پدر و مادریست که فرزند ایشان با ایشان باادب و
نیکویی باشد اگرچه ایشان مساهله کرده باشند در تعلیم
و ادب او یا علی کسی که ملول کرده اند پدر و مادر خود را بتحقیق
عاق شده است بر ایشان یا علی کسی که غیبت کند مسلمانی را
و او استطاعت منع کردن داشته باشد و منع نکند او
نزد الله تعالی مخذولست در دنیا و آخرت یا علی کسی که
کفایت کند در نفقه یتیم عیال تا آنکه او غنی شود از اهل
جنت البته یا علی کسی که دست بر سر یتیمی زند از روی ترحم

حق سبحانه و تعالی او را عطا کند بعدد هر مویی نوری
در روز قیامت یا علی فقری سخت‌تر از جهل نیست و مالی بهتر
از عقل نیست و وحدتی بدتر از عجب و تکبر نیست و ورعی
مثل منع کردن نفس خود از چیزهای بد کردن نیست و حسبی
مثل حسن خلق نیست و عبادتی مثل تفکر در امور نیست
یا علی آفت سخن گفتن دروغست و آفت علم نسیانست و
آفت عبادت فترة است و آفت جمال عجب و تکبر و
آفت علم حسد است یا علی چهار چیز است ضایع کنندهٔ مال
یکی طعام خوردن گاهی که سیر باشند دوم چراغ بر کردن
در مهتاب سوم زراعت نمودن در زمین شوره چهارم
کاری کردن پیش کسی که از اهل آن کار نباشد یا علی
کسی که فراموش کند صلوات بر من به تحقیق که گم کند راه
بهشت یا علی دست بر کردن تا بآرنج در دهان اژدها
خوشتر است مرا از طلب کردن از لئیمی که منعم شده باشد

یا علی

یا علی انگشترین در دست راست کن که فضیلت است از
الله تعالی مر مقربان را پس حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة
والسلام سوال نمودند که چه انگشترین در دست کنم حضرت
رسول صلعم فرمودند که عقیق سرخ بدرستی که عقیق
اول کوهیست که اقرار کرده بوحدانیت الله سبحانه
و تعالی و بنبوت من و به امامت تو و فرزندان تو و
به بهشت رفتن شیعهٔ تو و بدوزخ رفتن اعدای تو
یا علی حق تعالی مشرف شد بر دنیا پس از آن که برگزید
مرا بر خلق عالم پس نوبتی دیگر مطلع شد و برگزید ترا بر
مردان عالم پس نوبت دیگر مطلع شد و برگزید ائمه را
بر مردان عالم پس نوبت چهارم مطلع شد بر دنیا و
برگزید فاطمه را بر زنان عالم یا علی من یافتم نام ترا نزدیک
نام خود در چهار محل و انس یافتم بنظر کردن در آن
شبی که مرا بآسمان می بردند چون بمسجد بیت المقدس

رسیدم دیدم که بر صخره نوشته اند لا اله الا الله محمد رسول
الله ایدته بوزیره ونصرته بس از جبرئیل برسیدم که وزیر
من کیست گفت علی ابن ابی طالب وجون بسدرة المنتهی
رسیدم دیدم که نوشته اند بران که انی انا الله لا اله الا
انا وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته بوزیره ونصرته
بوزیره بس از جبرئیل سوال کردم که وزیر من کیست
گفت که علی ابن طالب بس جون بعرش رسیدم دیدم
که نوشته اند بر ستونهای آن انا الله لا اله الا انا وحدی محمد
حبیبی ایدته بوزیره ونصرته بوزیره یا علی بدرستی که حق
سبحانه وتعالی فضل ورحمت کرده بهفت خصلت که
تراست بدرستی که تویی اول کسی که از قبر بیرون آیی
با من واول کسی که بر صراط بایستد با من واول کسی
که خلعت کرامت بپوشد با من واول کسی که زنده شود
با من وتویی اول کسی که با من بنشینی در منزلهای بلند

بهشت

بهشت واول کسی که بیاشامد با من شراب طهور با ظرفهای
سبز مهر از مشک بعد از ان بیغمبر صلعم بسلمان فارسی رضی الله عنه
گفت که جون مریض شوی سه چیز هست یکی انکه خدا یاد
تو می کند ودعای تو قبول می فرماید ومرض گناه
تو می برد خدا عافیت بتو کرامت می فرماید تا وقت
اجل بعد از ان فرمود بابی ذر رضی الله عنه که اجتناب
کن از خواستن چیزی از مردمان که در دنیا سبب خواریست
ودر قیامت موجب حساب بی شمار ای اباذر خواهی
زیستن وخواهی مردن تنها وبه بهشت خواهی رفتن تنها
وقومی از عراق بسبب تو سعادت خواهند یافت
که ترا غسل کنند وکفن ودفن نمایند ای اباذر از کسی
جیزی مخواه واگر جیزی بتو دهند قبول کن بعد از ان
پیغمبر صلعم فرمودند که خبر دهم که بدترین مردمان در
میان شما کیانند حاضران گفتند بلی فرمودند بدترین

شما آن کسانند که سخن چینی کنند و میان دوستان جدایی
افکنند و غیبت کنند کسانی را که عیب نداشته باشند

فصل چهارم در مواعظ حضرت رسالت صلعم با ابن مسعود

مرویست از عبدالله بن مسعود که گفت من با پنج کس
دیگر روزی بخدمت حضرت رسالت صلعم رفتیم بغایت
گرسنگی بر ما غلبه کرده بود چنانچه چهار ماه غیر از آب و
شیر و برگ درخت نخورده بودیم گفتیم یا رسول الله
ما را تا کی این گرسنگی خواهد بود آنحضرت فرمودند
دایم درین گرسنگی خواهید بود پس بشکر خدا مشغول
شوید بدرستی که کتابهای خدا بر من آمده و بر انبیای
پیشین تمام خوانده ام نیافته ام که کسی به بهشت رود
الا صابران پس سؤال کردیم که یا رسول الله صابران
چه کسانند فرمودند که آن کسانی که صبر کنند بطاعت
خدا و از معصیت اجتناب کنند و کسب و کار پاکیزه

کنند

کنند و در معاش میانه حال باشند و صدقه کنند پس
ایشان رستگارانند ای پسر مسعود علامت صابران
آنست که خشوع دارند و وقار و آرام و تفکر در امور
زمین و پرهیزکاری و نیکویی با مردم و دوستی و خشم
از جهة خدا و ادا امانت و گواهی دادن و معاونت
اهل حق نمودن و عفو کردن از کسی که بر ایشان ظلم
نموده باشد ای پسر مسعود صابران چون مبتلا شوند
صبر میکنند و چون نعمتی می یابند شکر می کنند و حکم
براستی میکنند و راست می گویند و وفا بعهد میکنند
و چون جاهلان با ایشان تعرض میکنند روان می
گذرند و اعراض نمیکنند و شب دعا و نماز می کنند و
بمردمان نصیحت میکنند و سخن نیک میگویند سوگند
بخدا که مرا بحق فرستاده که این جماعت صابرانند ای
پسر مسعود خدا فرموده افمن شرح الله صدره للاسلام

فهو علی نور من ربه بدرستی که نور چون در دل افتد
منشرح وکشاده می کردد وسؤال نمودند که نور دل
نشان دارد فرمودند بلی کذشتن از دنیاست وباز
کشت بآخرت ومهیا شدن جهة مرک پیش ازان که
فوت شود فرصت هر کس که ترک دنیا کرد کوتاه میشود
امید او در دنیا ودنیا را با اهل دنیا می کذارد ای پسر
مسعود معنی آیة لیبلوکم ایکم احسن عملا اینست که شما را
آزمایش میکنم که کدام ترک دنیا بیشتر میکنید که آن خانه
غرورست وخانه کسی که خانه ندارد وکسی که عقل ندارد
جمع آن می کند واحمق مردم انکس است که طلب دنیا
میکند وحق تعالی فرموده درشان عیسی که وآتیناه
الحکم صبیا یعنی مادر کودکی دادیم باو زهد وترک دنیا
وموسی را خطاب کرد وکفت یا موسی بهترین زینتها در
نظر من زهد است چون فقر روی بتو کند مدح کن وبکو

مرحبا بشعار الصالحین واکر توانکری روی بتو کند
بترس ای پسر مسعود هر کس که مشتاقست بهشت
باید که شتاب کند بخیرات وهر کس که بترسد از آتش
باید که ترک شهوات کند وهر کس که مرک چشم دارد
باید که از لذت بکذرد وهر کس که در دنیا زاهد شد
مصیبتها بر و آسان شد ای پسر مسعود الله تعالی بر
کزید موسی را بکلام خویش ومناجات کرد با او در
وقتی که رنک سبزی از شکم او جیدا شد از لاغری ای
پسر مسعود اکر خواهی بیان کنم جهت تو حال نوح نبی را
که هزار سال الا پنجاه سال در دنیا زیست چون صباح
می کرد بران نبود که شب خواهد بود وچون شب
می کرد بران نبود که صباح خواهد بود ولباس او از
موی وطعام او از جو بود وطعام ولباس داود
همچنین بود وسلیمان با انکه ملک داشت از جو میخورد

وطعامهای خوب بمردم میداد و لباس ازموی می
بوشید وچون شب می شد تا صباح بنماز می ایستاد
وابرهیم خلیل لباس او بشم بود وطعام ازجو واگر خواهی
بیان کنم حال یحیی علیه السلم را که لباس او ازلیف خرما بود
وطعام او از برگ درخت واگر خواهی بیان کنم حال
عیسی ابن مریم علیهما السلم وآن عجب حالیست که میگفت
نان خورش من گرسنگی است وشعار من ترس ولباس
من بشم ومرکوب من پایهای منست وچراغ من در شب
ماهست وآتش من در زمستان روشنی آفتابست و
میوه وریحان من سبزیهای زمین است که جانوران
میخورند شب میکنم وهیچ ندارم وصبح میکنم وهیچ ندارم
ودر روی زمین کسی از من توانگری پیش ندارد ای
بسر مسعود تمام این انبیا بخشم اند ازانچه خدای تعالی
بخشم است وصغیر میدانند آنچه نزد خدا صغیرانست وحق

تعالی

تعالی درکتاب خود مدح ایشان فرموده وازعذاب
ترسانیده ای بسر مسعود آتش جهت انکس است که حرام
خورد وبهشت جهة انکس است که ازحلال نیز بگذرد ای
بسر مسعود خواهند آمد بعد ازین جماعتی که طعامهای
خوب خورند وبر چهارپایان خوب سوار شوند و
بزینتهای زنانه خود را آرایند وبزینه زنان بیرون
آیند وبطور ملکان وجباران این جماعت منافقان
این امت اند در آخر الزمان شراب خورند وقمار بازند
وبشهوت مشغول باشند وترک نماز بجماعت کنند
عداوت بسیار ورزند مثل این جماعت مثل گیاه دفلی
است که شکوفه آن نکوست وطعمش تلخ علمهای ایشان
دردهاست که دوا ندارد ای بسر مسعود سخن در زبان
ایشانست وشرف ایشان دراهم ودینارست وهمتهای
ایشان شکم ایشانست این جماعت بدترین مردم اند

فتنه از ایشان برخیزد و بایشان باز گردد ای بسر مسعود
اسلام چون پیدا شد غریب بود و زود باشد که باز
گردد غریب و مرحبا کسانی را که غریب اند از فرزندان
شما کسی که بیاید بدین زمان از اسلام نکند و مشایعت نکند
جنازهٔ ایشان پرسش نکند خستگان ایشانرا بدرستی
که ایشان اظهار طریقهٔ شما میکنند و افعال ایشان
بخلاف شماست و می میرند بر غیر ملت شما ایشان نیستند
از من و من نیستم از ایشان پس باید که نترسد کسی از
غیر خدا ای بسر مسعود بر ایشان باد لعنت من و تمام
رسولان و ملایکهٔ مقربان و بر ایشان باد غضب خدا
و سختی حساب در دنیا و آخرت ای بسر مسعود خواهی
دید زمانی که صبر کردن بر دین همچون برداشتن آتش
باشد بکف دست ای بسر مسعود علمای ایشان و
فقهای ایشان خائن اند و بدکردار و بدترین خلق

خدااند

خدااند میگویند که بر دین من اند و بر سنت و شریعت
و طریقت من لیکن من از ایشان بیزارم و ایشان از
من بری ای بسر مسعود با ایشان منشین و خرید
و فروخت مکن و آب بایشان مده سوگند بخدا که
مرا بحق فرستاده که خدای ایشانرا به میمون و خوک
گرداند و در زمین فرو برد ای بسر مسعود کسی که علم
بیاموزد جهة دنیا و غالب شود برو دوستی دنیا
و زینت آن مستحق عذاب خدا شود و در درک اسفل
با یهودان و نصرانیان در رود ای بسر مسعود هر کس
که قرآن جهت دنیا بخواند و عمل بآن نکند بهشت برو
حرام گردد ای بسر مسعود کسی که بیاموزد علمی و بآن
عمل نکند در روز قیامت کور باشد و کسی که علم بیاموزد
بریا و جهة دنیا الله تعالی برکت از و بردارد و معاش
برو تنگ گردد و خدا او را بخود باز گذارد پس هلاک

شود ای پسر مسعود باید که همنشینان و برادران تو
متقیان باشند و زاهدان ای پسر مسعود این جماعت
منکر را نیکو میدانند و نیکو را منکر میدانند پس حق
نمی پسندد ای پسر مسعود بر تو باد که از خدا بترسی و وا
جبات را بجای آوری ای پسر مسعود بپرهیز از آنکه ترک
طاعت کند و قصد معصیت ای پسر مسعود پرهیز
کاری کن از دنیا و لذتها و شهوتها و زینتهای آن
و خوردن حرام و طلا و نقره و مرکوبها و زنان و خروا[رهای]
طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر و زراعت بدرستی که
اینها متاع دنیاست و نزد الله تعالی ثواب و بازگشت
نیکوتر از نیست ای پسر مسعود چون قرآن خوانی و بآیتی
رسی که دران امر و نهی باشد مکرر بخوان و ملاحظهٔ معنی
آن بکن و از ان پند و اعتبار بگیر و غافل مشو از ان
ای پسر مسعود بخدا سوگند که مرا بحق بخلق فرستاده که

زمانی در اید بر مردم که شراب حلال کند بر مردم و نام او
نبید نهند لعنت خدا و ملایکه و جمیع خلایق بر ایشان
باد ایشان از من دورند و من از ایشان بری و بیزار
ای پسر مسعود زنا با مادر خود سهلتر است نزد حق تعالی
از خوردن ربوا اگرچه بمقدار دانهٔ خردل باشد و
خوردن مست کننده خواه اندک و خواه بسیار سخترست
از خوردن ربوا زیرا که مست کننده کلید همه شرهاست
ای پسر مسعود بپرهیز از مستی گناه بدرستی که گناه را مستی
هست مانند مستی شراب بلکه بیشتر از ان ای پسر مسعود
دنیا ملعونست و ملعونست آنچه در دنیاست و هر کس
که آن میخواهد و دوست میدارد ملعونست ای پسر مسعود
چون کاری کنی از برای خدا کن نه جهت غرض دیگر زیرا
که حق سبحانه و تعالی قبول نمی کند از بندگان الا آنچه
خالصا لوجه الله باشد ای پسر مسعود بگذار نعمت دنیا

وشیرینی آن و لازم ساز بر نفس خود صبر زیرا که حق
سبحانه و تعالی در آخرت از ینها همه سوال خواهد کرد ای
بسر مسعود کاری نیک که کنی و قصد تو از ان چیزی باشد
غیر خدا امید مدار بدان کار ثواب آخرت ای بسر مسعود
زمانی که مردمان مدح تو کنند و گویند تو روز روزه
میداری و شب بیداری و نماز میگذاری و تو چنان
نباشی بدان خرم مشو ای بسر مسعود کار نیک بسیار
بکن بدرستی که در روز قیامت نیکوکار و بدکار
هر دو بشیمانند نیکوکار گوید ای کاشکی بیشتر می کردم
نیکوکاری و بدکار گوید ای کاشکی نمیکردم آن بدی
ای بسر مسعود یاد کن قرنهای بیشین و ملوک و حکام
جبار که بیشتر بوده اند و رفته اند چون عاد و ثمود و
فرعون و از حال ایشان اعتبار گیر ای بسر مسعود
تقوی حق التزام کن در ظاهر و بنهان و در بر و بحر و در

شب

شب و روز زیرا که خدا با شماست هرجا که هستید ای بسر
مسعود خیانت مکن با هیچکس در مالی که نزد تو بنهد
یا امانتی که ترا بران امین داند چه حق تعالی میفرماید
یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها یعنی خدای تعالی
امر میکند شما را که برسانید مر امانتی بصاحب آن ای بسر
مسعود سوگند بانکه مرا بحق فرستاده که هرکس که از دنیا
بگذرد و بگذارد و روی بتجارت آخرت کند حق تعالی
خیر بسیار باو دهد و نفع بی شمار کرامت فرماید بس ابن
مسعود گفت بدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله
چونست تجارت آخرت فرمود زبان تو ربح و سود
می کند که ذکر کند خدا را بانکه سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر بس بدرستی که این تجارت سود کننده
است ای بسر مسعود هر چیز که چشمان تو به بیند و دل تو
آنرا بسند کند آنرا از برای خدا صرف کن که تجارت

آخرتست چه حق سبحانه وتعالی می فرماید ماعندکم ینفد
وماعندالله باق یعنی آنچه نزد شماست فانی و نیست
می شود وآنچه نزد خدای تعالی باقیست ای بسر مسعود
چون بگویی لااله الاالله وندانی حق آن باز کرداند
آنرا بسوی تو ای بسر مسعود دوست دار صالحان را بس
بدرستی که هرکس با آنچه دوست دارد محشور می شود
بس اگر تو توانی نداشته باشی بر اعمال نیکو دوست دار
علما را ای بسر مسعود برهیزکاری کن از شرک بخدا واگر
چه ترا باره بُبرند یا اعضای تو جدا کنند یا ترا بحلق آویزند
یا بآتش سوزند ای بسر مسعود صبر کن در صحبت کسانی
که ذکر خدا وتسبیح وتهلیل وتحمید می کنند وعمل میکنند
بطاعت او ودر صبح وشام خدا را می خوانند ای بسر مسعود
هیچ چیز اختیار مکن ومگزین بذکر حق سبحانه وتعالی چه می
فرماید ولذکر الله اکبر یعنی ذکر خدا بزرگترست از همه

اشیا ای بسر مسعود بر شما باد که التزام کنید سکینه و
آرام ووقار بس باش تو سهل ونرم سخن وبرهیزکار
ومسلمان ومتقی ونیکوکار وطاهر وباکیزه وصادق
وخالص وسلیم وصحیح وعاقل وصالح وصبار وشاکر
ومؤمن ومتورع وزاهد ورحیم ودانا زیرا که هرکس
که بدین صفات موصوفست مستحق بهشت است و
میراث اوست چنانچه حق سبحانه وتعالی میفرماید
والذین هم علی صلوتهم یحافظون اولئک هم الوارثون
الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون ای بسر
مسعود شفقت مکن بر اهل وفرزند خود به حیثیتی که
داخل شوی در معصیتها وحرام ودر قیامت شرمنده
باشی وباید که یاد حق کنی وبعمل صالح مشغول شوی
که عمل نیکو بسندیده خداست ای بسر مسعود مباش از
قبیل آنکسی که راه نماید مردمان را بکار نیک وامر کند

ایشانرا به نیکی وحال انکه خود غافل باشد از نیکی کردن
ای بسر مسعود نکاه دار زبان خود را از بد کفتن تا شرمنده
در آخرت نشوی ای بسر مسعود افشای سر مکن که افشای
آن ترا فایده نمید هد در آخرت ای بسر مسعود بترس از
روزی که براکنده شود دران روز نامها وظاهر شود
بدیها ای بسر مسعود بترس از خدا در حال غیبت ونادیدن
او چنان بترس که کویا تو او را می بینی که اکر تو او را نمی
بینی بس بدرستی که او ترا می بیند ای بسر مسعود انصاف
بده مردمانرا از نفس خود ونصیحت کن ایشانرا ورحم کن
برایشان بس اکر تو همچنین باشی وخدای تعالی غضب
کرده باشد براهل شهری که تو دران شهر باشی وخواهد
که برایشان عذاب فرستد نظر کند بسوی تو وبسبب
تو رحمت کند برایشان وعذاب نفرستد ای بسر مسعود
حذر کن از انکه خود را ظاهر کردانی درمیان مردمان

بتواضع وفروتنی وحال انکه درخلوت که تو باشی و
خدای تو اصرار کنی ومبالغه نمایی بمعصیتها وکناهها
وخدای تعالی عالمست براینها ومخفی تر ازینها ای بسر
مسعود مباش تو مثل کسانی که سخت نماید خیرها بر
مردمان وآسان کنند برخود ای بسر مسعود اکر عمل و
کاری کنی آنرا از روی عقل کن وعلم ای بسر مسعود
حذر کن از کار بی اندیشه ودانش ای بسر مسعود راست
کو باش وبیرون میاور مطلق از دهان خود زبانرا بدروغ
وانصاف ده مردمانرا از نفس خود ونیکویی با ایشان
ودعوت کن مردمانرا به نیکی کردن ونیکی کن با خویشان
ومکر وحیله مکن با مردم ووفا کن بعهد خود وبیمانی که
کرده باشی **فصل پنجم** در وصیت حضرت رسالت صلعم
بابی ذر غفاری رحمة الله علیه مرویست که ابی ذر کفت که
رفتم در اول روز بخدمت حضرت رسالت بناه صلعم

وایشان در مسجد بودند و در مسجد کسی نبود غیر آنحضرت
وحضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلم که بر یک طرف
وی نشسته بود پس غنیمت دانستم خلوت مسجد را گفتم که
یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد وصیت کن مرا
وصیتی که نفع دهد خدای تعالی مرا بآن پس حضرت قبول
فرمودند و گفتند ای ابا ذر بتحقیق که از ما یی واهلبیت مایی
وصیت میکنم ترا وصیتی چند نگاه دار آنرا که ترا سود دهد
در دنیا و آخرت ای ابا ذر عبادت و بندگی کن خدای
تعالی را آنچنان که گویا تو او را می بینی واگر تو او را نمی
بینی بتحقیق که او ترا می بیند و بدان ای ابا ذر که اول بندگی
کردن خدای تعالی را دانستن است و دانستن او آنست
که خدای تعالی اولست پیش از هر چیزی و پیش ازو هیچ چیز
نبوده والله تعالی یکیست که او را دوم نیست و باقیست
که او را آخر و نهایت نیست آفریننده زمین و آسمانست

وآنچه

وآنچه در ایشان و میان ایشانست و خدای تعالی لطف
کننده بر خلق و آگاهست بر جمیع چیزها و قدرت دارد
بر هر چیزی که هست بعد از ان ایمان آوردن بمن یعنی
اعتقاد کردن بجمیع آنچه من بدان آمده ام واقرار کردن
بانکه خدای تعالی مرا فرستاده است بر جمیع مردمان
از جهت بشارت رسانیدن بایشان و ترس دادن
ایشانرا بعذابها و بدیها و طلب کردن ایشانرا بخدای
باذن او و من چراغی ام نور دهنده بعد از ان دوستی
اهلبیت من که خدای تعالی دور کرده از ایشان چرکینی را
و پاک کرده ایشانرا آنچنان پاک کردنی که می باید و بدان
ای ابا ذر بتحقیق که الله تعالی گردانیده اهلبیت مرا در امة
مثل کشتی نوح که هر کس که سوار شد بران نجات یافت
از طوفان و غرق و هلاک و هر کس که اعراض کرد از ان
غرق گشت و هلاک شد و مثل محبت اهلبیت من مثل خانهٔ

خطوست که در بنی اسرائیل بود هر کس که داخل شد در ان
ایمن شد از بلاها و عذابها ای اباذر نگاه دار آنچه وصیت
میکنم بتو تا سعادتمند شوی در دنیا و آخرت ای اباذر
دو نعمت که مغبون باشند اکثر مردمان دران یکی تن
درستی و دیگر فراغت ای اباذر غنیمت دان پنج چیز را
پیش از پنج چیز جوانی پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری
و مالداری را پیش از بی چیزی و فراغت را پیش از
گرفتاری بچیزی و زندگی پیش از مردن ای اباذر حذر کن
از تقصیر در کارها امروز بفردا میفکن طاعت و احسان کار
که امروز می باید کردن بفردا موقوف مساز زیرا که فردا
اگر باشی طاعت و عبادت و احسان (امروز) که باید کردن بکنی
مثل روز گذشته و اگر نباشی ندامت نکشی در روز قیامت چنین
از چیزی که کرده در روز گذشته ای اباذر بسیار کسانند
که روز حاضر را غنیمت نمیدانند و استکمال نمی کنند و انتظار

فردا می کشند و بفردا نمیرسند ای اباذر اگر تو نظر کنی باجل
و مسافران مرآینه ترک کنی امید و غرور را ای اباذر باش
تو در دنیا مثل غریبی یا راه گذری و بشمار خود را از اهل
گورستان ای اباذر اگر صباح باشی مگو با خود که در شب
این کار و آن کار کنم و اگر در شب باشی مگو که در صباح
چنان و چنین کنم و فرا گیر در حالت صحت آنچه مقتضی صحت
است از اعمال صالحه پیش از انکه بیمار شوی و اخذ کن
در زمان حیوة از افعال پسندیده پیش از موت زیرا
که معلوم نیست فردا که حال تو چیست و بچه نام میخوانند
ترا سعید میخوانند یا شقی ای اباذر اگر دریابد ترا کشتی گیری
پیش از افتادن فال بد مگیر و در دل خود میاور که من می
افتم و مغلوب میشوم ای اباذر تو قدرت نداری که
مراجعت کنی بدنیا بعد از مردن پس باید که اعمال نیک
پیش از مردن بجای آوری و فایده نمیدهد ترا کسی که

اموال واسباب خود جهة وی گذاشته باشی و عذر تو
نمی خواهد کسی که جمع کرده بهر او چیزی که مشغول گشته
بآن ای اباذر بعمر خود حریص تر مباش که از خود بر طلا
ونقره بدرستی که بدترین خلق بحسب منزلت نزد الله تعالی
در روز قیامت عالمیست که منتفع نشود بعلم خود هر کس
که طلب علم کند بواسطهٔ آنکه مردمان روی باو کنند و
او را بزرگ خود دانند نمی یابد او بوی بهشت ای اباذر
کسی که طلب علم کند که مردمانرا بفریباند بسبب آن علم
نمی یابد او بوی جنت ای اباذر اگر کسی از تو سوال کند
چیزی را که ندانی تو آنرا بگوی که نمیدانم تا نجات یابی
از عذاب خدای تعالی در روز قیامت ای اباذر مطلع
می شوند قومی از اهل جنت بر احوال قومی از اهل
دوزخ در آتش و حال آنکه گویند ما داخل شده ایم بجنت
بواسطهٔ امر کردن به نیکوئی و تعلیم کردن تو ما را ایشان گویند

که داخل

که ما داخل شده ایم دوزخ را بواسطهٔ آنکه امر میکردیم مردم را
بچیزهای نیک و حال آنکه بدان عمل نمی کردیم ای اباذر حقهای
خدای تعالی بزرگتر است از آنکه بندگان بشکر آن قیام
بتوانند نمود و نعمتهای خدای تعالی بیشتر از آنست که
بندگان در شمار توانند آورد ولیکن می باید که در صباح
و مسا توبه کنی ای اباذر به تحقیق که در گذشتن شب
و روز وعدهٔ عمر کم می شود و عملها را حفظ میکنند و
مرگ ناگاه می آید و هر کس که زراعت نیک می کند
نزدیکست که درو کند خیر و نیکی را و هر کس که زراعت
بد میکند نزدیکست که درو کند پشیمانی و ندامت را و
از برای هر زراعت کنندهٔ حاصل است مثل آن چیز
که زراعت کرده و هر کس که بکسی خیری رساند خدای
تعالی بدو خیر رساند و هر کس که نگاه دارد بندهٔ خدا را
از بدی خدای تعالی او را نگاه دارد از بدی ای اباذر

برهیزکاران قومی بزرگ کنند و فقیهان راه نمایند مردمانرا
بجنت و نشستن با ایشان موجب زیادتی درجه است
در دنیا و آخرت به تحقیق که مؤمن می بیند گناه خود را
مثل سنگی که گویا او در شیب سنگست و می ترسند که بر او بیفتد
و فردای روز قیامت درمیان مردم منکر باشد بسبب
گناه در دنیا ای ابوذر به تحقیق که مردم محروم می کردند از روزی
خود بسبب گناهی که میکنند ای اباذر بتحقیق منع کن
نفس خود را از چیزی که در وفایده نباشد و سخن مگو در
چیزی که بی معنیست و نگاه دار زبان خود را از بدی
همچنانکه نگاه میداری نقد و جنس خود را از تلف ای
اباذر بتحقیق که خدای تعالی داخل میگرداند قومی را در
جنت و عطا می کند بدیشان نعمتهای رنگارنگ تا آنکه
ایشان سیر میشوند و بالای ایشان قومی باشند در درجه
عالی پس هرگاه که نظر کنند بدیشان بشناسند ایشانرا
وگویند

وگویند پروردگارا ایشان برادران ما بودند و با هم
بودیم در دنیا پس بجهت چه تفضیل کردهٔ ایشانرا بر ما
پس جواب داده شوند که هیهات هیهات بتحقیق که
ایشان گرسنه می بودند در زمانی که شما سیر بودید و تشنه
می بودند در زمانی که شما سیراب بودید و بپای ایستاده
بودند در حینی که شما خفته بودید و در تشویق و مشقت
بودند در حینی که شما در راحت بودید ای اباذر گردانیده
است الله تعالی روشنی چشم مرا در نماز گزاردن و محبت
نماز در دل من نهاد همچنانکه محبت گرسنه بر طعام و
تشنه بآب لیکن گرسنه سیر می شود بطعام و تشنه بآب
و من سیر نمی شوم از نماز گزاردن سوی آنچه بر من
فرض شده هر مردی که در شبانروزی سوای فریضه
دوازده رکعت نماز سنه بگذارد هر آینه او را باشد
حقی واجب که ثابت باشد در بهشت ای اباذر مادام

که تو نماز کذاری بتحقیق که میکوبی در ملک جبار را و هر کس
که در ملک جبار بسیار کوبد مراینه کشاده شود از برای
او ای اباذر هیچ مؤمنی نیست که نماز کذارد مکر انکه نثار
کنند بر وی نیکی آن مقدار که میانهٔ عرش واوست وموکل
کرده شود برو ملکی راکه ندا میکند و میکوید ای پسر آدم
اکر تو میدانستی که چه فایدهای دنیوی واخروی از برای
تو هست و باکه مناجات میکنی التفات نمیکردی بهیچ چیز
غیر از ان ای اباذر در نیکی باد مر اصحاب علمهایی راکه
ایشان برداشته اند آن علمها در روز قیامت و در پیش
مردم میروند بجنت کفت سوال نمودم که ایشان چه
کسانند جواب دادند که ایشان آنکسانند که پیش از
مردمان در سحرها و غیر سحرها بمساجد می روند و بطاعت
مشغول میکردند ای اباذر ستون نماز نست وزبان
بزرکتر ازانست و روزه داشتن سپراست از آتش

وزبان

وزبان بزرکتر ازانست و غزا کردن با کفار شاهدست
وزبان بزرکتر ازانست یعنی هرکه زبان خودرا بذکر
خدای تعالی کویا دارد واز کفتن بازدارد و جاری
دارد به نیکی کفتن ثواب آن بزرکتراست و زیاده تر
از ثواب اینها ای اباذر مرتبه و درجه در جنت بالای
درجه و مرتبه می باشد همچنانکه در میان آسمان و زمین
درجه بالای درجه هست و به تحقیق که بندهٔ از بندکان
مراینه در آخرت چشم خود بکشاید و ظاهر و درخشان
شود از برای او نوری که نزدیک باشد که ببرد نور چشم
او را پس آن بنده مشغول شود بالکلیه با آن نور و
خود را از دیکر چیزها بازدارد بعد از ان کوید که این
چه نورست جواب داده شود او را که این نور برادر
تست واو کوید که برادر من فلانست و ما بایکدیکر عمل
میکردیم در دنیا و بی یکدیکر عمل نمی کردیم چونست که

تفضیل کرده شده است او را بر من همچنین گفته شود
او را که برادر تو فاضلتر بود از جهت عمل و او زین عمل
کمتر شود بعد از آن الله تعالی بیفکند در دل او راضی
شدن را تا او راضی شود ای ابا ذر دنیا زندان مؤمنست
و جنت کافر و صباح نمی کند کافر الا انکه خوش دل باشد
و صباح نمیکند مؤمن در دنیا مگر انکه حزین باشد و
اندوهگین و چگونه اندوهگین نباشد که خدای تعالی
وعده داده او را بداخل شدن در جهنم و همیشه مؤمن
در دنیا ملول است تا انکه که مفارقت کند از دنیا میرسد
براحت و کرامت ای ابا ذر نیست نزد خدای تعالی
چیزی بهتر از درازی حزن و اندوه ای ابا ذر کسی را که
حاصل شده باشد علمی که او را گریان نسازد مر اینه او
سزاوارست که باشد از قبیل کسی که عمل صالح نموده باشد
و انتفاع نگیرد بدان به تحقیق که خدای تعالی وصف علما

کرده

کرده بدین نوع که والذین اوتوا العلم درجات اذا
یتلی علیهم یخرون للاذقان سجدا و یقولون سبحان ربنا
ان کان وعد ربنا لمفعولا و یخرون للاذقان یبکون
و یزیدهم خشوعا ای ابا ذر کسی که استطاعت دارد که
گریه کند باید که گریه کند و کسی که استطاعت آن ندارد
که گریه کند باید که دل خود را آگاه کند و اندوهگین دارد
خبر میدهم ترا که دلی که زنگ دارد دور است از خدای تعالی
ای ابا ذر خدای تعالی میفرماید که جمع نمی کنم بر بندهٔ دو
ترس ترس دنیا و آخرت و جمع نمیکنم برای او دو امن
پس اگر کسی آمن باشد از من در دنیا می ترسانم او را در
آخرت ای ابا ذر اگر مردی را عمل باشد مثل عمل هفتاد
پیغمبر می باید که آن عمل را حقیر داند و بترسد که نجات یابد
از عذاب روز قیامت ای ابا ذر بتحقیق که عرض میکنند
بر بنده گناهان او را روز قیامت هر نوع گناهی که کرده

باشد پس او بگوید که من در دنیا ترسان بودم و بر
بندگان خدا مشفق خدای تعالی او را بیامرزد و عفو کند
ای اباذر بتحقیق که مردی که عمل نیک کند و تکیه و اعتماد بران
نماید و ارتکاب کند گناهان صغیره را که نزد خدای تعالی
آید بر و خشمگین و غضبناک باشد ای اباذر بنده هست
که گناه کند و بسبب آن گناه بهشت رود پس گفتم چگونه
می باشد ای پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله فرمود
که بنده که گناه می کند و آن گناه همیشه برابر چشم او باشد
و فراموش نکند و تایب باشد از ان و گریزان باشد
ازان گناه بسوی الله تعالی تا محلی که بهشت رود ای
اباذر زیرک کیست که نفس خود را به نیکی دارد و کاری
کند که نتیجهٔ آن بعد از موت باو رسد و مرد عاجز کیست
که نفس او تابع لذات و شهوات باشد و طلب کند از
خدای تعالی که او را بمقاصد و لذات دنیوی رساند

ای اباذر

ای اباذر اول چیزی که برداشته می شود ازین امت
تواضعست تا انکه بمرتبهٔ رسد که یافت نشود متواضعی
ای اباذر بحق انکسی که جان محمد در ید قدرت اوست
که اگر دنیا نزد خدای تعالی اعتباری میداشت هر آینه
برابر پر پشهٔ یا پر مگسی یک شربت ازان بکافری نمی
داد ای اباذر دنیا ملعونست و ملعونست کسی که در
دنیاست مگر کسی که طلب کند در دنیا [۲] و توجه او بجانب
رضای خدای تعالی
خدا باشد و نیست هیچ چیزی نزد خدای تعالی دشمن تر
و بدتر از دنیا آفرید دنیا را و نظر نکرد بدو و نظر نمی
کند بدنیا تا روز قیامت و نیست هیچ دوست تر نزد الله
تعالی از ایمان آوردن بدو و ترک کردن چیزی که امر
فرموده بترک آن ای اباذر بتحقیق که الله تعالی وحی کرد
بر برادر من عیسی علیه السلام و فرمود که ای عیسی دوست
مدار دنیا را برای انکه من دوست نمیدارم او را دوست

دار آخرت را زیرا که آخرت خانه ایست که رجوع و
باز گشت همه بدوست ای اباذر جبرئیل آمد بسوی من
با خزاین دنیا بر استری سفید و سیاه بس گفت مرا
بار کرده بود
ای محمد اینها خزاین دنیاست و نقصانی نمیرسد بتو در
در مرتبه و درجه که داری نزد الله تعالی بواسطهٔ فایدهٔ
که از خزاین بگیری بعد ازان گفتم من ای جبرئیل مرا حاجت
نیست باینها هرگاه که سیر می شوم شکر میکنم پروردگار
خود را و هرگاه که گرسنه می شوم از خدای تعالی طلب
میکنم چیزی ای اباذر اگر الله تعالی خیر بنده خواسته باشد
دانا می گرداند او را و زاهد می گرداند او را و بینا می
گرداند او را به عیبهای خود ای اباذر زاهد نمی شود در
دنیا هیچ بندهٔ مگر که ثابت می گرداند الله تعالی حکمت را
در دل او و گویا می گرداند بآن حکمت زبان او را بعیبهای دنیا
و دردهای او و بیرون می برد او را بسلامت بهشت

ای اباذر

ای اباذر اگر ببینی تو برادر خود را که او زاهد است در دنیا
بس متوجه او شو و استماع سخنان او کن زیرا که او
بتحقیق القاء حکمت میکند و افادهٔ حکمت می نماید بس
گفتم من یا رسول الله کیست زاهدتر در میان مردم
فرمود که کیست که فراموش نکند قبرها را و بوسیدن
جسدها و ترک کرده باشد زیادتی زینت دنیا را و
اختیار کرده باشد چیزی که او باقیست خود را در سلک
مردگان عد کند و نشمارد فردا را از عمر خود ای اباذر
وحی نکرده خدای تعالی بمن که جمع کنم مال را بجمال لیکن
وحی کرده مرا که تسبیح کن به ثنای پروردگار و باش
تو از سجده کنان و بندگی کن خدای تعالی را تا آنکه ترا
یقین حاصل شود یعنی مرگ یا اباذر می پوشم من لباسهای
درشت و بر زمین می نشینم بر روی خاک و می لیسم انگشتان
خود را و سوار می شوم بر حمار بی زین و کسی در قفای

خود سوار میکنم واینها سنت منست وهر کس که اعراض
کند از سنت من او از من نیست ای اباذر دوست
داشتن مال وشرف برنده ترست از دین مرد را از
دو گرگ که بروند بر گله گوسفند وکشش کنند آن دو
گرگ دران گله تا صباح پس چه میگذارند ازان گوسفندان
یعنی مطلقا چیزی نمی گذارند از گوسفندان حب مال
وشرف با دین مرد چنین میکنند که گرگان در گله گوسفند
گفت اباذر که گفتم یا رسول الله کسانی که خوف دارند از
خدا وفروتنی میکنند ومتواضع اند وذکر الله تعالی می
کنند ایشان سابقند در جنت بعد ازان حضرت رسول
صلعم فرمود که نه ولیکن سابقند در جنت فقرا مسلمان
بتحقیق که ایشان پای می نهند بر گردن مردمان وبجنت
می روند ای اباذر بتحقیق که دنیا مشغول کننده است
دلها وبدنها بچیزها که موجب لذات دنیویست وبمحرمات

می باید

می باید که هر که مسلمانست خود را نگاه دارد از محرمات
تا فردای قیامت از عهدهٔ جواب بیرون تواند آمد
ای اباذر خدای تعالی سوال خواهد کرد از ما نعمتهای
حلال پس چگونه سوال نمیکند ما را از نعمتهای حرام
ای اباذر بتحقیق که من طلب کرده ام از حضرت عزت
که بدهد رزق کسی که او مرا دوست دارد بقدر کفاف
او یعنی آن مقدار که او را بس باشد وزیاده نباشد
وطلب کرده ام من از خدا که بدهد بکسی که او مرا دشمن
دارد مال بسیار وفرزندان بسیار ای اباذر خوش باد
مر کسانی که دوری گزیده اند از دنیا ورغبت بدنیا ندارند
ورغبت دارند در آخرت یعنی از لذات دنیوی و
شهوات متنفرند وراغبند باسباب آخرت وایشان
آنکسانند که زمین زیلوی خود ساخته اند وخاک را بستر خود
ساخته وآب را پاک وحلال دانسته وکلام حق را شعار

خود ساخته و بدان عمل میکنند و دعای الله تعالی د ثار
خود ساخته یعنی همیشه طالب خدا اند و منقطع اند از دنیا
انقطاع تمام ای ابا ذر زرع آخرت نیکوست و زراعت
دنیا مال و بسر اند ای ابا ذر بتحقیق که پروردگار من خبر
داده است مرا و گفته بحق عزت و بزرگی من که نرسیده
اند عابدان بدرجه که گریه کنان بدان درجه رسیده اند
و بتحقیق که من مر آینه بنا کرده ام جهت گریه کنان در
جنت درجهٔ علیا قصری که دران قصر شریک نمی شود هیچ یکی
با ایشان بعد ازان گفت ابا ذر که گفتم یا رسول الله کدام
مؤمن داناتر و زیرکتر است فرمود که آنان که ذکر مرگ
بسیار کنند و نیکوتر از برای تهیهٔ موت اند ای ابا ذر
وقتی که داخل شود نوری در دل مؤمن فراخ می شود
دل مؤمن تا علوم و حکمت در و ظاهر شود و این چیزها
می گنجاند بعد ازان گفتم یا رسول الله چیست علامت این

بدر و مادرم

بدر و مادرم فدای تو باد گفت بازگشت بدار ابدی
و دوری گزیدن از دنیا و خود را مستعد مرگ ساختن
است پیش از آمدن مرگ ای ابا ذر بترس از خدا و منما
خود را بمردم که می ترسی از خدا تا ترا گرامی دارند و
حال آنکه دل تو با شد و فاجر ای ابا ذر البته می باید
که باشد از برای تو در هر چیزی که بفعل می آوری نیت
خوبی حتی طعام خوردن و خواب کردن ای ابا ذر
البته باید که بزرگ داری بهر حال خدا را بس بزبان
میاور همچنانکه جهال و کفار بزبان می آوردند نزدیک
دیدن و میگویند اَللّٰهُمَّ اَخزِهِ و نزدیک خوک دیدن
اللهم اخزه ای ابا ذر بتحقیق که خدای تعالی را ملایکه هستند
که ایشان ایستاده اند همیشه از ترس خدا و مستغرق
هستند و سرهای خود بالا نمی کنند تا آنزمان که نفخه در صور
دمیده شود فیه نفخهٔ آخر بعد ازان جمیع ملایکه گویند

سُبْحَانَکَ وَبِحَمْدِکَ مَا عَبَدْنَاکَ کَمَا یَنْبَغِی لَکَ اَنْ نَعْبُدَ
واکر کسی را مثل عمل هفتاد نبی باشد هر آینه آن عمل اندک
می نماید نزد او از سختی چیزی که می بینند در روز قیامت
وبتحقیق که اکر دلوی را بریزند از چرک و ریم جهنم در
موضع طلوع آفتاب هر آینه بجوش می آید از حرارت
وشدت کرمی آن خمها وظرفها که در موضع غروب
آفتابست واکر جهنم یک زبانه از آتش زند نمی ماند باقی
ملک مقرب ونبی مرسل مکر بیفتند وبنشینند بی اختیار

بر دو زانوی خود

وبکویند هر یک از یشان که رَبِّ نَفْسِی یعنی ای برورد کار
بر نفس من رحم وغفران کن وبفریاد من رس بغیر از
نفس خود بهیچ چیز بر وانکنند تا انکه ابرهیم علیه السلم فراموش
کند فرزند خود را اسحق وبکوید ای برورد کار من من
خلیل توام فراموش مکن مرا ای اباذر بتحقیق که اکر یک
زنی از زنان اهل جنت ظاهر شود از آسمان دنیا در

شبی

شبی که در غایت تاریکی باشد هر آینه روشن می شود
از نور او زمین زیاده تر از روشنی که حاصل می شود
بقمر که ماه بدر باشد ومی یابند بوی خوش او را جمیع اهل
زمین وبه تحقیق که اکر یک جامه از جامهای اهل بهشت را
کشاده وبراکنده کرده باشند یک روز در دنیا هر آینه
بیهوش شود هر کس که نظر باو کند ونتواند نکریستن در و
ای اباذر بلند مکن آواز خود را نزد جنازه ودر جنک و
نزد قرآن خواندن ای اباذر وقتی که تو تابع شوی بجنازه
باید که عقل خود را متوجه باو کردانی وتفکر بحال خود کنی
وکریه کنی بحال خود بدان تو که بتحقیق لایق می شوی باو
ای اباذر هر چیزی که آن فاسد می شود نمک آنرا باصلاح
می آورد ودوای او نمکست وهرکاه که نمک فاسد میشود
دوا ندارد یعنی علما وبزرکان بمنزلت نمکند در میان
مردم هرکه که مردم خوض نمایند در منهیات وفساد

علما بزرکان دین محمدی اصلاح ایشان میکنند و ایشانرا
براه راست می آورند و هرکاه که علما و بزرکان از اهل
اصلاح نباشند ایشانرا کس بصلاح نمی آورد و دو اندارد
و بدانکه دو عادت بدست یکی خندهٔ بی تعجب و یکی
کاهلی در طاعت بی سهو ای اباذر سخن حق کو و آن تلخست
بر مردم و سخن باطل سبک و بامزه است و بسیار شهوتی
یکساعت که موجب حزن طویلست ای اباذر کسی که
دو رکعت متعدل بکذارد که دل او متوجه بآن باشد
بهتر است از قایم داشتن شبی که دل او غافل باشد از ان
ای اباذر دانا نمی شود مرد بجمیع دانایی تا انکه بیند مردمانرا
درجنب ~~اکرچه الله تعالی بر مثال شتر عظیم و علم بدو دیده~~
باشد بعد از ان رجوع کند نفس خود و خود را اکمر ونادانتر
داند از آنها بحسب علم ای اباذر نمی رسی بحقیقت ایمان
تا انکه بدانی که مردمان همه احمق اند در کار دین و عاقل دانی

ایشانرا

ایشانرا در کار دنیا یعنی مردم در دنیا انچه مقتضای دینست
بجای نمی آورند و آنچه مقتضای دنیاست بجای می آورند
ای اباذر محاسبهٔ نفس خود کن پیش از انکه حساب کرده
شوی تو و حساب نفس تو امروز آسان ترست از
حساب کردن تو فردای قیامت و وزن کن نفس
خود را قبل از ان که وزن کرده شود نفس ترا یعنی
اعمال حسنه کن و از سیات مجتنب باش تا فردای قیامت
میزان تو ثقیل باشد و مهیا کردان خود را برای عرض
اکبر که روز قیامت است و آن روزیست که مخفی
نیست بر الله تعالی هیچ چیز ای اباذر حیا کن از خدای تعالی
بحق انکسی که نفس من در ید قدرة اوست که در وقتی
که من بقضا حاجت میروم می پیچم خود را بجامهٔ خود و حیا
میکنم از دو ملک که با منند ای اباذر آیا دوست میداری
که در جنت داخل شوی کفتم بلی یا رسول الله بفدای تو

باد بدر و مادر من گفت حضرت رسول صلعم منقطع
شو و کوتاه کن امید خود را و مرگ را همیشه برابر چشم
خود دار و حیا کن از خدا آنچه حق حیاست گفت اباذر
که گفتم یا رسول الله ما از خدا همه بحیاییم حضرت فرمود
که حیا اینچنین نیست بلکه حیا از خدا آنست که فراموش
نکنی مغزها و پوسیدن در مقبره و دیگر فراموش مکن تو
شکم خود را و چیزها که در وست و فراموش مکن سر
خود را و چیزها که در وست و کسی که خواهد کرامت آخرت
را باید که ترک کند زینت دنیا را و اگر تو همچنین باشی
می رسی با الله تعالی ای اباذر کافیست از دعا که مقارن باشد
برحمت
بانیکی آن مقدار که کافیست طعام را از نمک ای اباذر
مثل کسی که طلب کند خیری بی عمل مثل کیست که تیر خواهد
انداز داز کمان بی زه ای اباذر بتحقیق که الله تعالی بصلاح
می آورد بسبب صلاح بنده پسر او و پسر پسر او را و نگاه

میدارد

میدارد او را در دویره او و دویره عبارتست از گردا
گرد او مادام که او در آنجا باشد ای اباذر بتحقیق که پروردگار
تو مباهات میکند با ملایکه خود بسه نفر اول مردی که در
محل تنها واقع شود و هیچکس انجا نباشد اذان بگوید
و قامت کند و نماز بگذارد و میگوید پروردگار تو
از برای تو بملایکه که نظر کنید ای ملایکه بر بنده من که نماز
می گذارد و نمی بیند کسی او را بغیر از من بعد از ان نازل
می شوند از آسمان هفتاد هزار ملک و نماز میکنند در
پس او و طلب آمرزش میکنند از برای او و از خدا از امروز
تا فردا دوم مردی که در شب بنماز کردن قایم شود و
سجده کند و در سجده خواب برد او را بعد از ان میفرماید
الله تعالی ملایکه خود را که نظر کنید بر بنده من که روح
او نزد منست و بدن او بسجده است سوم مردی که
در غزا باشد و فرار نمایند مصاحبان او و او بایستند

وجنگ کند تا انکه کشته شود ای ابا ذر نیست از مردی
که بنهد پیشانی خود را در بقعهٔ از بقعهای زمین مگر که شهادة
کند از برای او در قیامت با نکه او سجده کرده و نماز گذارد
و نیست از منزلی که نازل فرود آید دران منزل قومی مگر
که آن منزل دعا می کند از برای آن قوم یا لعنت میکند
آن قوم را ای ابا ذر هیچ صباح و شامی نیست که بقعهای
زمین منادی میکنند بعضی بعضی را که ای همسایهٔ من آیا
گذار کرده است بر تو کسی که ذکر الله تعالی کند یا بندهٔ
که نهاده باشد پیشانی خود را بر تو از برای سجدهٔ الله
تعالی پس بعضی ازان بقعها گویند نه و بعضی گویند
بلی شادان شود و نشاطی درو پیدا شود و منشرح گردد
و داند که برای اوست زیادتی بر همسایه اش ای ابا ذر
بتحقیق که الله تعالی چون که آفرید زمین را و آفرید چیزی
که دران زمین است از درخت و نیست در زمین درختی که

بنی آدم

بنی آدم آید نزد آن درخت مگر برسند ایشان بآن درخت
بمنفعتی و همیشه ارض و درخت همچنین می باشد تا انکه
گویند فجره و بدان بنی آدم باین کلمهٔ عظیم که اتخذ الله ولدا
یعنی الله تعالی را پسر هست چون که بنی آدم باین کلمه
تکلم نماید لرزه بر زمین پیدا شود و بلرزد و برود منفعت
درختان ای ابا ذر بتحقیق که زمین گریه می کند بر مردی مومن
که بمیرد چهل صباح ای ابا ذر اگر بنده در جایی تنها باشد
و هیچکس نزد او نباشد وضو سازد و یا تیمم کند بعد ازان
بانگ گوید و قامت کند و نماز بگذارد امر کند الله تعالی
ملایکهٔ خود را تا صف بندند در پس او بحیثیتی که دیده نشود
دو طرف آن صف را آن ملایکه رکوع بر کوع آن مرد کنند
و سجده کنند بسجدهٔ آن مرد و آمین گویند بر دعا که او
می کند ای ابا ذر کسی که قامت بکند و بانگ نماز زند بد نماز [illegible]
گذارد با او مگر دو ملک [illegible] با او می باشند ای ابا ذر [illegible]

ازکسی که جوان باشد وترک کرده باشد ازبرای رضای
خدا دنیا را ولذت دنیا را وبرگردانیده باشد جوانی
خودرا درطاعت وعبادت الله تعالی مگر که بدهد خدای
تعالی باو ثواب هفتاد ودو صدیق ودوستانرا ای
اباذر کسی که ذکر الله تعالی کند درمیان غافلان مثل کسی
است که مقاتله کند درمیان گریختها ای اباذر همنشین صالح
بهتراست ازتنهایی وتنهایی بهتراست ازهمنشین بد و
گفتن خیر ونیکی بهتراست ازسکوت کردن وسکوت
بهتراست ازبدگفتن ای اباذر مصاحب مشو مگر بامؤمن
ومده طعام خودرا مگر بکسی که متقی باشد ومخور طعام
فاسقانرا ای اباذر طعام بده بکسی که تو او را دوست
داری خاص ازبرای خدای تعالی وبخور طعام کسی
که ترا دوست دارد خاصه ازبرای خدای تعالی ای اباذر
بتحقیق که الله تعالی حاضراست نزد هرگوینده پس باید که

بترسد ازخدای تعالی وحذر کند ازبدگفتن وداند که چه
میگوید خیر بگوید وبد نگوید زیرا که میداند حضرت عزت
هرچیزی که او می گوید ای اباذر ترک کن زیادتی کلام را
وسخن زیاده گفتن را وبست ترا ازگفتن آن مقدار
که حاجت تو باشد ای اباذر کافیست مردرا در دروغ
گوئی گفتن هران چیزی که نشنوده باشد ای اباذر هیچ
چیز نیست لایق تر بانکه بسیار در زندان باشد اززبان
ای اباذر بتحقیق که بعضی ازتعظیم وبزرگ داشتن خدای
تعالی گرامی داشتن سفید ریش مسلم است وگرامی
داشتن حافظ قرآن که عمل بآن کند وگرامی داشتن
بادشاه عادل ای اباذر نیست عمل نیک را فایده مجو
ازکسی که نگاه ندارد زبان خودرا ازبدگفتن ای اباذر
مباش تو عیب کنندهٔ مردم وبدخوی ومدح گوینده
وبرخوار ونزاع کننده ای اباذر همیشه بنده را زیاده

می شود دوری از الله تعالی و دوری آنست که مردم
در بس او روند و او نخواهد که مردم در بس او روند ای
ابا ذر یک کلمهٔ خوب صدقه است و هر خطوهٔ قدم جهة
شهادت و حضور نماز صدقه است ای اباذر کسی که
قبول کند اذان را یعنی که جون آواز بانگ نماز بشنود
بنماز برود و نیکو سازد عمارت مساجد باشد ثواب او
از الله تعالی جنت گفتم من که بدر و مادر من فدای تو
باد جگونه عمارت کرده شود مساجد خدایرا فرمود که
آواز خود را در مساجد بلند مکن و خوض مکن در مساجد
بجز های باطل و خرید و فروخت در مساجد مکن و ترک
کن سخن بی معنی و بی فایدهٔ دنیوی در مساجد ما دام
که در انجایی بس اگر جنین نکنی ملامت نمیکنی در قیامت
مگر خود را ای اباذر بتحقیق که الله تعالی عطا می کند ترا مادام
که تو در مسجد نشسته بهر نفسی که میزنی در مسجد درجهٔ در بهشت

ودعا و استغفار می کند ملایکه و کتابت میکند بهر نفسی
که در مسجد میزنی ده نیکی ازبرای تو و نیست میشود از تو
ده بدی ای اباذر آیا تو میدانی که در حق که این آیة آمده است
که اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون
گفتم نه بدر و مادر من فدای تو باد گفت در حق آن کسیست
که انتظار نماز کشد در بس هر نماز دیگرای اباذر اتمام
وضو در مکروهات و در محلهای مضیق از کفاراتست
و بسیار در مسجدهای مختلف رفتن بجهة طاعت رباطت
یعنی حفظ مردرا از ترک طاعت ای اباذر می گوید حضرت
عزت که بتحقیق دوسترین مردمان بمن انکسانند که بایکدیگر
محبت و مودت ورزند خاص ازبرای عظمت و جلال
من دیگر انکه متعلق باشد دلهای ایشان بمساجد و استغفار
کنند در سحرها اینها آنجنان کسانند که وقتی که خواهم من
عقوبت و عذاب فرستم باهل جایی یاد کنم ایشان را

وبکردانم عقوبت وعذاب از اهل آن محل بواسطهٔ ایشان
ای اباذر در نشستن در مسجد لغو وبی فایده است مکر جهة
جند چیز اول قرآن خواندن ونماز کزاردن دوم ذکر
کردن ازبرای خدای تعالی سوم سؤال کردن از علمی
ای اباذر باش تو در عمل کردن بتقوی باتمام تر از دیکران
زیرا که کم نیست عمل بتقوی وجکونه کم باشد عمل مقارن
بتقوی بانکه قبول کرده اند بقوله انما یتقبل الله من
المتقین ای اباذر نمی باشد مردی از متقیان بانکه حساب
کند خود را سختر از محاسبهٔ شریک شریک خود را وبداند که
از کجاست طعام او واز کجاست آب او واز کجاست پوشش
او یا از حلالست یا از حرام ای اباذر کسی که باک ندارد که از
جه ممر کسب میکند مال را باک ندارد که الله تعالی او را از
جه محل داخل کرداند در آتش دوزخ ای اباذر کسی که شاد
کردد بانکه نزد الله تعالی کرامی ترین مردم باشد باید که متقی

باشد ای اباذر بتحقیق که محبوب ترین شما نزد الله تعالی
آنست که بسیار تر باشد ذکر او ازبرای خدای تعالی و
کرامی ترین شما نزد الله تعالی متقی ترین شماست ازبرای
خدا وبسیار نجات یابنده تر شما از عذاب خدای تعالی
آنست که خوف وترس خدای در دل او بسیار باشد
ای اباذر بتحقیق که متقیان کسانی اند که ازبرای خدا بپرهیزند
از چیزی آنچنان چیزی که از و پرهیز نباید کرد از جهة ترس
داخل شدن در شبهه ای اباذر کسی اطاعت کند خدا برا
پس بتحقیق که ذکر الله تعالی کند اکرچه کم باشد نماز او و
روزهٔ او وخواندن قرآن او ای اباذر اصل دین ورعست
وتقوی وسر آن طاعت [ذکر] لله تعالی ای اباذر باش تو
پرهیزکار وعابد ترین مردم وبهترین چیزی در دین شما
تقویست وزیادتی عبادت ای اباذر بدان تو بتحقیق که
اکر شما نماز کنید بآن مقدار که دوتا شوید وخم کردید

و روزه داریدآن مقدار که شوید مثل تارها نفع نمیدهد
شما را ازین نماز و روزه مگر که مقارن باشد با ورع و
تقوی ای اباذر بدان بتحقیق که اهل تقوی و زهد در دنیا
اولیاء خدااند حقا ای اباذر کسی که نیاید در روز قیامت
با سه چیز او زیان کار است گفتم من آن سه چیز چیست فدای
تو باد پدر و مادر من گفت تقوی که منع کند او را از چیزی
که حرام کرده است خدای تعالی آن چیز را بر و حلمی که رد
کرده با و جهل سفیه را و عادتی که بسبب آن عادت نرمی
کند با مردم ای اباذر وقتی شاد کرداند خدای ترا که باشی
قوی ترین مردم بسبب توکل بخدای تعالی و وقتی شاد
کرداند ترا که گرامی ترین مردم باشی بتقوی پس تقوی
بخدا کن و وقتی که خواهی غنی ترین مردم باشی معتمد تر
باش بچیزی که در ید قدرت الله تعالی است از چیزی که
در دست تست ای اباذر بتحقیق که اگر جمیع مردم بگیرند

بی روی این ایت را کافیست ایشانرا و آیت اینست
ومن یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب
ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل
الله لکل شیء قدرا ای اباذر میگوید الله تعالی که بحق
عزت و عظمت من که اختیار نکند بنده آرزوی مرا
بر آرزوی خود مگر که گردانیده شود مرد و چشم خودش
را بخودش یعنی که بعقوبت خودش و گردانیده شود
مقصودهای او در آخرت نه در دنیا و ضمان میشود
آسمان و زمین رزق او را و منع کردم تنگی را ازو
و هستم من از برای او ... تجارت هر تاجری ای اباذر
بتحقیق که اگر ابن آدم گریزد از رزق خود همچنانکه می گریزد
از مرگ هر آینه می رسد بدو رزق او همچنانکه می رسد
بدو مرگ ای اباذر آیا تعلیم کنم ترا کلمه چند که نفع دهد الله
تعالی بدان کلمها گفتم بلی یا رسول الله فرمود که نگاه دار

خدا را که خدا نگاه میدارد ترا نگاه دار خدا را که یابی
او را در پیش خود تو بشناس خدا را در آسانی تا بشناسد
خدا ترا در سختی و وقتی که چیزی طلب کنی از خدا طلب کن
و در وقتی که اعانت و یاری طلب کنی تو از خدا
طلب یاری کن پس بتحقیق که جاری شده قلم در لوح
محفوظ بهر چیزی که باشد تا روز قیامت و اگر بتحقیق
جمیع خلایق جد نمایند و جهد کنند که نفع دهند ترا بچیزی
که مقدور و مقدر نشده از برای تو قدرت ندارند بران
چیز و اگر جهد کنند جمیع خلایق که مضرت رسانند ترا بچیزی
که تقدیر نکرده الله تعالی آنرا بر تو قادر نمی شوند بران
و قدرت ندارند بران چیز پس اگر توانایی و استطاعت
داری که عمل کنی از برای الله تعالی با رضا و رغبت در
یقین پس بکن آنرا و اگر استطاعت نداری صبر کن از
برای انکه در صبر بر چیزی که مکروه داری خیر بسیار ست

وبتحقیق

وبه تحقیق که نصرت با صبر ست و فرح و شادی با غم ست
و با مر دشواری آسانی هست ای اباذر غنی شو بغنا الله
تعالی که غنی میکرداند ترا الله تعالی گفتم غنا با الله تعالی
چیست یا رسول الله گفت قناعت بخورش صباح و
شب پس هر کس که قناعت کند بچیزی که رزق او الله
تعالی بآن چیز داده پس او غنی ترین مردمست ای اباذر
بتحقیق که الله تعالی می فرماید که نیستم من که کلام متکلم را
قبول کنم لیکن قبول میکنم قصد و نیت او را و آرزوی
او را پس اگر قصد او و آرزوی او در چیزی باشد که
دوست دارم و راضی باشم می گردانم خاموشی او را
ثنا از برای خود و وقار اگرچه تکلم نکند ای اباذر بتحقیق
که الله تعالی نظر نمی کند بصورت شما و اموال شما
لیکن نظر میکند در دلهای شما و عملهای شما و گفت
حضرت رسول الله صلعم که تقوی در آنجا ست و

اشارت کرد بسینهٔ مبارک خود ای اباذر چهار
چیز است که نمی رسد بآن چهار چیز مگر مؤمن یکی سخن
کم گفتن واین اول عبادتست و تواضع وفروتنی
کردن ازبرای خدا و یاد خدا کردن در همه حال و کم
چیزی یعنی کم مال بودن ای اباذر نیت وقصد کن
بکار نیک اگرچه عمل نکنی تو بآن ازبرای انکه مکتوب
نشوی از غافلان ای اباذر کسی که مالک شود ونگاه
دارد آنچه درمیان دوران اوست یعنی فرج و
آنچه درمیان لحیهٔ اوست یعنی زبان داخل میشود
در جنت ای اباذر بتحقیق که مردی که سخنی گوید در
مجلسی ازبرای انکه بخنده آورد ترا بآن سخن پس
انداخته می شود او در جهنم ازمیان آسمان وزمین
ای اباذر ویل برکسی است که سخن دروغ گوید از
برای انکه مردم بآن سخن خنده کنند بعد ازان حضرت

سه نوبت فرمود وَیْلٌ لَهُ وَیْلٌ لَهُ ای اباذر کسی که
سخن نگوید نجات می یابد از بدیها وتشویشها پس
لازم کن برخود راست گفتن ازبرای انکه بیرون
نمی رود البته کسی از گناهی که از دروغ گفتن حاصل
شود همیشه مادام که توبه نکند گفتم که یا رسول الله
چیست توبهٔ مردی که دروغ گوید بعد فرمود که استغفار
ونماز پنج وقت می شود آنرا ای اباذر حذر کن از
غیبت کردن مسلمان زیرا که غیبت سخت و بدترست
از زنا گفتم من که یا رسول الله چرا غیبت اشدست
از زنا پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله گفت
ازبرای انکه مرد زنا می کند بعد ازان توبه می کند
بخدای تعالی خدای تعالی توبهٔ او قبول می کند وگناه
اورا عفو می کند ودر غیبت کردن آمرزیده نمی شود
تا انکه ببخشد آن غیبت کرده شده اورا ای اباذر

دشنام کردن مسلم فسق است ومقاتله وجنک کردن
با مسلمانان کفراست وخوردن کوشت او از معصیتهای
خداست ونکاه داشتن مال او همچون نکاه داشتن
زن او کفتم یارسول الله چیست غیبت فرمود ذکراست
برادر ترا یعنی مرد مسلم را بچیزی که چون شنود بد آید
اورا کفتم یارسول الله اکرچه باشد در وآنچیز که ذکر کرده
شود از مکروهات کفت حضرت رسول صلعم که بدان
تو ای اباذر به تحقیق که اکر ذکر کنی او را بچیزی که در و
نیست بتحقیق که تهمت کردهٔ تو بر و واکر درست
غیبت کردهٔ ای اباذر کسی که منع کند ودفع نماید از برادر
مسلمان غیبت را واجب می شود بر الله تعالی که اورا
آزاد کند از آتش دوزخ ای اباذر کسی که غیبت کرده
شود نزد انکس برادر مسلم او را و او قادر هبا شد
بانکه نصرت دهد آن غیبت کرده شد را نصرت دهد

اورا

اورا الله تعالی در دنیا وآخرت واکر قادر باشد به
نصرت اورا واعانت نکند ونصرت ندهد او را
بس الله تعالی نصرت ندهد اورا در دنیا وآخرت
ای اباذر داخل نمی شود در جنت قتات کفتم یارسول
الله قتات چیست فرمود نمام یعنی سخن چین ای اباذر
نمام نمی آساید در آخرت از عذاب خدای تعالی ای
اباذر کسی که در دنیا دوروی ودوزبان باشد یعنی
نزد هرکس بنوعی کوید سخن که خاطرخواه او باشد
بس او دوزبان می باشد در آتش دوزخ یعنی عذاب
او سخت می باشد ای اباذر می باید که در مجلسها با امانت
باشی یعنی آنچه در مجلس واقع شود از مساوی واسرار
اظهار نکنی واظهار سر برادر مسلمان خیانتست بس
اجتناب کن ازین واجتناب کن از مجلس که در و لهو
ولعب ولذات دنیوی باشد ای اباذر عرض کرده

می شود عملهای اهل دنیا را بر الله تعالی از جمعه تا جمعه
در دو روز دوشنبه و پنجشنبه بعد از ان می آمرزد هر
بندهٔ مؤمن را مگر بندهٔ که باشد میانهٔ او و میانهٔ برادر
مسلم او عداوت بس گفته می شود که بگذارید ای ملایکه
عمل دو بنده را تا آن زمان که با یکدیگر صلح کنند ای
ابا ذر حذر کن از دور شدن بخشم از برادر مسلمان خود
زیرا که عمل نیک قبول نمی کند الله تعالی با دوری از
برادر و عدم مواصلت ای ابا ذر نهی کردم من ترا از
هجران و اگر لازم شود بر تو دور شدن از برادر
بس دور مشو تو از و مگر سه روزی کامل بس هر کس
که او بمیرد در ین سه روز مواصلت نکرده باشد
با برادر خود می باشد آتش بهتر و لایق تر باو ای ابا ذر
کسی که دوست دارد که مردم نزد او بپای ایستند
بس مهیاست نشستگاه و مقعد او از آتش دوزخ

ای ابا ذر کسی که بمیرد و در دل او بمثقال ذرّه از نخوت
و تکبر باشد نمی یابد او بوی بهشت را مگر انکه توبه کند
قبل از موت گفت یک مردی که یا رسول الله
بتحقیق که مرا بعجب و تکبر می آورد جمال و زیبایی تا غایتی
که دوست میدارم که بند نازیانهٔ من زیبا باشد و
جو بکی که برای نعلین باشد که پای بدان بند می کنند
نیکو باشد آیا این موجب ترس هست بر من حضرت
رسالت صلعم فرمود چگونه می یابی دل خود را گفت
او که می یابم دل خود را شناسای حق شاکر بدو گفت
حضرت که این کبر نیست و لیکن کبر آنست که ترک کند
حق را و از حق بغیر حق متجاوز شود و نظر کند بمردم
و نبیند هیچ یکی را که عرض او مثل عرض اوست و
خون او مثل خون اوست ای ابا ذر بیشتر کسی که داخل
شود در آتش دوزخ متکبرانند بس گفت آن مرد

آیا کسی نجات می یابد از کبر یا رسول الله گفت بلی
کسی که پشم پوشد و بر حمار سوار شود و شیر را بدوشد
و با مساکین نشیند یا اباذر کسی که برگیرد متاع خود را
بتحقیق که بری می شود از کبر یعنی چیزی که از بازار بخرد
خود برگیرد ای اباذر کسی که کشد جامهٔ خود را جهة تکبر
نظر نکند خدای تعالی بدو در روز قیامت ای اباذر
شیب جامهٔ مردی باید که نصف دو ساق او باشد
یعنی تا ساق نرسیده باشد و گناه نیست بر و اگر باشد
شیب جامهٔ او میان ساق و زانوی او ای اباذر کسی
که بالا گرداند دامن خود را و بدوزد کفش و نعلین
خود را و خاک آلوده سازد روی خود را بتحقیق که او
بریست از کبر ای اباذر اگر کسی را دو پیرهن باشد باید
که یکی را خود پوشد و یکی دیگر را در برهنهٔ خود پوشاند
ای اباذر زود باشد که مردمی پیدا شوند از امت من

زایید

زاییده شده باشند در نعیم راحت و غذا کنند به نعمتهای
خوب و قصد ایشان باشد نعمتهای گوناگون و
ممدوح شوند بگفتن مردم این جماعت از بدان
امت منند ای اباذر کسی که ترک کند پوشش زیبا را
و او قادر باشد بران از جهت اتقیا و مذلت خود
از برای خدا در غیر محل نقص و ذلیل کرداند خود را
در غیر مسکنت یعنی قادر باشد که مسکین نباشد و نفقه
کند مال که جمع کرده در غیر معصیت و رحم کند بر اهل
مذلت و مسکنت و مخالطه کند با اهل فقر و حکمت
این جماعت نیک ترین امت منند خوش باد انکه
بصلاحست خفیهای او و نیکوست آشکارهای او
و دور کند از مردم بدی خود را خوش باش انکس
که عمل کند و نفقه کند زیادتی مال خود را به مساکین
و نگهدارد زیادتی گفتن را ای اباذر بپوش لباس

درشت وجامه سفت ازبرای انکه راه نیابد در تو
فخر وتکبر ای اباذر می باشند در آخر الزمان قومی که
بوشند بشم در تابستان وزمستان ومی نمایند
خود را بمردم ومی بینند بتحقیق ازبرای ایشان زیادتی
بسبب بوشیدن بشم برغیر ایشان آن قوم را لعنت
می کنند ملایکه آسمان وزمین ای اباذر خبر دهم ترا
باهل جنت کفتم بلی یارسول الله فرمود که برهم زده
موی وکرد آلوده روی وکهنه بوش که هیچ باک
نداشته باشد از نیها ومکروه طبع او نباشد اکر او
قسم یاد کند واز خدا چیزی ومرادی که داشته باشد
طلب نماید مر اینه الله تعالی آنرا قبول نماید کفت
اباذر رحمة الله علیه که روزی رفتم بخدمت رسول
صلعم وحضرت در مسجد نشسته بود تنها وکس نزد او
نبود غنیمت دا[illegible] خلوة او را بس حضرت فرمود

که ای

که ای اباذر بتحقیق که ازبرای مسجد تحیتی ست کفتم که
تحیت چیست یارسول الله کفت دو رکعت نماز
که بکذاری بعد از ان کفتم که یارسول الله امر کردی
تو مرا بنماز بس چه چیز است نماز فرمود که نماز بهتر
چیزیست که وضع کرده شده او را بس هر کس که خواهد
بسیار نماز کند وهر که خواهد نماز کم کند بس کفتم یارسول
الله کدام عملست که دوستر میدارد آنرا الله تعالی کفت
ایمان آوردن بخدا وبعد از ان غزا کردن در راه خدا
کفتم کدام یک از اهل ایمان اکمل ایمانا است نزد خدای
فرمود که انکه نیکوتر باشد خلق وعادت او کفتم کدام
مؤمن فاضلتر است از روی ثوابست فرمود کسی که بسلامة
باشند مسلمانان از زبان او ودست او کفتم کدام
دوری فاضلتر است فرمود کسی که دور شود از بدی
کردن کفتم کدام شب فاضلتر است فرمود میان

شب تاریک گفتم کدام نماز فاضلتر است فرمود که
نمازی که دو رو دراز کنند قنوت را گفتم که کدام صدقه
فاضلتر است فرمود که فقیری که بقدر طاعت خود چیزی
بفقیری بدهد در خفیه گفتم چیست روزه فرمود که روزه
فرض است که جزا و ثواب آن مقرر است و نزد الله
تعالی ثواب آن اضعاف گفتم که کدام زکوة افضل
است گفت انکه بهای آن گرانتر باشد و نفیس تر باشد
نزد اهل زکوة و گفتم من که کدام غزا با کفار فاضلتر است
فرمود که غزای کسی که دران غزایی که کرده باشد مرکوب
او را پی کرده باشند و ریخته شده باشد خون او گفتم
که کدام آیت بزرگتر است از آیتها که حضرت فرستاده
بتو فرمود آیة الکرسی گفت اباذر که گفتم یا رسول الله
چه بوده است صحف ابرهیم علیه السلم فرمود که صحف
ابرهیم امثالست همه آنها و از جمله اینهاست که ای ملک

مسلط

مسلط آزموده شد بتحقیق که من ترا نفرستاده ام که
جمع کنی دنیا را بعضی بر بعضی لیکن من ترا بعث
کرده ام تا رد کنی تو از من دعوت مظلوم را یعنی نگذاری
که بر کسی ظلمی واقع شود که او متوجه بمن شود و دعا
کند پس بتحقیق که رد نمی کنم دعای مظلوم را اگرچه کافر
باشد یا از گناه کاری که او بدی بر نفس خود کرده
باشد و بود درین صحف امثالی چند و لازم است بر
عاقل مادام که عقلش مغلوب نباشد که از برای او
ساعات باشد ساعتی هست که مناجات کند دران
با پروردگار خود و ساعتی هست که دران ساعت
حساب نفس خود کند و ساعتی هست که دران ساعت
تفکر کند در صنع الله تعالی از نیک و بدی که از و صادر
شده باشد و ساعتی هست که مشغول شود دران
ساعت بجانب خود از طعام حلال و آب حلال و

لازم است بر عاقل که سفر نکند مگر در سه چیز یکی در
توشهٔ آخرت یعنی طلب علم و یکی در ساخت معاش
و یکی لذت گرفتن در غیر محرّم و لازمست بر عاقل که
بینا باشد بر زمان خود ضایع نکند در چیزهای بد و متوجه
باشد بحال خود و نگاه دارد زبان خود را و عاقل که
حساب کند کلام خود را و سخن گفتن خود را از عمل
خود کم می شود سخن او مگر در چیزی که فایدهٔ آخرت
باشد گفتم من که یا رسول الله چیست صحف موسی علیه
فرمود که آن همه عبرتست و صحف موسی اینست که
عجبست هر کس که یقین داشته باشد بآتش دوزخ بعد
ازان خنده کند عجبست هر کس که یقین داند مرگ را
چگونه شاد باشد عجبست هر کس که بیند دنیا را و گردش
آن در اهل دنیا از حال بعد از حال چگونه اطمینان
و سکون داشته باشد او بدنیا عجبست هر کس که یقین

واعتقاد

واعتقاد داشته باشد بحساب روز قیامت چگونه
عمل نیک نکند گفتم یا رسول الله آیا هست در دنیا چیزی
که آن چیز بوده باشد در صحف ابرهیم و موسی که الله
تعالی آنرا فرستاده باشد بتو فرمود که بخوان و قرائت
کن قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی بل تؤثرون
الحیوة الدنیا والاخرة خیر وابقی ان هذا یعنی ذکر این
چهار آیت لفی الصحف الاولی صحف ابرهیم و موسی هر آینه
در صحف ابرهیم و موسی علیه السلم بوده گفتم یا رسول الله
وصیت کن مرا فرمود که وصیت میکنم بتقوی خدای
تعالی از برای انکه تقوی سر همه کارهای تست پس گفتم
یا رسول الله زیاده کن از برای من وصیت فرمود
که لازم کن بر خود تلاوت قرآن را و یاد خدا را زیرا که
این تلاوت و ذکر مذکور می شود برای تو در آسمان
و نور میشود از برای تو در زمین گفتم یا رسول الله

زیاده کن فرمود که لازم کن برخود غزا را زیرا که عبادت
امت منست گفتم یا رسول الله زیاده کن برای من فرمود
لازم کن برخود سخن ناگفتن مگر بچیزی که نیک باشد
زیرا که گفتن سخن نیک دور میکند شیطانرا از تو و معین
تست بر امرهای دین تو گفتم یا رسول الله زیاده کن
فرمود که حذر کن از بسیاری خنده کردن زیرا که خنده
بسیاری میراند دل را و می برد نور روی را گفتم یا
رسول الله زیاده کن فرمود که نظر کن بکسی که کمتر از
تست زیرا که این الیق است بحال تو باید که عیب نکنی
نعمت را که الله تعالی بتو داده است و بهر نعمت قلیل
و کثیر شکر باید کردن گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود
صلهٔ رحم کن یعنی با خویشان نیکویی کن اگرچه ایشان
از تو منقطع شوند و دوست دار مسکینانرا و بسیار
با ایشان مجالست و همنشینی کن گفتم یا رسول الله زیاده کن

فرمود



فرمود که بگو حق اگرچه تلخست گفتم یا رسول الله زیاده
کن فرمود مترس تو در راه خدا از ملامت کردن ملامت
کننده از اعمال که تو از برای خدا کنی گفت ابا ذر که بعد
از آن دست بر سینهٔ من نهاد و گفت یا ابا ذر نیست
عقل مثل تدبیر و نیست ورع و زهدی مثل منع کردن
خود را از چیزهای بد و نیست حسبی مثل خلق نیک

فصل ششم

در اختیارات روزها منقولست از امام جعفر صادق
علیه السلم که اول روز از ماه مبارکست و صلاحیت دارد
برای ملاقات کردن با امرا و طلب کردن حاجتهای خود
و خرید و فروخت کردن و زراعت و سفر کردن روز
دوم صلاحیت دارد از برای سفر و طلب کردن حاجتها
روز سوم بدست صلاحیت ندارد از برای سفر و طلب
کردن از برای هیچ چیز روز چهارم صلاحیت دارد از
برای زن خواستن و مکروهست از برای سفر روز پنجم

بدست ونحس است روز ششم مبارکست وصلاحیت
دارد ازبرای هرچیزی که خواهد نکاح وطلب کردن
حاجات روز هفتم مبارک ومختارست صلاحیت دارد
ازبرای هرچیز که خواهد وسعی کند دران روز هشتم صلاحیت
دارد ازبرای هرحاجت بغیر از سفر بتحقیق سفر درو مکروهست
روز نهم مبارکست صلاحیت دارد ازبرای هرچیزی
که خواهد وکسی که سفر کند درین روز خدای تعالی بدهد
بدو مال و به بیند دران سفر خیر بسیار روز دهم صلاحیت
دارد برای هرحاجت غیر ملاقات باسلطان وکسی
وکسی که درین روز از سلطان گریزد گرفته شود وکسی را
که درین روز چیزی گم شود بیابد واین روز نیکست از
برای خرید وفروخت وکسی که درین روز خسته شود
خوش شود وروز یازدهم نیکست ازبرای خرید و
فروخت وجمیع حاجتها وازبرای سفر بغیر از ملاقات

باسلطان

باسلطان اگر درین روز از خانه بیرون نیاید نیکست
روز دوازدهم مبارکست پس طلب کنید درین روز
حاجتهای خود وسعی کنید در حوایج بتحقیق که حاصل
می شود روز سیزدهم نحست حذر کنید درین روز از
جمیع عملها روز چهاردهم خوبست ازبرای حاجت
خواستن وازبرای هرکار روز پانزدهم صلاحیت
دارد ازبرای هرحاجت که خواهد طلب کنید درین
روز حاجتهای خود را زیرا که حاصل می شود روز
شانزدهم بد ومذموم است ازبرای هرچیز روز هفدهم
صاف ومختار است طلب کنید درین روز هرچیز که
خواهید ونکاح کنید وخرید وفروخت وزراعت
دنیا وملاقات باسلطان ازجهة حاجتهای شما زیرا
که حاجتهای شما حاصل میشود روز هژدهم مختارست
وصلاحیت دارد ازبرای سفر وطلب کردن حاجتها

وهر کس که مخاصمت کند درین روز با دشمن خود غالب
شود و مظفر می شود بروی بقدرت خدای تعالی روز
نوزدهم اختیار کرده شده راست وصلاحیت دارد
ازبرای هر عمل و هر فرزند که درین روز متولد شود
مبارک می باشد روز بیستم نیک و مختارست ازبرای
حاجتها و سفر کردن و بنا و درخت نشاندن و ملاقات
با سلطان روز مبارکست بمشیة الله تعالی روز بیست
ویکم روز نحس مستمر است روز بیست و دوم اختیار
کرده شده راست وصلاحیت دارد ازبرای خرید
وفروخت و ملاقات با سلطان و سفر و صدقه دادن
روز بیست و سوم مختارست و نیکوست خاصه از
برای نکاح و تجارت هر تجارت که خواهد بکند و
ملاقات با سلطان روز بیست و چهارم روز نحس
مستمر است روز بیست و پنجم بد و مذمومست حذر باید

کرد

